

مجله ایران مهر

نگاهی به پوشش محلی اقوام ایرانی
طرحی نو در اندازیم



فهرست مطالب

فصلب استانی

۴



- ۵ لباس برای همه فصول؛ نقش طبیعت روی دامن و پیراهن توست
- ۶ لباس آذری؛ از بُرک تا کُویَنک
- ۸ نقش طبیعت بر لباس عشایر اردبیل
- ۱۰ لباس محلی لرستان؛ اوج زیبایی در نهایت سادگی
- ۱۱ غنای فرهنگی در لباس هرمزگان
- ۱۲ لباسهای محلی و سنتی استان بوشهر
- ۱۳ یزد و زرتشتیان محلی پوش
- ۱۴ نقش رنگ ها بر لباس اقوام گلستان

جامعه ایران

۱۶



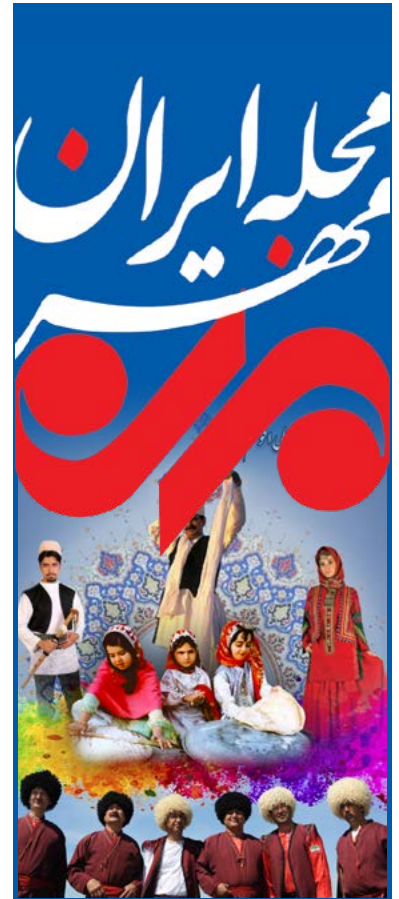
- ۱۷ آرامستانهایی که در بافت متراکم شهر زنجان عامل ناآرامی شده اند
- ۱۸ مرگ خاموش «خزر»
- ۲۰ آوای عاشقانه گوزن ها در جنگل های هیرکانی
- ۲۱ بازی دو سر باخت همخانه ها؛ نه «ازواج» نه «سفید»
- ۲۳ استان معین حوادث غرب مجتمع امداد هوایی ندارد
- ۲۴ کوچه «غربتها» چطور نجف ۲۹ شد
- ۲۶ سیل و صاعقه و طوفان در شمال ایران؛ باران به کدام استانها سرزد؟
- ۲۸ اعتیاد بر سر کودکان کار سایه افکنده است
- ۲۹ مرگ ماهیان دریاچه شورابیل در اردبیل
- ۳۰ جایی بی شباهت به «باغ» برای حیات وحش
- ۳۳ مروری بر داستان تلخ مرگ «لینا»

فرهنگ و هنر ایران

۳۳



- ۳۴ از «فلوریدا» تا «فتح المبین»
- ۳۵ کرمانی ها در انتظار افتتاح پروژه ملی
- ۳۶ تماشای چالش های پشت پرده سینما
- ۳۷ حال سینما پیروزی کرمانشاه مساعد نیست
- ۳۸ حوزه نمایش به پوست اندازی نیاز دارد
- ۳۹ تبلور فرهنگ ایرانی در لباس محلی کرمانشاه
- ۴۱ فراموشی «روز گرگان»
- ۴۲ نامه های کودکانه به امام رضا(ع)



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمدسجاد رحمانی، محمد عکاف

دبیر تحریریه: صدیقه حسینی

مدیر هنری: محبوبه عزیزی

با تشکر از: دبیران استانی خبرگزاری مهر و سرپرستان ۳۱ استان خبرگزاری مهر

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۱۹۰
پست الکترونیک: Township@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله ایران مهر ارسال کنند

فهرست مطالب

میراث ایران

۴۳



- ۴۴ آب سرد بر سر شهر چشمه های آبگرم
- ۴۵ آبراهه های باغ پاسارگاد ساماندهی می شود
- ۴۶ سپهر سپهران زیر سایه کمبود اعتبار
- ۴۷ بقعه تاریخی در کازرون آسیب دید
- ۴۸ پل خشتی «گیشه دمرده» در حال تخریب است
- ۴۹ حمام تاریخی «زیبا کنار» در حال تخریب
- ۵۰ دریاچه پررمز و راز ارواح و آشیانه عقاب ها
- ۵۱ رباط عربها درانتظار مرمت
- ۵۲ حال هنر ۷ هزار ساله خوب نیست
- ۵۴ شهر سردار ساسانی قلمرو گردشگران
- ۵۵ نفس های آخر سرو هزار ساله سیرج در سایه ویلاسازی ها

اقتصاد ایران

۵۶



- ۵۷ اختلاس؛ به جای کمک به معیشت مرزنشینان
- ۵۸ سد کرج به نام شهریار به کام پایتخت
- ۵۹ چشم نگران باغداران قزوین به همسایه
- ۶۱ خرید میوه هم به لیست نمیشودها اضافه شد
- ۶۲ یاقوت هایی که در آتش سرخ می شوند
- ۶۴ راه آهن میانه- تبریز همچنان روی خط وعده
- ۶۵ سایه سنگین بیکاری بر سر اصفهانی ها
- ۶۶ مرتفعترین فرودگاه کشور سقوط کرد
- ۶۸ صادرات فرش قم در کما قرار دارد
- ۶۹ قاچاق گیاهان دارویی کرمان به کشورهای عربی و چین
- ۷۰ گردوی کرمان زیر فشار چینپها میشکند

- ۷۱ تصویر ایران

لباس همیشه‌بهار بر تن اقوام ایران حکایت پوششی از تابستان تا زمستان است که رنگارنگی این پوشش محلی از کوچ طبیعت به تاروپودش روایت می‌کند؛ ظرفیتی که می‌توان از آن طرحی نو در انداخت. داشته‌های فرهنگ ایرانی تنها مختص به زبان، آداب و رسوم و آئین‌ها نیست، فرهنگ بومی هر منطقه دست‌هایی پر از مؤلفه‌هایی دارد که علاوه بر غنا بخشیدن به فرهنگ ملی و ایرانی، هویتی مستقل برای هر منطقه قائل است.

از زیبایی‌های فرهنگ ایران زمین سخن گفتن بدون نوشتن از لباس‌های محلی خالی از لطف است. لباس‌هایی که گویی زیبایی تام و تمام طبیعت در تاروپودشان نقش بسته است و هر کجا که پای می‌گذارند زیبایی چشم‌نوازی را به همراه می‌آورند.

لباس‌های محلی ایران





نگاهی به پوشش محلی اقوام ایران؛ لباسی برای همه فصول؛ نقش طبیعت روی دامن و پیراهن توست

لباس همیشه بهار بر تن اقوام ایران حکایت پوششی از تابستان تا زمستان است که رنگارنگی این پوشش محلی از کوچ طبیعت به تاروپودش روایت می‌کند؛ ظرفیتی که می‌توان از آن طرحی نو در انداخت.

نسیم می‌وزد از لابه‌لای صخره‌های خاکستری و با عبور از علفزارهای سبز و گل‌های زرد و قرمز و نارنجی به دامن دخترک عشایر نرماه‌ای موج می‌بخشد؛ نسیم بین چین‌های دامن می‌پیچد و گلبرگ‌های گل‌های روسری را می‌رقصاند.

رنگ و طرح روسری و پیراهن بلند، در کنار دامن چین‌دار چهره قاب گرفته طبیعت را تغییر داده است. انگار که دخترک عشایر می‌خواهد رنگ طبیعت را کامل کند؛ اصلاً طبیعت و چهارفصل خودش را به اینجا رسانده تا روی این دامن و پیراهن ماندگار شود.

حکایت لباس‌های محلی ایرانی همین است، «تاروپود و رنگ طبیعت». هر رج که بافته می‌شود در خودش احساس بهار و تابستان و پاییز و زمستان را می‌پیدا کند تا به وقت مهمانی فصول این حس ناب به کار آید.

پوشش اقوام، هویت ایرانی

داشته‌های فرهنگ ایرانی تنها مختص به زبان، آداب‌ورسوم و آئین‌ها نیست، فرهنگ بومی هر منطقه دست‌هایی پر از مؤلفه‌هایی دارد که علاوه بر غنا بخشیدن به فرهنگ ملی و ایرانی، هویتی مستقل برای هر منطقه قائل است.

از زیبایی‌های فرهنگ ایران زمین سخن گفتن بدون نوشتن از لباس‌های محلی خالی از لطف است. لباس‌هایی که گویی زیبایی تام و تمام طبیعت در تاروپودشان نقش بسته است و هر کجا که پای می‌گذارند زیبایی چشم‌نوازی را به همراه می‌آورند. گل‌های بهاری دامن طبیعت نقشی بر دامن پرمهر شیر زنان ایرانی زده و ردای مردان این دیار به رنگ آسمان و خاک دشت‌های پرصلابت این کهن بوم و بر، ردی زیبا بر چهره فرهنگ بومی این دیار کشیده است. اقوامی که در نواحی مختلف ایران ساکن هستند، به لحاظ اقلیمی و جغرافیایی تحت تأثیر آب‌وهوا و وضعیت زیستی منطقه و مهم‌تر از همه متأثر از جنبه‌های اعتقادی و دینی، پوشش خاصی برای خود دارند و گاه از طریق همین پوشش است که می‌توان مؤلفه‌های فرهنگی هر منطقه را شناخت.

همچنان راه نرفته و کار بر زمین مانده زیاد در این عرصه وجود دارد.

در برخی استان‌ها جشنواره‌های لباس‌های محلی به راه افتاده، در برخی دیگر از جمله استان لرستان فضای برخی بناهای تاریخی از جمله خانه تاریخی آخوند ابو به عرضه این لباس‌ها اختصاص داده شده است.

در اردبیل یک عکاس در حد بضاعت خود راه معرفی لباس‌های محلی عشایر این دیار را در پیش گرفته است. فرامرز جهانگیری عکاس اردبیلی با برگزاری آلبوم‌های عکاسی در شهرهای مختلف ایران به دنبال معرفی نشانه‌های غنی فرهنگی عشایر اردبیل به واسطه عنصر البسه است. وی می‌گوید که می‌خواهیم گردشگران علاوه بر اقامت و استفاده از غذاهای محلی و عکس‌های یادگاری بالباس عشایر با غنای فرهنگی منطقه آشنا شوند.

طرحی نو در اندازیم

و اما معرفی ویژگی‌های انواع لباس‌ها و پوشش اقوام ایرانی، ضمن بسترسازی برای آشنایی نسل جدید با داشته‌های فرهنگی ایران موجب می‌شود که طراحان لباس، دست‌اندرکاران و فعالان این عرصه از الگوهای با هویت و نمونه‌های اصیل مایه بگیرند و با تکیه بر غنای فرهنگی خویش، طرحی نو در اندازند.

اینجا نقش مسئولان امر در دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی دوچندان می‌شود؛ لباس‌های محلی تنها داشته‌هایی برای سپرده‌شده به حافظه تاریخی و خاطره‌های دور این دیار نیست، بلکه باید از این رهگذر برای تولید پوششی با مؤلفه‌های بومی و ملی آستین همت بالا زده شود و از این غنا و تنوع در لباس مردان و زنان ایرانی استفاده کرد تا شاید گامی در مسیر تحقق سبک زندگی ایرانی و اسلامی برداشته شود.

در این راستا طی سال‌های اخیر نمایشگاه‌هایی برای عرضه لباس و طرح‌های ایرانی - اسلامی در تهران و استان‌های مختلف دایر شده که البته به نظر می‌رسد تا تأثیرگذاری این نمایشگاه‌ها در پوشش آحاد جامعه و تغییر ذائقه مردم راه زیادی در پیش است.

مدیرکل امور استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پوشش را اصلی ملی و دینی می‌داند و می‌گوید: مهم‌ترین هدف از ایجاد نمایشگاه‌های مد و لباس ارائه الگوهای جدید ایرانی اسلامی است.

شهرزاد جدید مغالو محقق ایل شاهسون با اشاره به ویژگی‌های انحصاری لباس‌های اقوام مختلف ایرانی از جمله عشایر ایل شاهسون می‌گوید: نکته کلیدی در مورد لباس‌های محلی تهیه لباس به همت خود زنان است به طوری که در گذشته بیشترین زحمت تهیه و دوخت لباس توسط خود زنان عشایر کشیده می‌شد. وی ادامه می‌دهد: دوخت لباس به شکلی بود که زنان حجاب کامل داشته و مطابق با ارزش‌های ایل که همان رعایت حریم است، لباس ببوشند.

مغالو یادآور می‌شود: بیشتر لباس زنان عشایر از پارچه‌های رنگی و شاد است و به شکلی از نقش و طرح طبیعت در لباس‌ها بهره گرفته می‌شود.

لباس محلی؛ زیبایی خفته

پوشاک اقوام ایرانی، رنگ و بوی سنت دارد و اصالت یک ایرانی را نشان می‌دهد. هویت لباس‌های محلی به صورت جدایی‌ناپذیر با باورهای مردم گره خورده و جزئی از جاذبه‌های فرهنگی است.

پوشاک برجای مانده از اقوام، نمونه‌های ارزشمندی هستند که پیش از آن که به دست فراموشی سپرده شوند، باید بیشتر مورد توجه قرار گرفته و با به‌روزرسانی طرح و رنگ به نسل جوان معرفی شوند.

معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی با تأکید بر لزوم احیای پوشاک سنتی معتقد است ما می‌توانیم با هویت گذشته خود پیوند برقرار کنیم و هویت از دست‌رفته خود در زمینه پوشاک را بازسازی کنیم.

بهمن نامور مطلق که در «همایش پژوهشی و تخصصی نگاهی نو به تولید پوشاک بومی و محلی» در استان گلستان سخن می‌گفت، بایان اینکه تا زمانی که پوشاک ما از خودمان بود هویت و تفاوت داشتیم، می‌گوید: ما تفاوت و تمایز خود را نسبت به غرب از دست دادیم.

وی حرف‌هایش را این گونه تکمیل می‌کند: ما در پوشاک اصالت خوبی داشتیم اما این اصالت توسط پدرانمان از دست رفت و امیدواریم این اصالت از بین رفته توسط فرزندانمان به کشور بازگردد. ما باید رنگ و زیبایی را به لباس‌های جوانانمان بازگردانیم.

برای معرفی لباس‌های محلی در نقاط مختلف کشور کارهای بزرگ و کوچکی انجام شده و هر فردی به حد بضاعت در این عرصه ورود پیدا کرده است هر چند



رابطه معتقد است که باید در کنار گفتمان سازی که انجام می‌دهیم در مورد کارایی لباس‌های محلی هم بررسی انجام دهیم و قیمت و زیبایی را مدنظر قرار دهیم. نامور مطلق تأکید می‌کند که این کار از طریق توسعه دانایی محور انجام می‌شود و زمانی معنا پیدا می‌کند که فراگیر باشد.

وی در مورد قیمت بالای لباس‌های سنتی و محلی می‌گوید: چینی‌ها کاری انجام دادند که توانستند قیمت تمام‌شده را در زمینه پوشاک کاهش دهند ما هم باید سعی کنیم با بررسی‌های انجام‌شده قیمت پوشاک تولیدی را کاهش دهیم.

معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی کشور به نقش لباس در تشکیل هویت فرزندان ایران اسلامی اشاره کرده و می‌گوید: باید با کمک رسانه‌ها و گفتمان سازی به خانواده‌ها در رابطه با این نقش اطلاع‌رسانی کنیم.

نگاهی به پوشش محلی برخی استان‌ها

در بخش دوم این گزارش نگاهی به پوشش اقوام مختلف ایرانی می‌اندازیم، پوششی که با قدمت و اصالت سال‌ها بر تن ایرانیان خودنمایی کرده و می‌توان این پوشش را لباسی برای همه فصول دانست.

از پوشش خاص مردم ایبانه گرفته تا لباس‌های رنگارنگ گلستان و مازندران، دامن چین‌دار زنان ایل شاهسون و دامن پسر از گل زنان لرستانی و چهارمحالی هر کدام دنیایی از رنگ و نقش و نگار را در خود دارد.

لباس محلی در نصف جهان

در استان اصفهان در اکثر روستاها هنوز هم زنان و مردانی دیده می‌شوند که اصالت خود را از یاد نبرده و

محمد مهدی احمدی که در نمایشگاه مد و لباس استان سمنان این اظهارات را مطرح کرده، ادامه می‌دهد: تلاش بر این است تا این نمایشگاه‌ها به تقویت الگوهای ملی و ایرانی و دینی در پوشش کمک کند، چراکه مهم‌ترین هدف ارائه الگوهای جدید ایرانی اسلامی و آشناسازی نسل جوان با آداب و رسوم گذشتگان است.

وی معتقد است که انسان‌ها در استفاده از نوع پوشش تنوع طلب هستند و در طراحی مد و لباس باید به این تنوع طلبی توجه و الگوهای متناسب با هویت ملی و ایرانی و دینی ارائه شود.

مدیر کل امور استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یادآور می‌شود: این وزارتخانه اعتقاد دارد تنها وسیله‌ای که می‌تواند نسل فعلی را از بی‌هویتی نجات دهد و هویت گذشته را به نسل فعلی معرفی کند، ارتباط با آداب و رسوم، مفاخر و سبک زندگی گذشتگان است و ابتکار ارائه الگوهای مد و لباس را مطرح کرده است.

احمدی می‌گوید: این نمایشگاه‌ها بر اساس همین تأکید برپاشده است و دانشگاه‌ها و طراحان را به ارائه مدهای جدید ایرانی اسلامی تشویق کرده است و نگاه و توجه ویژه‌ای به این نمایشگاه‌ها و طراحان دارد.

راهی از نمایشگاه تا بطن جامعه

بهرغم این اظهارات به نظر می‌رسد راه تغییر سبک پوشش در جامعه ایرانی همچنان از نمایشگاه تا بطن جامعه با چالش‌های زیادی مواجه است که تمرکز متولیان امر از فعالیت‌های نمادین باید به سمت برنامه‌ریزی جدی‌تر در این عرصه کشیده شود تا بتوان موانع را از این مسیر برداشت.

معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی کشور در این

همچنان به لباسهای فاخر محلی خود می‌نازند. در این میان لباس محلی روستای تاریخی و گردشگری ایبانه که قدمتی هزار و ۵۰۰ ساله دارد معروف است، اهالی این روستا به پوشیدن لباس محلی خود بسیار پایند هستند. نکته مهم در پوشاک ایبانه، استفاده از رنگ‌های روشن و برگرفته از طبیعت رنگارنگ منطقه است. در ایبانه زنان سیاه نمی‌پوشند، حتی در مراسم عزاداری نیز با لباس‌های رنگی محلی شرکت می‌کنند.

این نکته قابل ذکر است که لباس اصیل زنان استان اصفهان در حدود ۳۰۰ سال قبل، دامن مخمل قرمز کوتاه رنگ با چین‌های زیاد که توسط دکمه بسته می‌شده و یک پیراهن گلدوزی شیری رنگ بوده است. زنان جوان یک شلوار نخی سفید رنگ و زنان مسن شلوار مشکی می‌پوشیدند و برای حجاب چارقد گلدوزی شده شیری رنگ استفاده می‌کردند که با سنجاق دور سر می‌بستند.

لباس مردان نیز از یک شلوار مشکی گشاد، پیراهن سفید یقه ساده دکمه دویل با آستین‌های گشاد، یک جلیقه کوتاه مشکی و کلاه نمادی تشکیل می‌شده است.

لباس آذری؛ از بُرک تا کُوبَنک

استان آذربایجان غربی به دلیل دربرگرفتن دو قوم بزرگ آذری و کرد و همچنین ایل‌ها و عشایر متعدد، انواع مختلفی از پوشاک دارد. در این استان لباس‌ها علاوه بر تزئینات و تکنیک دوخت‌شان، با پارچه‌های به کار رفته نیز خود را نمایان می‌سازند. فراوانی و ارزانی مواد خام در این سرزمین کهن، موجب شده است تا پارچه بافی با پشم و ابریشم توسعه فراوانی داشته باشد.

در ارومیه، پارچه‌هایی همانند ساتن، تافتا، ترمه، موسلین و مخمل، مهم‌ترین پارچه‌ها هستند. زنان این خطه بیشتر

استان	لباس زنانه	لباس مردانه	توضیحات
اصفهان - روستای ایبانه		تُمون	شلوار مردان به رنگ مشکی بوده و دارای دو پاچه گشاد است که در قسمت پایین آن بر اساس مجرد یا متاهل بودن شخص استفاده کننده، با نخ مشکی تزئیناتی دوخته می‌شود (در صورت مجرد بودن گلدوزی‌هایی به شکل لوزی و در صورت متاهل بودن به صورت خط‌هایی صاف به دور پاچه‌ها دوخته می‌شود).
		قبا	قبا یک روپوش پالتو مانند است که از پارچه‌های رنگی دوخته می‌شود و دو طرف آن دارای چاک است.
		الخالق (الخالق)	ارخالق پوششی است که بیشتر مردانی که از لحاظ اجتماعی در طبقات بالاتری قرار داشتند آن را می‌پوشیدند. دلیل استفاده از این پوشش در این است که قبا در حالت بهتری بر روی بدن قرار می‌گیرد.
		همچنین جلیقه، شال کمر و گیوه نیز از دیگر بخش‌های تشکیل‌دهنده پوشاک مردان در ایبانه است.	
	پیراهن - شلیته - بل - روسری - سر بند چادر شب - جوراب و پاپوش یا گیوه		

استان	لیباس زنانه	لیباس مردانه	توضیحات
آذربایجان غربی	بُرک		لیباس‌های زنان ترک آذربایجان با کلاه‌هایی که «بُرک» نام دارد کامل می‌شود، برک‌ها گاهی به شکل ساده بوده و گاهی هم با سکه‌ها یا پولک‌هایی خاص تزئین می‌شود. این برک‌ها جذابیت خاصی به چهره می‌دهد البته در برخی ایل‌های این استان نیز زنان کلاه دیگری بر سر می‌گذارند که به تاس کلا مشهور است و دور تا دور آن ریشه‌های رنگی دارند که کم‌تر استفاده می‌شود.
	یابلیق و چارقد		یابلیق، نوعی سربند است که اکثر اوقات وسط آن کاملاً به رنگ مشکی و حاشیه آن نیز همیشه به رنگ قرمز است که اغلب زنان مسن برای نگه داشتن چارقد آن از بالای پیشانی روی چارقد یا روسری می‌بندند. در واقع چارقد پارچه مربعی از ابریشم، نخ یا جنس دیگری است که به طور مورب تاخورده و زنان آن را برای پوشش سر می‌پوشند. سر بزرگش در پشت گردن قرار می‌گیرد و دو دنباله‌اش با یک سنجاق، زیر چانه بسته می‌شود. چارقدها در قرن نوزدهم میلادی، نسبتاً بزرگ بودند. زنان، آن‌ها را نه تنها به هنگام دید و بازدید، بلکه در خانه هم سر می‌کردند. دختران جوان از یابلیق استفاده نمی‌کنند و فقط چارقد بر سر می‌کنند. این چارقدها معمولاً طرح‌های گل دار بزرگ دارند و اکثر اوقات به رنگ روشن هستند. دختران کرد تنها از سرون (سربند) استفاده می‌کنند و چارقد در بین آنان مرسوم نیست؛ اما دختران ترک فقط از چارقد استفاده می‌کنند و یابلیق بر سر نمی‌بندند. آن چه در بین هر دو گروه ترک و کرد مشترک است، نوع پوشش بانوان مسن (و گاه میان سال) کرد است که هم از چارقد و هم از سرون (به کردی) استفاده می‌کنند، مانند بانوان ترک که هم از چارقد و هم از یابلیق (به ترکی) استفاده می‌کنند.
	کۆینک		کۆینک رویی یکی از لباس‌های شانه‌ای بوده و معمولاً از جنس ابریشم تهیه می‌شود. این لباس که روی شانه آن دوختی وجود نداشت آستین‌هایی گشاد، بدون یقه و باز دوخته می‌شد. کۆینک معمولاً به شکلی تویی پوشیده شده و در بیش تر مناطق «کۆینک» نیز نامیده شده است. به طور دقیق «کۆینک، پیراهنی با حدود ۱۵۰ سانتی متر بوده و شانه‌ها بدون درز است که با افزودن چهار فاق مثلثی در زیر بغل، گشاد می‌شود.» یک نوار مستطیلی شکل تزئینی ممکن است یقه کوچک و راست را بپوشاند. تن پوش‌های پایینی صرفاً مجموعه‌ای از دامن‌های چند طبقه هستند که حدود نود سانتی متر طول و ۹۰۰ سانتی متر محیط دارند.
	جِبکن		یکی دیگر از لباس‌هایی که در فرهنگ آذربایجان روی کۆینک بر تن می‌کنند، جبکن نام داشت. این لباس که بدن را در خود می‌پیچاند، آستر داشت و مهم‌ترین خصوصیت آن آستین‌هایش بودند. این آستین‌ها که بلند و انتهایشان اشکالی متفاوت داشت، از شانه به پایین حالتی شل داشت. این لباس معمولاً از جنس ابریشم و مخمل تهیه می‌شده است.
	آرکالیک (آرخالیخ)		یکی دیگر از لباس‌های معروف آذربایجان جنوبی «آرکالیک» است که در طرح‌ها، رنگ‌ها و مدل‌های متنوعی است. این لباس آستین‌های بلند و گشاد دارد. آرکالیک، یقه‌ای باز داشته و دو طرف بدن با دگمه‌هایی در وسط با هم گره می‌خورند. آرکالیک‌هایی که روی پارچه مخمل زرشکی سیر اشکالی از گل‌های مختلف دوخته شده بودند، بیش تر مورد توجه اهالی این منطقه است. در این لباس، آستین‌ها تا آرنج تنگ و بعد از آن با پلیسه‌هایی گشاد می‌شدند. آرکالیک تا همین گذشته نزدیک از روی کۆینک بر تن می‌شده است.
	کونیک آرخالیق گالش و چاروق یؤن بورک		تا قبل از موضوع کشف حجاب که در سال ۱۳۱۴ به وسیله رضاخان اتفاق افتاد، پوشاک مردان این ناحیه نیز همانند دیگر نقاط ایران شامل: کونیک (پیراهن) سفید آستین دار با یقه‌ای گرد یا آخوندی می‌شد. یکی از تن پوش‌های مردان همان کت‌های بلند دوره قاجار بود که در زبان ترکی محلی (آرخالیق یا یؤن‌ملی دُن) نامیده می‌شد. در گذشته کفش معمولی مردان نیز از گالش و چاروق بود که نوع دوم از پوست احشامی مانند گاو میش تهیه می‌شد. بعدها به مرور ایام کفش‌های فعلی و امروزی جایگزین آن‌ها شد. با آغاز حکومت پهلوی، به تدریج این روند برچیده شده و لباس‌های سنتی جای خود را به کت و شلوار و پیراهن‌های امروزی داد. همچنین علاوه بر سرپوش‌هایی مانند عرقچین و یؤن بورک (کلاهی از جنس الیاف پشم گوسفند) استفاده از کلاه‌های لبه دار نیز در بین مردان معمول شد.



به تهیه لباس‌هایی از جنس ابریشم، ترمه یا مخمل علاقه‌مند بوده و مردانشان اغلب از پارچه‌های پشمی لباس بر تن می‌کنند. هر دو جنس در لباس زیر بیش تر از پارچه‌های پنبه‌ای بهره می‌برند؛ اما ثروتمندان حتی در لباس زیر نیز ابریشم استفاده می‌کنند.
در این استان لباس دختران جوان از رنگ‌های زنده و شاد بوده و زیورآلاتی به آن دوخته شده است، ولی زنان سالمند در نوع پوشش خود از لباس‌هایی با رنگ‌های ملایم و تزئینات بسیار کمی بهره می‌برند.
لباس‌های کودکان از نظر فرم به انواع بزرگ‌تر شباهت داشته، تنها از نظر اندازه با آن‌ها تفاوت دارند. مخمل برش خورده، پارچه‌های زرشکی و پارچه‌های جناغی پشمی راه راه، نشانه تن پوش‌های مرغوب تر است، که همگی با نوارهای تزئینی و اغلب با توری‌های طلا و نقره در سرآستین‌ها تزئین می‌شوند.

مخمل هنوز هم برای بافت نیم تنه‌ها مورد پسند عامه است، با وجود این لورکس و سایر ابریشم‌های مصنوعی، جای پارچه‌های زربفت و ساتن را گرفته است.

استان	لیباس زنانه	لیباس مردانه	توضیحات
اردبیل - ایل شاهسون	پیراهن (کوینگ)		لیباس محلی تحت نام کلی تومان کوینگ شناخته می‌شود. تهیه لباس به همت خود زنان است بطوریکه در گذشته بیشترین زحمت تهیه و دوخت لباس توسط خود زنان عشاير کشیده می‌شد. بیشتر لباس زنان عشاير از پارچه‌های رنگی و شاد است و به شکلی از نقش و طرح طبیعت در لباس‌ها بهره گرفته می‌شود. برای تهیه کوینگ شش متر پارچه و برای تهیه تومان بین ۹ الی ۱۳ متر پارچه استفاده می‌شد و دوخت لباس به شکلی بود که زنان حجاب کامل داشته و مطابق با ارزش‌های ایل که همان رعایت عصمت است، لباس بپوشند. که برای تهیه نخ از چهره و داراغ و برای دوخت کوینگ از سوزن‌هایی با شماره و سایزهای متفاوت استفاده می‌شد و یا برای تولید آرخچن، جوراب و یل از میله‌های چوبی استفاده می‌کردند.
	تنبان یا دامن شلیته‌ای (تومان)		
	روسری (یالیقی)		
	چارقدروی یالیقی (آلین یالیقی)		
	عرقچین (آرخچن)		
	نیم تنه ساده مورد استفاده در زمستان‌ها (یل)		
	جلیقه‌ی آستین (جلقا)		
	جوراب و کفش (باشماق)		
مردان ایل شاهسون پوشاک اختصاصی ندارند و کتوشلوار و کلاه آنان معروف به «کپی» یا کلاه ترک‌داری نظیر کلاه مردان گیلانی است. کلاه مردان ایل از پوست بره تازه به دنیا آمده تهیه می‌شود و کلاه بر اساس جایگاه فرد در ایل شکل و جنس متفاوت می‌یابد.	کپی (کلاه)		
نوعی کفش با زبره چرمی و رویه پشمی است تشکیل می‌دهد	چاروق (کفش)		
مردان ایل شالی به کمر می‌بندند علاوه بر این مردان ایل پالتوهای بلندی از جنس پارچه پشمی دارند که در مهمانی‌ها نوع نازک آن و در زمستان نوع کلفت آن استفاده می‌شود و پالتو مردان به مانند کلاه متناسب با جایگاه آن‌ها در ایل است.	شال و پالتو		

نقش طبیعت بر لباس عشاير اردبیل

ایل شاهسون یکی از بزرگ‌ترین جوامع ایلی کشور محسوب می‌شود که غنای تاریخی و فرهنگی خود را همچنان حتی در پوشش زنان و مردان حفظ کرده است. لباس بانوان ایل شاهسون که نمودی از فرهنگ جاری و سنت‌ها و باورهای این ایل است از ۹ تکه مجزا تشکیل می‌شود و زنان عشاير همواره تمامی این ۹ تکه را به تن دارند.

رد بهار در لباس محلی سمنان

در استان سمنان لباس‌های محلی بسان رنگین کمانی است که با طبیعت در هم آمیخته و تپش زنان و مردان این دیار شده است. پوشاک مردم استان سمنان نمادی از سادگی دل‌های کویری‌شان است. معروف‌ترین لباس محلی دیار قومس را مردان و زنان روستاهای سمنان، مهدی‌شهر و ایل سنگسر بر تن داشتند.

مازندران؛ از شولا تا علیچه و چاروق

در مازندران استفاده از انواع پوشاک سنتی در زنان اعم از چادر، چاقچور، نیم ساق، روبند، نقاب، چارقد، شلیته و تنبان، منسوخ شده یا جای خود را به پوشش‌های منطبق با فرهنگ غیر ایرانی داده است. در این استان پوشاک مردان هم بسته به نوع کار، کشاورزی یا دامداری، در فصل‌های گرم یا سرد، دارای تنوع بوده و علاوه بر کاربردی بودن دارای طراحی و رنگبندی مختص مردان است. پوشاک زنان مازندرانی در رنگ‌های شاد و زیبای طبیعت به‌طور کامل پوشیده و جذاب است، اما باگذشت زمان و کم‌رنگ شدن تاریخ شفاهی بومیان سرزمین طبرستان، استفاده از انواع پوشاک سنتی اعم از چادر، چاقچور، نیم ساق، روبند، نقاب، چارقد، شلیته و تنبان، کم‌رنگ‌تر شده است. جامه (چمه)، شلوار (تامون)، قبا یا کولک، شولا، بوشلوق و... از لباس‌های سنتی مردمان مازندران است که در حال حاضر کمتر دیده می‌شود. پوشاک زنان مازندران شامل لچک، روسری، پیراهن، جلیقه، شلیته کوتاه، شلوار، جوراب پشمی، کفش و چادر است.

استان	لیباس زنانه	لیباس مردانه	توضیحات
سمنان - شاهرود - مهدی سر - ایل سنگسر		چوقا ردا کلاه گوشی گالش چارق	پوشاکی زیبا و نمادی از اصالت و سادگی مردمان کویرنشین که معمولاً با نخ و موی بز بافته و ساخته می‌شدند و بر تن زنان و مردان سمنان جلوه‌ای خاص داشتند.
	کژین شوی و یا سرگیرا		لیباس‌های بلند و معمولاً قرمز رنگ، سرپوش کژین اما قطعه‌ای بر لب چانه نیز به همراه دارد که مکنه گفته می‌شود و پارچه ابریشمی سه متری چارقد را بر سر محکم می‌کند همچنین طبق رسمی کهن، بانوان نوعروس جوان و خانم‌های متأهل از مکنه‌های با پارچه قرمز رنگ استفاده کرده و دختران جوان و خانم‌های مجرد از مکنه با پارچه به رنگ سفید و یا کرم‌رنگ استفاده می‌کردند.
	فراخ شوال سر پاره دار		دیگر لباس یا دامنی است معمولاً برای استفاده در مراسم عروسی و میهمانی توسط خانم‌های متأهل استفاده شده و دختران جوان از نمونه‌های گل‌دار استفاده می‌کنند. طول تقریبی پارچه مورد استفاده در اکثر این نوع دامن‌ها در حدود ۳۰ متر است که به‌صورت بسیار پرچین دوخته شده است.
	چارقد		رکن اصلی لباس زنان است که با پیراهنی به نام شوی، مزین می‌شود که با شریته و جلیقه‌های معمولاً مخملی و به رنگ تیره که با سکه تزئین می‌شود، کامل شده و نمایی زیبا را به وجود می‌آورد
	کَمِرَوَند		یکی از زیبایی‌های لباس‌های محلی این منطقه، متعلقات این لباس‌ها است که معمولاً از آن آویزان می‌شود محفظه‌هایی برای نگهداری سکه، خرمه، آب‌نبات و... که آن روزگار جزء لاینفک لباس بانوان و به‌ویژه مادر بزرگان بوده است شامل پارچه‌ای سفید برای بستن به کمر یا «شلوار»
	پاپوش		زنان سمنان پاپوش‌های زیبایی نیز دارند که کماکان در برخی مناطق به‌ویژه توسط چوپانان کوه‌های بخش شمالی این شهرستان استفاده می‌شود چیزی شبیه به گالش که با الهام از پاپوش‌های بلند خراسانی از یک کفی که این روزها از لاستیک خودرو تهیه می‌شود و یک و نیم متر پارچه معمولاً قرمز و یا قهوه‌ای ضخیم تشکیل شده و تا زانو را می‌پوشاند.

استان	لباس زنانه	لباس مردانه	توضیحات
	شلیته یا چرخی شلوار، تمبون قملی		دامن پرچین و کوتاهی است از جنس پارچه ابریشمی و کتان های ظریف یکرنگ که معمولاً دوردور لبه پایین آن را با نوار سیاه رنگی تزیین می کردند و به آن سیاهییک می گویند. در تندیس های به دست آمده از دور اشکانیان مجسمه زنی با شلیته ای بلند و پیراهنی نیمه کوتاه وجود دارد اما در حال حاضر از شلیته هنگام جشن ها و برای رقص های محلی استفاده می شود.
	تمبان تنگه تمبان یا پشمبال		نوعی شلوار با الگوی ساده به رنگ تیره معمولاً از جنس پارچه ای سنتی کرباس و یا از جنس پارچه های تهیه شده از بازار به نام دبیت حاج اکبری است، در چین کمر تمبان به جای کش، نوار بلند کتانی یا کج استفاده می شود.
		جومه یا جامه	پیراهنی است که متناسب با فصل از پارچه های کرباس چیت یا چلوار دوخته می شود. نوع مرغوب آن را از ابریشم تهیه می کنند.
		شلوار یا تمان یا پشمبال	به شلوارهای سیاه یا آبی رنگ از جنس کرباس می گویند که گاه در زمستان از جنس چوقا تهیه می شد. مدل آن بلند تا مچ پا و الگوی آن ساده بود. برای چین کش کمر به جای کش، بند کمر به کار می رفت.
		نیم تنه	تن پوشی دکمه دار و معمولاً یقه هفت از جنس پشم و به رنگ مشکی یا کیود است نیم تنه رامردان هنگام سرما بر روی جامه های خود می پوشیدند.
		چوخت، قبا یا کولک	کت پشمی ساده تیره رنگ با یقه گردان و جلو دکمه دار، که مردان در زمستان روی جامه می پوشند.
	نیم ساق، جومه، نیم تنه، کلیجه، چادر شو، چارقد، مندل، کوش، چاروق، پاتونه از جمله پوشاک، سرپوش و پای پوش بانوان مازندران است.	علیجه یا سرداری	علیجه را اعیان می پوشیدند. دامادها علیجه را به تن می کردند. علیجه معمولاً بلندتر از کت معمولی و تا نزدیک زانو بود.
		لباده	تن پوش بلندی است که معمولاً از جنس کرباس یا فاستونی تهیه می شود روی کمر لباده شالی به نام «کمر شال» از جنس پشم یا ابریشم می بستند.
		شولا	لباس پشمی بلندی برای چوپان ها در شب ها به شمار می رود. چوخابه عنوان استر درونی شولا به کار می رفت. کردک: مانند شولا مورد استفاده چوپان ها است.
		بوشلوق	تن پوشی با آستین بلند نمدی است که مورد استفاده چوپان ها قرار می گیرد.
		پستک	تن پوش نمدی و کوتاه تر از شولا و بوشلوق، شبیه جلیقه ساده و گشاد اما نمدی است.
		دستکش	بیشتر در نقاط کوهستانی مورد استفاده است جنس آن یا از پشم بره تازه متولد شده و یا از الیاف پست تر بود و به آن ها پنج انگلیسی (پنج انگشتی) و یک انگلیسی (یک انگشتی) می گفتند.
		کلاه نمدی	جنس این کلاه از پشم حلاجی شده است این کلاه پوشش مناسبی برای فصل زمستان است.
		کلاه گوشی	کلاهی است که قسمت پشت و دو گوش جلوی آن لب برگشته و همین امر علت نام گذاری آن است.
		پوستین کلاه	بیشتر مورد استفاده رمه گردانان است بهترین نوع آنار پوست بره تازه تهیه می شود و به آن کلاه پوستی نیز می گویند.
		شب کلاه	بیشتر از الیاف پشمی تهیه می شود ساده و کاسه ای شکل است و معمولاً در خانه و هنگام خواب استفاده می شود.
		کلاه سنگسری	کلاه پشمی کاسه ای شکل است که درون آن عرقچین و سطح آن دارای روزنه است.
		مندل	دستاری نخی به شکل عمامه که دنباله آن پشت گردن آویزان می شود. به شال آن «میربند» و هنگامی که بر سر می گذاشتند مندل می گفتند این کلاه در مناطق جلگه ای استفاده می شد.
		جرب	جوراب ویژه چوپان ها بود. انواع کران تری از آن نیز با عنوان های رنگ رشت و آق بانو وجود داشت. نوع دیگر آن را گردن جرب می گفتند. و بافت ساده و یکرنگ داشت.
		کوش	مردم نواحی کوهستانی گیوه به پا می کردند. گروهی نیز گیوه کرمانشاهی که از نخ ابریشمی با الیاف زیبا و کف چرم یا کائوچو بود، می پوشیدند. صندل های با کف نازک از چوب افرا یا ملیج را چو کوش می گفتند.
		شیخی کوش	کفشی از چرم و به شکل نعلین که اغلب مورد استفاده روحانیون قرار می گرفت.
		چوموشک یا چوموشک	کفشی با کفی از چرم گاو و پاشنه نعل آهنی که تا مچ پا بود و در همه فصول استفاده می شد.
		چاروق	سنتی ترین کفش این ناحیه که معمولاً با پاتونه استفاده می شود و جنس آن چرم و دارای بندهای بلند برای بستن دور پا است.

استان	لیباس زنانه	لیباس مردانه	توضیحات
چهار محال و بختیاری	لچک چارقد پاکش دستینه شلیته پیراهن		لیباس های مجلسی بانوان بختیاری بیشتر از پارچه های گیپور و سنگی است. برای دوخت لباس یک بانوی بختیاری حدود هشت متر پارچه مصرف می شود که حدود دو متر برای پیراهن و شش متر پارچه برای دامن مصرف می شود. برای دوخت لباس های ترکی این استان بیش از ۱۰ متر پارچه مصرف می شود.
		کلاه، پیراهن، شلوار دبیت، شال کمر، قبا و گیوه	لیباس محلی مردان بختیاری به نام چوقا است که از پشم بافته می شود و قیمت بالایی دارد. چوقا به عنوان شاخص ترین هنر دست زنان عشایر بختیاری است که همین ویژگی در معرفی، مردان بختیاری را با سایر اقوام متمایز می سازد.

طبیعت در لباس چهار محال و بختیاری

لیباس های محلی چهار محال و بختیاری از نظر رنگ، طراحی، دوخت و تعداد اجزا لباس شباهت های بسیاری به لباس های مناطق مختلف استان های هم جوار و نزدیک مانند استان های خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان دارد.

زندگی عشایری و زندگی در روستاها به خصوص در شهرستان لردگان، کوه رنگ و اردل موجب شده که هنوز مردمان این دیار از لباس های محلی استفاده کنند.

لیباس های بومی و منطقه ای بارزترین مظهر فرهنگی این مناطق است و با توجه به تفاوت های اقلیمی و فرهنگی شاهد رواج لباس های محلی متنوع هستیم. پوشش محلی زنان و مردان چهار محال بختیاری باهم متفاوت است.

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی چهار محال و بختیاری در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص لباس های محلی چهار محال و بختیاری می گوید: لباس های محلی مناطق بختیاری این استان از پارچه های شاد و رنگی دوخته می شود و بیشتر رنگها برگرفته از طبیعت پیرامون زندگی است.

به گفته مهرداد ریسی این هنر دستی که از نظر ظرافت بسیار نازک است، هم در فصول گرم و هم سرد به علت خاصیت هم دمایی مورد استفاده قرار می گیرد. وی یادآور می شود که لباس محلی مردان بختیاری (چوقا) به تازگی در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

لیباس محلی لرستان؛ اوج زیبایی در نهایت سادگی

زیبایی زنان لر در پوشش «سرداری» و اقتدار مردان این دیار در ردای «شال و ستره» همگی تبلوری از زیبایی های تاریخ و تمدن لرستان است.

پوشاک زنان لر بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و از طرفی شرایط سنی از ویژگی های مشخصی برخوردار است به طوری که پوشاک زنان جوان لر با پارچه های الوان در رنگها و طرح های شاد با سربندهای زیبا و رنگی است و زنان مسن تر پارچه هایی به رنگ تیره با طرح های ساده و سربندی سیاه و سفید را ترجیح می دهند.



استان	لیباس زنانه	لیباس مردانه	توضیحات
لرستان	«تره» و «گل ونی»		سرپوش ابریشمی مخصوصی است که زنان لر به سر می بندند و به لر آن ها «ساوه» می گویند. «تره» را در حالت عادی و در روزهای معمولی می بندند ولی زنان لرستانی برای شرکت در مراسم جشن و سور، نوعی از آن ها به نام «گل ونی» که رنگین است روی تره می بندند. در طرح این روسری ها که به طور معمول از جنس ابریشم هستند نقش ها و رنگهای مختلف به کار رفته که با گره خاصی به دور سر پیچیده شده و گوشه های آن هم به صورت آویزان بر پشت سر قرار می گیرد.
	کلنجه		«کلنجه» کت مخملی است که بر روی پیراهن زنان لر پوشیده می شود و یقه و لبه های دم آستین و دور شکاف آن یراق دوزی و نوار دوزی شده است. «کت» که نیم تنه را می پوشاند، نوار دوزی ندارد و با دکمه در جلو بسته می شود.
	سرداری		«سرداری» که پوششی است بلند تا به پشت پا، جلوی آن بدون دکمه است با آستین تا آرنج که اغلب از مخمل با رنگهای مشکی، سبز و قرمز تهیه می شود. دوره های آستین و دامن آن به پهنای دو تا سه انگشت یراق دوزی و نوار دوزی شده است.
	کمر چین		
	جلیقه		«جلیقه» که همیشه باز است و دکمه ندارد و در قسمت جلوی آن یراق دوزی و سکه دوزی شده است.
	شلوار		شلوار یا به زبان محلی لرستان «شاول» عبارت است از زیر جامه ای لیفته دار یا کمربند دار به مدل شلوارهای کردی از پارچه های الوان رنگی که زیر پیراهن می پوشند. شلوار زنان لر از لحاظ ترکیب و جنس پارچه دو قسمتی و دورنگی است به طوری که از دمپا تا حدود بالای زانو، پارچه ساده با نقش بندی و نوار دوزی شده و قسمت بالاتر به رنگ دیگر و گلدار است.
	شلوار		شلوار مردان لر به طرح و هیبت شلوارهای کردی است و پیراهن آنان با برش ساده و اغلب به رنگ سفید و گاه رنگی است.
	جومه یا کراس		پیراهن مردان لر که در گویش محلی به آن «جومه» یا «کراس» می گویند دارای آستین های بلند و یقه گرد بوده و از جنس کرباس و به رنگ سفید تهیه می شد.
	شال		«شال» پارچه بلند و سفیدی است به عرض ۶۰-۹۰ سانتی متر و به طول ۶-۹ متر از جنس چلوار که آن ها چند دور به کمر می پیچانند و علاوه بر آن در مواقع ضروری از آن به عنوان کفن، پیچاندن محل زخم یا طناب استفاده می کردند.
	ستره		«ستره» قبای مخصوصی است که اندازه آن تا زیر زانو بوده و بیشتر در مواقع رسمی از آن استفاده می شود و از قدیمی ترین انواع پوشاک در ایران است که در طرح های گلدار و شاد برای مراسم شادی و جشن و در طرح های ساده با رنگهای کم مایه در انجام مراسم تشریفاتی و عزا به کار می آید.
کلاه نمدی		کلاه مدور بدون لبه ای بوده که از نمد ساخته شده است	
گیوه		نوعی کفش دست ساز محلی است که کف آن چرم و یا پلاستیک ضخیم و محکمی است که رویه آن به صورت نخ تابیده بافته می شود.	
کپک یا فرجی		یک نوع قبای نمدی پشمی محکم است که معمولاً مورد استفاده چوپانان می باشد و در مواقع جنگ از آن به عنوان لباس رزم استفاده می شود زیرا ترکیب بسیار فشرده ای در ساخت آن بکار رفته است.	
غوغا		نیز نوعی بالاپوش مردانه است که بیشتر در منطقه بختیاری لرستان و چهار محال و بختیاری مورد استفاده قرار گرفته و جنس آن از پشم گوسفند بوده و توسط زنان بختیاری بافته می شود.	

غناي فرهنگي در لباس هرزگان

لباس‌های محلی استان هرمزگان به عنوان نشان و نمادی از جنوب شناخته می‌شوند و به جرات می‌توان گفت که هرزگان یکی از مناطقی است که لباس خاص خود را دارد و تنها منطقه‌ای از ایران است که پوشش به نوعی خاص از تن‌پوش خلاصه نمی‌شود و از تن‌پوش، حجاب و روسری گرفته تا زیورات را شامل می‌شود.



توضیحات	لباس زنانه	استان
یکی از پیراهن‌های مشهور زنان بندرعباس است همان پیراهن گاندورا اسپانیایی و اروپایی است که اعراب مسلمان قرن هشتم میلادی به جنوب ایتالیا و اسپانیا بردند و با استقبال خوب مردم اروپا مواجه شدند. این لباس دارای حاشیه نوار دوزی پهن در ناحیه دور کمر است و اندامی بون آن و انتخاب قد تا حد زانو به مدل و دوخت آن تنوع میدهد و از طرف دیگر باعث نمایان شدن زیبایی شلوارهای بندری می‌شود شاید به همین علت است که کندوره رایج‌ترین پیراهن در بین زنان و دختران جوان بندری است. در گذشته پیراهن کندوره را از پارچه‌های بمبایچی، چینوای، ابریشمی، اطلسی رنگارنگ و چالوس می‌دوختند به پیراهن کندوره «چهار درزی» هم می‌گفتند که در اصل دارای شش درز بود. دامن شش تکه پارچه دوخته می‌شد و بر روی هر یک از درزها یک قطعه زری ماریچ می‌دوختند. پیراهن کندوره با یقه ای گرد که در جلو بسته می‌شود دو برش عمودی از سرشانه تا خط سینه و پایین دامن دارد که از پهلوی یقه تا درز وسط از پارچه رنگی متفاوت و برای لبه آستین نیز به صورت دو تکه از پارچه‌های دیگر استفاده می‌شود این پیراهن بر روی یقه تا زیر سینه و همچنین لبه آستین تا بالای میج درزهای بالا و پایین آستین‌ها و تکه‌های مثلثی زیر بغل (سنبوسه‌های زیر بغل) حاشیه پایین دامن و در مدل کندوره که در نواحی مرکزی و به ویژه بندرعباس و حومه آن دوخته می‌شود خط زیر سینه تا کمر به صورت پهن نوار دوزی می‌شود و دامن آن دارای چین‌های ریز است.	کندوره	
پارچه‌هایی که در قرن حاضر در شهرهای بندرعباس، میناب، بندرلنگه به عنوان چادر مورد استفاده است عبارتند از: شیله، شیله نیم طاقه، شیله بند زرد، شیله بند سبز، شیله نیم فاق براق، اطلس، کیش، ویل، ژورژت، سن و فون، ویل لندنی، ویل گل ابریشمی و غیره. بیشتر چادرها به رنگ‌های قهوه‌ای، خردلی و خاکستری مایل به آبی و دارای طرح‌ها و نقش‌های بسیار زیبا و جذاب است. بیشتر نو عروسان از چادر ویل گل ابریشمی سبز رنگ استفاده می‌کردند. چادر عروسان حاشیه زیبا و پشت آن اشرمه (یک نوع زری دوزی) تزئین می‌شد. غروس و نوعروسان علاوه بر چادر گا ابریشمی از چادر سوفن ساده سبز رنگ با تزئینات خوس و گلابتون و پولک بوته دوزی هم استفاده میکردند. در روزها و شب‌های عروسی آن را می‌پوشیدند و در موقه خان‌بندان تمام بدن به استثنا دست‌ها و پاها آن هم تا میج در زیر چادر سبز مستور و پوشیده می‌شد. معمولاً چادر بندری را به دو شیوه می‌بندند (لا نیم لا و کول زدن) در یک روش یک گوشه را با دست بر روی دوش می‌اندازند و طرف دیگر آزاد است و در شیوه دیگر یک طرف چادر را دور سر می‌پیچیدند و گوشه آن را در ناحیه گوش رها می‌کنند.	گون-اشکم- نشت-ه-آستین فراخ-کلوش عجمی-چینی، گشاد عربی ساده شالالی	
شلوار بندری در استان هرمزگان به نام «شلوار دمپا تنگ» خوانده می‌شود که از میج یا تازانو تنگ بوده و از زانو تا کمر حالت لوزی شکل به خود گرفته و کاملاً گشاد و راحت است. این شلوار برشی مانند شلوار زنان ترکمن و کرد دارد و کمری آن را لیفه‌ای دوخته و با کش یا پارچه محکم می‌کنند. شلوارهای بندری را به رنگ‌های سبز و قرمز و زرد، آبی و نارنجی و با پارچه‌هایی از جنس تترون، پوپلین و چیت برای استفاده روزمره و پارچه‌های کلفت و زری دار مثل اطلس و زریفت و ساتن برای مجالس و عروسی‌های دوزند.	چادر	
برای راحتی در هنگام پوشیدن شلوار را به طرف داخل پا چاک می‌دهند که با زیپ و یا دکمه‌ای دست ساز بسته می‌شود. دمپای شلوارهای بندری از میج یا تازانو زانو تزئینات بسیار زیبایی دارد که نسبت به تن پوش‌ها از تنوع بسیاری برخوردار بوده تزئینات شلوارهای بندری بر اساس نوع و محل جغرافیایی دوخت آن اسامی مختلفی دارد که عبارتند از: بنادله تمام، ودویی دستی، ودویی چرخ، پولکی، حاشی ه‌ای، سرپارچه‌ای، گلابتونی، خوس لنگه‌ای، ودویی اطلسی و نخ‌ی.	شلوار بندری	
این پیراهن گاه با بالاتنه ساده و یقه گرد دوخته و گاه با برشی دالبری شکل در زیر سینه و یقه هفت که زیر سینه تا خط کارور را چین‌های منظمی می‌دهند. آستین‌های این پیراهن دو تکه بوده که شامل تکه آستین و سر آستین‌ها می‌باشد. سر آستین‌های این پیراهن را اندازه میج دوزند و با چین‌های ریزی سر آستین‌ها را به آستین وصل می‌کنند. دامن پیراهن از دو تکه تشکیل می‌شود که هر دو برابر تکه قبلی انتخاب و با چین‌های منظمی به هم وصل می‌شود که دامن حالتی چین دار و پف به خود می‌گیرد سپس چین بالای کمر پیراهن را به بالاتنه وصل می‌کنند و قد آن را تا بالای زانو می‌دوختند. درزهای زیر سینه و روی کارور و همچنین خط کمر دور یقه و درزهای بالا و پایین دامن را با نوارهای زیبا تزئین می‌کنند. برای این پیراهن دو جیب روی دامن در نظر گرفته که جیب‌ها حالتی کیسه مانند داشته و دوخت آن بر اساس سلیقه فرد متفاوت است. پیراهن کمر چین با یقه دلبری، سینه پویی، سینه کفتری و یقه دوزنقه‌ای با پارچه‌های اطلس و گرانبها برای مجالس عروسی و پارچه‌های وال و چیت و نخ‌ی بسته به مراسم مورد استفاده دوخته می‌شود.	پیراهن کمر چین	
اورنی را با پارچه حریر و یا شیفون تهیه می‌کنند. این روسری دارای تزئینات بسیار متنوع به صورت گل‌های ریز و درشت بته حقه‌ای، گل بادامی، و غیره که در جلو صورت و سطح داخلی اورنی با پولک و گلابتون و یا با نخ‌های طلایی و نقره‌ای و با چرخ گل‌دوزی می‌کنند و این روسری به علت استفاده راحت‌تر و ساده‌تر نسبت به جلیلب‌های دیگر در رنگ‌های شاد و زنده سبز، قرمز، نارنجی و زرشکی و آبی دوخته می‌شود که اصولاً با لباس هماهنگ است. اورنی را دور سر و صورت می‌پیچند و یک قسمت آن را روی سینه آزاد رها می‌کنند که در اصطلاح محلی به آن کول "kul" گفته می‌شود	اورنی	

استان	لباس زنانه	لباس مردانه	توضیحات
	کلاه		کلاه زنانه در رنگها و طرحهای مختلف از پارچه‌های الوان دوخته می شود که از گذشته تاکنون به یک شکل برش داده شده و بر روی آن گلدوزی یا مهره دوزی و پولک‌دوزی انجام شده و نواری زیبا دور تا دور آن دوخته شده که با سکه های طلا و یا نقره تزئین می شود. این کلاهها بیشتر از پارچه‌های مخمل رنگارنگ دوخته و با دو نخ زیر گلوبسته می شود.
	کهنه		روسری محلی که در زبان لری به آن «کهنه» می گویند در رنگهای مختلف و بیشتر با پارچه تور دوخته می شود. برای دوخت این روسری پارچه ای به طول ۱۰۵ متر را به صورت مثلث برش می دهند و دور تا دور روسری را مثل کلاه با پولک یا منجوق تزئین کرده و برای بستن آن از سوزن قفلی استفاده می کنند.
	چارقد		«چارقد» از دیگر سرپوش های زنانه استان است که شبیه روسریهای زنان ترکمن است، با این تفاوت که این چارقد طول و عرض بیشتری داشته و برای پوشیدن باید تا شده و به شکل نواری به پهناي ۱۰ سانتیمتر در آورده شده و سپس بر روی کلاه و تور و به صورت آویخته از پشت سر بسته می شود.
	دلگ		«دلگ» نوعی کت زنانه است با آستین‌های بلند که این تن پوش در رنگ‌های مختلف و به اقتضای سن زنان با تزئینات زیبایی در فصول سرما و مراسم عروسی مورد استفاده قرار می گیرد. دلگ معمولاً با پارچه مخمل دوخته شده و با یک پارچه نخی آستر دوزی شده و با نواری دور تا دور آن را تزئین می کنند.
	جومه		جومه تن‌پوشی است بلند که تا نوک پا می رسد و شبیه یک مانتوی بلند بدون دکمه است که در دو طرف آن چاک وجود دارد و برای دوخت این جامه زنانه دو متر پارچه استفاده می شود.
	تومون		دامنی بلند و چین دار است که تا نوک پا می رسد این دامن معمولاً با هفت متر پارچه یا بیشتر و به دو حالت «تومون دمه ای» و «تومون چینی» دوخته می شود. در حالت چینی علاوه بر این هفت متر، پارچه ای دیگر به طول هفت متر یا بیشتر را به تکه هایی با عرض ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر برش داده و سپس چین پلیسه می زنند. این چین در آخر دوخت تومون به انتهای آن و در طول پارچه اضافه شده و شکل زیبایی دارد. در حالت دمه ای نواری زیبا که در اصطلاح محلی به آن «پرچوک» می گویند در انتهای تومون و در طول آن دوخته می شود.
	کلاه نمدی		مردان این دیار کلاهی از جنس نمد بر سر می گذارند که به کلاه نمدی معروف است و نمونه های آن نیز در نقوش طاق بستان و تخت جمشید دیده می شود.
	چقه و زناره		نوعی پوشش است که پیراهن آن از نوع کنف بوده و ردای بلندی است که تا زانوهای می رسد و با کمربندی پارچه ای که شال نام دارد دور کمر پیچیده و پوشیده می شود. در این لباس از ریسه ای که دستبافت خود عشایر است و الوان و رنگ رنگ بوده بر روی لباس استفاده می کنند و آن را بر شانه ها بسته و از جلوی سینه رد می کنند.
	شال		شال معمولاً پارچه ای نخی و ساده است که دو متر طول و نیم متر عرض دارد.
	دلگ		ردایی است بلند که تا زانو می رسد و معمولاً از پارچه های نخی گلدار و رنگارنگ دوخته می شود. دلگ با دکمه بسته می شود و از دو طرف دارای چاک است.
	شلوار		شلوار سنتی و محلی مردان در این استان شلوارهای معمولاً نخی است که امروزه با پارچه در ناحیه ساق پا بر روی دلگ یا چقه زناره پوشیده می شوند.
	گیوه		پاپوشهای مرسوم در این سرزمین، معمولاً گیوه و کفش ملکی بوده که احتمالاً وجه تسمیه ملکی به مناسبت آن است که پادشاهان می پوشیدند. استفاده از گیوه در میان مردان استان تقریباً منسوخ شده و تنها گاهی در عروسیها با چقه و زناره می پوشند.

کهنگی و بوی احمد

لباس های محلی و سنتی استان بوشهر

استان بوشهر داری قدمتی چند هزار ساله است و این موضوع را به خوبی می توان در آثار تاریخی به جای مانده از دوره های مختلف تاریخی در این دیار مشاهده کرد. در کنار این تاریخ و فرهنگ غنی انتظار می رود که مردم این دیار دارای پوشش های خاص بوده و لباس های مخصوص مردم استان بوشهر وجود داشته باشد، همانگونه که در استان های مختلف شاهد وجود چنین لباس های ویژه ای هستیم با این حال ضمن جستجویی که در نقاط مختلف استان داریم، لباسی که ویژه مردم این استان باشد را نیافتیم؛ به جز لباس های مخصوص عشایر و یا عرب های این سرزمین.

استان	لباس زنانه	لباس مردانه	توضیحات
		ناس	در زمان های قدیم، برخی از تجار استان بوشهر لباس های خاصی داشتند که به آن «ناس» گفته می شد؛ این لباس شامل کت و شلوار و کفش و جوراب بود که همگی به رنگ کرم و یا سفید بودند.
		قبا	این لباس بیشتر برای افراد متشخص مورد استفاده قرار می گرفت.
		عبا و عمامه	
	لباسهای ویژه عشایر		

لباس مردم سرزمین آب و آفتاب

زنان سرزمین آب و آفتاب و چشمه سارهای جوشان هنوز هم به رسم و آیین کهن لباس پوشیده و سنت خوب پوشیدن لباس محلی را از یاد نبرده اند. لباس محلی زنان کهگیلویه و بویراحمد، چون دستبافته ای است که زیبایی و رنگ در آن موج می زند و نگاره ای است که عشق و زیبایی را با هویت ایلی مردمان این سرزمین پیوند می دهد. لباسهای محلی کهگیلویه و بویراحمد در عین زیبایی از اصالت و شکوه برخوردارند و به عنوان سوغات نیز هدیه ای ارزشمند از این دیار چهار فصل هستند.



توضیحات	لیباس مردانه	لیباس زنانه	استان
<p>البته این لباس این روزها تغییراتی داشته و اغلب به جای شلوارهای بلند، جوراب‌هایی به رنگ روشن می‌پوشند، پیراهن آنها یک تکه شده و لچک نیز کمتر در لباس زنان زرتشتی دیده می‌شود و در عوض روسری‌هایی که به سر می‌کنند، بسیار بلند است و گاه تا پشت ران را می‌پوشاند.</p> <p>اصلی‌ترین لباس زنان زرتشتی، پیراهن و روسری آنها است و معمولاً این دو را از بهترین پارچه‌ها تهیه می‌کنند.</p> <p>برای دوخت این پیراهن‌ها اغلب از پارچه‌های ابریشم، اطلس و زربفت استفاده می‌شود که اندازه آنها معمولاً تا زانو یا کمی زیر زانو می‌رسد و حاشیه‌های پایین لباس و آستین آن، بنا به ذوق و سلیقه هر کس با نوارهای مختلف تزئین می‌شود.</p> <p>مکنا یا همان روسری نیز دیگر لباس اصلی زنان زرتشتی است که این لباس نیز از پارچه‌های زیبا با رنگ‌های شاد تهیه می‌شود. مکنا معمولاً یک متر عرض و سه تا ۳.۵ متر طول دارد و به طور کامل سر را می‌پوشاند و در قسمت جلو تا روی دست‌ها و از پشت، سر تا پا را می‌پوشاند.</p>	<p>لیباس پنج تکه شامل: سربند پیراهن زیر پیراهن رویی شلوار و کفش</p>	<p>لیباسی ۶ تکه شامل: کلاهک یا لچک پیراهن زیر یا سدره پیراهن رو روسری یا مفتی شلوار و کفش</p>	<p>یزد و زرتشتیان محلی پوش</p>
<p>این لباس‌ها چندان سنتی به نظر نمی‌رسد و اصل لباس سنتی آنها، لباسی است که در مراسم‌های مذهبی خود بر تن می‌کنند و شامل یک پیراهن بلند، کلاه و شلوار است که برای هر سه آنها از رنگ سفید استفاده می‌شود.</p>	<p>لیباس پنج تکه شامل: سربند پیراهن زیری شلوار و کفش</p>		



یزد و زرتشتیان محلی پوش

یزدی‌ها مانند اقوام کرد، لر، شمالی، بلوچ و بختیاری، لباس سنتی ویژه‌ای ندارند اما لباس‌های سنتی که قرن‌ها پیش مربوط به مردم یزد بوده، امروز تنها بر تن اقلیت‌های زرتشتی دیده می‌شود.

ویژگی لباس‌های سنتی زرتشتیان، پوشیدگی این لباس است که از قرن‌ها پیش و حتی قبل از اسلام به همین شکل بوده و این امر نشان می‌دهد که در ایران، حتی ایران قبل از اسلام، هرگز برهنگی رواج نداشته است.

در یزد به خاطر گرمای هوا، پوشیدن جوراب به ویژه در میان مردان چندان باب نیست و اغلب آنها در بیشتر روزهای سال، سعی می‌کنند از کفش‌های خنک یا دمپایی و کفش‌های روباز استفاده کنند زیرا معتقدند خنک نگاه داشتن پا، به خنک نگاه داشتن همه بدن کمک می‌کند.

مردان و زنان یزدی معمولاً از پارچه‌های تمام نخ‌ی که در یزد و در کارگاه‌های خانگی و صنعتی تولید می‌شود، برای دوختن لباس در خانه استفاده می‌کنند و از آنجا که پارچه‌های تمام نخ تولیدی یزد، در گذشته یک‌شکل و یک طرح بوده‌اند، بیژمه‌های یزدی شهرت یافته است.



دستار زنان بلوچ، روسری مستطیل شکلی است که توسط هنر بلوچی و پریوال دوزی تزئین می‌شود. باید گفت آنچه زیبایی پوشاک زنان بلوچ را کامل می‌کند زیورآلاتی از طلا و جواهر است که ساخت آن نیز یکی از هنرهای سنتی و اصیل منطقه است.

زنان سیستانی علاوه بر لباس سنتی و روزانه خود، نوعی لباس نیز جهت اعیاد و جشن‌ها تدارک می‌یابند که در نوع خود هنرمندانه و زیباست. از مشخصات لباس روزمره زن سیستانی، نوعی سوزن‌دوزی است که در حاشیه یقه و سرآستین لباس به کار می‌رود و در محل به آن «سیاه دوزی» گویند. این لباس از پیراهن و شلوار گشاد تشکیل می‌شود. بلندی پیراهن تا پایین زانو و دور کمر آن چین‌دار است.

زنان سیستانی نیز دستاری مستطیل شکل بر سر می‌بندند. پوشاک جشن‌ها و مراسم شاد که امروزه کمتر از آن استفاده می‌شود متشکل از شلواری پرچین، پیراهنی تا بالای زانو با دو چاک از دو طرف است.

پوشش بلوچ و سیستانی

مردان بلوچ همچون مردان سیستانی، لباس ساده و بلند به همراه دستاری که عموماً سفید است بر تن دارند گفتنی است نوع بستن دستار در مناطق مختلف بلوچستان تفاوت‌هایی دارد. آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند تغییراتی است که به لحاظ گذشت زمان و هم‌جواری با کشور پاکستان و افغانستان در دوخت و برش لباس‌ها ایجاد شده است.

در روزگاری نه‌چندان دور مردان و زنان از پاپوش سواس «SOVAS» که از لیاف نخل وحشی به نام داز «daz» ساخته می‌شد استفاده می‌کردند. پوشاک زنان و دختران از زیبایی ویژه‌ای برخوردار است. در دوخت و تزئین لباس‌های زنانه از هنر منحصربه‌فرد سوزن‌دوزی و پریوار دوزی بلوچ استفاده می‌شود که هنر سوزن‌دوزی روی پیش‌سینه، سرآستین، جیب بلند در جلو و همچنین حاشیه شلوار در پایین خودنمایی می‌کند.



نقش رنگ ها بر لباس اقوام گلستان

نگارستان ایران زمین رنگین کمائی از اقوام ایرانی و غیر ایرانی را در دل خود جای داده و هر قوم با لباس و سنت های خاص خود در گلستان در کنار یکدیگر زندگی می کنند.

پوشش هر قومیت نشان اصالت و فرهنگ بر خواسته از سرزمینشان و در واقع هویتشان است. اقوام متعددی که در این استان زندگی می کنند شامل ترکمن ها، فارسی زبانان، سیستانی ها، بلوچ ها، ترک ها (آذربایجانی و قزلباش)، کردها، تاجیک ها، مازندرانی و قزاق ها هستند.

پوشش و لباس ترکمن ها را در وهله اول می توان به دودسته سنتی و امروزی تقسیم کرد. پوشش سنتی یا قدیم تا قبل از تلاش های رضاخان برای یکدست کردن شکل لباس در ترکمن صحرا و کل ایران استفاده می شد و پوشش جدید که تداول آن به دوره بعد از یکدست شدن شکل لباس مربوط بوده و تا حال حاضر تداوم دارد.

پوشش سنتی لباس های ترکمنی از مواد گوناگونی چون ابریشم، پوست، کنان و پنبه فراهم می شد. البسه اصیل ترکمنی اعم از مردانه و زنانه از جنس ابریشم بود. در میحث لباس های سنتی، پوشاک مردان و زنان باهم تفاوت های کمی داشت.

لباس های مردان را می توان به چهار قسمت تن پوش، شلوار، کلاه و کفش تقسیم کرد.

لباس های زنان ترکمن بسیار متنوع است. این نوع تنوع علت و فلسفه خاصی دارد که با دوره های سنی

آنان مرتبط است. همچنین زنان و دختران ترکمن از لباس هایی با زیورآلات گوناگون استفاده می کنند که تنوع جالب توجهی دارد. لباس زنان ترکمن هم نیز به چهار دسته تقسیم می شود.



استان	قومیت	لباس زنانه	لباس مردانه	توضیحات
گلستان	ترکمن		دون	لباس اصیل ترکمنی ردای بلندی بود که از ابریشم دوخته می شد و تا زیر زانوان می رسید و «دون» نام داشت. دون بنا به رنگ و نوع بافت بر دو نوع بود. اگر از ابریشم کاملاً قرمز رنگ دوخته می شد، «قیزیل دون» یا «قیزیل دون» و اگر از ابریشمی دوخته می شد که رنگ آن متمایل به زرد بوده و بافت پارچه آن یکنواخت نبود، در واقع اگر رنگارنگ و راه راه بود «قار مادون» نام داشت. بر حاشیه دون، نوارهای سوزن دوزی از نوع آلاجا «دو نخ تافته سیاهوسفیدی یا تیره و روشن» وجود داشت که به زیبایی این لباس می افزود. بر کمره دون کمر بندی از شال گاه آراسته به نقره می بستند که به آن قوشاق و یا «تیرمه شال» می گویند.
			چاکمن	بالا پوشی است بلندتر از کت های کنونی که از کرک شتر تهیه می شود. چاکمن تهیه شده از کرک ظریف و مرغوب را «اینچه چاکمن» و چاکمنی را که از کرک زبر تهیه می شود «یوغین چاکمن» می نامند.
			ایچمک	یا پوستین که در هوای سرد استفاده می گردد و بنا به نوع پوستی که از آن تهیه می شد، انواع مختلفی داشت. پوست به کار رفته در ایچمک دباغی شده و سپس با انواع مواد طبیعی به رنگ زرد در آورده می شود.
			کوپنک	پیراهنی ساده و فاقد یقه بود و یا یقه ای کوتاه و مدور و بدون دکمه داشت با آستین هایی بلند که به جای دکمه، بندهایی در آن به کار می رفت. پیراهن دیگری نیز دوخته می شد که آن هم ساده، منتهای دارای یقه کج یا کناری بود. این یقه با سوزن دوزی های مفصلی زینت داده می شد و سر آستینش نیز گل دوزی شده بود.
			شلوار	شلوار مردانه عبارت از تنبان گشادی بود که رشته ای پنبه ای لیفه آن را تشکیل می داد و سر آن را گاه با «هوتاز» یا منگوله می آراستند این شلوار «بالاق» نام داشت.
			تلپک	کلاه پوستی با پشم های نسبتاً بلند که انواع گوناگون داشت که عبارتند از دوومه تلپک، بوخار تلپ، شبیرما تلپک.
			بۆرۆک یا عرقچین	غالباً با نقوش گوناگون سوزن دوزی می شد و در برخی لهجه ها «تاختیا» یا «تاختا» خوانده می شد.
			چاریق، دولاق و چپک	اصلی ترین پاپوش مردان چکمه های بلند چرمی با نوک برگردان بود که در ترکمنی نیز «چکمه» نام داشت. چاریق، دولاق و چپک انواع مختلف چکمه های ترکمنی است که مورد استفاده مردان ترکمن قرار می گیرد.
			قیزمیز کوپنک	زنان ترکمن پیراهن های ابریشمین می پوشیدند که غالباً به رنگ قرمز بود در قسمت یقه و سر آستین سوزن دوزی می شد.
			بالاق یا شلوار	انتهای پاچه شلوار زنانه سوزن دوزی مفصلی داشت که به اسامی گوناگونی خوانده می شد. از جمله «دوبه کله»، «سکدیرمه چوپچه»، «ایکی حورمان» و غیره که به ترتیب از پایین تا نزدیکی ساق پا را تشکیل می داد.
			کلاه و روسری بۆرۆک یا عرقچین	روی این کلاه گرد و صاف (بدون برجستگی) بود و دختران آن را با زینت آلات نقره ای از جمله پولکی و قیقه می آراستند. دختران غالباً بۆرۆک را بر سر گذاشته و از روسری استفاده نمی کردند.
			کفش	در میان برخی از طوایف روسری هایی به نام «چاشو» رواج داشت که خود بر چند نوع است از قبیل: «اریش چاشو»، «المینچه چاشو»، «آتلاز چاشو»، «قارتما چاشو»، «چاشو چارقند» که عموماً به روسری مربعی شکل و ابریشمین اطلاق می شود. در میان برخی از ترکمن ها نیز روسری بر دو قسم بود: یکی نسبتاً ضخیم با سوزن دوزی مفصل که به آن «کورته» می گفتند و دیگری بافته ای از ابریشم نازک که «قینگاچ» نام داشت و این روسری خود بر دو نوع «قیزمیزی قینگاچ» و «کلله قینگاچ» بود.
		کفش زنان ترکمن را غالباً هنرمندان محلی می دوختند. کفش هایی نظیر گل میخالی، قیرما کفش با نوک برگردان و پاشنه ای بلند در میان آن ها استفاده می شد.		

سفید است می پوشند، لباس های آنان نیز با نخ های رنگین ابریشمی و اغلب با رنگ قرمز شرابی سوزن دوزی می شود.

علاوه بر این زنان و دختران قزاق گاه کلاه های خاص به جای روسری بر سر می نهند. این کلاه از جنس پارچه های نخی آهاردار و دارای تزئینات گلدوزی شده با رنگ های قرمز، نارنجی، آبی و سبز می باشد که به صورت گوش روی سر بسته می شود، قسمت جلوی کلاه را روی پیشانی می بندند و آن را از پشت سر گره می زنند.

لیقه روی لباس نیز از جنس پارچه جیر است و آسترنخی دارد و با یزاق های طلایی، آئینه و مروارید تزئین می شوند. چکمه چرمی یا «تیک» نیز از اجزای لباس زنان قزاق بوده که در قدیم نقره کاری می شد.

بچه گانه؛ لباس های سنتی قزاق از نظر مکان و زمان استفاده نیز طبقه بندی می شوند.

لباس های میهمانی معمولاً با طراحی پیچیده تر و از جنس مخمل خوابدار باارزش، کرپ، ماهوت، ساتن، ابریشم، پارچه ابریشمی گل برجسته و دیگر پارچه های گران قیمتند و به هنرمندی با نخ های ابریشمی، نقره ای و طلایی گلدوزی و با مرجان و مروارید و عقیق تزئین شده اند.

نکته جالب در مورد دوخت لباس های سنتی و محلی قزاق، برش خاص آنهاست که از نظر بسیاری از طراحان جهان بسیار اسرار آمیز و زیباست.

زنان قزاق از قدیم الایام از لباس سنتی خود با زیورآلات خاص استفاده می کردند، آنها جلیقه ای بلند از جنس جیر روی پیراهن بلند که بیشتر از پارچه های کتان

زنان اصیل قزلباش رامیانی از زمان های دور لباس مزین به سکه و یزاق از جنس ابریشم سرخ به تن می کنند که هنر دست توانایشان و ثمره تلاش و همتشان است. لباس های سنتی قوم قزاق در استان گلستان نیز در چنان اوجی از زیبایی قرار دارند که با وجود گذشت زمان؛ جنس، طراحی و دوخت منحصر به فردشان توجه بسیاری از طراحان لباس را به خود جلب می کند. گویی سری در این همه ظرافت و زیبایی نهفته است که زنان قزاق ایرانی به تن می کنند.

جنس، مدل و رنگ آمیزی لباس های سنتی قزاق با آب و هوای متغییر و شرایط زندگی کوچ نشینی مردمان این منطقه متناسب است این لباس های راحت، ساده و بادوام در سرمای شدید و گرمای طاقت فرسا کاربردی اند. جدا از دسته بندی کلی لباس های زنانه، مردانه و

استان	قومیت	لباس زنانه	لباس مردانه	توضیحات
گلستان	ترکهای قزلباش رامیانی	کوپنک		زنان پیراهن قرمز رنگ از جنس ابریشم دست باف می پوشند دور مچ، یقه و چاک پیراهن را با الیاف ابریشم الوان نوار دوزی می کنند، به این نوار های رنگین دست باف «چک» می گویند. چک مانند پارچه ابریشم در کارگاهی به نام چالا بافته می شود یقه پیراهن گرد، آستین بلند که با چک تزئین شده و انتهای پیراهن به رنگ سبز ریشه دوزی شده است.
		کلته		دختران تا قبل از ازدواج کلاهی به نام کلته بر سر می گذارند که تمام سطح آن با الیاف الوان ابریشمی دست دوزی شده است قسمت جلویی آن سکه دوزی و با چک نوار دوزی می شود این کلاه همراه با روسری ابریشمی قرمز رنگ استفاده می شود زمانی که خواستند پیوند زناشویی ببندند کلته را برداشته و سر بندی از جنس ابریشم با زمینه قرمز ساده با حاشیه ای به رنگ سفید، بنفش، سبز و سرخ به نام باش کالاخه به صورت نیم تاجی بر سر می کنند به عنوان سمبل ازدواج.
		یقلق		دستمال ابریشمی پر نقش و نگاری با دنباله چین دار و بلند روی آن به سر می گذارند و آن را دور گردن می پیچند.
		دامن پرچین		دامنی پرچین از جنس ابریشم اغلب به رنگ قرمز آستر دار که ده سانتی متر انتهای دامن چک دوزی می شود این شلیته زیبای ابریشمی با نوار دست بافی در کنار جمع می شود.
		چارشو		چادر شبی است قرمز از جنس ابریشم با طرح چهارخانه که زنان رامیانی به دور کمر می پیچند.
		قوپا		جوهری دست ساز از منجوق های رنگین، برگرفته از طرح های طبیعت زیبا که همچون الماسی بر لباس با توجه به خصوصیات ویژگی هایی که دارد یکی از نمونه های عینی و مجسم فرهنگ هر جامعه است که به عبارت دیگر همواره بخشی از فرهنگ هر جامعه در لباس های آن قوم و ملت نهفته است که نشانه ای از پایداری، علاقه و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و گوشه نوال زنان خود نمایی می کند.
		یاخالق		پیش جامه ای است برای تزئین روی پیراهن که به گردن آویخته می شود از چهار ردیف چک تشکیل شده، مابین آن ها سکه دوزی می شود در گذشته از سکه های نقره در یا خالق استفاده می شود.
		قوبماق		نوعی گردنبند که برای تزئین روی پیش جامه توسط زنان با مونجق ها و مهر های رنگین بافته شده، سی سکه با نخ دولا در انتهای بویماق استفاده می شود.



- توسعه نامتوازن شهرها، تراکم بیش از حد جمعیت در حاشیه دریا، دفع فاضلاب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی و نیز دفع پسماندها و زباله‌ها در شهرهای ساحلی و مناطق گردشگری از جمله دلایل دیگر آلودگی خزر به حساب می‌آیند که از پیامدهای آن می‌توان به آلودگی شناگاه‌ها و تهدید حیات موجودات زنده اشاره کرد.
- همزمان با شروع فصل پاییز فصل جفت‌گیری مرال‌ها (گوزن قرمز) نیز آغاز می‌شود، در این زمان گوزن‌های نر برای تعیین قلمرو به جنگ با دیگر نرها پرداخته و با ایجاد صدایی شبیه صدای گاو اهلی، گوزن‌های ماده را در محدوده قلمرو خود جمع می‌کنند، به این زمان گاو بانگی می‌گویند که همه‌ساله از اواسط شهریورماه آغاز و تا اواخر مهرماه ادامه دارد.
- «مجبور نیستم میلیون‌ها تومان خرج هزینه زندگی و هزینه بدهم و تازه زندگی را آغاز کنم که انتهایش طلاق است بلکه به‌جای آن خیلی راحت و آسوده باکسی که دوستش دارم زیر یک سقف زندگی می‌کنم هر وقت هم دلم نخواست می‌گویم خداحافظ».
- پسرک در حالیکه هراسان پشت سرش را نگاه می‌کند، می‌دود. نمی‌داند نگرانی‌اش بیهوده است زیرا تنها تاریکی است که در این وقت شب او را دنبال می‌کند. او حتی به خودش فرصت نفس تازه کردن هم نمی‌دهد.
- مرگ گونه‌های مختلف جانوری در باغ وحش خرم‌آباد هر بار که به سر خط رسانه‌ها می‌رود بعد از مدتی تب آن فروکش می‌کند تا با مرگ جانور دیگری دوباره موضوع داغ شده و مسئولان کاسه چه کنم دست بگیرند.
- الینا فروتن کودک ۶ ساله ای بود که برای انجام یک عمل لوزه به بیمارستان رفت اما به دلیل خطاهای احتمالی پزشکی بعد از رفتن به کما، دار فانی را وداع گفت.

جامعه ایران



آرامستان‌هایی که در بافت متراکم شهر زنجان عامل ناآرامی شده‌اند



سولتمازشهبازی

دو آرامستان زنجان (قبرستان بالا و قبرستان پایین) و متوفان دفن شده در آنها در انتظار آرامشی هستند که جز با عزم عمومی امکان پذیر نیست تا بعد از یک دهه آرامستان‌های بیقرار شهر آرام شود.

آرامستان‌های بالا و پایین هر دو سراسر مملو از قبوری است با پستی و بلندی و ابعادی ناموزون، که برای عبور در مسیر جز لگدمال کردن قبور فضایی نیست. هر دو آرامستان در محل‌هایی واقعند که فاقد پارکینگ است و انبوه خودروها در میان چرخ دستی‌ها و دستفروش‌های عصرگاه پنج‌شنبه راه‌بندان و چالش‌های عصبانی ایجاد می‌کند. ساکنان اطراف این دو آرامستان از وضعیت موجود ناراضی هستند گرچه خود آن‌ها هم دفن‌امواتشان را در همین آرامستان‌ها که ظرفیت آن‌ها اشباع شده انجام می‌دهند.

باور عمومی هنوز پذیرای آرامستان سوم که در غرب شهر و در جوار شهرک صنعتی بنا نهاده شده، نیست، مردم تصور می‌کنند دسترسی به اموات در این محل دشوار خواهد بود و غربتی برای آنان که رفته‌اند متصورند. مردم بارها به تصمیم سازمان آرامستان‌ها برای انتقال اموات به محل جدید اعتراض کرده‌اند. شهروندان علاقمند هستند متوفیان در جوار اموات گذشته خود به خاک سپرده شوند حتی اگر بهای آن از بین رفتن آرامش آرامستان‌ها، دشواری تردد، مشکلات زیست محیطی و حتی تخریب قبور دیگر باشد.

● تصمیم‌گیری برای دفن اموات در آرامستان جدید به دلیل بسترهای اجتماعی دشوار است

عضو شورای اسلامی شهر زنجان، با بیان اینکه تدفین متوفیان در آرامستان جدید یک موضوع اجتماعی است و همت مردم را می‌طلبد، گفت: نقش معتمدین شهر، روحانیون و امام جمعه محترم در تحقق این برنامه بسیار حایز اهمیت است.

سعید امیدی یادآور شد: نابسامانی آرامستان‌های موجود در داخل شهر برای ساکنان این مناطق مشکلات متعددی ایجاد کرده است.

وی ترافیک روزهای پایانی هفته و مشکلات زیست محیطی را از چالش‌های آرامستان‌های قدیمی داخل شهر برشمرد.

به گفته امیدی، در آرامستان جدید شهر زنجان محلی برای نماز میت در دست احداث است و فضای سبز محوطه مورد توجه بوده است و در صورت بهره‌برداری از آن سایر خدمات همچون حمل و نقل نیز تسهیل می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: تصمیم‌گیری برای دفن اموات در آرامستان جدید به دلیل بسترهای اجتماعی دشوار است و همراهی مردم را می‌طلبد.

این عضو شورای اسلامی شهر زنجان ابراز امیدواری کرد: از ابتدای سال آتی امکان بهره‌برداری از آرامستان جدید وجود داشته باشد.

داخل شهر اشاره و اظهار کرد: ظرفیت این آرامستان‌ها اشباع شده، به گونه‌ای که ریزش قبور هنگام حفاری قبر جدید و مشکلات زیست محیطی را در پی داشته است.

وی یادآور شد: دو راه حل برای این مشکلات وجود دارد یا باید مسئولان دستور تعطیلی تدفین در آرامستان‌های موجود را صادر کنند و یا تدفین همچنان ادامه داشته باشد تا اینکه مشکلات آنقدر حاد شود که مردم در مواجهه با کمبود جا ناچار محل جدید را انتخاب کنند.

● ۳۰۰ میلیون تومان برای تسطیح قبور بهشت فاطمه (س) هزینه شده است

به گفته مدیر عامل سازمان آرامستان‌های شهرداری زنجان، سازمان آرامستان‌ها با همکاری معاونت فرهنگی شهرداری در حال تهیه فیلمی هستند تا بدین وسیله با بسترهای فرهنگی مردم را آماده انتقال متوفیان به محل جدید کنند.

اسماعیلی تصریح کرد: اگر مردم همکاری کنند و مانند گذشته در مقابل انتقال متوفیان به مزار جدید جبهه نگیرند از ابتدای سال آتی می‌توان شاهد دفن در آرامستان جدید بود.

وی تأکید کرد: در صورتی که دفن در محل جدید انجام گیرد سایر خدمات مانند سرویس ایاب و ذهاب، فروشگاه سنگ قبر و... نیز دایر می‌شود.

مدیر عامل سازمان آرامستان‌های شهرداری زنجان با اشاره به ساماندهی مزارهای موجود در داخل شهر، گفت: امسال ۳۰۰ میلیون تومان برای تسطیح قبور بهشت فاطمه (س) هزینه شده است و تا پایان شهریور تسطیح همه قبور آن به پایان می‌رسد.

به گفته وی در صورت تخصیص اعتبار می‌توان ساماندهی و تسطیح قبور مزار بالای شهر را از ابتدای سال ۹۶ آغاز کرد.

امیدی در رابطه با اینکه آیا خود او حاضر است در صورت فوت بستگانش متوفی را در محل جدید دفن کند یا نه؟ گفت: این تصمیم در شرایط فعلی بسیار دشوار است اما در صورتیکه مورد پذیرش عموم قرار بگیرد به لحاظ احساسی می‌توانم خود را قانع کنم.

مدیر عامل سازمان آرامستان‌های شهرداری زنجان نیز در این رابطه گفت: اگر مردم بپذیرند متوفیان خود را در آرامستان جدید دفن کنند و مسئولان بالادست دستور تعطیلی آرامستان‌های موجود را ابلاغ کنند برنامه یک دهه‌ای جایجایی آرامستان‌ها محقق می‌شود.

شعیب اسماعیلی افزود: آرامستان جدید در فضایی بالغ بر ۲۰ هکتار در حال آماده‌سازی است، زیرسازی، آسفالت ریزی فاز اول و ایجاد فضای سبز آن آغاز شده احداث سرویس‌های بهداشتی، ایجاد محلی برای قبور اطفال و قبور دو طبقه نیز آغاز شده است.

به گفته وی پارسی بیش از یک میلیارد تومان و امسال نیز حدود یک میلیارد تومان برای آماده‌سازی آرامستان جدید هزینه شده است و تکمیل مجموعه نیازمند تفقد ویژه شهردار و شورای شهر برای تخصیص اعتبار به آرامستان مذکور است.

اسماعیلی با اشاره به نیمه‌کاره بودن پروژه‌های آرامستان جدید ابراز کرد: تجهیز سردخانه و احداث نمازخانه مسقف میت آغاز شده است و برای سوله نمازخانه ۲۰۰ میلیون تومان هزینه شده اما به دلیل نبود اعتبار نیمه تمام مانده است.

مدیر عامل سازمان آرامستان‌های شهرداری زنجان خاطر نشان کرد: با وجود اینکه نظر امام جمعه و مسئولان بر انتقال متوفیان به آرامستان جدید است اما مادامی که مردم پذیرای این موضوع نیستند و مسئولان فرادست ابلاغ کتبی در این خصوص ندارند نمی‌توان جایجایی را طی سال جاری انجام داد. اسماعیلی به مشکلات آرامستان‌های موجود در

آلودگی ساحل و شناگاه‌ها، تهدید حیات آبریان / مرگ خاموش «خزر»



علیرضا نوری
کجوریان

بزرگ‌ترین دریاچه جهان در شرایط مناسب زیست‌محیطی قرار ندارد؛ آلودگی‌های نفتی، سموم کشاورزی و صنعتی، سال‌هاست با این پهنه آبی عجیب و به‌مرور وارد رگ‌های بزرگ‌ترین دریاچه جهان شده است.



ایران یکی از ۵ همسایه دریای خزر است و ۸۲۰ کیلومتر از نوار ساحلی دریای خزر در ایران قرار دارد. بیشتر آلودگی‌هایی که در نوار ساحلی ایران تهدیدکننده دریای خزر محسوب می‌شود از پساب‌های کشاورزی و فاضلاب‌های شهری نشأت می‌گیرد. فعالیت‌های اقتصادی در اطراف دریاچه نیز متهم اصلی آلودگی دریای خزر به‌حساب می‌آید. توسعه نامتوازن شهرها، تراکم بیش‌ازحد جمعیت در حاشیه دریا، دفع فاضلاب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی و نیز دفع پسماندها و زباله‌ها در شهرهای ساحلی و مناطق گردشگری از جمله دلایل دیگر آلودگی خزر به‌حساب می‌آیند که از پیامدهای آن می‌توان به آلودگی شناگاه‌ها و تهدید حیات موجودات زنده اشاره کرد.

دریای خزر دریای فرصت‌ها و چالش‌هاست و نقش آن در شکل‌دهی سیمای اکولوژیک سرزمین‌های اطراف آن در چند دهه اخیر همگام با توجه بشر به خطراتی که محیط‌زیست سیاره زمین را در معرض تهدید قرار داده، مورد توجه فراوان قرار گرفته است.

● مقصد نهایی همه آلاینده‌ها دریای خزر است

عضو هیئت‌علمی دانشگاه وین اتریش با اشاره به آلودگی دریای خزر، اظهار داشت: دریای مازندران، مقصد نهایی، عرصه خاموش و آرام دریافت‌کننده پساب‌های فاضلابی استان مازندران شده است و به‌طور کلی مازندران در رابطه با تولید آلاینده‌ها در داخل و از استان‌های هم‌جوار در سطح بسیار بالایی قرار دارد.

مقصد نهایی همه آلاینده‌ها، پساب‌های فاضلاب و زباله‌های شستشو شده مازندران، دریای خزر است «پرفسور عطاءالله قبادیان» مازندران را استناده کرده در پوشش سبز دانست و گفت: متأسفانه مقصد نهایی همه آلاینده‌ها، پساب‌های فاضلاب و زباله‌های شستشو شده مازندران، دریای خزر است.

وی با اشاره به وجود نزولات جوی زیاد در مازندران، عنوان کرد: به‌واسطه این نزولات هرز آب‌های سطحی بسیار زیادی به وجود می‌آید که به همراه آب‌های جاری سطحی دامنه‌های شمالی البرز به سمت دریای مازندران سرازیر شده و هرگونه آلاینده‌های زیست‌محیطی را با خود به دریای می‌برند.

این پروفیسور زمین‌شناس از دانشگاه وین عنوان کرد: برخلاف خلیج فارس، دریای مازندران به لحاظ بسته بودن پالایش طبیعی بسیار ضعیفی دارد و امکان جابجایی در آن مقدور نیست و از سوی دیگر محل استخراج نفت و رفت‌وآمد کشتی‌ها محسوب می‌شود که به‌طور دائم در حال گسترش بزرگ‌ترین چالش دریای خزر هستند. قبادیان ورود سالانه ۲۰ میلیون نفر مسافر به مازندران را فرصت دانست، اما گفت: توریست‌هایی که وارد مازندران می‌شوند انبوهی از زباله را در حاشیه جاده‌ها و رودخانه‌ها رها می‌کنند که در نتیجه همه پساب‌های این زباله‌ها به دریای خزر می‌ریزد.

وی در ادامه این گفت‌وگو، خاطر نشان کرد: حدود ۸۰ درصد از آب مصرفی مردم مازندران به پساب فاضلابی تبدیل شده و در نهایت به دریا ریخته می‌شوند.

وی با اشاره به اینکه مازندران قطب کشاورزی است اما صنعت هم به آن راه پیدا کرده، اظهار داشت: کارهای

جدی است.

وی با اشاره به اینکه در کنار این کارکرد اجتماعی-تفریحی مشاغل مرتبط با آن‌ها وجود دارند، افزود: مازندران از نظر اشتغال در وضعیت مناسبی قرار ندارد و حوزه گردشگری هم که می‌تواند در استان ایجاد اشتغال کند، بخشی از آن در ساحل و دریا است، هنگامی که دریا و ساحل آلوده شود، استقبال گردشگران نیز کم می‌شود و به تبع آن مشاغل مرتبط با آن نیز کم‌رنگ شده و یا حتی از بین می‌روند. وی افزود: همچنین بخشی از اشتغال در مازندران در قالب تعاونی‌های صید و صیادی است که آلودگی در سطح و اعماق آب دریای خزر موجب شده است آبریان نتوانند در آن زندگی کنند و این امر، منجر به مرگ و کاهش یا عدم تکثیر آن‌ها شده است. به همین دلیل، خیل عظیمی از صیادان که از صبح تا غروب مشغول به کار هستند، آن‌چنان صیدی نداشته و میزان صید آن‌ها نسبت به سال‌های قبل بسیار کم شده و در نتیجه، درآمد‌های صیادان نیز به شدت افت پیدا کرده است.

این استاد دانشگاه، در رابطه با راهکارهای برون‌رفت از این امر گفت: معمولاً راحت‌ترین راهکار این است که بگوئیم قانون مناسب وضع شود و قانون‌گذار اهرم‌های کنترلی شدیدی را برای ممانعت از ورود هر نوع آلودگی به دریا اعمال کند. در قوانین کشور خلأ اساسی در این رابطه نداریم، اگر همین قوانین موجود، ضمانت اجرا داشته باشند، برای قدم اول کافی است اما متأسفانه مشکل در عدم اجرای قانون است. در غیاب ناظران، بخش صنایع و کشاورزی و حتی مردم عادی مواد آلاینده و سموم خود را می‌توانند به راحتی در رودخانه‌ها بریزند.

وی با اشاره به اینکه قوانین در این زمینه بیشتر جنبه کنترلی-تنبیهی دارند، بیان کرد: باید در کنار اهرم‌ها و بازدارنده‌های تنبیهی، اهرم‌های تشویقی نیز وجود داشته باشد. امر تشویقی در قانون و کمک به صنایع و بخش‌هایی که از آلودگی جلوگیری می‌کنند، می‌تواند در کوتاه‌مدت به‌عنوان یک راهکار باشد. بسیاری از بخش‌ها آلاینده‌های خود را وارد دریا می‌کنند اما مجموعه‌هایی نیز هستند که یک سیکل بازیافت کامل را در بخش خود ایجاد کرده‌اند در این رابطه، برای ایجاد انگیزه در ادامه این کار و تسری به مجموعه‌های دیگر نیاز به اهرم تشویقی حس می‌شود. مراکزی که تولید و هدایت فرهنگ را بر عهده دارند، باید وارد این عرصه شوند و ایفای نقش کنند. در این بخش، عمدتاً آنچه مشاهده می‌شود در حد شعار استوی بایبان اینکه برای درآمدت نیاز به فرهنگ‌سازی است، گفت: مراکزی که تولید و هدایت فرهنگ را بر عهده دارند، باید وارد این عرصه شوند و ایفای نقش کنند. در این بخش،

بنیادی برای صنعت این استان صورت نگرفته، درست است که صنایع، غیر آلاینده هستند اما پساب‌های کارخانه‌ها بدون تسویه وارد رودخانه شده و دریا را آلوده می‌کنند.

این فعال محیط‌زیست و طبیعت، فعالیت کارخانه کک‌سازی سوادکوه را غیر قابل‌اعتماد دانست و بیان کرد: اگر این کارخانه بدون کنترل مواد آلاینده خود را وارد رودخانه کند فاجعه‌ای بزرگ برای رودخانه به وجود خواهد آمد.

سرانجام و مقصد همه فاضلاب‌های شهرک‌های نوپا در طول رودخانه‌ها، گاو‌داری‌ها، مرغداری‌ها و پساب‌های فاضلابی مراکز جمعیتی، بزرگ‌ترین دریاچه جهان «خزر» استوی با تأکید بر آلوده بودن ماهیان دریای مازندران، گفت: سرانجام و مقصد همه فاضلاب‌های شهرک‌های نوپا در طول رودخانه‌ها، گاو‌داری‌ها، مرغداری‌ها و پساب‌های فاضلابی مراکز جمعیتی، بزرگ‌ترین دریاچه جهان «خزر» است.

این استاد دانشگاه توصیه کرد: ماهیان در رودخانه‌های کنترل‌شده و یا پشت سد‌ها، به طرق بهداشتی پرورش داده شوند و برای شالیزارها و باغات هم از سموم استفاده نشود. وی همچنین خواستار تشکیل یک شبکه کنترل محیط‌بانی حفاظتی زباله و پساب‌ها شد که مسئولانه محیط‌زیست مازندران و دریای خزر را کنترل کنند.

● دریا و ساحل کار کرده‌ایشان را از دست داده‌اند

استاد جامعه‌شناسی محیط‌زیست دانشگاه مازندران هم بایبان اینکه یکی از انواع آلودگی‌ها که اکنون در مازندران با آن مواجه هستیم، آلودگی آب و به تبع آن آلودگی دریا است، افزود: برای اینکه متوجه شویم که این آلودگی چه پیامدهای می‌تواند برای مازندران و مردم داشته باشد، باید ببینیم دریا و ساحل چه کار کرده‌ایی دارند که مهم‌ترین آن‌ها، ابتدا کارکرد اقتصادی و بعد کارکردهای اجتماعی، تفریحی و اوقات فراغت است.

صادق صالحی در رابطه با کارکرد اجتماعی دریا گفت: اکثر گردشگران مازندران، هدف اصلی خود از مسافرت به مازندران را دریا برمی‌شمارند. اما نکته جالب‌توجه این است که اکثر همین مسافران به دریا نمی‌روند و در سطح ساحل متوقف می‌شوند و این امر نشان‌دهنده یک نوع سوءتعبیر در بیان رفتار گردشگران بوده و ناشی از آن است که آلودگی دریای خزر از حد نرمال گذشته است و با یک نگاه معمولی هم می‌توان این آلودگی را مشاهده کرد. وقتی که گردشگران و افراد بومی به خاطر آلودگی نتوانند از دریا استفاده کنند، دریا یکی از بزرگ‌ترین کارکردهای خودش که کارکرد اجتماعی تفریحی است را از دست می‌دهد و این یک آسیب

عمدتاً آنچه مشاهده می‌شود در حد شعار است. برخی بخش‌های خصوصی عنوان کرده‌اند که در رابطه با آلودگی، پسماندها و بازیافت آموزش‌هایی داشته‌اند اما وقتی بروشورها و کتابچه‌هایشان را مشاهده می‌کنیم چنین محتوایی ندارند و بیشتر حالت شعاری داشته‌اند و دارای محتوا نبوده است که منجر به مشارکت بومی و محلی در این بخش شود. در شهرهای صنعتی آیت‌هایی برای آموزش وجود دارد اما وقتی وارد کلاس آموزشی می‌شویم، محتوای خاصی آموزش داده نمی‌شود و این امر در دیگر بخش‌ها نیز قابل مشاهده است.

صالحی در ادامه گفت: گزارش مدونی در این بخش‌ها که مشخص کند فرهنگ‌سازی صورت می‌گیرد وجود ندارد و محتواها با استانداردها سازگار نیست. به‌طور مثال، سازمان آب منطقه‌ای در سال‌های گذشته طرح داناب (دانش‌افزایی آب برای دانش‌آموزان) را اجرا کرد، در گزارش‌ها آمده است که تعداد زیادی از دانش‌آموزان آموزش داده شدند اما وقتی مراجعه می‌کنیم مشاهده می‌شود که از اثربخشی و آگاهی آن هیچ اطلاعی در دست نیست. آنچه در اینجا انجام می‌شود، از استانداردهای آموزشی دنیا برای اینکه آموزش مفید واقع شود و مدعی آموزش در حیطه‌ای خاص شوید، بسیار فاصله دارد.

وی بایبان اینکه همه دستگاه‌ها مسئول هستند گفت: در قدم اول استان و بعد همه دستگاه‌ها باید سیاست‌های زیست‌محیطی خود را تنظیم کنند و آن را به‌صورت علنی در قالب گزارش یا بروشور منتشر کنند. در ایران مصرف سموم شیمیایی در حدود یک‌سوم تولیدی جهان را شامل می‌شود، این در حالی است که ۶۵ درصد کل سموم مصرفی کشور در استان‌های گیلان، مازندران، استفاده می‌شود.

یک کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در مازندران هم می‌گوید: هرچند تمام آب‌ها و مناطق دیگر جهان یک اکولوژی واحد به شمار می‌روند ولی نظر به شرایط تاریخی و موقعیت جغرافیایی، دریای مازندران علاوه بر کارکردهای دوگانه یادشده از یک اکولوژی واحد برخوردار است، در جامعه جهانی نظریه جدیدی در حقوق بین‌الملل در مورد محیط‌زیست در حال شکل‌گیری است که مفهوم «محیط‌زیست مشترک» نام دارد و ناشی از این اصل است که کره زمین محیط‌زیست غیرقابل تفکیکی را تشکیل می‌دهد که همه عناصر آن با یکدیگر همبستگی دارند و خسارت وارده به این محیط و مسئولیت دولت‌ها در این باره نباید منحصرأ محدود به مرزهای ملی و قلمرو حاکمیت آن‌ها باشد.

«وحید حاتم» افزود: در ایران مصرف سموم شیمیایی در حدود یک‌سوم تولیدی جهان را شامل می‌شود، این در حالی است که ۶۵ درصد کل سموم مصرفی کشور در استان‌های گیلان و مازندران، استفاده می‌شود. مدیریت مصرف سموم و استفاده از روش‌های مبارزه بیولوژیک و مدیریت تلفیقی آفات گام مهمی در راستای نیل به کشاورزی پایدار و به‌تبع آن کاهش شدید عوامل آلاینده محیط‌زیست خصوصاً پساب مزارع کشاورزی است.

این کارشناس ادامه داد: با توجه به اینکه محیط‌زیست فقط بر خروجی‌ها نظارت دارد صنایع راهکارهای زیادی برای پنهان کردن میزان آلاینده‌هایی که به محیط تخلیه می‌کنند از جمله رقیق کردن و تخلیه در محیط‌های مختلف برای کاهش میزان جرائم دارند لذا جریمه به‌تنهایی راهکار مناسبی برای جلوگیری از تولید و تخلیه آلاینده‌ها در دریا توسط صنایع نیست و باید در این زمینه فرهنگ‌سازی شود.

وی عنوان کرد: به نظر می‌رسد نقش دستگاه‌های نظارتی باید پررنگ‌تر شود و برای صدور مجوز فعالیت‌های اقتصادی صنایع و بنگاه‌های اقتصادی که دارای آلودگی زیست‌محیطی هستند و در امر آلودگی نقش دارند



موشکافانه‌تر برخورد شود و نظارت‌ها صرف داشتن مجوز فعالیت‌ها نباشد و همه حقوق قانونی محیط‌زیست لحاظ شود. در این راستا باید عامه مردم با آموزش صحیح در ارتباط با نگهداری محیط‌زیست پیرامون اطراف این دریاچه و رودخانه‌های منتهی به آن برای توسعه پایدار آیندگان مدنظر قرار دهند.

حاتمی پیشنهاد داد: وزارت آموزش و پرورش در کتب تحصیلی استان‌های ساحلی تجدیدنظر کرده و مباحث زیست‌محیطی این دریاچه عظیم و نحوه نگهداری آن در سرفصل دروس اصلی قرار دهد.

«جمال ابوطالبی» مدیر انجمن دوستداران محیط‌زیست سبز در بهشهر در مورد آلودگی‌های دریا گفت: در ارتباط با آلودگی دریا به‌طور کلی این مشکل توسط پساب‌های صنعتی و پساب شهری ایجاد شده که البته آلودگی شناگاه‌ها هم از این قضیه مستثنا نیست اما در بحث آلودگی شناگاه‌ها به نظر می‌آید که نقش پساب شهری به‌خصوص در ارتباط با شناگاه‌هایی مانند بالسر و چالوس در مازندران بیشتر از موارد دیگر است.

وی افزود: مناطقی از دریا که در مجاورت مصب رودخانه‌هایی قرار دارند که پساب صنعتی و به‌ویژه فاضلاب شهرهای مجاور با بالادست مستقیماً به داخل این رودخانه‌ها می‌ریزد آلودگی بیشتری دارند و شناگاه‌ها در این مناطق به‌هیچ‌وجه برای شنا و استفاده شهروندان توصیه نمی‌شود.

● ۱۶ شناگاه آلوده است

ابوطالبی ادامه داد: ۲۱ شناگاه در سطح استان مازندران ۱۶ شناگاه به دلایل مختلف دارای چنین شرایطی بوده و عکس‌های ماهواره‌ای و تست‌های آزمایشگاهی مؤید این مسئله است.

منطقه دهستان میانکاله و حوالی بندر امیرآباد به دلیل وجود صنایع و مؤسسات بزرگ مثل نیروگاه شهید سلیمی نکا، شرکت حفاری شمال، پایانه نفتی و نیز صنایع مرتبط با بندر امیرآباد با شناگاه‌ها باید با احتیاط برخورد کردی با اشاره به وضعیت دریا در بهشهر بیان داشت: در منطقه دهستان میانکاله و حوالی بندر امیرآباد به دلیل وجود صنایع و مؤسسات بزرگ مثل نیروگاه شهید سلیمی نکا، شرکت حفاری شمال، پایانه نفتی و نیز صنایع مرتبط با بندر امیرآباد با شناگاه‌ها باید با احتیاط برخورد کرد.

هرچند در این حوزه بنا به اظهارات «رض‌زمان احمدی» رئیس محیط‌زیست شهرستان بهشهر نظارت جدی از سوی سازمان متبوع دائماً صورت می‌گیرد و همواره تذکرات و اخطار لازم به واحدهای مخاطبی ابلاغ شده و پیگیری می‌شود.

ابوطالبی گفت: به‌عنوان نمونه به خاطر عدم رعایت موضوع فیلترینگ در سیستم فاضلاب مرکزی شهرک صنعتی شهرستان بهشهر که در فاصله بسیار نزدیک با تالاب میانکاله قرار دارد تا آنجا از سوی اداره حفاظت

محیط‌زیست شهرستان بهشهر پیگیری و منجر به صدور حکم قضایی و محکومیت اداره کل شهرک‌های صنعتی شد که موظف به تکمیل سیستم فیلترینگ مرکزی شهرک صنعتی بهشهر شدند.

وی همچنین افزود: البته بحث آلودگی آب‌وهوا توسط مصرف سوخت مازوت در نیروگاه شهید سلیمی تا چندی قبل مطرح بود که با پیگیری‌های به‌عمل آمده از سوی تشکل‌های زیست‌محیطی منطقه و مسئولان سازمان محیط‌زیست و به‌ویژه نماینده شرق استان مازندران در مجلس شورای اسلامی دکتر شاعری و تلاش‌های نماینده قبلی دکتر مقیمی و ورود دستگاه قضایی در حال به ثمر رسیدن بوده و شنیده‌ها حاکی از آن است که حکم توقف صادر شده است، هرچند جست‌وجو و گریخته گزارش‌هایی دال بر مصرف گهگاه مازوت از افراد بومی به گوش می‌رسد.

صیدگاه‌های بی‌شمار و خارج از ظرفیت محیط‌زیست دریایی

ابوطالبی اضافه کرد: در این زمینه بنده شخصاً در جلسه حضوری که حدود دو سال قبل به همراه نمایندگان تشکل‌های زیست‌محیطی با دکتر ابتکار ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست در مکان اداره کل این سازمان در ساری داشتیم موضوع را با ایشان مطرح کرده و خانم ابتکار نیز پیگیر موضوع بودند.

وی گفت: راه‌حل این مشکل اساساً حذف گونه‌های غیربومی و کشت و زراعت گونه‌های بومی است که در طول سالیان دراز در منطقه آدبته شده و در مقابل آفات آسیب‌پذیر نبوده یا کمتر آسیب‌پذیر خواهند بود.

وی گفت: آلودگی حرارتی نیروگاه شهید سلیمی برای محیط‌زیست دریایی از دیگر مواردی است که باید مورد توجه مسئولان قرار داده شود تا اقدامات مقتضی برای حل این مشکل زیست‌محیطی از سوی مسئولان نیروگاه اتخاذ شود.

این فعال زیست‌محیطی وجود صیدگاه‌های بی‌شمار و خارج از ظرفیت محیط‌زیست دریایی در این منطقه ساحلی را قابل توجه ندانست و بیان داشت: این مسائل آسیب جبران‌ناپذیری به بنده تحیف محیط‌زیست دریایی خزر خواهد زد و بهترین چاره برای احیاء و بازتولید آب‌زیان خزر تعطیلی صید برای مدت چند سال خواهد بود.

● میانکاله در حال خشک شدن است

وی بایبان اینکه تالاب میانکاله در حال خشک شدن است که البته مسائل ژئوگرافیک و پس‌روی آب دریا مهم‌ترین عامل آن بوده خواهد بود ادامه داد: در این بین اما عواملی از جمله احداث سد گلورد و احداث آب‌بندها و مزارع جدید برنج و پرورش ماهی‌ها مزید بر علت خواهد بود.

ابوطالبی افزود: س‌پاشی‌های غیراستاندارد و س‌واسی توسط کشاورزان منطقه که برای سالم نگه‌داشتن گونه‌های غیربومی از آسیب آفات بومی صورت می‌گیرد و مصرف زیاد کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی یکی دیگر از عوامل مهم آلودگی آب‌و‌خاک منطقه و به‌ویژه آب‌های زیرزمینی و همچنین رودخانه‌هایی است که به دریای خزر و بخشی به تالاب میانکاله می‌ریزد.

بنابراین گزارش به علت شرایط آب و هوایی مناسب دریای خزر تعداد زیادی شهر بزرگ و کوچک با جمعیت‌های مختلف و تعداد زیادی روستا در حاشیه جنوبی و کنار سواحل دریای خزر و رودخانه‌های منتهی به آن توسعه یافته‌اند که فاضلاب بیشتر آن‌ها از طریق این رودخانه‌ها به دریای خزر انتقال می‌یابد.

در مواردی نیز فاضلاب مستقیماً به دریا هدایت می‌شود. از طرف دیگر حجم بالای گردشگر در این مناطق آسیب جدی به شناگاه‌های دریای خزر وارد کرده است که باید تا دیر نشده برای این مشکلات چاره‌های اندیشید.

آوای عاشقانه گوزن هادر جنگل های هیرکانی



علیرضا نوری
کجویریان

آوای رجز خوانی و عاشقی گوزن ها در جنگل های هیرکانی به گوش می رسد و چتر حفاظتی برای حمایت از این گونه های زیبا و منحصر به فرد در چادرهای گاو بانگی گسترده شده است. گاو بانگی را می توان فصل عاشقی گوزن ها نام نهاد، رقابت عاشقانه بین گوزن های نر برای تعیین قلمرو و بیرون راندن رقیب. هنوز نبض مرال ها و گوزن های عاشق در جنگل های شمال می زند و دیدن نماد طبیعت مازندران به رویا تبدیل نشده است.



ابزارهایی همچون شاخ قوچ، کدو و غیره صدای گوزن ها را تقلید می کنند. به دنبال تقلید صدای گوزن توسط شکارچیان، گوزن نری که شکارچیان در قلمرو آن حضور دارند بلافاصله به سمت صدا حرکت کرده و در مقابل شکارچیان ظاهر شده و به راحتی شکار می شود.

وی ادامه می دهد: عرصه های جنگلی استان مازندران بار دیگر شاهد تلاش شبانه روزی محیط بانانی است که سعی دارند محیطی امن برای زاد و ولد این گونه با ارزش فراهم آورند و به منظور حفاظت از مرال ها و انجام اقدامات حفاظتی در مناطق جنگلی استان چادرهای گاو بانگی را به مدت یک ماه از اواخر شهریور تا اواخر مهرماه برپا می دارند.

مهردادی با اشاره به تلاش های شکارچیان غیرمجاز و سودجویان برای شکار گوزن ها در فصل گاو بانگی می گوید: شکارچیان متخلف با تقلید صدای گوزن ها سعی در شکار آن ها دارند که با برپایی چادرهای گاو بانگی تلاش داریم از این گونه با ارزش و حمایت شده حفاظت کنیم.

نعره های گوزن نر که بیانگر میزان قدرت و جسارتش در تعیین قلمرو است در لابه لای درختان جنگل های هیرکانی طنین انداز شده و زمان فرمانروایی قوی ترین نر گروه را اعلام می دارد. فصل گاو بانگی فرارسیده و آغاز رقابت برای از میدان به در کردن سایر گوزن های نر و در اختیار گرفتن قلمرو برای سلطه بر گوزن های ماده و بقای نسل بزرگ ترین گوزن ایران است

در حال حاضر حدود هزار رأس گوزن در جنگل های شمال شمارش شده اند و پیش بینی کارشناسان بر این است که نسل این نماد جنگل های خزری تا نیم قرن دیگر به شماره خواهد افتاد.

شمال کشور اقدام به برپایی پست های موقت گاو بانگی به وسیله چادر در نقاط حساس کرده و حفاظت از گوزن ها را تشدید می کنند، در سایر ایام سال شکار مرال به دلیل پوشش انبوه زیستگاه های جنگلی و هوشیاری گوزن ها چندان ساده نیست.

مدیرکل محیط زیست مازندران با اشاره به شروع فصل گاو بانگی افزود: بیش از ۲۵ چادر گاو بانگی برای جلوگیری از شکار گوزن ها در این فصل برپا شده است.

ناصر مهردادی ادامه داد: در فصل گاو بانگی اگر گوزن نر صدای گوزن نر دیگری را در محدوده قلمرو خود بشنود با سرعت به سمت صدا حرکت می کند تا گوزن مهاجم را از قلمرو خود خارج کند.

وی اظهار داشت: در این زمان شکارچیان در نقطه ای کمین کرده و به وسیله

معمولاً یک مرال نر هدایت گله را بر عهده می گیرد و این مرحله از دوران زیستی مرال که حدود یک ماه به طول می انجامد با بروز بانگ یا نعره از سوی مرال نر همراه است که برای حفاظت از گله و دور کردن گوزن های نر رقیب بروز می دهد. طول دوران آبستنی مرال حدود هشت ماه و نیم بوده و اواخر فصل بهار گوساله ها به دنیا می آیند.

منطقه حفاظت شده البرز مرکزی شمالی، پناهگاه حیات وحش دودانگه و چهاردانگه کیاسر و نواحی جنگلی هزارجریب نکا و بهشهر مهم ترین زیستگاه های مرال در استان مازندران بشمار می روند. به تأکید کارشناسان محیط زیست برای حفظ گونه گوزن تمام دوستداران طبیعت باید تلاش کنند تا از شکار این گونه خودداری شود و علاقه مندان طبیعت بدانند که شکار این حیوان باعث می شود در مدت زمان کمی منقرض شود.

مناطق جنگلی هزارجریب بهشهر و نکا، پناهگاه حیات وحش دودانگه و چهاردانگه، کیاسر و محدوده امن منطقه حفاظت شده البرز مرکزی از مهم ترین زیستگاه های مرال در کشور است.

به دلیل آسیب پذیر شدن گوزن ها در فصل گاو بانگی، محیط بانان زیستگاه های مرال در مناطق جنگلی

هرساله هنگام پاییز، شکارچیان و دلانان به مناطق بیابانی می آیند تا اقدام به خرید شاخ گوزن کنند و بهایی که در این زمینه پرداخت می کنند بسیار ناچیز است. مرال یا گوزن قرمز که به آن گاو کوهی نیز می گویند، بزرگ ترین پستاندار علغخوار کشور و از گونه های جانوری حمایت شده است که پراکنش آن در کشور محدود به استان های شمالی به ویژه استان مازندران و بخش هایی از جنگل های جنوبی استان سمنان و شرقی استان خراسان شمالی است.

همزمان با شروع فصل پاییز فصل جفت گیری مرال ها (گوزن قرمز) نیز آغاز می شود، در این زمان گوزن های نر برای تعیین قلمرو به جنگ با دیگر نرها پرداخته و با ایجاد صدایی شبیه صدای گاو اهلی، گوزن های ماده را در محدوده قلمرو خود جمع می کنند، به این زمان گاو بانگی می گویند که همه ساله از اواسط شهریورماه آغاز و تا اواخر مهرماه ادامه دارد.

مرال ها هرساله بسته به شرایط اقلیمی از اواسط شهریورماه که به مرحله گاو بانگی معروف است از زیستگاه های انبوه جنگلی خارج و در عرصه ها و فضاهای باز داخل جنگل تجمع یافته و تشکیل گله های جنسی می دهند.



بازی دوسر باخت همخانه‌ها؛ نه «از دواج» نه «سفید»



در جملاتشان همدیگر را هم خانه خطاب کرده و می‌گویند: اینجا همه چیز شرکاتی است، یک جورهایی سعی می‌کنند معامله پایاپای باشد؛ به قول مرد جوان «برد - برد» و من در دفترچه‌ام می‌نویسم: دو سر باخت!



بروین قادری
دانشمند

«مجبور نیستم میلیون‌ها تومان خرج هزینه زندگی و جهیز به بدهم و تازه زندگی را آغاز کنم که انتهایش طلاق است بلکه به‌جای آن خیلی راحت و آسوده با کسی که دوستش دارم زیر یک سقف زندگی می‌کنم هر وقت هم دلم نخواست می‌گویم خداحفظ.»

این‌ها حرف‌های دانشجویی است که با هم‌خانه‌اش حاضر شده پاسخ دهد، اما این حاضر شدن به شرط محفوظ ماندن نام و نشانش بوده است، یعنی به قول خودش باید همه چیز مخفی بماند، بین من، او و هم‌خانه‌اش. خودش می‌گوید که یکی از دوستان نزدیکش هم در جریان این رابطه که آن را «ازدواج سفید» می‌نامد قرار دارد، اما همین احتیاط و ترس خودش به اندازه کافی نشان می‌دهد که نمی‌شود نام این ارتباط را «ازدواج» گذاشت؛ چیزی که هنوز برایش در فرهنگ ایرانی - اسلامی نام و نشانی پیدا نشده است. این واژه وارداتی و این فرهنگ غربی هم‌خانه بودن نه «ازدواج» است و نه «سفید» چون هیچ ازدواج قانونی و شرعی شکل نمی‌گیرد و ثبت نمی‌شود و پایان این سبک زندگی مجردی هم آسیب‌های جدی فرهنگی و اجتماعی است که بیشتر سیاه است تا سفید.

زیرچشمی انگشت حلقه‌شان را می‌پایم، سمت نگاهم را پسر جوان می‌گیرد و می‌گوید: نگریدید! پیدا نمی‌کنید، در انگشت ما خبری از حلقه و نشانی از ازدواج نیست. خودم و نگاهم را جمع‌وجور می‌کنم و می‌پرسم پس چرا اسم ارتباطتان را «ازدواج سفید» گذاشته‌اید؛ مگر جایی این ارتباط ثبت شده است که می‌گویند ازدواج؟ مرد با بی‌خیالی شان‌هایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید شاید چون اسم دیگری برایش پیدا نکردیم؛ فقط یک اسم است، سخت نگریید! و هر دو می‌زنند زیر خنده!

داخل برگ‌ها م نوشته بودم که از «نمهد»، «خیانت» و «مسئولیت» در رابطه‌شان پرسم، اما نمی‌دانم چرا احساسم می‌گوید جوابشان شاید شبیه همین جمله آخری باشد: سخت نگریید!

بررسی کردیم و در هیچ فرهنگی به این شیوه زندگی، ازدواج نمی‌گویند، تاکید می‌کند: از سوی دیگر نمی‌دانیم چرا به این سبک غلط زندگی، «سفید» گفته می‌شود؟ حتی اگر اثبات شود دو نفر رابطه‌ای خارج از عرف دارند ما قوانین محکمی برای برخورد با این رابطه داریم پس چطور به این زندگی ازدواج سفید گفته می‌شود؟ آیا این به آن معنا نیست که ازدواج‌های شرعی و قانونی سیاه است؟

اما نکته قابل تأمل عدم توازن خساراتی است که هم‌خانه‌ها برای هم به ارمان می‌آورند به طوری که بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که آثار این سبک زندگی بیشتر از مرد، زنان را تحت تأثیر آسیب‌های خود قرار می‌دهد، موضوعی که مورد تأکید معاون شورای فرهنگی و اجتماعی زنان هم قرار دارد تا روح‌افزا بگوید: در ازدواج شرعی یک سری حقوق مدنی و قانونی برای زن مترتب است اما در این شیوه، زن هیچ پشتوانه قانونی و هیچ حق و حقوقی ندارد.

وی البته معتقد است که عده‌ای دانسته یا ندانسته با به کار بردن این لفظ می‌خواهند فرهنگ‌سازی کنند و هر کس این لغت را وارد فرهنگ ما کرده، حساب شده کار کرده است.

اما آنچه این روزها نگرانی‌ها در زمینه این پدیده را بیشتر می‌کند دامنه گسترش آن از کلان‌شهرهایی مانند تهران به استان‌های کوچک‌تر است، پدیده‌ای که به نظر می‌رسد همراه زندگی برخی دانشجویان غیربومی به دیگر استان‌ها هم سرایت کرده است.

● بازی برد-برد یا دوسر باخت

گفت‌وگویی ابتدایی این گزارش با یک دختر و پسر دانشجوی شهرستانی است که در همدان تحصیل می‌کنند، آن‌ها از صحبت کردن در مورد تعهداتشان طفره می‌روند و هر جا در پاسخ دادن کم می‌آورند بلندبلند می‌خندند و به قول خودشان سعی می‌کنند سخت نگیرند.

دختر جوان مدام با انگشتانش بازی می‌کند، حتی قهقهه‌هایش هم جدی به نظر نمی‌رسد، می‌شود نگرانی‌هایش را از چهره‌اش خواند، خیلی از طولانی شدن مکالمه خوشنود نیست، می‌خواهد سؤال و جواب‌ها کوتاه تمام شود، شاید خودش هم برای کارهایش دلیل عمیق و تقصیلی ندارد.

پسر جوان اما متفاوت‌تر به نظر می‌رسد، شاید تکلیفش روشن‌تر است با خودش، کمتر می‌شود ترس و نگرانی را در چهره‌اش خواند، البته همه تلاشش را می‌کند که به‌جز صدای بلند خنده‌ها و تلاش برای خاص نشان دادن این رابطه چیزی را از چهره‌اش نخوانند، می‌گوید که باهم زندگی کردن را تجربه می‌کنند بدون تعهدات و مسئولیت‌هایی که آن‌ها را قیدبندی می‌داند.

که موجب نگرانی جامعه‌شناسان در کشورهای مختلف دنیا شده است، تا سازمان ملل متحد هم توجه به موضوع خانواده و ازدواج را از اولویت‌های خود بداند و حتی روزی را به نام روز «خانواده» در تقویم جهانی ثبت کند.

باوجود این تجربیات تلخ و بیراهه‌ای که حالا غرب به بن‌بست آن رسیده و به دنبال عقب‌گرد است حالا با پدیده جنگ نرم و تهاجم فرهنگی این معضل فرهنگی در بسته‌بندی‌های شکیل راهی کشورهای شرقی و اسلامی شده است، کافی است سرخ ماجرا را گرفت تا به منشأ اصلی آن برسید، هرچند که برخی مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کشور ما هم در ترویج این پدیده غربی تأثیر جدی داشته است.

جان کلام آسیب‌های ناشی از ترویج این پدیده را می‌توان در این بیانات رهبر معظم انقلاب شنید: «مسئله خانواده، مسئله‌ای بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر چه‌ای، مجموعه‌ی سلول‌هاست. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم، پس سلامت آن چهار را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد. جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و پائش‌ناش، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند.» بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه راهبردی ۱۴/۱۰/۱۳۹۰

● آماری وجود ندارد

بهرغم اینکه گزارش‌های جامعه‌شناسان و محققان وجود پدیده همخانه در استان‌های مختلف کشور را تأیید می‌کند اما همچنان آمار رسمی از وضعیت شیوع این پدیده در استان‌های مختلف در دست نیست تا «حمدرضا فضلی» سرپرست مرکز مطالعات وزارت ورزش و جوانان با اشاره به انجام پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در سال ۱۳۹۵ بگوید که همخانه بودن هم در این پیمایش مورد توجه قرار گرفته است.

وی در خصوص نتایج این پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان که طی ۳ سال گذشته انجام شده هم گفته است: این پیمایش گویه‌های مختلفی دارد و یک پژوهش گسترده است. تاکنون بخش‌هایی از نتایج توصیفی و آماری آن اعلام شده است اما نتایج تحلیلی آن از سوی پژوهشگران در حال تهیه است که امیدواریم به‌زودی منتشر شود.

«فرشته روح‌افزا» معاون شورای فرهنگی و اجتماعی زنان هم با یادآوری اینکه این نوع زندگی را در فرهنگ‌های مختلف

● خطر بیخ گوش سلول‌های جامعه

همخانه بودن رهاورد فرهنگی است که حتی در سرمنشأ آن یعنی «غرب» به بحران تبدیل شده است و به‌عنوان یک محصول صادراتی فرهنگی راهی کشورهای مختلف دنیا شده و حالا ایران به‌عنوان کشوری مسلمان در لایه‌های زیرین جامعه و زیرپوست شهر شاهد رشد خزنه آن است، رابطه بی‌سرانجامی که هنوز فرصت نکرده‌ایم برایش اسم متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی انتخاب کنیم، نامی که «بیخ» بودنش را پشت صفت «سفیدش» پنهان نکند.

برخی تحقیقات نشان می‌دهد که در آمریکا دوسوم زوج‌ها مدتی را بدون ازدواج زیر یک سقف زندگی کرده‌اند و حتی در حدود هفت میلیون زوج همین شیوه را برای زندگی‌شان انتخاب کرده‌اند، آن هم جایی که تا چند دهه قبل زندگی بدون ازدواج قانونی نبوده است.

آلمانی‌ها هم در تحقیقاتی که داشته‌اند همخانه‌ها بودن را مهم‌ترین عامل تهدیدکننده ازدواج اعلام کرده‌اند، موضوعی

را جویا می‌شویم و می‌گویید: با توجه به موانع اجتماعی، خانوادگی و ترس از ازدواج‌های سخت و آمار طلاق و اختلافات زناشویی، جوانان به سمت چنین روابطی سوق پیدا می‌کنند.

این مشاور خانواده در توضیح تأثیر سمت‌وسوی باورهای دینی جوانان در جلوگیری از شیوع این پدیده هم می‌گوید: باورهای ما از خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد نشأت می‌گیرد و همیشه این اصلاح را می‌شنویم که مسلمان‌زاده، مسلمان می‌شود.

وی اضافه می‌کند: متأسفانه این‌گونه روابط ریشه در کمرنگ شدن باورهای دینی دارد چراکه خانواده، اجتماع و اعتقادات افراد حلقه‌های یک زنجیره هستند و توان هر کدام که بیشتر باشد فرد را به سمت خود می‌کشد. امیرحسین یآوری معتقد است: اگر خانواده سالم باشد فرد باوجود تمام آسیب‌های اجتماعی، همچنان سلامت خود را حفظ می‌کند چراکه ریشه او قوی است و اگر خانواده بیمار باشد فرد باورها و اعتقادات کمرنگی خواهد داشت.

● عدم تمایل جوانان به ازدواج

برای پیدا کردن آمار در سطح خرد از وضعیت ازدواج‌های سفید سراغ معاون جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان همدان رفتیم اما در این زمینه یا پیمایش جدی صورت نگرفته یا آمار وجود ندارد.

«اسدالله ربانی مهر» معتقد است که عدم تمایل جوانان به ازدواج به دلیل تغییر سبک زندگی است و در خصوص پدیده همخانه شدن تاکنون آمار رسمی و قابل استنادی که توسط دستگاه‌ها ارائه شده باشد وجود ندارد.

وی اضافه می‌کند: شاید در این زمینه بتوان موضوع را با بحث دیگری در خصوص زندگی مجردی تکمیل کرد چراکه امروزه به دلیل تغییر سبک زندگی و رفتاری جامعه و نیز کمرنگ شدن باورها، جوانان ما به سمت زندگی مجردی و سکونت در خانه‌های مجردی روی آورده‌اند و این نوع از زندگی تنها مختص آقایان نبوده و در بانوان نیز وجود دارد.

وی با یادآوری اینکه خانه‌های مجردی آسیب‌های اجتماعی بسیاری برای جوانان در پی دارد، می‌گوید: عدم تمایل جوانان به ازدواج نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. ۱۸ دستگاه در حوزه جوانان مسئولیت دارند که شامل دستگاه‌های دولتی، فرهنگی هستند و باید در زمینه فرهنگ‌سازی اقدام کنند.

وی به رتبه شانزدهم همدان در خصوص طلاق در بین ۳۰ استان کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: عدم تمایل جوانان به ازدواج باید آسیب‌شناسی شود که از جمله عوامل ایجاد آن، تغییر در سبک زندگی است.

معاون جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان همدان به لزوم فرهنگ‌سازی و ترویج سبک زندگی اسلامی در بین جوانان تأکید دارد و معتقد است که در این راستا انتظار همکاری و عملکرد بهتر صداوسیما، دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی می‌رود.

● به ازای هر ۵ ازدواج یک طلاق

معاون امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان همدان از آمار بالای طلاق در سال ۱۳۹۴ سخن می‌گوید و یادآور می‌شود: استان همدان با ثبت یک طلاق به ازای هر ۵ ازدواج وضعیت بهتری نسبت به برخی از استان‌های کشور با آمار یک طلاق به ازای دو ازدواج دارد اما همچنان این وضعیت مطلوب نیست و شاید یکی از دلایل شکل‌گیری روابط غیرشرعی ترس از طلاق و تبعات آن باشد.

آنچه مسلم است اینکه تحقیقات نشان داده زنان در چنین رابطه‌هایی بیش از انواع دیگر ازدواج دچار خشونت خانگی می‌شوند و چنین روابطی زودتر از ازدواج‌های رسمی و شرعی از هم می‌پاشد بنابراین تا این نوع زندگی در کشور تبدیل به فرهنگ نشده باید جلوی پیشرفت آن را گرفت.

متأسفانه به این پدیده شوم و وارداتی روی آورده‌اند، و جالب اینجاست که در نادانی مطلق، فکر می‌کنند بسیار مدرنیزه و امروزی زندگی می‌کنند.

عبدالله عباسی یادآور می‌شود: ما در همایش‌های مشاوره‌ای، به‌خصوص در دانشگاه‌ها تا جایی که می‌توانیم در خصوص جنس مخالف به دختران و پسران آموزش می‌دهیم تا از خصوصیات و ویژگی‌های یکدیگر آگاه باشند. وی ترویج فرهنگ دینی و قرآنی را شاه‌کلید رفع این معضل می‌داند و می‌گوید: متأسفانه به خاطر خودخواهی‌ها و نداشتن تربیت صحیح، بسیاری از روابط زناشویی منجر به طلاق شده و جوانان امروزی برای پیشگیری از طلاق به سمت همخانه شدن کشیده شده‌اند.

● از دوست بودن تا هم‌خانه شدن

عمق این پدیده به‌گونه‌ای است که در میان اطرافیان و دوستان گاهی می‌شنویم دختر و پسری هم‌خانه شده‌اند و تصمیم گرفته‌اند مدتی را با یکدیگر زندگی کنند و اگر شرایط یکدیگر را مناسب دیدند ازدواج کنند در صورتی که شاید تا چند سال پیش حتی لفظ دوست بودن دختر و پسر نیز خارج از عرف جامعه بود اما امروز شاهد هستیم که این مسئله در بین جوانان بسیار جاافتاده است و حتی معتقدند بدون دوستی هم مگر می‌شود ازدواج کرد؟ در توجیه این رفتار و این نوع رابطه با «امیرحسین یآوری»، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و مدیر یک مرکز مشاوره هم کلام شدیم.

امیرحسین یآوری این نوع ازدواج را که اصطلاح آن برگرفته از



شناسنامه سفید و بدون ثبت ازدواج است حاصل تنوع‌طلبی و عدم تفکر صحیح می‌داند.

یآوری در توضیح این نوع ارتباط می‌گوید: در پایین‌ترین سطح هر اقدام مهمی که نیاز به صرف هزینه داشته باشد نیاز به قرارداد و ثبت قانونی دارد مانند خرید یک ماشین و یا خانه، که اگر بدون قرارداد خریداری شوید ممکن است چندین مدعی داشته باشد که همین روند در مورد ازدواج هم مصداق دارد که اگر روابط دو نفر از حدی بالاتر برود نیاز به قرارداد و ثبت دارد.

این کارشناس ارشد روانشناسی بالینی اضافه می‌کند: به همین دلیل است که در ازدواج‌های سفید، چون هیچ ثبت و قراردادی لحاظ نشده است دو طرف با کوچک‌ترین مشکل یکدیگر را ترک می‌کنند که آثار چنین روابطی در آینده گریبان‌گیر فرد خواهد شد.

وی معتقد است که در این نوع رابطه، تعهدی وجود ندارد و با کوچک‌ترین ضربه‌ای متلاشی خواهد شد.

● ترس از ازدواج و طلاق

از این مشاور خانواده علل گرایش جوانان به چنین روابطی

در جملاتشان همدیگر را شریک و هم‌خانه خطاب می‌کنند و می‌گویند: اینجا همه چیز شرکتی است، از هزینه‌ها و مخارج این‌گونه زندگی‌ها گرفته تا تصمیماتی که به هر دوی آن‌ها مرتبط است، یک‌جورایی سعی می‌کنند معامله پایاپای باشد؛ به قول مرد جوان «بازی برد - برد!» و من در ذهنم و روی دفتر چهام می‌نویسم: دو سر باخت!

● تعهد پُر!

اما برخی جوانان علت اصلی ورود به این نوع ارتباط‌ها را نبود شرایط مناسب اقتصادی برای ازدواج و ترس از زندگی زناشویی عنوان می‌کنند که در این زمینه با «عبدالله عباسی» استاد دانشگاه و مشاور خانواده به گفت‌وگو نشستیم.

دکتر عبدالله عباسی در خصوص این پدیده معتقد است: زندگی با همخانه از کشورهایی مثل آمریکای جنوبی، مکزیک و از طریق تبلیغات ماهواره‌ای وارد فرهنگ ما شده و متأسفانه در مشاوره‌های خود به چند مورد این‌چنینی برخورد کرده‌ام.

عباسی اضافه می‌کند: این نوع ازدواج و به‌اصطلاح جوانان امروزی، زندگی با همخانه از آنجایی شکل می‌گیرد و قوت می‌یابد که تعهدی بر دوش جنس مرد و زن نمی‌گذارد.

وی با یادآوری اینکه در این نوع ازدواج‌ها قانون جایی ندارد، می‌گوید: مانند فرهنگ مقدس اسلام که برای زن مهریه تعیین می‌کند و تعهداتی برای دو طرف به وجود می‌آورد، در این نوع ارتباط تعهدی وجود ندارد.

این استاد دانشگاه و مشاور خانواده ادامه می‌دهد: متأسفانه به دلیل نداشتن فرهنگ زناشویی و شناخت از جنس مخالف،

زن و شوهرها، در این زمینه اضطراب پیدا کرده و نسل جوان ما با اتکا بر اینکه نمی‌خواهند آشتیه پدران و مادران خود را تکرار کنند، تن به ازدواج شرعی و قانونی نمی‌دهند و به سمت همخانه شدن می‌روند.

● پاک کردن صورت مسئله

عبدالله عباسی می‌گوید: توجیه جوانان در این نوع رابطه این است که ما در کنار یکدیگر زندگی می‌کنیم و زمانی که احساس کردیم برای یکدیگر فایده‌ای نداریم بدون اینکه یکدیگر را اذیت کرده باشیم و بدون تعهد قانونی و عرفی یکدیگر را ترک می‌کنیم درحالی‌که این تنها پاک کردن صورت مسئله است.

وی تأکید دارد که این نوع ارتباط شاید توسط جوانان امروزی با عنوان همخانه ذکر می‌شود اما در واقع یک رابطه کاملاً نامشروع است، اضافه می‌کند: این شکل ازدواج نه در دین اسلام تعریفی دارد و نه در عرف پذیرفته می‌شود.

این مشاور خانواده به برخی علت‌های این پدیده هم اشاره می‌کند و می‌گوید: جوانان به دلیل مشاهده اختلافات زناشویی، آمار طلاق و عدم آگاهی نسبت به جنس مخالف،

بال بال زدن یک پروژه؛ استان معین حوادث غرب مجتمع امداد هوایی ندارد

زمانبندی شده، عقب هستیم. وی با اشاره به اینکه مسائل فنی یکی از این مؤلفه‌ها بوده و این امر موجب زمان‌بر شدن تکمیل این پروژه شده است افزود: دبیر کل جمعیت هلال‌احمر کشور در جلسه شورای عالی مدیریت بحران استان که در زمینه سیلاب شهرستان پلدختر تشکیل شده بود اعلام کرد که اعتبارات عمرانی جمعیت هلال‌احمر کل کشور در سال ۹۴ صفر مطلق بوده است.

● وعده جدید مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر لرستان

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر لرستان بیان داشت: اگر اعتبارات به‌صورت کامل تخصیص داده شود و بر اساس بسته پیشنهادی مدیریت ارشد لرستان بین هفت تا هشت میلیارد اعتبار داشته باشیم کل مجتمع امداد هوایی استان در یک بازه زمانی یک‌ساله تکمیل می‌شود. مرادی با تأکید بر اینکه زیرساخت‌های این مجتمع ایجاد شده و انبار امدادی تکمیل و آشیانه این مجتمع نیز ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد افزود: همچنین «پد و باند» و جاده‌های دسترسی مجتمع امداد هوایی استان احداث شده و می‌تواند در یک بازه زمان یک‌ساله شاهد افتتاح این مجموعه باشیم و یک‌بار برای همیشه از نظر زیرساخت امداد و نجات این نوید را می‌توان به مردم لرستان داد که استان واکسینه می‌شود و کل منطقه غرب و جنوب غرب کشور را پوشش امدادی هوایی بدهیم.

● اگران وعده‌ها برای یک مجتمع امداد هوایی

بنابراین گزارش، مراسم آغاز به کار پروژه مجتمع امداد هوایی لرستان در تاریخ هشتم آذرماه سال ۹۳ آغاز شد و این در حالی است که این پروژه دو سال درگیر وعده‌های متوالیان امر برای بهره‌برداری است و مسئولان جمعیت هلال‌احمر لرستان هرسال وعده‌های جدید را برای تکمیل و بهره‌برداری از این مجتمع امداد هوایی به مردم می‌دهند. این در حالیست که حسن مرادی مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر لرستان در مراسم آغاز به کار این پروژه وعده افتتاح فاز اول آن را تا پایان سال ۹۴ به مردم لرستان داده بود اما این وعده رنگ اجرایی به خود نگرفت. همچنین وی در دیدار اعضای جوانان جمعیت هلال‌احمر لرستان با نماینده ولی‌فقیه در استان لرستان در تاریخ ۲۱ اردیبهشت‌ماه خبر از افتتاح مجتمع امداد هوایی را در شهریورماه امسال داده بود و در فاصله زمانی کمتر از ۲۰ روز وعده افتتاح این مجتمع را به هفته دولت موکول کرد.

با این تفاسیر باید مردم لرستان منتظر تحقق وعده مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر برای یک سال آینده باشند، وعده‌ای که مردم و مسئولان امیدوارند به بایگانی دیگر وعده‌ها نینهند.



مدیرکل مدیریت بحران لرستان بایان اینکه مقرر شده مجتمعی در ابعاد کوچک‌تر در شهرستان بروجرد احداث شود افزود: در این راستا تفاهم‌نامه‌ای در معاونت امداد و نجات هلال‌احمر و استانداری لرستان منعقد شده که این پروژه را هم جمعیت هلال‌احمر به لحاظ مشکلات مالی که داشته هنوز شروع نکرده است.

آریایی با تأکید بر اینکه هر پروژه‌ای که اعتبار داشته باشد به‌طور حتم خیلی سریع به بهره‌برداری می‌رسد گفت: با توجه به اینکه استانداری تأمین‌کننده اعتبار این پروژه نیست نمی‌توانیم اعلام کنیم که این پروژه چه زمانی به بهره‌برداری می‌رسد. وی بیان داشت: در صورت تأمین اعتبار، مجتمع امداد هوایی لرستان در بازه زمانی چندماهه می‌تواند به بهره‌برداری برسد.

● «آب پاکی» دبیر کل جمعیت هلال‌احمر کشور بر روی دست مردم لرستان

حسین رضا مرادی مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر لرستان نیز بایان پروژه مجتمع امداد هوایی لرستان در چندین فاز تعریف شده است اظهار داشت: با توجه به اینکه توپوگرافی منطقه کوهستانی بود مدت‌زمان زیادی به طول انجامید تا بتوانیم سطح صاف و هموار برای «پد و باند» و راه دسترسی به این مجموعه را تأمین کنیم. وی بایان اینکه ما متأسفانه تاکنون حتی یک متر فضای استاندارد انبار در استان نداشته‌ایم افزود: یکی از وظایف اصلی جمعیت هلال‌احمر دیپوی اقلام امدادی در راستای امدادسانی به افراد حادثه‌دیده است.

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر لرستان در ادامه بایان اینکه این نوید را به مردم استان می‌دهم که در مجموعه مجتمع امداد هوایی لرستان یک باب انبار امدادی به مساحت ۹۸۰ مترمربع احداث شده است گفت: همچنین یک باب انبار امدادی که فونداسیون آن را در نظر گرفته‌ایم در حال تکمیل است.

مرادی بایان اینکه جاده‌های دسترسی، محوطه‌سازی، حصار کشی و زیرساخت‌های مجتمع امداد هوایی لرستان ایجاد شده است افزود: برای احداث این مجتمع دو مؤلفه تأثیرگذار بوده که بر اساس آن‌ها از برنامه

تهدی را نداده است. وی ادامه داد: با توجه به تأکیدات مدیریت ارشد لرستان، استانداری به تمام تعهدات خود در این رابطه عمل کرده و الان جمعیت هلال‌احمر باید به تعهدات خود عمل و پروژه را تکمیل کند.

● تأمین اعتبار مجتمع امداد هوایی لرستان در گرو رفع مشکلات مالی کشور

مدیرکل مدیریت بحران لرستان بایان اینکه در قالب این پروژه قرار شده دو سالن و سوله بزرگ دیپوی کالا و اقلام امدادی احداث شود گفت: همچنین احداث یک ساختمان اداری و آشیانه هلی کوپتر نیز مقرر شده که در مجتمع امداد هوایی لرستان ایجاد شود. آریایی بایان اینکه بخش زیادی از این کارها انجام شده اما واقعیت امر این بوده که کار بزرگی بوده و بسیار هم هزینه‌بر است. افزود: حصار کشی و تسطیح محوطه انجام و زیرساخت‌های لازم در آن ایجاد شده است. وی با تأکید بر اینکه پروژه مجتمع امداد هوایی لرستان، پروژه‌های بزرگ بوده و اعتبار زیادی لازم دارد افزود: بر اساس آخرین برآوردهای صورت گرفته چندین میلیارد تومان دیگر برای تکمیل این پروژه موردنیاز بوده که جمعیت هلال‌احمر باید آن را تأمین کند.

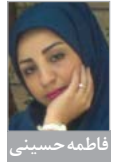
مدیرکل مدیریت بحران لرستان افزود: استاندار لرستان و همچنین جمعیت هلال‌احمر استان بارها پیگیری‌های لازم را برای تکمیل مجتمع امداد هوایی لرستان در تهران داشته‌اند و اگر مشکلات مالی در کشور حل شود به‌طور حتم اعتباراتی را هم به این پروژه اختصاص خواهند داد.

● وعده‌های چندین ماهه برای تکمیل مجتمع امداد هوایی لرستان

آریایی با اشاره به اینکه لرستان، استان معین تعدادی از استان‌ها و همچنین معین دوم استان تهران در حوادث گفت: اگر خدایی نکرده اتفاقی رخ دهد باید این استان‌ها را حمایت و پشتیبانی کنیم.

وی بیان داشت: هرچه زودتر این مجتمع امداد هوایی در استان در بحث پاسخگویی به بحران به بهره‌برداری برسد برای ما بسیار مؤثر و مفید خواهد بود.

لرستان به‌عنوان معین استان‌های غربی کشور در حوادث همچنان مجتمع امداد هوایی ندارد تا پروژه در دست اجرای این مجتمع در دلهره حوادثی که خبر نمی‌کند برای تأمین اعتبار بال‌بال بزند.



فاطمه حسینی

استان لرستان با توجه به شرایط توپوگرافی و جغرافیایی مستعد وقوع حوادث مختلف از جمله سیلاب، زلزله، و ... است و همین امر ضرورت ایجاد مجتمع امداد هوایی در این استان کوهستانی را روشن می‌کند.

● لرستان پرحادثه منتظر احداث مجتمع امداد هوایی

این در حالیست که مراسم آغاز به کار پروژه مجتمع امداد هوایی لرستان در تاریخ هشتم آذرماه سال ۹۳ برگزار شد اما با گذشته دو سال هنوز زمینه عملیاتی شدن این پروژه در استان فراهم نشده و همواره مردم شاهد وعده‌های مسئولان امر از جمله مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان برای افتتاح آن بوده‌اند. مجتمع امداد هوایی لرستان ظرفیت پذیرش پنج بالگرد امدادی را دارد و علاوه بر ارائه خدمات امداد هوایی در لرستان، در مواقع بحرانی می‌تواند به استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و همدان نیز امدادسانی کند. گفته می‌شود جمعیت هلال‌احمر کشور امسال به خرید پنج فروند بالگرد امدادی جدید ۴۱۲ اقدام کرده است که با پیگیری‌های انجام شده قول مساعد برای استقرار یک فروند از این بالگردها در استان داده شده است.

● جمعیت هلال‌احمر باید به تعهدات خود عمل کند

رضا آریایی مدیرکل مدیریت بحران لرستان در رابطه با پروژه مجتمع امداد هوایی لرستان در سخنانی اظهار داشت: ۱۲ میلیارد ریال برای احداث راه دسترسی این مجتمع از سوی استانداری لرستان تأمین و پرداخت شده است. وی بایان اینکه احداث بقیه سازه‌های مجتمع امداد هوایی لرستان در اختیار جمعیت هلال‌احمر استان است عنوان کرد: مقرر شده که هلال‌احمر از محل اعتباراتی که به‌صورت متمرکز در قانون بوده به‌صورت سالانه برای احداث این گونه مراکز در اختیارش قرار می‌گیرد اقدام به تأمین اعتبار موردنیاز آن کند. مدیرکل مدیریت بحران لرستان بیان داشت: ظرف دو تا سه سال گذشته قسمتی از این اعتبارات تأمین شده و کار جلو رفته است.

آریایی بایان اینکه جمعیت هلال‌احمر تأمین‌کننده احداث انبارها، سوله‌ها و ساختمان اداری این مجتمع است تصریح کرد: استانداری لرستان در قبال احداث این بخش‌ها هیچ‌گونه

سیاه، سفید و خاکستری حاشیه‌نشینی؛ کوچه «غربت‌ها» چطور نجف ۲۹ شد



نامش «کوچه غربت‌ها» است، هنوز بدون هیچ تابلویی به همین نام شهرت دارد اما ماجراهایش حالا فرق کرده؛ فرقی از غربت تا نجف ۲۹؛ هنوز کار برای انجام شدن هست اما آنچه انجام شده هم کار کمی نیست.



یاسر ظریفی

به دیوارهایش که نگاه می‌کنی هنوز آثار بندهای تخریب‌شده ساختمان‌ها را می‌توانی ببینی. باینکه دیوارها رنگ‌شده‌اند و مدت‌هاست که دیگر اثری از سیاهی و تاریکی نیست اما به سراغ مردم محله که می‌روی، به‌خوبی به یاد دارند که تا چندی پیش محل زندگی خود و رفت‌وآمد خانواده‌شان چگونه بود. حتی شاید به‌سختی می‌شد کلمه زندگی را به شرایط آنجا اطلاق کرد.

در آن روزها، یا جرأت نداشتی از این کوچه و محله بگذری و یا باید دلت را به دریا می‌زدی و خود را برای دیدن هر آسیب اجتماعی آماده می‌کردی و سپس قدم می‌گذاشتی به جایی که امروز «نجف ۲۹» نامیده می‌شود. «کوچه غربت‌ها» تابلو ندارد، اما تا دلت بخواهد شهرت دارد برای خریداران و فروشندگان مواد مخدر. تا همین چند وقت پیش تبدیل به بورس شده بود برای خریدوفروش مواد مخدر و مأمونی برای معتادان. همه مدلیش را می‌توانستی پیدا کنی، از سنتی تا صنعتی، از کمیاب و نایاب تا سیگاری که در دسترس همه قرار دارد. مصرف‌کنندگان مواد مخدر انگار سندان این محله را به نام خود زده بودند و آرامش هم که هیچ، ساکنان نجف ۲۹ در خیابان توس ۶۵ مشهد، معنای نامنی و نداشتن آرامش را به‌خوبی می‌دانند و حس کرده‌اند اما حالا و یا حداقل در ظاهر، نجف ۲۹ تغییر کرده است، بسیار متفاوت‌تر از قبل. ماجرا از دو سال پیش شروع شد؛ وقتی همه همت کردند تا یک محله را از حاشیه‌نشینی و آسیب‌هایش نجات

دهند؛ قرار نیست همیشه دنبال نقاط تاریک رفت؛ حالا سراغ نقطه سیاهی رفته‌ایم که این روزها خاکستری روشن شده است؛ هنوز کار برای انجام شدن هست اما آنچه انجام شده هم کار کمی نیست.

● کوچه غربت‌ها به وقت یک صبح تابستانی

هوای صبح تابستانی نیمه ابری است و ساعت تقریباً از ۹ گذشته، گمان نمی‌کنی که بتوانی با خودرو وارد نجف ۲۹ شوی و مکان امنی را برای پارک خودرو بیابی اما به‌سادگی وارد کوچه می‌شوی و درست در ابتدای همان کوچه غربت‌های سابق، خودرو را متوقف می‌کنی. حالا به‌خوبی می‌توانی ببینی آن کوچه باریک با ساختمان‌های قلک مانند که محل اصلی تجمع معتادان بود، حالا به یک کوچه وسیع و پاک و کاملاً باز تبدیل شده است. حالا به‌خوبی می‌توانی ببینی آن کوچه باریک با ساختمان‌های قلک مانند که محل اصلی تجمع معتادان بود، حالا به یک کوچه وسیع و پاک و

کاملاً باز تبدیل شده، خانه «جبارسینگ»، موادفروش معروف محله دیگر رونقی ندارد و دیوارها، رنگ سفید به خود گرفته‌اند. اگر مسیرت را تا انتهای نجف ۲۹ ادامه دهی، زندگی را جاری در رگ‌های کوچه‌ها خواهی یافت، یکی منزلش رامکانی برای برپایی نماز جماعت قرار داده، آن یکی ملک شخصی‌اش را برای تأمین امنیت به نیروهای بسیج سپرده اما این خانه هم‌اکنون خالی است. باوجود همه این تغییرات، زندگی مردم در کوچه غربت‌ها هنوز هم خاکستری است، مشکلات تام و تمام حل نشده و هنوز هم پس از گذشت ساعاتی از صبح، کم‌کم سروکله همان ساقی‌های قدیم در کوچه پیدا می‌شوند و زیرپوست محله شروع به خزیدن می‌کنند، رفت‌وآمدهای مشکوک هنوز دل ساکنان محله را به درد می‌آورد و پاتوق‌های معتادان، هرچند کوچک‌تر از قبل، هنوز هم به راه است. کوچه غربت‌های دیرروز و نجف ۲۹ امروز جزو مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد است که تا دو سال پیش یکی از ناامن‌ترین مناطق حاشیه‌ای مشهد و معدن خریدوفروش مواد مخدر بود، باینکه اقدامات متعددی از سوی شهرداری مشهد و برخی دیگر از نهادهای ذی‌ربط برای پاک‌سازی این محله انجام شده اما انگار هنوز هم به توجه نیاز دارد و رسیدگی، هنوز هم باید به ساکنان این محله فکر کرد و برای آن‌ها چاره اندیشید تا طعم امنیت را به‌طور کامل احساس کنند و درد حاشیه‌نشینی بر دوششان سنگینی نکند.

● حاشیه‌نشینی در پایتخت معنوی جهان اسلام

مطابق یک مطالعه انجام شده ۱۳۰ هزار بافت نابسامان غیرشهری در قالب بافت‌های روستایی، فرسوده و غیررسمی در کشور وجود دارد که حدود ۱۱ میلیون نفر در این مناطق زندگی می‌کنند، عمیق آسیب‌های ناشی از حاشیه‌نشینی آنجا روشن می‌شود که بدانیم ۳۰ درصد از جمعیت حاشیه‌نشینان را جوانان تشکیل می‌دهند. مناطق حاشیه‌نشین به دلیل مهاجرت، فقر، بیکاری، کمبود سکونتگاه، سرانه درآمد پایین و ... همواره با آسیب‌های زیادی مانند اعتیاد، توزیع مواد مخدر، سرقت، فساد و ... مواجه هستند. مناطق حاشیه‌نشین به دلیل مهاجرت، فقر، بیکاری، کمبود سکونتگاه، سرانه درآمد پایین و ... همواره با آسیب‌های زیادی مانند اعتیاد، توزیع مواد مخدر، سرقت،



محلها تشکیل شد و با کمک این کارگروه مسابقه بازی‌های بومی و محلی را برای نوجوانان و جوانان منطقه به راه انداختیم که خوشبختانه با استقبال فراوان اهالی مواجه شد.

انتظام تأکید می‌کند: ما به مردم یاد دادیم که مطالبه گر باشند، حقوق خود را پیگیری کنند و جلوتر از مسئولان و مدیران حرکت کنند زیرا مردم بهترین پشتوانه و نیروی محرکه مسئولان هستند، در حال حاضر نیز بیشتر فعالیت‌های ما را در بحث فرهنگی مردم و تشکل‌ها انجام می‌دهند.

شهردار منطقه دو مشهد هم از احداث و توسعه بوستانی با مساحت ۶۵۰۰ مترمربع در نجف ۲۹ خبر داده و می‌گوید: محله غربت‌های دیروز و نجف ۲۹ امروز در گذشته محل تجمع معتادان، خلاف‌کاران و اراذل اوباش بوده است اما در حال حاضر این محله از وضعیت قبلی خارج و به محله‌ای پاک و سالم تبدیل شده است.

محمدرضا قلندر شریف اضافه می‌کند: دو سال گذشته به همت سپاه، ناحیه مقاومت بسیج سلمان و نیروی انتظامی این محله پاکسازی شد.



● کوچ معتادان و مسئله‌ای که همچنان باقیست

اما ساماندهی یک محله حاشیه‌نشین پایان راه نیست، ماجرای حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن آن‌قدرها عمیق شده که باید همه متولیان بسیج شوند و اقدامات دامن‌دار ادامه داشته باشد.

شاید محله غربت‌ها از حضور و رفت‌وآمد معتادان پاک‌شده باشد و به محله نجف ۲۹ تغییر هویت داده باشد اما سؤال هم‌اکنون این است که این معتادان حالا به کجا رفته‌اند؟ در کدام یک از نقاط شهر «کوچه غربت‌های» دیگری ساخته‌اند و حالا باید کدام نقطه از مناطق حاشیه‌ای مشهد دوباره پاکسازی شود. پاسخ به این سؤالات و حل ریشه‌ای این معضل شاید بتواند گامی باشد در راستای پاک‌سازی شهرمان از دامن اعتیادی که می‌سوزاند و نابود می‌کند.

در این شهر تنها این کوچه غربت‌ها نیست که در گیر انواع معضلات اجتماعی و اعتیاد بوده است، درد حاشیه‌نشینی همچنان ساکنان این مناطق را رنج می‌دهد و رفع آن توجه می‌خواهد.

این طریق به برادرانمان در سپاه متصل شدیم. انتظام همچنین با اشاره به تشکیل کارگروه پیشگیری از اعتیاد در ناحیه ۳ منطقه دو شهرداری مشهد می‌گوید: در این کارگروه نمایندگانی از سپاه، نیروی انتظامی، بهزیستی، حوزه شهردار و شورای اجتماعی محله‌ها حضور داشتند که پیگیری‌های لازم را برای پاکسازی کوچه غربت‌ها انجام دادند و در سال ۱۳۹۳ این منطقه به‌طور کامل پاکسازی شد.

وی نقاطی از دیوارهای کوچه را نشان می‌دهد که به دلیل مصرف مواد مخدر و دود حاصل از آن سیاه شده‌اند و باوجود رنگ‌آمیزی چندباره دیوارها، هنوز کمی از اثرات آن برجای مانده است.

ابتدای کوچه نیز قرار است برای احداث خانه محله در اختیار ستاد توانمندسازی استان قرار داده شود که ظاهراً اعتبار لازم برای احداث آن، تأیید شده و بنای آن در حال طراحی است.

مسئول ناحیه سه منطقه دو شهرداری مشهد درباره علت تعطیلی پایگاه بسیج محله نجف می‌گوید: حضور نیروهای بسیج در این محله به حفظ امنیت محله و عدم رفت‌وآمد

فساد و... مواجه هستند اما آنچه باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد این است که این آسیب‌ها علاوه بر اینکه افراد ساکن در این مناطق را تهدید می‌کند بلکه وارد شهرها نیز می‌شود و تمامی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همچنین بر اساس برخی تحقیقات شهر مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر کشور، در حال حاضر میزبان بیش از یک میلیون نفر حاشیه‌نشین است که در ۶۰ هسته جمعیتی به وسعت سه هزار و ۲۰۰ هکتار زندگی می‌کنند. این در حالیست که برخی آمارهای استانداری خراسان رضوی نیز حکایت از آن دارد که مشهد بعد از تهران بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین را دارد به طوری که حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت ۳.۵ میلیونی این شهر در مناطق حاشیه‌ای ساکن هستند و از خدمات رفاهی و شهری کمتری نسبت به سایر نقاط برخوردارند. پیش‌ازاین خبرگزاری مهر در گزارشی با تیتراژ «حاشیه‌های تلخ فقر؛ زنان و کودکان شب‌ها کابوس می‌بینند» به برخی مشکلات مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد پرداخت و راه‌حل رفع مشکل در هماهنگی بین بخشی و دغدغه‌مندی همه مسئولان اعلام کرد، تجربه‌ای که خود را در ساماندهی کوچه غربت‌ها نشان داده است، جایی که سپاه به کمک دستگاه‌های اجرایی آمده تا اینجا هم اثرگذار باشد.

● ساخت فضای سبز در نجف ۲۹

به رغم اینکه دو سالی از ساماندهی این محله حاشیه‌نشین می‌گذرد اما گویا قرار است امکانات جدیدی برای استفاده اهالی به نجف ۲۹ بیاید، چیزی که مسئول ناحیه سه منطقه دو شهرداری مشهد درباره آن می‌گوید: زمین کوچه غربت‌های سابق قرار است به فضای سبز تبدیل شود که هم‌اکنون کار طراحی آن به اتمام رسیده است و عملیات احداث آن طی سال جاری، آغاز می‌شود و تلاش ما بر این است که تا پایان بهار سال ۱۳۹۶ به اتمام برسد.

علی‌اکبر انتظام می‌افزاید: همچنین ۵۰۰ متر از این کوچه را در اختیار سپاه قرار داده‌ایم تا هم جنبه حفاظتی منطقه مورد توجه قرار گیرد و هم یک سوله ورزشی برای استفاده مردم احداث شود، طرح پاکسازی محله را از ۱۱ بهمن سال ۱۳۹۱ آغاز شد و سرانجام در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۳ توانستیم به نتیجه مطلوب برسیم.

وی ادامه می‌دهد: در همان سال ۱۳۹۱، توانستیم رأی قلعه بنای ۵۰ ساختمان این کوچه که به پاتوق معتادان تبدیل شده بود را بگیریم. این مکان‌ها در واقع ساختمان‌هایی بودند که مالکانشان آن‌ها را رها کرده و به مرکز تجمع، مصرف، سکونت و خوابگاه معتادان تبدیل شده بود اما پس از تخریب این بناها، معتادان در زمین خالی انتهای محله، جمع شدند.

انتظام می‌گوید پس از تخریب ساختمان‌های کوچه غربت‌ها و تجمع معتادان در زمین خالی انتهای کوچه، شرایط قبل همچنان ادامه داشت، مثلاً خانمی در حال فروختن مواد بود و یا نوجوانان ۱۰، ۱۱ ساله کریستال می‌فروختند، خلاصه هیچ‌کس از هیچ کاری دریغ نداشت.

● تجربه‌ای که نیازمند تکرار است

شهردار ناحیه ۳ اما به هماهنگی شهرداری با مجموعه سپاه و نیروی انتظامی اشاره کرده و می‌گوید: اولین اتفاق مبارک در جریان پاکسازی کوچه غربت‌ها، اتحادی بود که بین شهرداری، نیروی انتظامی و سپاه شکل گرفت، پس از شروع این حرکت توسط شهرداری، جلسه‌ای با نماینده امام‌جمعه مشهد در امور حاشیه شهر برگزار شد و ما از

معتادان کمک فراوانی می‌کرد اما بنا به دلیلی تا مدتی محل استقرار آن‌ها خالی بود.

وی می‌افزاید: خوشبختانه در همین دو روز گذشته، نیروهای بسیج مردمی در پایگاه دیگری درست در مقابل کوچه غربت‌ها مستقر شده‌اند که این امر رضایت مردم را به دنبال داشته است. همچنین در همان روز استقرار، چندین خانه مخفی که محل خریدوفروش مواد مخدر بود، پاکسازی و پلمب شد.

● احداث مرکز کارآفرینی در محله نوده

انتظام ادامه می‌دهد: یکی از مشکلاتی که در بین مردم این منطقه از شهر وجود دارد، فقر اقتصادی خانواده‌ها است بنابراین ما مرکز کارآفرینی را در محله نوده تأسیس کردیم که هم‌اکنون ۸۰۰ زن سرپرست خانواده در آنجا عضو هستند و تلاش کردیم تا به این شکل به اقتصاد خانواده‌ها و کاهش آثار اجتماعی فقر کمک کنیم.

وی می‌گوید: کارگروهی با عنوان کارگروه ورزش و تفریحات سالم با حضور اعضای شورای اجتماعی

سیل و صاعقه و طوفان در شمال ایران؛ باران به کدام استان‌ها سر زد؟



«قطره قطره جمع گردد، وانگهی سیلاب شود»، این حکایت سیل و صاعقه و طوفان در شمال ایران است، بارندگی‌هایی که حالا هم چند کشته دارد، هم مجروح و هم احتمالاً میلیاردها تومان خسارت.

هواشناسی از باران و رعد و برق در شمال ایران خبر داده بود، بارانی که با استمرار چندین ساعته سیل به راه انداخت، مازندران‌ها شب و روز گذشته را با خسارت طوفان به سر کردند و تعداد کشته‌های صاعقه در گلستان هم به چهار نفر رسید.

اما همه ماجرای سیل قربانیان آن نیست، در مازندران قطعی برق ۲۵ درصد مشترکان این استان را با مشکل مواجه کرد و خبرهایی از قطع آب در برخی مناطق نیز مخابره شد، از صبح جمعه تیم‌های امداد و نجات راهی روستاها شده و مشغول برآورد خسارات سیلاب و طوفان در مناطق مختلف هستند.

اوضاع سمنان و خراسان شمالی هم پنجشنبه و جمعه بارانی شد، ستاد حوادث در استان‌های شمالی حالا درگیر رتی و فتق کردن مصائب سیلاب است، حادثه‌ای که هم جان آدم‌ها را گرفت و هم گنجشک‌ها را به کام مرگ کشاند تا صحنه‌های غمناکی را رقم بزند.

● گلستان به وقت سیل و صاعقه

در استان گلستان به گفته مدیرعامل جمعیت هلال احمر به ۸۰ حادثه دیده امدادرسانی شده است تا حسین احمدی در جزئیات این عملیات بگوید: گزارش‌های اولیه سیل از ساعت ۶ صبح جمعه اعلام شد و بیشتر خسارت‌های وارد در شهرستان‌های گرگان، کردکوی، بندرگز و مراوه‌تپه بوده است.

وی همچنین از مرگ سه نفر در مراوه برائر سیل و یک نفر در قزله آق امام برائر صاعقه خبر داده و در مورد مجروحان این حادثه نیز یادآوری کرده است که ۱۲ نفر از مصدومان به مراکز درمانی منتقل شده و امداد رسانی همچنان ادامه دارد.

اوضاع سیل و غافلگیری مسافران در گرگان به گونه‌ای است که فرمانداری گرگان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مدارس شیخ فضل الله نوری و نمونه استرآبادی آماده اسکان مسافرانی است که در بارندگی روز جمعه سرپناهی نداشتند.

مدیرکل مدیریت بحران استان هم از بررسی میزان خسارت‌های وارد شده توسط سیلاب و باران به استان گلستان خبر داده و گفته است: در حال حاضر تمام مسیرهای استان گلستان باز است، اما به دلیل حضور مسافران شاهد ترافیک در خروجی‌های شهر گرگان هستیم.

خسارت به شبکه برق گلستان هم از دیگر مشکلات ناشی از وقوع سیلاب بود و مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان بایبان این که برق ۴۰ خط فشار متوسط در گلستان برائر طوفان قطع شده، از اعزام نیرو به مازندران خبر داد.

علی‌اکبر نصیری، افزود: طوفان به شبکه برق بندرگز، کردکوی، گرگان و آق‌قلا را آسیب زد. مدیرکل هواشناسی استان گلستان هم از ادامه بارندگی و رگبار پراکنده تا روز شنبه خبر داده و البته پیش‌بینی کرده است که دمای هوا در این استان از روز یکشنبه افزایش یابد.

● مازندران به وقت طوفان

در استان مازندران هم طوفان تا می‌توانست خرابکاری کرد به طوری که تندباد ۱۳۰ کیلومتر بر ساعت بامداد جمعه به بیش از ۵۰ واحد مسکونی در ۹ روستای بخش مرکزی و سرخ‌رود خسارت وارد کرد.

رئیس ستاد مدیریت بحران شهرستان محمودآباد هم از خسارت ۸۵ درصد به طرح‌های سالم‌سازی دریا در شهرستان محمودآباد خبر داده و گفته است: مسافرانی که شب گذشته به منظور استفاده از دریا در سواحل استقرار داشته‌اند به یک‌باره توسط این تندباد غافلگیر و در اثر واژگون شدن آلچیق‌های ساحلی ۵ نفر مصدوم شدند. مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان مازندران هم از امدادرسانی به ۱۰۹ روستای آسیب‌دیده ناشی از تندباد خبر داده و یادآور شده است که این روستاها در شهرستان‌های آمل، ساری، بابل، جویبار، بهشهر، سوادکوه، قائم‌شهر، نور، نوشهر، بندپی و بابلسر قرار دارند.

اکبری تعداد خانوارهای آسیب‌دیده را ۱۳۷۶ خانوار اعلام کرد و گفت: در نخستین ساعات بروز طوفان شدیدی که با سرعتی بالغ بر ۱۳۰ کیلومتر بر ساعت در جریان بود، پس از برآورد خسارات ایجاد شده، ۳۵ اکیپ عملیاتی با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از همکاران و نیروهای پیمانکاری در محل بحران حاضر شده و در حال انجام اقدامات اصلاحی هستند.

همچنین مدیرعامل شرکت توزیع برق مازندران هم صبح جمعه گفت که برق ۲۵ درصد مشترکان استان به دلیل تندباد شدید و خسارت‌های ایجاد شده قطع است.

وضعیت شبکه برق مازندران در حالی بحرانی شد که اداره کل هواشناسی مازندران اعلام کرد: بیشترین تندباد با سرعت ۱۳۰ کیلومتر در شهرستان قائم‌شهر ثبت شده که البته لحظه‌ای بوده است. همچنین شدت این تندباد در شهرهای آمل ۹۴ کیلومتر، نوشهر ۶۵ کیلومتر و ساری ۸۰ کیلومتر بر ساعت ثبت شده است.

مطابق پیش‌بینی هواشناسی هوای فردای مازندران نیمه‌ابری و ابری گزارش شده است. اما بارندگی‌های ۴۸ ساعت گذشته به دو استان گلستان و مازندران ختم نشد و برخی دیگر از استان‌های شمالی کشور هم شاهد ریزش‌های جوی بودند.

● خسارت به مزارع کشاورزی خراسان شمالی

در خراسان شمالی مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان شمالی با اشاره به بارش باران و وقوع سیلاب در مناطقی از شهرستان‌های این استان، گفت: سیلاب به برخی از مزارع کشاورزی این استان خسارت زد.

حسین عظیمی گفته است: سیل به برخی از محصولات کشاورزی منطقه دشت، بیدک، جیرگلان و روستای نوار مرز دچار خسارت زد.

وی افزود: بارش شدید باران شب پنجشنبه در منطقه دشت مانده و سلقان به برخی از محصولات کشاورزان از جمله محصولات کشت دوم و صیفی جات، خسارت‌هایی وارد کرد. عظیمی به جاری شدن سیل در رودخانه چندیر جیرگلان نیز اشاره و گفت: در منطقه جیرگلان و روستای نوار مرزی این شهرستان نیز وقوع سیلاب گزارش شده که به جز خسارت جزئی به تأسیسات، خسارات دیگری از جمله مشکل تردد و رفت‌وآمد وجود نداشته است.

وی با اشاره به اینکه ارتباط بین جاده‌های در تمام مناطق سیل زده برقرار است، گفت: نیروهای امدادی راه و شهرسازی، هلال احمر و... همواره آماده خدمت در مسیرها مستقر هستند؛ اما خوشبختانه تاکنون گزارشی مبنی بر انسداد جاده‌های در مسیر تردد مسافران و نیز جاده‌های روستایی اعلام نشده است.

● بارش پراکنده باران در سمنان

در استان سمنان هم بارش‌های پراکنده باران گزارش شد تا بارش باران در مناطق بیلاقی مانند جنگل ابر باعث شود که گردشگران از ساعات ابتدایی صبح جمعه غافلگیر شده و نیروهای امدادی و هلال احمر برای حوادث احتمالی به حالت آماده‌باش درآیند.

گزارشی از وقوع سیل در شاهرود تاکنون مخابره نشده اما مناطقی مانند مجن، ابر و شاهکوه شاهد باران تابستانی بودند.

نگاهی به نقشه‌های هوایی نشان می‌دهد که با وجود رسیدن سامانه کم‌فشار بارشی به میامی و خروج بخشی از آن در نواحی شرقی استان، حضور این سامانه همراه با ابرهای بارشی همچنان طی ساعات آتی نیز ادامه داشته

مطمئنانه، توجه به جلو و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی توجه داشته باشند.

● آخرین وضعیت محورهای بارانی

پلیس راه راهور ناجا در آخرین گزارش از وضعیت راهها اعلام کرده است که استان های گیلان (اکثر محورها) و مازندران (محورهای هراز و فیروزکوه) شاهد بارش پراکنده باران هستند.

همچنین پلیس راهور یادآور شده است: ترافیک در استان گیلان (محور رودبار-منجیل)، محورهای هراز (شمال به جنوب محدوده های پارک جنگلی آمل، چالو، لاسم، تونل تکاور و نظریه)، فیروزکوه (محدوده های شیرگاه و جوارم)، باند جنوبی آزادراه کرج-قزوین (از پیش آهنگی تا پل فردیس) و باند جنوبی آزادراه تهران-کرج (از پل فردیس تا پل کلاک) سنگین گزارش شده است.

۱۸ شهرستان استان های مازندران، گلستان و سمنان تحت تأثیر سیل و آب گرفتگی قرار گرفته است رئیس سازمان امداد و نجات هم با اعلام گزارش سیل و آب گرفتگی و طوفان تا ساعت ۱۷ روز جمعه (۱۲ شهریور)، گفت: ۱۸ شهرستان استان های مازندران، گلستان و سمنان تحت تأثیر سیل و آب گرفتگی قرار گرفته است.

ناصر چرخ ساز با اشاره به وقوع سیل و آب گرفتگی در شهرستان های قائم شهر، سوادکوه، آمل، بابل، ساری، جویبار، نور، بابلسر، بندپی، کلاله، آق قلا، بهشهر، بندرگز، کردکوی، نوشهر، مینودشت، گرگان و شاهرود در استان های مازندران، گلستان و سمنان، افزود: بر این اساس به ۴ هزار و ۷۲۳ نفر از هموطنان با به کارگیری ۵۹ تیم عملیاتی شامل ۲۲۸ امدادگر و نجات گر خدمات لازم ارائه شد.

معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر هم که به دنبال درگیر شدن استان های شمالی کشور با سیل و آب گرفتگی به منظور بررسی مناطق و روند امداد رسانی به استان مازندران سفر کرده بود، گفت: در حال حاضر با وجود استمرار بارندگی ها، اما همچنان امداد رسانی به هموطنان ادامه دارد و نهادهای متولی در حال تلاش برای اتصال برق و تلفن در مناطق تحت تأثیر سیل و آب گرفتگی و طوفان است.

باران، صاعقه، سیلاب و طوفان در شمال کشور امروز در حالی رقم خورد که تهرانی ها هم شاهد وزش باد شدید، گردوغبار و کاهش میدان دید بودند، موضوعی که اعلام شده احتمالاً طی روزهای آینده در شهرستان های جنوب شرق استان تهران از جمله قرچک، پاکدشت، پیشوا و ورامین ادامه دارد.



انواع تریلر، کامیون و کامیونت از محور کرج - چالوس، اظهار کرد: تردد انواع خودروها از ساعت ۱۵ امروز، جمعه دوازدهم شهریورماه تا ساعت ۱ بامداد شنبه سیزدهم شهریورماه از کرج به سمت مرزن آباد (شمال به جنوب) ممنوع شد. وی از رانندگان خواسته است که با حفظ آرامش و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی از بروز هرگونه حادثه جلوگیری کرده و سفری ایمن را رقم بزنند.

● بارندگی در محورهای اردبیل

محدودیت ترافیکی در محور چالوس در حالی است که رئیس پلیس راه استان اردبیل از تداوم بارندگی در تمام محورهای مواصلاتی این استان و لغزندگی جاده ها خبر داد. حجت فتحی تصریح کرد: امروز جمعه محورهای اردبیل - استارا، گرمی - بیله سوار، پارس آباد - مشگین شهر و خلخال اسلام خیس و لغزنده بوده و بارش باران تداوم دارد.

وی افزود: در محور صائین مسیر نبر به سراب نیز جاده مه آلوده و خیس و لغزنده است به طوری که احتیاط در تردد مسیره های ذکر شده ضروری است.

رئیس پلیس راه استان با اشاره به حضور پلیس راه در تمامی محورهای مواصلاتی تأکید کرد: انتظار می رود به دلیل تغییرات ناگهانی شرایط جوی رانندگان به رعایت سرعت

باشد، از سوی دیگر هواشناسی احتمال افزایش بارش تا ساعات آغازین روز شنبه را رد نمی کند. با وجود آغاز موج پایانی سفرهای تابستانی و بارش های پراکنده به خصوص در ارتفاعات به نظر می رسد شرایط جوی به خصوص در محورهایی مانند آهوان، توسکستان، خوش بیلاق، فولاد محله و کیاسر به سرعت تغییر کرده و برای مسافران به ویژه افراد ناآشنا به محورهای این استان، دردسرساز شود.

با این توصیف مسافرانی که قصد تردد در محورهای استان سمنان را دارند، باید در انتخاب ساعت و زمان مناسب حرکت، اطلاع از وضعیت راهها و هواشناسی، مشورت با نیروی انتظامی، استراحت کافی پس از رانندگی ۹۰ دقیقه ای، اطمینان حاصل کردن از فیزیک و سلامت خودرو، همراه داشتن تجهیزات و سوخت کافی را مورد توجه قرار دهند.

● وضعیت جاده چالوس

وضعیت بارش های شمال کشور در حالی است که رئیس پلیس راه استان البرز از یک طرفه شدن جاده کرج - چالوس خبر داده و گفته است: در حال حاضر شرایط جوی محور آرام و عادی است.

سرهنگ رضا اکبری با اعلام محدودیت های ترافیکی محورهای مواصلاتی استان، و با اشاره به ممنوعیت تردد



کودکانی خاموش در دل شهر / اعتیاد بر سر کودکان کار سایه افکنده است



چاره ی دیگری نداشتیم... به سراغ قلکم رفتیم. این قهرمان کوچک می گوید: پدر عصبانی بود و می ترسیدم به او نزدیک شوم اما این کار را کردم، قبل از هر چیز قلک را به سوی او گرفتم و همزمان گفتم: با پول های این قلک برای خودت قرص بخر. پدر سریع قلک را گرفت. با شمردن هر اسکناس در دل من قطره اشکی ریخته می شد چون من آنها را به سختی برای خریدن هدیه روز مادر پس انداز کرده بودم و حالا...
ظاهراً پدر دیگر تهدید نمی کند، از خانه بیرون می رود بی آنکه در را قفل کند و علی از پشت پنجره شاهد دور شدن او است، لحظاتی بعد علی در حال دویدن در کوچه است. انگار می داند کمی دورتر، کسی کنار پنجره در انتظار رسیدن او بی قراری می کند و کسی نمی داند او امشب بهترین کادو را به مادرش هدیه می دهد...

● ترس همراه همیشگی کودکان خانواده های معتاد

زندگی در فضای خطرناک و ملتهبی که کودکان خانواده های معتاد با آن درگیر هستند سبب می شود تا آنها همیشه و همواره با ترسی پنهان زندگی و کار کنند و عدم اعتماد به والدین معتاد نگرانی آنها را تشدید می کند.
به راستی چنین کودکانی پس از ورود به مرحله نوجوانی و جوانی و حضور بیشتر در اجتماع با چه مشکلاتی رو به رو خواهند شد؟ چه حوادث پیش بینی نشده ای در انتظار آنها است؟ آیا ممکن است این افراد نیز همان الگوهای رفتاری والدین معتادشان را در پیش بگیرند؟
علی تنها نمونه ای از کودکانی است که در گوشه و کنار این شهر اسیر شب های تاریک هستند، روزها کار می کنند و شبها هر لحظه بیم تهدیدهای والدین معتاد را دارند. کار در سن کم و زندگی در فضایی مملو از حس ناخوشایند اعتیاد هر لحظه زندگی این کودکان را تهدید می کند.
پسرک آنشب توانست نجات یابد و به گفته خودش از شاید مرگی وحشتناک بگریزد اما آیا تضمینی وجود دارد که این خطرات شب های دیگر به سراغش نیاید؟ آیا «علی» های شهرمان می توانند در چنین سن کمی، بار ترس و حس نا امنی را به دوش بکشند؟

دیدن کودکانی که هر روز سرچهارراهها هستند و مشغول کار، شاید کلیشه باشد اما در پس قدم زدن های آنها و تلاششان برای در آوردن لقمه نانی، چیزهای دیگری نهفته است.



یاسر ظریفی

پسرک در حالیکه هراسان پشت سرش را نگاه می کند، می دود. نمی داند نگرانی اش بیهوده است زیرا تنها تاریکی است که در این وقت شب او را دنبال می کند. او حتی به خودش فرصت نفس تازه کردن هم نمی دهد.
از سوی دیگر، مادری پشت پنجره ایستاده، در حالیکه سعی می کند اشک هایش را از دختر دو ساله اش مخفی نگه دارد. این موقع شب چه چیزی او را کنار پنجره کشانده است؟
مادر سرش را رو به آسمان گرفته و از ماه می خواهد امشب کمی مهربان تر باشد و زمین را بیشتر غرق نور کند، در همین لحظه در عمق تاریکی چشمش به جنبه ای می افتد که نزدیک می آید و اتفاق غریبی است حس مادری. مادر سراسیمه از پله ها پایین می دود و در باز می کند. پسرک مقابل او ایستاده و حالا این مادر است که آغوش پرمهرش را بر روی پسرک می گشاید.
شاید برات عجیب باشد که پسرک کم و سن سالی چون «علی» این موقع شب، و در دل تاریکی مطلق از چه فرار می کند و در پی چه چیزی می دود. کارش دویدن نیست، بیشتر راه می رود، بین خودروها و سرچهارراهها راه می رود. علی تا چند وقت پیش روزنامه می فروخت بین خودروها، گاهی تا ساعتها منتظر می ماند تا کسی بوق خودرو را به صدا درآورد و با اشاره ای او را بخواند تا، ۲۰۰ تومان از فروش هر روزنامه نصیبش شود.

دیدن کودکانی که هر روز سرچهارراهها هستند و مشغول کار، شاید کلیشه هر روز باشد و دیدن آنها با آن لباس های کهنه تقریباً برایت عادی به نظر برسد، شاید خودت هم مشتتری خیلی از آنها بوده ای و آنها را برای خریدن گل و روزنامه انتخاب کرده باشی اما این تنها ظاهر ماجراست. تو تنها ظاهر کار کردن این کودکان و نوجوانان را می بینی اما در پس قدم زدن های آنها بین چهارراهها و پیادهروها و تلاششان برای در آوردن لقمه نانی، چیزهای دیگری نهفته است. در دناک و غمبار.

● «علی» قهرمان کوچک

سخن امروز اما درباره روی دیگر زندگی «علی» است، شاید ندانی علی و امثال او چرا باید برای تأمین مخارج خانواده شان کار کنند؟ مگر آنها همچون دیگر کودکان پدری ندارند که به او تکیه کنند و با آسایش از حضورش، دوران کودکی را سپری کنند، مگر مادری ندارند که تکیه گاهشان باشد و در روزهای سخت در کنارشان؟ شاید پاسخش را «علی» بهتر بداند.

حالا تو کنار «علی» هستی، می خواهی درباره آن شب از او بپرسی و بیشتر بدانی دردهای دلش را، می گوئی: چرا با عجله در کوچه ها دویده است، می خواهی خود را به چه چیز برسانی؟

می خواهی حرف بزنی اما انگار می ترسد، انگار ترس با وجود علی عجیب شده و در چشمانش به خوبی خود را نشان می دهد. به تو خیره می شود و سوال می کند: چه بگویم؟ می گوئی: ماجرای آن شب را بگو، آن شبی که با عجله در خیابان ها حرکت می کردی تا خود را به مادرت برسانی؟ چرا آن همه هراسان بودی؟

علی حالا نگاهی به مادر که همچنان سرش را پایین انداخته می اندازد، انگار می خواهد به او می گوید این تو نیستی که باید سر به زیر باشی و شرمسار.
علی اما برایت تعریف می کند: آن شب پدرم حالش خوب

● پس اندازی که خرج خرید مواد مخدر شد

علی ادامه می دهد: آن روز، روز مادر بود و من از مدت ها قبل برای خریدن هدیه برای او برنامه ریزی کرده بودم. اما اتفاقات آن شب و ترس از بلایی که ممکن بود بر سرم بیاید، فکری را به ذهنم انداخت، هر چند دلم شکست اما

شناسایی این کودکان غربالگری ضروری به نظر نمی‌رسد، می‌گویند: از نظر ما در این زمینه، به جای اینکه کودکان را از خانواده‌ها جدا کنیم، باید خانواده‌ها را توانمند کرد تا بتوانند خود سرپرستی فرزندشان را در اختیار داشته باشند. پوریوسف ادامه می‌دهد: بحث توانمندسازی خانواده‌هایی با سرپرستان معتاد صرفاً برعهده بهزیستی نیست، برخی از سازمان‌ها در حال حاضر در این موضوع فعالیت می‌کنند اما پراکنده کاری است و فعالیت متمرکزی در حوزه توانمندسازی این خانواده‌ها انجام نمی‌شود.

● کودکانی که بی صدا خاموش می‌شوند

دل شهر پر است از کودکانی که بی صدا خاموش می‌شوند و شاید تو هرگز نه آنها را نبینی و نه کلامی با آنها کودکان سخن بگویی اما آزارهای روحی و جسمی برای این کودکان همچنان ادامه دارد و ای کاش بدانیم و بدانند که کودک امروز، نسل فردای همین جامعه است.

در معرض خطر صرفاً باید با دستور مقام قضایی در اختیار بهزیستی قرار گیرند و ما نمی‌توانیم کودکان را از خانواده جدا کنیم.

وی می‌افزاید: ما تلاش کردیم کودکان خیابانی و کار را ساماندهی کنیم که این ساماندهی می‌تواند بخشی از آسیب‌های درون خانواده را کاهش دهد اما نمی‌توانیم بدون صدور دستور مقام قضایی کودکان را از خانواده جدا کنیم.

● پراکنده کاری در شناسایی کودکان در معرض خطر

پوریوسف تأکید می‌کند: بهزیستی دارای پایگاه‌های اورژانس اجتماعی است و این پایگاه‌ها کودکان در معرض آسیب جدی را شناسایی می‌کنند اما ما این امکانات را نداریم که بتوانیم تمام کودکانی که در معرض خطر والدین معتاد قرار دارند را شناسایی کنیم و تحت پوشش خود قرار دهیم بلکه اولویت ما با کودکانی است از شرایط وخیم تری رنج می‌برند.

مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی با تأکید بر اینکه در

پاسخ این سوالات را از مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی جویا شده‌ایم:

مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی با اشاره به مکانیسم شناسایی کودکان در معرض خطر والدین معتاد می‌گوید: کارشناسان بهزیستی از چند مسیر نسبت به این قبیل اتفاق‌ها مطلع می‌شوند که یک مورد آن تماس تلفنی با شماره ۱۲۳ توسط مردم و آشنایان فرد در معرض خطر است، تیم ۱۲۳ پس از گزارش در محل مربوطه حاضر می‌شوند، همچنین گزارش‌های دیگری نیز از سوی نیروی انتظامی، بیمارستان‌ها و افراد عادی جامعه صورت می‌گیرد و یا اینکه اورژانس اجتماعی در گشت‌زنی‌های خود این موارد را پیدا می‌کند.

حمیدرضا پوریوسف ادامه می‌دهد: در صورتی که این کودکان در اختیار بهزیستی قرار بگیرند، ما تلاش می‌کنیم با نگهداری آنها در مراکز بهزیستی، آسیب‌های روحی و روانی آنها را جبران کنیم اما نکته اینجاست که کودکان

مرگ ماهیان دریاچه شورابیل در اردبیل / بیماری ویروسی عامل اصلی



می‌شود و گرفتار ویروسی شده است که در فصول بهار و تابستان و هوای گرم از پرندگان انتقال می‌یابد. وی افزود: این ویروس بیشتر ماهیان با اندازه کوچک را تهدید می‌کند و از طریق پرنده و مدفوع آن به ماهی انتقال می‌یابد. با کاهش دمای هوا تهدید این ویروس نیز کاهش خواهد یافت. مدیر کل شیلات استان اضافه کرد: هر چند نگرانی در خصوص وضعیت سلامت آبریزان این دریاچه وجود ندارد اما شیلات استان آهک پاشی سد دریاچه به وسعت ۱۰۰ هکتار را آغاز کرده است. واعظی با بیان اینکه برای هر هکتار ۱۰۰ کیلوگرم آهک صرف می‌شود، متذکر شد: نگرانی سلامت ماهیان پرورشی و شاه میگوی دریاچه را تهدید نمی‌کند. این اظهارات در حالی است که نظرات قطعی بررسی دو دستگاه دیگر می‌تواند به بسیاری از سوالات و احتمالات پاسخ گوید. یکی از این احتمالات آلوده شدن ماهیان با فاضلاب است. موضوعی که دست‌اندازان محیط زیست را به جد نگران کرده است.

احتمال بروز بیماری‌های انگلی و ویروسی در خصوص علت مرگ ماهیان وجود دارد و موضوع بصورت مشترک توسط دستگاه‌های متولی از جمله اداره کل دامپزشکی استان، اداره کل شیلات و آبریزان در حال پیگیری است و نتایج آن اطلاع‌رسانی خواهد شد. در تماس خبرگزاری مهر با اداره کل دامپزشکی استان مشخص شد اقدام مشابه یعنی نمونه‌برداری توسط این اداره کل نیز انجام شده است. صادق صالحی از ارسال نمونه‌ها به آزمایشگاه‌های پیشرفته خبر داد و افزود: طی روزهای آینده نتیجه آزمایشات مشخص می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد سرعت بررسی اداره کل شیلات به مراتب قابل توجه‌تر بوده و مدیر کل این مجموعه با قطعیت علت مرگ ماهیان را بیماری ویروسی عنوان کرد. میرآرمان واعظی تصریح کرد: ۹۹ درصد از ماهیان تلف شده در روزهای اخیر گونه کاراس است که نوعی ماهی هزر محسوب

مرگ ناگهانی تعدادی از ماهیان دریاچه شورابیل بسیاری از دست‌اندازان محیط زیست را شوکه کرد هر چند علت مرگ ماهیان بیماری عنوان می‌شود اما موضوع آلودگی به فاضلاب همچنان نیازمند بررسی است.

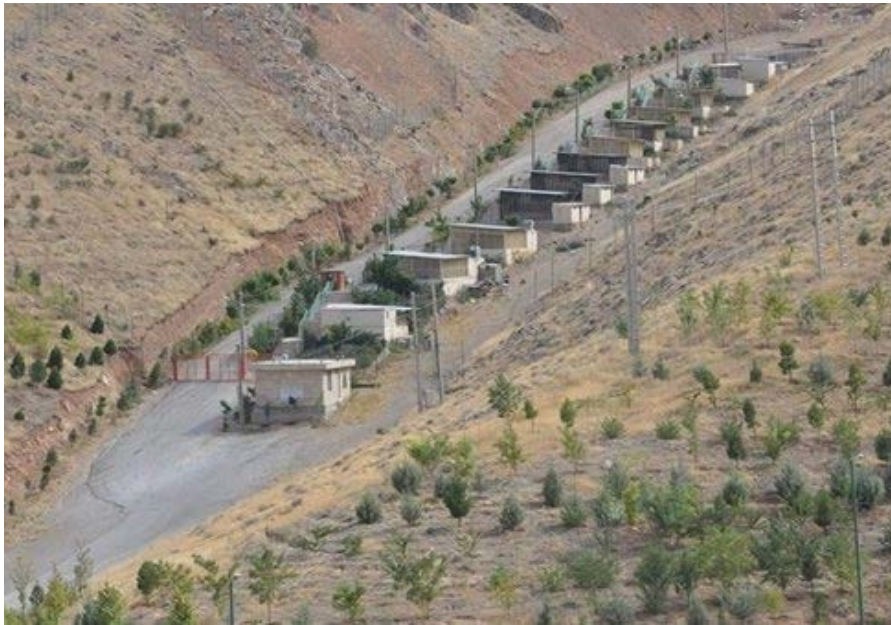


زنوس بهرود

گذشته هر چند توسط سه دستگاه اجرایی بررسی می‌شود اما دو دستگاه هنوز نظرات قطعی خود را مطرح نکرده‌اند. پیگیری خبرگزاری مهر موجب شد تا محیط زیست استان اردبیل نسبت به مطالعه جدی این معضل طبیعی وارد عمل شود و این اداره کل با اعلام خبری سراسری از آغاز به کار آزمایشات فیزیکی و شیمیایی میکروبی خبر داد. مدیر کل محیط زیست استان اردبیل اعلام کرده است که نمونه‌برداری فیزیکی و شیمیایی و میکروبی از آب دریاچه و پایش ورودی فاضلاب‌های تأسیسات همجوار دریاچه، توسط کارشناسان محیط زیست انجام شده و علت تلفات ماهیان در دست بررسی است. محمد خداپرست همچنین تأکید کرد:

منطقه نمونه گردشگری شورابیل یکی از دریاچه‌های نادر درون شهری در کشور محسوب می‌شود که عمری نامشخص دارد. از دیرباز شورابیل محل زیست آبریزان متعدد بوده اما دست‌درازی در طبیعت اطراف دریاچه موجب شده است چرخه‌های زیست محیطی آن تغییر یافته و به نوعی طبیعت حیوانی و گیاهی به واسطه این دخالت‌ها راه خود را گم کند. از سویی ساخت‌وسازهای بی‌رویه در اطراف دریاچه به نام توسعه موجب شده است فاضلاب انسانی و نخاله‌های ساخت‌وساز خود به تهدید جدی دریاچه تبدیل شود. موضوعی که همواره نقطه تیز اتهام را در مرگ ماهیان آبریزان دریاچه متوجه خود ساخته است. مرگ تعداد قابل توجهی ماهی در روزهای

ماجرای باغ وحش خرم آباد؛ جایی بی شباهت به «باغ» برای حیات وحش



وضعیت نامناسب نگهداری حیوانات، مکان یابی اشتباه در شیب تند کوه، تغذیه نامناسب و مرگ گونه‌های جانوری انتقاداتی است که مسئولان و فعالان محیط زیست به وضعیت باغ وحش خرم آباد دارند.



فاطمه حسینی

«تنها یک گوزن، یک قوچ و دو بچه شیر در باغ وحش خرم آباد تلف شده‌اند» این اظهارات متولیان امر در دامپزشکی لرستان است که بعد از رسانه‌ای شدن موجب ابراز نگرانی فعالان محیط زیست شد.

مرگ گونه‌های مختلف جانوری در باغ وحش خرم آباد هر بار که به سر خط رسانه‌ها می‌رود بعد از مدتی تب آن فروکش می‌کند تا با مرگ جانور دیگری دوباره موضوع داغ شده و مسئولان کاسه چه کنم دست بگیرند. بعد از مرگ یک قوچ در باغ وحش خرم آباد، مرگ یک گوزن زرد باردار افکار عمومی را به سمت وضعیت باغ وحش خرم آباد سوق داد، چندی بعد هم دو توله شیر در باغ وحش جان خود را از دست دادند، اما گویا برخی با گره زدن وضعیت این باغ وحش به مسائل حاشیه‌ای اجازه ورود کارشناسی به این مقوله را نمی‌دهند.

در جریان مرگ یکی از این گونه‌های جانوری استاندار لرستان دستور بررسی وضعیت باغ وحش خرم آباد را به اداره کل بازرسی استانداری داد اما هیچ‌گاه این گزارش برای اطلاع اصحاب رسانه منتشر نشد.

همچنین در بازه‌های معاونت عمرانی استانداری لرستان از سوی مدیریت ارشد استان مأمور رسیدگی به وضعیت این باغ وحش شد تا محمد اصلانی با تشکیل جلسات مختلف اقدام به رایزنی با شهرداری خرم آباد برای مدیریت باغ وحش خرم آباد کند، اما این جلسات و رایزنی‌ها ماه‌هاست که ادامه دارد و هنوز تصمیم قطعی در این رابطه گرفته نشد.

این وضعیت در حالی است که در آخرین اظهارات پس از انتقادات مسئولان محیط زیست استان لرستان، رضا حاصلی یکی از اعضای شورای شهر خرم آباد هم خبر از

وی بایان اینکه این بدترین روش برای آموزش مواجهه با حیات وحش بوده و باغ وحش نه تنها باعث آسیب به زنجیره تنوع زیستی دنیا می‌شود بلکه در کنار آن حقوق مربوط به حیوانات نیز زیر سؤال می‌رود گفت: این در حالی است که با نگهداری حیوانات در باغ وحش‌ها حقوق اولیه و طبیعی برای زندگی آن‌ها رعایت نمی‌شود. این کارشناس محیط زیست لرستان با اشاره به فضای محدود و نامناسب در باغ وحش برای حیوانات، رفتارهای خشونت آمیز، دادن غذاهایی خارج از ضوابط به حیوانات از سوی بازدیدکنندگان و ... گفت: این عوامل و موارد در باغ وحش‌ها دیده می‌شود و به این دلیل احداث باغ وحش کار غلطی بوده چرا که با این اقدام با احساس و موجودیت زیست‌مندی بازی می‌شود.

تیزهوش در ادامه سخنان خود به باغ وحش خرم آباد اشاره کرد و گفت: متأسفانه باغ وحش خرم آباد در بدترین جای ممکن احداث شده و شیب این منطقه مناسب باغ وحش و حتی بازدیدکنندگانی که به آنجا می‌روند نیست.

وی عنوان کرد: همچنین متأسفانه فضای بسیار محدودی برای موجودات در نظر گرفته شده و حیواناتی که آسیب دیده و یا به دست محیط زیست رسیده به این باغ وحش که مکانی مناسب نبوده انتقال پیدا می‌کند. وی بایان اینکه بسیاری از حیوانات در باغ وحش خرم آباد آسیب دیده‌اند گفت: به عنوان مثال چند وقت پیش توله خرس‌ها در این باغ وحش از بین رفتند و بعد از آن نیز گوزن‌های زرد، و حیوانات یکی پس از دیگری در این باغ وحش از بین می‌روند.

این کارشناس محیط زیست لرستان بایان اینکه هیچ‌گاه به صورت شفاف نیز دلایل مرگ گوزن زرد از سوی متولیان اعلام نشد بیان داشت: این در حالی است که قرار بود گونه گوزن زرد در استان احیا شود و نسل نیاکان خود را در این استان استعمار دهد.

شرایط بد حیوانات در باغ وحش خرم آباد داده است. به گفته مدیرکل حفاظت و مدیریت شکار و صید سازمان حفاظت محیط زیست کشور ۷۰ مجموعه شامل باغ وحش، باغ پرندگان و مراکز نگهداری حیوانات در سطح کشور وجود دارد که با دستورالعمل سخت‌گیرانه سازمان محیط زیست در خصوص باغ‌های وحش تنها ۱۵ مجموعه در سطح کشور مجوزهای لازم را دریافت کرده‌اند.

● باغ وحش خرم آباد در بدترین جای ممکن احداث شده است

محسن تیزهوش کارشناس محیط زیست لرستان در این رابطه بایان اینکه بحث‌های مربوط به باغ وحش‌ها چندین دهه بوده که در کل دنیا مطرح است اظهار داشت: باغ وحش‌ها یا پارک‌های حیات وحش با اهداف مختلفی در دنیا ایجاد شده‌اند که یکی از آن‌ها بحث آموزش مردم به خصوص بچه‌ها در مواجهه با حیات وحش است.



● ضرورت رعایت حقوق حیوانات در باغ وحش خرم آباد

تیزهوش بایان اینکه زیستگاه این گونه سال‌ها پیش



شهرداری خرم‌آباد موافقت اولیه برای درزمینه مدیریت باغ‌وحش فراهم‌شده است.

اخلاقی و مذهبی نسبت به آن‌ها داشته باشیم.

● فضای نگهداری حیوانات در باغ‌وحش خرم‌آباد نیاز به تغییرات دارد

مهرداد فتحی بیرانوند مدیر کل محیط‌زیست لرستان در این رابطه در بحث باغ‌وحش خرم‌آباد همواره دو موضوع مطرح بوده است اظهار داشت: یکی از آن‌ها بحث تغذیه حیوانات بود که با ورود محیط‌زیست این مشکل تا حدودی رفع شده و نسبت به گذشته شرایط تغذیه حیوانات بهتر شده است.

وی بایبان اینکه بحث دیگر درزمینه باغ‌وحش خرم‌آباد بحث فضای نگهداری حیوانات است تصریح کرد: در این راستا فضای نگهداری حیوانات در این باغ‌وحش به‌خصوص گربه‌سانان نیاز به تغییرات و اصلاحات زیادی دارد.

وی با تأکید بر اینکه محیط‌زیست لرستان با تأکید بر اینکه باغ‌وحش خرم‌آباد تنها وظیفه نظارتی را بر عهده دارد گفت: مدیریت باغ‌وحش خرم‌آباد باید بر اساس استانداردها صورت گیرد که در این رابطه در حال رایزنی با شهرداری خرم‌آباد برای مدیریت این باغ‌وحش هستیم.

مدیر کل محیط‌زیست لرستان با تأکید بر اینکه باغ‌وحش یک فرصت گردشگری در شهر خرم‌آباد محسوب می‌شود تصریح کرد: تعطیلی باغ‌وحش خرم‌آباد دردی را دوا نمی‌کند بلکه ما باید به فکر اصلاح آن باشیم و تعطیلی آخرین راه‌حل است.

فتحی بیرانوند بایبان اینکه مقصر وضعیت باغ‌وحش خرم‌آباد مدیران و دولت‌های گذشته بوده که فضا را برای نگهداری حیوانات این‌گونه محدود در نظر گرفته‌اند افزود: باین‌حال ما در حال رایزنی با شهرداری هستیم و همکاران ما در محیط‌زیست نظارت لازم را نیز در این زمینه دارند.

مدیر کل محیط‌زیست لرستان بایبان اینکه محیط‌زیست در بحث فضای نگهداری حیوانات در باغ‌وحش خرم‌آباد همواره نظارت خود را داشته و در این زمینه نیز اظهارهایی نیز داده‌شده است عنوان کرد: در این راستا جلساتی نیز با حضور معاونت عمرانی استانداری لرستان برگزار شده و پیشنهادهایی از سوی محیط‌زیست برای بهبود فضای نگهداری حیوانات باغ‌وحش خرم‌آباد نیز مطرح‌شده است.

وی بایبان اینکه درواقع ما در بحث باغ‌وحش خرم‌آباد میراث دار گذشتگان هستیم و هیچ‌گونه نقشی در این زمینه نداشته‌ایم گفت: باین‌وجود ما باید با اقدامات لازم زمینه مدیریت صحیح در این باغ‌وحش را فراهم آوریم و تعطیلی باغ‌وحش راه‌حل آخر محسوب می‌شود.

فتحی بیرانوند با یادآوری اینکه معمولاً با شهرداری و یا بخش خصوصی متولی باغ‌وحش‌ها در کشور است افزود: در این راستا با توجه به رایزنی‌های صورت گرفته با

تخریب شد و منابع آب آن از بین رفت و ما نتوانستیم زیستگاه گوزن زرد را در لرستان احیا کنیم بیان داشت: این امر و همچنین مرگ گوزن زرد در باغ‌وحش خرم‌آباد بازتاب خبری خوبی در فضای مجازی برای استان نداشت. وی با تأکید بر اینکه در این راستا احداث باغ‌وحش به‌طور کلی کار منطقی نیست چراکه با این اقدام حقوق زیستمدان که آن‌ها نیز مخلوق خدا هستند نادیده گرفته می‌شود گفت: متأسفانه زمانی که این باغ‌وحش در خرم‌آباد ایجاد شد فضاهای محدودی برای حیوانات در نظر گرفته شد که به‌مرور زمان حیوانات شروع به تولیدمثل کردند.

این کارشناس محیط‌زیست لرستان بایبان اینکه به‌عنوان مثال قفس شیرها در این باغ‌وحش در بدترین شکل ممکن است عنوان کرد: موجودات گستره زیستی دارند و فضای نگهداری آن‌ها از قفس به‌عنوان مثل ۵ در ۵ باید بسیار بیشتر باشد.

تیزهوش با تأکید بر لزوم رعایت حقوق حیوانات بیان داشت: این کار به لحاظ انسانی، اخلاقی، مذهبی بسیار مهم بوده و همواره مورد تأکید اسلام نیز بوده و نگهداری حیوانات در یک فضای کوچک موجب می‌شود که آن‌ها نتوانند حالت طبیعی خود را بروز دهند.

● نگاه ما به حیات‌وحش استان مسئولانه باشد

وی بایبان اینکه نگهداری حیوانات در باغ‌وحش و این فضاهای بسیار محدود موجب ضعیف و کوتاه شدن عمر آن‌ها می‌شود چراکه آن‌ها شرایط طبیعی برای زندگی ندارند عنوان کرد: اگر متولیان امر در باغ‌وحش خرم‌آباد نظارت جدی و ۱۰۰ درصدی را داشتند شاهد وقوع این‌گونه اتفاقات در آن نبودیم.

این کارشناس محیط‌زیست لرستان با اشاره به برخی اظهار نظرات مسئولان که باغ‌وحش خرم‌آباد یک فرصت برای رونق اقتصادی استان محسوب می‌شود گفت: اگر ما می‌خواهیم که لرستان توسعه پایدار پیدا کند یکی از شاخص‌های آن احداث باغ‌وحش نیست. تیزهوش بایبان اینکه رشد اقتصادی یک منطقه با ایجاد باغ‌وحش فراهم نمی‌شود بلکه با حفاظت از تنوع زیستی آن منطقه توسعه پایدار صورت می‌گیرد گفت: این سرمایه زیستی را با میلیاردها تومان پول هم نمی‌توان مقایسه کرد.

وی با تأکید بر اینکه ما باید در استان نگاهمان به حیات‌وحش و موجودات مسئولانه‌تر باشد و از بالا به پایین به موجودات نگاه نکنیم عنوان کرد: این موجودات نیز مخلوق خدا هستند و ما باید نگاه مسئولانه، انسانی،



مروری بر داستان تلخ مرگ «الینا»/ علوم پزشکی پاسخگو نیست



امیر رضا تازیکه

الینا فروتن کودک ۶ ساله ای بود که برای انجام یک عمل لوزه به بیمارستان رفت اما به دلیل خطاهای احتمالی پزشکی بعد از رفتن به کما، دار فانی را وداع گفت.



او با بیان اینکه الینا بعد از نیم ساعت به هوش آمد، افزود: دخترم وضعیت خوبی نداشت به اندازه ای که فکر می کرد من پزشکم و به من می گفت «آقای دکتر قلبم درد می کنه و تو باید قلب مرا خوب کنی!».

فروتن تصریح کرد: وقتی که لباسش را بالا زدم دیدم روی قفسه سینه دخترم ورم کرده و فوری به پرستار اطلاع دادم اما با اینکه دخترم درد بسیار شدیدی را تحمل می کرد، آنها توجهی به این مسئله نداشتند.

● برای جدا کردن دستگاه از دخترم اجازه نگرقتند

حسین فروتن گفت: شیفت پرستاری که تغییر کرد، پرستار جدید دخترم را دید و وضعیت الینا را به پزشک معالجش اطلاع داد. پزشک دستور انجام آزمایشات جدید را به ما اعلام کرد و چند ساعت بعد نیز پزشک معالج به بیمارستان آمد و متوجه حال نا مناسب الینا شد و دوباره او را به اتاق عمل انتقال داد.

پدر الینا بیان کرد: زمانی که الینا را از اتاق عمل بیرون آوردند، دستگاه اکسیژن به او وصل شده بود و ۱۰ پرستار نیز دور او حلقه زده بودند. بعد از چند دقیقه کف از دهان دخترم خارج شد و او را به اتاق عمل بردند و پس از پایان عمل، او را به آی سی یو انتقال دادند. پدر و مادر الینا که همزمان با یکدیگر صحبت می کردند، در ادامه صحبت هایشان اعلام کردند: پزشک کشیک شب متوجه وخیم بودن وضعیت الینا شد و کنار قفسه سینه الینا را سوراخ کرد که متأسفانه شیلنگی که استفاده کرده بود در بدن الینا کج شد و بعد از دو ساعت و نیم متوجه شدند که دستگاهی که وارد بدن الینا شده بود هیچ تاثیری نداشته است. برای دومین بار یک پزشک سمت دیگر مقابل قفسه سینه دخترم را سوراخ کرد که در ساعت چهار و نیم صبح به ما اطلاع دادند که وضعیت الینا نا مساعد است.

سهیلا دج، مادر الینا گفت: پرستاران به ما گفتند زمانی که پهلوی الینا را سوراخ می کردند او کامل واکنش نشان می داد اما صبح که به اتاق آی سی یو رفتم دخترم

و می گفت تمام پرونده های قصور پزشکی به سود پزشکان تمام می شود اما در نهایت قبول کرد.

او در خصوص موضوع اهدای عضو الینا گفت: نظر من این بود که اهدای عضو را انجام بدهیم اما مسئولین بیمارستان و دانشگاه علوم پزشکی این اجازه را به ما ندادند. متأسفانه هیچ یک از مسئولین دانشگاه علوم پزشکی به ما تسلیت نگفته اند و تنها برای خودنمایی در بیمارستان حاضر می شوند.

پدر و مادر الینا در پایان صحبت هایشان گفتند: درخواست ما از پزشکان این است که پاسخ درست و قانع کننده ای در خصوص مرگ مغزی الینا بدهند.

پیگیری های متعدد جامعه خبری گلستان بخصوص خبرگزاری مهر با گذشت چهار ماه نتیجه نداده و علوم پزشکی گلستان که مدعی پاسخگویی شفاف به رسانه ها است و سال گذشته هم از راه اندازی اتاق خبرنگاران خبر داده بود، حالا حتی حاضر نیست درباره علت مرگ یک کودک اطلاع رسانی کند.

در عین حال در اقدامی عجیب، احمد حسینی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، بر روی سایت این دانشگاه مطلبی را با محتوای ابراز هم دردی قرار داده است و در این مطلب گفته است که علیرغم تلاش های ۱۰۰ روزه تیم معالج دختر شش ساله گلستانی که درجین عمل جراحی در بیمارستان طالقانی گرگان به کما رفته بود دار فانی را وداع گفت.

وی همچنین ضمن ابراز ناراحتی شدید از این حادثه گفت حزن و اندوه زیادی فضای بیمارستان طالقانی را فرا گرفته است.

دانشگاه علوم پزشکی تنها اقدامی را که طی این چند ماه در پیش گرفته ارجاع پرونده به پزشک قانونی است و متأسفانه پزشک قانونی هم طی هفته های گذشته اعلام کرده که نتیجه هنوز مشخص نیست.

با این حال، محمد مهدی مطهری، رئیس سازمان نظام پزشکی گرگان و آق قلا طی نامه شماره «۱۱۳۵ د» در تاریخ ۲۷ مرداد ۹۵ اعلام کرد که قصور پزشکی در بررسی های این سازمان مورد تایید است و پرونده برای تعیین درصد قصور پزشکان در حال بررسی مجدد است. مطهری نتیجه نهایی را به کالبد شکافی جسد ارجاع داده و اعلام کرده که باید منتظر نظر پزشک قانونی بود.

در نامه اعلام شده از کادر پزشکی فقط جراح تبرئه شده و قصور سایر کادر درمانی مسجل است.

در شرایطی که طرح تحویل سلامت در کشور در حال اجرا است، این انتظار از سازمانی که با سلامت و جان انسان ها در ارتباط است وجود دارد تا ضمن استفاده از کادر مجرب و مسلط، نسبت به پاسخگویی و برخورد با قصور کادر پزشکی خود بیش از پیش پیگیر باشد.

هیچ علامتی نداشت و مانند یک آدم مرده بر روی تخت بیمارستان بود. او افزود: به پرستار اطلاع دادم که دخترم هیچ علامتی ندارد و پرستاران نیز زمانی که دیدند دستگاه خاموش است، من را از اتاق بیرون کردند و با پزشکان تماس گرفتند. ساعت ۹ صبح پزشک معالج الینا به بیمارستان آمد و بعد از دیدن وضعیت الینا به ما اعلام کرد که الینا ایست قلبی کرده است چراکه اکسیژن به مغزش نرسیده و باید پزشک مغز و اعصاب او را معاینه کند. مادر الینا افزود: پزشکان به ما اعلام می کردند که حال الینا خوب شده اما از طرفی دیگر رسانه ها نیز خبرهایی منتشر می کردند که او مرگ مغزی شده است. هشت روز قبل از مرگ الینا پزشک دیگری را آوردند و ۲۰ دقیقه دستگاه را از الینا جدا کردند که بعد از آن اتفاق شرایط الینا خیلی بد شد و بعد از هشت روز الینا فوت شد.

● قصور پزشکی تایید شده است

دج تصریح کرد: سوال من از مسئولین این است که برای جدا کردن دستگاه از دخترم نباید از ما اجازه بگیرند؟! برای انجام سی تی اسکن در بیمارستان پنج آذر از من اجازه گرفتند اما در رابطه با این مسئله هیچ صحبتی با ما نشد. نوار مغزی الینا را به پزشکان استان های دیگر نشان دادیم و همه آنها نیز به ما اعلام کردند که علامت مغزی او خیلی خوب است اما پزشکان بیمارستان هیچکدام این موضوع را تایید نکردند.

برای این پرونده وکیل گرفته ایم که در ابتدا این پرونده را قبول نمی کرد و می گفت تمام پرونده های قصور پزشکی به سود پزشکان تمام می شود اما در نهایت قبول کرد.

او بیان کرد: هنوز هیچ دلیلی برای علت مرگ الینا به ما اعلام نشده است و فقط می گویند شیلنگی که به الینا زده بودند باعث پارگی در بدن بچه شده و او دچار مرگ مغزی شده است.

وی خاطرنشان کرد: بعد از مدت ها نظام پزشکی در گزارش خود قصور را تایید کرده است. برای این پرونده وکیل گرفته ایم که در ابتدا این پرونده را قبول نمی کرد

■ نامه های کودکان به امام رضا(ع) پراست از آرزوهای ریز و درشت، از کودک هندی که شوق سفر به مشهد دارد تا کودک بیماری که دلش می خواهد دوباره موهایی از دست رفته اش رشد کنند.

■ هفت سال از نام گذاری روزی به نام گرگان می گذرد و پس از فراز و فرودهای بسیار امسال این روز، فرود سخت خود را تجربه می کند تا جایی که بی برنامگی در برگزاری مراسم داد شورائیان را هم در آورد.

■ لباس محلی این روزها علاوه بر اینکه هویت فرهنگی هر منطقه محسوب شده، نوعی جاذبه فرهنگی نیز هستند و ایران یکی از کشورهایی است که متنوع ترین پوشش ها در بین اقوام خود از لر، ترک، بلوچ، ترکمن گرفته تا کرد و قشقایی و گیلکی دارد، لباس هایی که معرف تمام ابعاد زندگی مردمان هر منطقه است.

■ بدون شک سالیانی نه چندان دور سینما به طور خاصی در متن زندگی انسان ها وارد شده بود. زمانی که نه از ماهواره حرفی بود و نه دنیای مجازی کنونی جایش را با گفت و گوهای گرم خانوادگی عوض کرده بود.

■ یکی از پروژه هایی که قرار بود در سفر رئیس جمهور به آن پرداخته شود همین تالار مرکزی بود که کرمانی ها مدت هاست چشم به راه گشوده شدن درهای آن به سوی اهالی فرهنگ و هنر هستند؛ اما به گفته مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تعداد بی شمار پروژه های مطروحه باعث شد در این سفر نگاهی ویژه به تالار مرکزی نشود و اعتبار خاصی به آن اختصاص پیدا نکند.

■ در دوران دبیرستان به فعالیت علیه رژیم طاغوتی شاهنشاهی پرداخت تا اینکه در خردادماه ۱۳۵۳ در حالی که تعدادی از امتحانات دیپلم خود را داده بود، عوامل ساواک گچساران مقابل دبیرستان ۲۵ شهریور بهبهان او را دستگیر و به گچساران منتقل کردند.

فرهنگ و هنر ایران



از «فلوریدا» تا «فتح المبین» / روایتی کوتاه از زندگی شهید «طیب»



**سید فرهاد
رجائی فر**

دانشجوی شهید «هدایت الله طیب» یکی از شهدای شاخص کهگیلویه و بویراحمد است که دانشگاهش در فلوریدای آمریکا را رها کرد و به جبهه های جنگ شتافت تا در عملیات فتح المبین به فیض شهادت نائل شود.

به مناسبت برگزاری کنگره شهدای کهگیلویه و بویراحمد در مهرماه، هر هفته برخی شهدای شاخص این استان معرفی می شوند.

شهید هدایت الله طیب در نیمه شب ۱۴ مرداد ۱۳۳۳ در روستای «موگر» از توابع شهر «سوق» در استان کهگیلویه و بویراحمد به دنیا آمد.

سوق و سایر شهرها و روستاهای کهگیلویه و بویراحمد به دلیل بی توجهی رژیم پهلوی به این استان و سایر استان های کشور، از نعمت آموزش بی بهره بود و به دلیل نبود تحصیلات بالاتر از ابتدایی راهی شهر بهبهان در استان خوزستان شد و در مدرسه ۲۵ شهریور (شهید بخردیان کنونی) بهبهان تحصیلات متوسطه خود را گذراند.

در دوران دبیرستان به فعالیت علیه رژیم طاغوتی شاهنشاهی پرداخت تا اینکه در خردادماه ۱۳۵۳ در حالی که تعدادی از امتحانات دیپلم خود را داده بود، عوامل ساواک گجساران مقابل دبیرستان ۲۵ شهریور بهبهان او را دستگیر و به گجساران منتقل کردند.

در همین ایام برای ادامه تحصیل در آمریکا آماده می شد. ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل به آمریکا مهاجرت کرد و پس از چندماه آموزش و یادگیری زبان انگلیسی، وارد دانشکده کشاورزی سنت پترزبورگ فلوریدا شد و در رشته مهندسی کشاورزی آغاز به تحصیل کرد.

در آمریکا نیز آرام نگرفت و فعالیت های ضد رژیم پهلوی خود را گسترش داد و به فعالیت های ضد استکباری تبدیل کرد و با برپایی جلسات سخنرانی، به هدایت جوانان مسلمان ساکن آمریکا پرداخت و با همکاری تعدادی از دانشجویان مسلمان اقدام به تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان اروپا و آمریکا در ایالت فلوریدا کرد و ۸ تیرماه سال ۱۳۵۸ طی یک انتخابات به عنوان نماینده دانشجویان سنت پترزبورگ فلوریدا انتخاب شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و در حالی که کمتر از دو ماه از آغاز جنگ نگذشته بود، به وطن بازگشت تا در دفاع از کیان و ایمان خود جانانه تلاش کند و با توجه به اینکه هدایت در دوران سربازی دوره سلاح های سنگین را دیده بود، پس از ورود به ایران خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران معرفی و پس از گذراندن یک دوره یک ماهه در شیراز، مدت شش ماه را در جبهه آبادان خدمت کرد.

در آبان ماه سال ۱۳۶۰ برای بار دوم به جبهه های حق علیه باطل اعزام شد و به عنوان معاون گروهان رزمی حضرت مهدی (عج) فعالیت خود را آغاز کرد و همزمان با شروع عملیات فتح المبین، فرماندهی تانک های چپتن را بر عهده گرفت. هنوز ۵ روز بیشتر از سال ۶۱ نگذشته بود که در منطقه رقابیه به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

در یادداشتی از شهید «هدایت الله طیب» می خوانیم: خدایا نکند ثمره جنگ یاران مان، به جنگ فرنگی مسلکان افتد. نکند خونین کفنان در غربت بمیرند تا خوش باوران غرب زده کام گیرند. نه! هرگز! کفر است. مگر می شود خون حسین (ع) پایمال شود ...

کنگره شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد، مهرماه سال جاری در یاسوج برگزار خواهد شد و به همین مناسبت هر هفته یکی از شهدای شاخص استان معرفی می شود.





مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان در گفتگو با مهر عنوان کرد؛ پایان بلا تکلیفی تالار مرکزی / کرمانی ها در انتظار افتتاح پروژه ملی

در حالی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان از تعیین تکلیف تالار مرکزی کرمان و قرار گرفتن آن در پروژه های اولویت دار وزارت خنبر می دهد که مدت هاست خوابی عمیق این پروژه را در بر گرفته است.



اسما محمودی

در حالی استان کرمان از نبود فضاهای فرهنگی و هنری مناسب رنج می برد که قطار تالار مرکزی (از جمله پروژه های مهر ماندگار دولت نهم) مدت هاست در ایستگاه پیشرفت ۸۵ درصدی توقف کرده و بارها از سوی مسئولان نوید بهره برداری از آن در آینده ای نزدیک داده می شود؛ وعده هایی که تاکنون رنگ واقعیت به خود نگرفته اند.

یکی از پروژه هایی که قرار بود در سفر رئیس جمهور به آن پرداخته شود همین تالار مرکزی بود که کرمانی ها مدت هاست چشم به راه گشوده شدن درهای آن به سوی اهالی فرهنگ و هنر هستند؛ اما به گفته مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تعداد بی شمار پروژه های مطرحه باعث شد در این سفر نگاهی ویژه به تالار مرکزی نشود و اعتبار خاصی به آن اختصاص پیدا نکند.

اما مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی از تعیین تکلیف این پروژه طی سال جاری خبر می دهد و می گوید این پروژه در اولویت وزارتخانه قرار گرفته است و باید دید آیا این بار کمای تالار مرکزی کرمان با عملی شدن وعده های مسئولان پایان می یابد یا باز باید شاهد خواب چندین ساله این پروژه فرهنگی در استان نیازمند کرمان باشیم. برای بررسی آخرین وضعیت این پروژه به سراغ محمدرضا علیزاده، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان رفتیم که مشروح این گفتگو را در ادامه می خوانید.

● **با توجه به مشکلات کرمان در زمینه نبود مکان مناسب برای برگزاری برنامه های فرهنگی و هنری، بهره برداری از تالار مرکزی یکی از آرزو های**

مردم کرمان است که مدت های مدیدی در مرحله پیشرفت ۸۵ درصدی متوقف شده است؛ آخرین وضعیت این پروژه نیمه تمام چگونه است؟

تالار مرکزی کرمان جز تالارهایی است که در سال ۸۳ جز طرح های دولت بود؛ ساخت ۱۵ تالار در این سال مصوب شد که یکی از تالارها این پروژه بود. زمین این پروژه در آن سال ها تهیه شد اما نظراتی در زمینه مکان یابی تالار وجود داشت که در نهایت باعث شد مکان پروژه از بلوار ۲۲ بهمن به مکان کنونی منتقل شود و بخشی از اطلاعیه اجرای پروژه به دلیل جابجایی زمین بود.

عملیات ساخت تالار مرکزی کرمان در زمانی که منابع دولت مناسب بود اجرایی شد و به پیشرفت ۸۵ درصدی رسید؛ در حال حاضر به دلیل مشکلاتی که دولت دارد این پروژه هنوز به اتمام نرسیده است؛ این پروژه طی سه سال اخیر دغدغه مدیران ادواری فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان بود.

با بهره برداری از تالار مرکز کرمان سرانه فرهنگی استان افزایش پیدا می کند؛ چرا که این تالار حدود ۱۶ هزار متر بوده و با راه اندازی آن مشکلات فضای فرهنگی، جامعه هنری و مردم حل می شود. علیرغم تمام تلاش های صورت گرفته تاکنون این پروژه به دلیل مشکلات مالی به سرانجام نرسیده است.

اتفاقات خوبی در خصوص این طرح ملی در حال انجام است؛ در سال گذشته پروژه های دارای بیش از ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی مرتبط با تالارهای مصوب سال ۸۳ در اولویت کار وزارت ارشاد قرار گرفت و امسال هم پروژه های با پیشرفت ۸۰ تا ۹۰ درصدی در

دستور کار وزارتخانه است که خوشبختانه با پی گیری های صورت گرفته تالار مرکزی کرمان در اولویت امسال قرار گرفته است.

● **میزان اعتبار مورد نیاز برای تکمیل پروژه را بفرمایید**

اخیرا صحبت هایی در این خصوص با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون وزیر داشته ام و مکاتباتی هم از سوی استاندار کرمان صورت گرفته است و تالار مرکزی در اولویت امسال قرار گرفته است و امیدواریم اعتبار آن در منابع پروژه های ملی وزارت ارشاد برقرار شود؛ برای تکمیل این پروژه حدود ۲۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

راه دومی هم به صورت همزمان برای اجرای این پروژه در حال پی گیری است؛ در صورت آمادگی یک بنگاه فرهنگی - اقتصادی (با توجه به نبود امکان تغییر کاربری این فضا) می تون این پروژه را به صورت مشارکتی ادامه داد. براساس ماده ۲۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت کار به صورت واگذاری و بدون تغییر کاربری ادامه پیدا می کند.

به نظر می رسد که این پروژه باید ابتدا به اتمام برسد و سپس در خصوص واگذاری آن تصمیم گیری شود؛ اگر بخش غیردولتی آمادگی داشته باشد ارشاد هم آمادگی خود در این خصوص را اعلام می کند.

البته این امکان هم وجود دارد در زمانی که پروژه نیمه تمام است با توجه به اینکه سهم دولت و بخش غیردولتی

مشخص است؛ بخش غیردولتی کار را تمام کند و پروژه در قالب قرارداد بلند مدت تمام شده و با حفظ کاربری فعالیت کند.

در صورتی که بخش دولتی پروژه را به اتمام برساند در خصوص واگذاری به صورت مدیریت یا اجاره ای تصمیم گیری می شود. به هر صورت امکان تغییر کاربری فضا به هیچ عنوان وجود ندارد. با تحقق این امر مشکلات مردم هنرمندان و فعالان حوزه هنر مرتفع می شود.

● **آیا این پروژه در سفر رئیس جمهور مطرح شد؟**

پروژه تالار مرکزی کرمان در سفر رئیس جمهور مطرح شد اما به دلیل تعداد زیاد پروژه ها زیاد به این موضوع پرداخته نشد.

اغلب صحبت ها در خصوص اجرای پروژه تالار مرکزی در قالب مشارکت بود به همین دلیل منابع دولتی خاصی تخصیص داده نشد، اما چون اعتبارات این پروژه در منابع دولتی وزارت ارشاد موجود است مشکلی در این خصوص وجود ندارد.

در مجموع به دلیل اینکه منابع دولتی پاسخگوی طرح های نیمه تمام نیست وزرات ارشاد براساس وضعیت پیشرفت فیزیکی پروژه ها برنامه ریزی کرده و هر سال چند پروژه را به اتمام می رساند که ان شالله این پروژه نیز به سرانجام برسد. با رایزنی های صورت گرفته پروژه تالار مرکزی کرمان امسال تعیین تکلیف می شود.

تماشای چالش‌های پشت پرده سینما/۶ شهرستان سالن‌اگران ندارد



فرسودگی، جای خالی تبلیغات و نبود سالن‌اگران سینمایی در ۶ شهرستان و اکران‌هایی برای صندلی‌های خالی چالش‌های پشت پرده هنر هفتم در خراسان جنوبی است.



رقیه رحمتی راد

سینما اگر چه جوان اما پررونق‌ترین و جنجالی‌ترین تاریخ را پشت سر گذاشته است. آنچه از تاریخ سینما بر می‌آید این است که کشمکش بین سیستم‌های اجتماعی و سیاسی، فرهنگ‌ها و جهان بینی‌ها، نقش عمده و تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری جنبش‌ها و فرم‌های سینمایی بازی می‌کنند.

بدون شک سالیانی نه چندان دور سینما به‌طور خاصی در متن زندگی انسان‌ها وارد شده بود. زمانی که نه از ماهواره حرفی بود و نه دنیای مجازی کنونی جایش را با گفت‌وگوهای گرم خانوادگی عوض کرده بود.

آن روزها سینماها رنگ و بویی دیگر داشت. تنوع فیلم‌ها، تازه تاسیس بودن و جدید بودن این مکان‌نمایشی جایگاه ویژه را در جامعه به خود اختصاص داده بود.

اما امروزه چهره سینماها در برخی از استان‌ها تغییر کرده و به عبارتی دیگر این مکان‌ها با فراموشی و عدم استقبال مردمی رو به رو شده است.

سینماهای خراسان جنوبی هم از برخی کمبودها مانند عدم حمایت تبلیغاتی، فرسوده بودن برخی تجهیزات و گاهی قیمت بالای بلیت رنج می‌برد و این عوامل آن‌ها را با عدم استقبال مردم مواجه کرده است.

از این رو شاید بر مسئولان استانی لازم است که توجه بیشتری به سینماهای خراسان جنوبی داشته و در راستای افزایش حضور مردم در این مکان‌ها تلاش کنند.

● ماهواره باعث کاهش استقبال مردم از سینما شده است

اطلاع‌رسانی نامناسب و نبود تبلیغات کافی از اکران فیلم‌های سینمایی در سطح شهر و تلویزیون از عوامل عدم استقبال مردم از سینماها است. یک شهروند

● فیلم‌های بومی و محلی در سینماهای استان اکران شود

یک فیلم نامه نویسنده در خراسان جنوبی، اظهار کرد: سینماهای استان نیازمند حمایت‌های مسئولان است. محمد خسروی با بیان اینکه در شرایط کنونی ماهواره یکی از رقبای سینما شده است، گفت: باید با پررنگ کردن سینما از فراموش شدن آن در اذهان مردم جلوگیری کنیم.

وی با بیان اینکه باید تولیدات بومی و محلی در سینماهای خراسان جنوبی اکران شود، گفت: این امر می‌تواند زمینه‌ساز استقبال مردم از سینماها باشد.

تولیدات بومی و محلی در سینماهای خراسان جنوبی اکران شود چرا که این امر می‌تواند زمینه‌ساز استقبال مردم از سینماها باشد. خسروی فرسوده بودن تجهیزات برخی سینماهای خراسان جنوبی را از مشکلات موجود در استان دانست و افزود: مسئولان ذی‌ربط باید نسبت به نوسازی این مکان‌ها توجه کنند.

● جای خالی سینما در تبلیغات شهرداری

سرپرست امور سینمایی در حوزه هنری خراسان جنوبی، بیان کرد: سینماهای خراسان جنوبی آن‌گونه که شایسته است حمایت رسانه‌ای نشده‌اند.

حسین واحدی با اشاره به اکران فیلم «ایستاده در غبار» در سینماهای بیرجند، بیان کرد: برخی افراد بعد از گذشت ۲۰ روز از اکران فیلم برای تماشای سینما مراجعه داشته‌اند.

وی با بیان اینکه این امر نشان‌دهنده اطلاع‌رسانی نامناسب در رسانه‌ها است، گفت: همچنین شهرداری مکانی را برای تبلیغات سینما به ما اختصاص نمی‌دهد. سرپرست امور سینمایی در حوزه هنری خراسان جنوبی تاکید کرد: سینماهای بیرجند در اولین اقدام باید در یکی از میدان‌های اصلی شهر معرفی شوند.

واحدی خواستار توجه رسانه‌ها، صداوسیما و نخبگان فرهنگی به سینماهای استان شد و افزود: باید جایگاه سینما در جامعه به‌خوبی تبیین و معرفی شود.

وی با اشاره به دیگر مشکلات موجود در سینماهای خراسان جنوبی، بیان کرد: تک سالن بودن سینماها یکی دیگر از مشکلات موجود در استان است.

بیرجندی با اشاره به وضعیت رضایت عمومی از سینماهای خراسان جنوبی، بیان کرد: فرسوده بودن تجهیزات برخی سینماها از مهم‌ترین عوامل عدم استقبال مردم است.

علیرضا حسینی ادامه داد: همچنین نداشتن کیفیت محتوایی و کلیشه‌ای بودن موضوع فیلم‌ها، هزینه بالای بلیت و در دسترس بودن فیلم‌های به‌روز از دیگر علل کاهش استقبال مردمی از سینماها است.

وی با بیان اینکه امروزه امکانات و تجهیزات زیادی جایگزین سینما شده است، افزود: ماهواره یکی از مهم‌ترین امکاناتی است که جایگزین سینما در جامعه است.

حسینی با اشاره به فضای مجازی، بیان کرد: همچنین استفاده از دنیای مجازی باقیمت‌های پایین و مناسب باعث عدم گرایش مردم به سمت سینماها شده است.

این شهروند بیرجندی ادامه داد: اطلاع‌رسانی نامناسب و نبود تبلیغات کافی از اکران فیلم‌های سینمایی در تلویزیون از دیگر عوامل عدم استقبال مردم از سینماها است.



به خصوص در شهرستان‌ها شد و افزود: باید در راستای معرفی سینماها و فیلم‌های قابل‌اکران در آن‌ها اطلاع‌رسانی شود.

زمزم با اشاره به فرسوده بودن سینما فردوسی بیرجند، بیان کرد: در حال حاضر این سینما با مالکیت بسیج فعالیت می‌کند.

وی با بیان اینکه برای نوسازی و بهسازی این سینما بسیج باید وارد عمل شود، گفت: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی آمادگی لازم را برای بهسازی این مکان دارد.

زمزم ادامه داد: اگر بسیج در نوسازی سینما فردوسی بیرجند وارد عمل شود، یک سوم هزینه بهسازی را پرداخت می‌کنیم.

وی با بیان اینکه یک سوم نوسازی سینماها را باید مالکیت سینما پرداخت کند، افزود: همچنین یک سوم این هزینه را می‌تون از کمک‌های استانی تهیه کرد.

آن‌گونه که پیداست این روزها هنر هفتم حال و روز مطلوبی ندارند و خراسان جنوبی به عنوان سومین استان پهناور کشور با بیش از ۷۳۲ هزار نفر جمعیت و همچنین با بیش از ۴۰ هزار دانشجو یکی از دانشگاهی‌ترین استان‌های کشور نیز محسوب می‌شود اما در توسعه اماکن فرهنگی از جمله سینماها بی‌نصیب مانده است.

گفت: سه تا از این سینماها را در یک و نیم سال گذشته راه‌اندازی کرده‌ایم.

سید علی زمزم ادامه داد: در حال حاضر یک سینما در سرایان، یک سینما در طبس، یک سینما در نهبندان، دو سینما در فردوس و دو سینما نیز در بیرجند فعال هستند.

وی با اشاره به تعداد سرانه صندلی این سینماها، بیان کرد: قبل از راه‌اندازی سه سینما، بیش از هزار و ۱۰۰ صندلی وجود داشت.

زمزم از افزایش صددرصدی سرانه صندلی در خراسان جنوبی نسبت به دو سال گذشته خبر داد و افزود: با راه‌اندازی سه سینمای جدید در استان تعداد صندلی‌ها به دو هزار و ۳۰ صندلی افزایش یافت.

وی با اشاره به وضعیت استقبال مردم از سینماهای استان، اظهار کرد: با توجه به افزایش کیفیت پخش فیلم، استقبال مردم نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

● آمادگی نوسازی سینما فردوسی بیرجند را داریم

معاون هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی با بیان اینکه اکران فیلم‌ها در استان هم‌زمان با تهران انجام می‌شود، گفت: این امر باعث افزایش مراجعه مردم به سینماها شده است.

وی خواستار فرهنگ‌سازی حضور مردم در سینماها

● تخفیف بلیت هم صندلی‌های خالی سینماها را پرنکرند

مدیر سینما بهمن بیرجند با اشاره به قیمت کتونی بلیت، بیان کرد: قیمت بلیت را برای جذب مخاطب تخفیف داده‌ایم.

وی با بیان اینکه قیمت بلیت در شرایط کتونی در روزهای سه شنبه نیمه‌بهاست، افزود: همچنین در دیگر روزهای هفته این قیمت شناور است.

واحدی ادامه داد: علی‌رغم این تخفیف‌ها باز هم سینماهای بیرجند و خراسان جنوبی از مخاطب کمی برخوردار هستند.

وی با بیان اینکه در زمینه استقبال مردم نسبت به سال گذشته دو درصد رشد مخاطب را داشته‌ایم، افزود: همچنین میزان فروش بلیت در سینما بهمن بیرجند نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

واحدی با اشاره به میزان رضایت مردم از فیلم‌های اکران شده در سینماهای بیرجند، بیان کرد: فیلم‌های طنز و تاریخی با استقبال بیشتری روبه‌رو است.

● ۶ شهرستان خراسان جنوبی سالن سینمایی ندارد

معاون هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی از فعالیت هفت سینما در استان خبر داد و

رئیس حوزه هنری کرمانشاه به مناسبت روز سینما با مهر مطرح کرد:

حال سینما پیروزی کرمانشاه مساعد نیست / نیم‌بها شدن قیمت بلیت‌ها

جدی برای شهروندان کرمانشاهی است و هر آن ممکن است باعث مشکلات جدی شود.

● روز سینما خانواده‌های خبرنگاران رایگان فیلم ببینند مردم استان نیم‌بها

سروری در ادامه به برنامه‌های حوزه هنری به مناسبت روز سینما اشاره کرد و گفت: امروز خانواده‌های خبرنگاران کرمانشاهی می‌توانند به صورت رایگان به تماشای فیلم در سینما آزادی کرمانشاه بنشینند.

وی افزود: هم‌چنین مردم استان نیز می‌توانند با بلیت نیم‌بها به تماشای فیلم‌های در حال اکران بر روی پرده سینما آزادی بنشینند.

رئیس حوزه هنری تصریح کرد: البته در طول دیگر ایام سال ما برنامه‌هایی برای هنرمندان داریم و بلیت‌های رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

وی از نمایش ۵ سانس فیلم طی امروز یکشنبه ۲۱ شهریور به مناسبت روز سینما بر پرده سینما آزادی خبر داد و افزود: فیلم‌های «نارودن» در سه سانس و «آبناپت چوبی» در دو سانس طی امروز آماده تماشای علاقه‌مندان است.

سروری تصریح کرد: سانس‌های ۱۰ تا ۱۲، ۱۵ تا ۱۷ و ۱۷ تا ۱۹ برای فیلم «نارودن» و سانس‌های ۱۹ تا ۲۱ و ۲۱ تا ۲۳ برای فیلم «آبناپت چوبی» در نظر گرفته شده است.



های خود بگذرانند.

رئیس حوزه هنری استان کرمانشاه ابراز امیدواری کرد با تخصیص اعتبارات مورد نیاز برای این سینما که حدود ۱۲ میلیارد تومان برآورد شده است، استان کرمانشاه بتواند صاحب یکی از مجهزترین سینماهای روز دنیا با سه سالن مجزا برای اکران سه فیلم متفاوت شود.

وی با اشاره به برآوردهای صورت گرفته، اعتبار مورد نیاز برای بازسازی این سینما را ۱۰ تا ۱۲ میلیارد تومان اعلام کرد.

وی زمان مورد نیاز برای بهره‌برداری از سینما پیروزی را یک و نیم سال در صورت تخصیص اعتبارات اعلام کرد و گفت: علاوه بر موضوع کمبود سینما در استان، وضعیت نامساعد سینما پیروزی یک خطر

کرمانشاه ۶۰ سال قدمت دارد و هم‌اکنون ساختمان آن نیز وضعیت مناسبی ندارد و ممکن است با کوچکترین لرزش یا اتفاقی فرو بریزد.

سروری گفت: سینما پیروزی از نظر موقعیت در شهر کرمانشاه دسترسی خوبی دارد و می‌تواند نیاز مردم را به هنر هفتم تا حدی مرتفع کند اما متأسفانه سال‌هاست که متروکه شده است و به علت از بین رفتن زیرساخت‌ها حتی خطر جانی برای مردم دارد.

وی خواستار توجه دولت و دولتمردان استان به این موضوع شد تا جمعیت دو میلیونی استان نیز بتوانند از این ابزار توسعه‌ی برای ارتقا فرهنگ جامعه استفاده کنند و در کنار آن نیز اوقات فراغت خوبی را در کنار خانواده

رئیس حوزه هنری استان کرمانشاه با اعلام خطر نسبت به وضعیت نامساعد سینما پیروزی، گفت: متأسفانه کرمانشاه که قبلاً جزو شهرهای دارای بیشترین سینما بود، هم‌اکنون تنها دوسالن سینما دارد.



مسلم معین

عباس سروری به مناسبت روز سینما به وضعیت نامساعد سینما پیروزی کرمانشاه اشاره کرد و گفت: کرمانشاه روزگاری جزو استان‌های دارای بیشترین تعداد سینما در کشور بوده است و هم‌اکنون متأسفانه تنها دو سالن سینما دارد.

وی افزود: هم‌اکنون در استان کرمانشاه تنها دو سالن سینما آزادی که مجهز به تجهیزات روز سینمایی است و سینما فرهنگ که متعلق به بخش خصوصی است فعالیت می‌کنند که جوابگوی جمعیت دو میلیون نفری استان نیست.

رئیس حوزه هنری استان کرمانشاه یادآور شد: در گذشته در فضای یک کیلومتری در استان کرمانشاه ۱۳ سینما وجود داشته و هم‌اکنون علی‌رغم اینکه سینما یکی از شاخص‌های توسعه هر جامعه محسوب می‌شود، استان کرمانشاه تنها دو سینما دارد.

وی خاطر نشان کرد: سینما پیروزی

مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری:

حوزه نمایش به پوست اندازی نیاز دارد / تئاتر کردستان نیازمند توجه ویژه

مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری کشور با بیان اینکه نمایش نیازمند پوست اندازی است، گفت: دفتر تئاتر مردمی بچه های مسجد می تواند عامل آشتی مردم و کشف استعدادهای گمنام باشد.



کوروش زارعی اظهار داشت: این برنامه حرکتی بود که دو دهه قبل، حوزه هنری شروع کرد که در میانه راه با تغییرات مدیریتی و سیاست های جدید باعث تعطیلی دفتر شد و حال پس از گذشت این مدت احساس کردیم که در حوزه تئاتر نیازمند یک پوست اندازی هستیم. به گفته وی احیا برنامه با چندین هدف است اول اینکه بتوان جوانان علاقمند به هنر نمایش و استعدادهای تئاتری این حرفه را شناسایی کرده و در یک پروسه چهار یا پنج ساله تعدادی از هنرمندان جوان و مستعد را برای هنر انقلاب در همه زمینه ها از نویسندگی تا بازیگری و حتی مدیریت و اجرایی تربیت کنیم.

زارعی دومین هدف را در آشنایی دادن مردم با تئاتر دانست و دلیل فاصله گرفته مردم با این هنر را خوب کار نکردن هنرمندان بیان کرد و بر اینکه تئاتر باید به دل مردم و بطن جامعه ای که همه اقشار با هر نوع تفکر در آن حضور دارند برده شود تأکید کرد. وی با اشاره به اینکه این حرکت کشوری باعث آشتی مردم با تئاتر می شود، افزود: راه اندازی جریان تئاتر می تواند درمان گرا باشد و کمک به درمان خیلی از دردهای اجتماعی که پیرامون جوانان و اجتماع را فرا گرفته است کرده و به ارزش های والای انسانی و اخلاقی پردازد و افراد دارای منش دینی را به هنر تئاتر برگرداند.

زارعی با بیان اینکه دفتر نمایش بچه های مسجد اکنون با دفتر تئاتر مردمی بچه های مسجد بازگشته است، عنوان کرد: تئاتر برای مردم است و باید در کنار مردم باشد تا بتواند نقش درست خود را ایفا کند لذا در این میان با توجه به اینکه مسجد به عنوان کانونی که همیشه در بطن وقایع جامعه اسلامی بوده به دلیل اینکه همه نوع تفکر در مسجد وجود دارد می تواند اتفاق خوبی برای مردمی کردن تئاتر باشد.

● مخاطب گریزی؛ معضل اصلی

مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری کشور مهمترین کار و هدف اصلی مرکز را در خصوص رفع مشکل جامعه تئاتر کشور اعلام کرد و یادآور شد: مشکلی که الان جامعه تئاتر به آن دچار شده همین مخاطب گریزی و مخاطب شناسی است لذا با راه اندازی دفاتر تئاتر مردمی بچه های مسجد می توان برای نهادینه کردن تئاتر تربیت مخاطب و همچنین تماشاگر داشته و در امر مخاطب شناسی کار کرد.

هنرمندان دانست و بیان کرد: جوانان باید مامن و پاتوقی داشته باشند تا به عرضه کارهای خود بپردازند لذا نیاز است کاری کنیم که جوانان در یک مکان فرهنگی حضور یابند و استعدادهای خود را نشان دهند که اگر این کار را نکنیم به زیرزمین ها پناه می برند همین است که هنر زیرزمینی پدید آمده و معضلات فرهنگی نمایان می شوند.

وی ضمن ابراز نگرانی برای وضعیت نسل جوان در کشور با بیان اینکه ما به جای کانالیزه کردن استعدادهای جوانان و رهنمون کردنشان در مسیر درست آنان را با بی توجهی به بیراهه خواهیم کشاند.

زارعی در جایی دیگر از سخنان خود افزود: اینجا کردستان و یک استان مرزی است و دشمن نزدیک تر بوده و نباید اجازه دهیم جوانان تهدید شوند و کانون گرم خانواده ما تهدید شود و از هم بپاشد لذا لازم است پایگاه های فرهنگی در استان کردستان افزایش یابند.

● افتتاح دومین دفتر

وی در ادامه بحث مقوله نمایشنامه را بسیار مهم خواند و از پیگیری برای رفع این مسئله خبر داد و یادآور شد: همزمان با فعال کردن دفاتر تئاتر مردمی بچه های مسجد در استان ها، با سفارش تولید نمایشنامه هایی به ۲۵ نویسنده تحصیل کرده و صاحب اثر با محتوایی عامه پسند، مذهبی و اجتماعی که بازگو کننده احوال مردم باشد، خیلی زود فرایند اجرایی شدن کارها را توسط افراد و گروه های شناسایی شده و با کمک کارشناسان خود آغاز خواهیم کرد.

مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری کشور از راه اندازی نمایش های ۵ دقیقه ای بین بچه های مسجد و اعلام کاربرد تئاتر از این طریق به همراه شناسایی ۵۰ گروه نمایشی خبر داد.

کوروش زارعی همچنین استان کردستان را دومین استان از لحاظ افتتاح دفتر تئاتر مردمی بچه های مسجد دانست و اولین استان را مازندران اعلام کرد و از افتتاح این دفتر در کرمانشاه به عنوان سومین استان نام برد.

کوروش زارعی اظهار داشت: وقتی تئاتر خوب برای مردم ارائه نداده ایم و درست کار نکرده ایم چطور توقع داریم که مردم نمایش ها را نگاه کنند همچنین به دلیل اینکه متولیان هنر آن طور که باید عمل نکرده و سیاست گذاریها اصولی نیست، مردم ذهنیت خوب و شناخت درستی از تئاتر ندارند.

وی با تأکید بر اینکه تربیت مخاطب برای نهادینه کردن تئاتر و جا افتادن آن برای مردم به طوری که تئاتر دیدن را از ضرورت های زندگی خود خواهند دانست، گفت: خیلی از تئاترها در کشور ضعف دارند و این می تواند کمک کند به این موضوع که مخاطب تربیت شود و سطح فرهنگی و کیفی جامعه ارتقاء یابد.

زارعی تئاتر را انسان محور خواند و بیان کرد: تئاتر یک هنر انسان ساز و ارزش مدار و اخلاقی است در واقع اگر سه ضلع مثلث تشکیل دهنده تئاتر یعنی مخاطب، هنرمند و موضوع را در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که در هنر تئاتر غیر از انسان به چیز دیگری پرداخته نمی شود و باید دانست که پیام تئاتر اخلاق بوده و ترویج دهنده مکارم الاخلاق است.

● نگاهی به تئاتر کردستان

مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری کشور به مشکلات پیش روی جامعه تئاتر در استان کردستان اشاره کرد و گفت: در درجه اول بی مهری متولیان فرهنگ و هنر استان است که هنرمندان تئاتر را از رده خاطر کرده است چرا که قبل از هر چیز هنرمند نیاز به تکریم و احترام دارد و باید دانست که برخورد خوب و انسانی با هنرمند بالاتر از هر گونه کمک دیگری است.

کوروش زارعی با تأکید بر حفظ ارزش هنرمند، به کمبود مالی، نامناسب بودن امکانات فیزیکی و نبود سالن نمایش به عنوان معضلات دیگر عرصه هنر استان اشاره کرد و نبود سالن نمایش استاندارد و مناسب برای هنرمندان را فاجعه ای بزرگ خواند و با بیان اینکه وقتی تولید هنر هست اما محل عرضه نیست خواستار دایر کردن مکان مناسب برای هنرنمایی هنرمندان کردستان شد.

وی بی توجهی به ایجاد سالن نمایش را عامل ناراحتی



زیبایی های یک پوشش اصیل / تبلور فرهنگ ایرانی در لباس محلی کرمانشاه



لباس محلی مردم کرمانشاه از لباس های منحصر به فردی است که با ویژگی هایی چون تنوع و رنگ هایی برگرفته از طبیعت چهار فصل استان در کنار حجاب کامل، به عنوان عنصری فرهنگی ماندگار شده است.



در تعریفی که از فرهنگ می شود، پوشش یکی از اجزای جدایی ناپذیر آن است و در واقع می توان آن را یکی از ارزش های اصلی هر فرهنگ به شمار آورد. گفته می شود که فرهنگ هر ملت آینه آن است و پوشش یکی از اصلی ترین اجزا فرهنگ در معرفی آن فرهنگ به سایرین است و رابطه لباس و فرهنگ آن قدر قوی بوده که در بسیاری از موارد ملاک شناخت افراد و تفکیک آنان از یکدیگر همین لباس است. نوع پوشش از گذشته های بسیار دور، تاکنون که البته مقداری دستخوش تغییرات شده نشان دهنده منطقه زندگی هر فرد از اقلیم و جغرافیا و حرفه گرفته تا اقتصاد آن ها بوده و مردم مناطقی چون کوهستان و کویر بنا به نوع پوشش به راحتی از یکدیگر قابل تفکیک بودند.

لباس محلی این روزها علاوه بر اینکه هویت فرهنگی هر منطقه محسوب شده، نوعی جاذبه فرهنگی نیز هستند و ایران یکی از کشورهای است که متنوع ترین پوشش ها در بین اقوام خود از لر، ترک، بلوچ، ترکمن گرفته تا کرد و قشقایی و گیلکی دارد، لباس هایی که معرف تمام ابعاد زندگی مردمان هر منطقه است.

ویژگی های مشترک لباس های محلی ایرانی

بلندی، گشادگی، سادگی و حجاب از ویژگی های مشترک اغلب لباس های محلی ایرانی است، ویژگی ای که در لباس کردی یا کرمانشاهی نیز به عینا قابل مشاهده است. لباس محلی یا کردی کرمانشاهی علاوه بر ویژگی های بالا از ویژگی های دیگری نیز چون رنگ شاد متناسب با طبیعت چهار فصل استان برخوردار است که خود نوعی نشاط و شادابی در بین مردمان سخت کوش کوهستان ایجاد کرده است.

حجاب کامل لباس کردی از دیگر ویژگی های این لباس است، ویژگی ای که علاوه بر تنوع و شادابی باعث ماندگاری آن از گذشته های دور تاکنون شده است. یک کارشناس ارشد مردم شناسی، در خصوص لباس محلی مردم کرمانشاه و ویژگی های آن گفت: لباس های محلی استان کرمانشاه در حقیقت هویت و جزء جدایی ناپذیر از فرهنگ این استان محسوب می شود و همچنان اصالت و هویت خود را حفظ کرده و این به دلیل نگرش مردم این خطه به این فرهنگ غنی است.

نقش لباس محلی کرمانشاهی بر کتیبه ها و سنگ نوشته ها

شهبلا جواهری لباس محلی را یکی از جاذبه های فرهنگی استان کرمانشاه دانست و گفت: پیشینه لباس های کردی به گذشته های دور برمی گردد و بر کتیبه ها و سنگ نوشته های به یادگار مانده از قرن های گذشته، تصاویر زیادی از زنان و مردان مناطق مختلف ایران با پوشش های سنتی اهالی کردنشین حک شده است. وی تصریح کرد: در این کنده کاری های دوران تاریخی و ایران باستان تصاویر زنان و مردان با پوشش کامل و شبیه

سورانی یا فقیانه»

جواهری افزود: پیراهن زنان کرد بلند و گشاد است و معمولاً آن را از پارچه ی گل دار تهیه می کنند. جنس پیراهن زنان گاهی مخمل الوان و گاهی پارچه هایی با جنس دلخواه و طرح گل دار است. برش این پیراهن بسیار ساده است و بلندی آن تا مچ پا می رسد. یقه های گرد مانند دارد. آستین آن که ساده و راسته است و در بعضی نقاط به آن مچ اضافه کنند و برایش دکمه ای برای بسته شدن آن می گذارند.

وی تصریح کرد: اغلب زنان کرد منطقه اورامانات، جوانرود و ثلاث باباجانی آستین پیراهن هایشان آستین فراخ و بلند و زبانه ای مثلث شکل در انتهای آستین است که به آن «سورانی و یا فقیانه» می گویند که به نوبه خود کاردهای متعددی دارد. این کارشناس کرمانشاهی خاطر نشان کرد: زنان در هنگام کار کردن، دو سورانی را به هم گره می زنند و آن را پشت سر می اندازند؛ به این ترتیب آستین جمع می شود و گاهی آن را تا مچ دست تا روی ساق می پیچند تا هنگام کار کردن راحت باشند و در طول فصل زمستان نیز آن را روی آستین «کوا» می پیچند؛ به این ترتیب از نفوذ سرما به داخل آستین جلوگیری می کنند و دیگر این که هنگام وضو، آستین ها را به راحتی تا بالای آرنج بالا می زنند. به این ترتیب که با بستن سورانی روی آرنج، مانع پایین آمدن آستین می شوند.

«کمر چین» و «سخمه»

وی در خصوص نوع پوشش زنان کرمانشاهی نیز گفت: به پیراهن زنان کرمانشاهی در گذشته «کمر چین» گفته می شد و دورتادور آن را در ناحیه کمر چین می زدند و روی آن یل یا تن پوش کت مانند می پوشیدند.

جواهری افزود: «سخمه» جزئی دیگر از پوشاک های زیبای بومی و مورد علاقه ی زنان کرد این استان است؛ زیرا علاوه بر رنگ، با برش و وضع تزئین خاص خود، امکان استفاده از تزئینات و زیورات را به بانوان می دهد.

وی تصریح کرد: «سخمه» نیم تنه ای جلیقه مانند است که روی پیراهن بلند می پوشند و از پارچه زری یا مخمل های الوان دوخته می شود و دارای آستر و گاه لفاف است.

این کارشناس مردم شناسی در خصوص «جلیقه» به عنوان

لباس هایی که اهالی کرمانشاه و سایر مناطق کردنشین بر تن می کنند، قابل مشاهده است.

این کارشناس ارشد کرمانشاهی افزود: با وجود تغییرات متعددی که از قرون گذشته در فرهنگ کردهای کرمانشاه به وجود آمده، پوشیدن لباس های سنتی کرمانشاه تقریباً مانند گذشته رونق دارد و در مناطقی مانند اورامانات، جوانرود، ثلاث باباجانی و برخی مناطق روستایی پوشش سنتی کاملاً حفظ شده است.

حجاب کامل از ویژگی های بارز لباس کردی است

وی یکی از ویژگی های لباس کردی را حجاب کامل آن دانست و افزود: با تأکید بر وجود حجاب در لباس های سنتی از زمان های بسیار دور در فرهنگ غنی ایران زمین، می توان گفت لباس کردی کرمانشاه، لباسی کاملاً پوشیده بارنگ های متنوع است.

جواهری در خصوص اجزای لباس محلی زنان کرمانشاهی نیز گفت: لباس کردی زنانه شامل تن پوش، پاپوش و سرپوش است. لباسی که یک زن کرد کرمانشاهی می پوشد، در مناطق مختلف با توجه به موقعیت جغرافیایی، معیشت، فرهنگ از نظر شکل ظاهری متفاوت است.

اجزای لباس محلی استان کرمانشاه

وی افزود: پوشاک بانوان این ناحیه شامل ۹ قسمت شامل سر بند، زیرپوش، پیراهن، جلیقه، نیم تنه، قبا، پوشش شل مانندی به نام ماشته یا چارکه (چادر امروزی)، شلوار و کفش است.

این کارشناس ارشد مردم شناسی ادامه داد: لباس های بلند و رنگارنگ در عین زیبایی و رنگ متنوعی که دارد، پوشیده بوده و برای راحتی، شلواری نیز زیر لباس در نظر گرفته شده است.

وی در خصوص دیگر ویژگی لباس زنان کرد گفت: زیر پیراهن زنان کرد ساده و بلند است و تا پشت پا می رسد. جنس این زیر پیراهن معمولاً از پارچه نخی است و برشی ساده دارد. آستین آن کاملاً ساده و یقه ی آن گرد است و هر دو با دکمه ی ساده ای بسته می شوند.

روپوش، شلوار و شال بوده و در مجموع اجزای مختلفی دارد. وی افزود: لباس‌های محلی کرمانشاه دارای حجاب کاملی است و این موضوع یکی از ویژگی‌های بارز این لباس‌هاست که باعث ماندگاری آن‌ها شده و هنوز هم استفاده می‌شود.

● رنگ لباس محلی مردم استان کرمانشاه برگرفته از طبیعت چهارفصل آن است

حیدری ادامه داد: از دیگر ویژگی‌های لباس‌های محلی استان کرمانشاه رنگ آن بوده که برگرفته از طبیعت چهارفصل استان است و با الهام از طبیعت این لباس‌ها طراحی شده‌اند و به دلیل رنگ شاد این لباس‌ها، همیشه مورد توجه بوده است.

وی لباس محلی را نشانی از هویت استان کرمانشاه دانست که هنوز هم وجود دارد و نشان می‌دهد استان کرمانشاه هنوز هم اصالت و هویت خود را حفظ کرده است و این لباس بخشی از فرهنگ غنی این استان را نشان می‌دهد. معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه یادآور شد: هر گردشگر و توریستی که وارد استان ما می‌شود، قطع به یقین بازار سنتی ما را خواهد دید و این بازار از پارچه‌های الوان و رنگارنگ پوشیده شده که نشان از لباس‌های محلی است که در استان وجود دارد.

● مردان کرد «چوخه و رانک» می‌پوشند

وی اشاره‌ای نیز به پوشش محلی مردان کرمانشاهی داشت و گفت: لباس‌های مردم کرمانشاه فقط منحصر به خانم‌ها نیست و «چوخه و رانک» نوعی از پوشش محلی مردم استان کرمانشاه است که بیشتر در منطقه اورامانات استفاده می‌شود.

حیدری افزود: لباس‌های محلی مردان با عنوان «چوخه و رانک» اغلب از پارچه‌های دست‌بافی تهیه می‌شود که توسط خود مردم این مناطق و تحت عنوان صنعت دستی «مرس بافی» تولید می‌شود.

● تولید لباس‌های محلی کرمانشاهی با صنعت «مرس بافی»

وی تصریح کرد: متأسفانه «مرس بافی» یکی از رشته‌های صنایع دستی در حال منسوخ شدن است اما سیاست ما در سازمان میراث فرهنگی احیای مجدد این رشته‌های در حال منسوخ شدن است.

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه اشاره‌ای نیز به فعالیتهای اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه و معاونت صنایع دستی برای حفظ لباس محلی کرمانشاهی به عنوان بخشی از هویت استان داشت و گفت: یکی از اولویتهای ما در کلاس‌های آموزشی، آموزش البسه محلی است که بتوانیم این فرهنگ را حفظ کنیم و خود صنعتگران ما بتوانند با دوختن یک لباس محلی فرهنگ آن را هم رواج بدهند.

وی خاطرنشان کرد: لباس محلی کرمانشاهی اجزای مختلفی دارد اما این اجزا در نقاط مختلف استان کم‌وزن می‌شود و یا تغییرات جزئی از نظر دوخت در آن‌ها به وجود می‌آید اما در مجموع لباس محلی کرمانشاه اجزایی چون سرپوش، قبا، پیرهن، روپوش، شلوار، شال و... دارد.

با توجه به ویژگی‌های ذکر شده از لباس محلی کرمانشاه و قرابتی که بین پوشش و فرهنگ مردم هر دیار وجود دارد می‌توان مردم کرمانشاه را مردمی متدین و متمدن و البته بانشاط علی‌رغم زندگی سخت کوهستانی دانست که این تدین، تمدن و سایر ویژگی‌های ذکر شده در لباس و پوشش آنان بروز و ظهور کرده است؛ بنابراین حفظ این لباس‌ها می‌تواند حفظ هویت مردمان غیور کرمانشاهی باشد.

کرمانشاهی یادکرد و گفت: سرپند زنان کرمانشاهی از چندین دستمال کلاغی ریشه‌دار تشکیل شده که به زیبایی آن افزوده است. این دستمال‌ها را معمول به کلاهی که گاهی شبیه عرق چین است می‌پسند که ریشه‌های آن به شکل زیبایی در جلو و اطراف سر قرار می‌گیرد.

وی افزود: سرپند زنان کلهر (یکی از ایلات کرمانشاه) از ویژگی خاصی برخوردار است و در برخی مناطقی مانند اورامانات، جوانرود و ثلاث باباجانی از «لچک و کلاه» استفاده می‌کنند که به «کلاو لچک» معروف است.

این کارشناس ارشد مردم‌شناسی تصریح کرد: «لچک» پارچه‌ای نازک و زیبا به شکل سه گوش است و رأس آن با یک سنتاق روی کلاه وصل می‌شود و دو گوشه‌ی آن در طرفین و روی شانه قرار می‌گیرد. به این ترتیب روی سینه آورده می‌شود و یک گوشه‌ی آن در پشت آویزان می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: لباس محلی مردم کرمانشاه یکی از لباس‌های منحصر به فرد با ویژگی‌هایی متناسب با فرهنگ و هویت مردمان این دیار است که همین هم سببی و همخوانی آن با فرهنگ ما باعث ماندگاری آن از گذشته‌های دور تاکنون شده است و باید در حفظ و احیای آن کوشا باشیم.

● تنوع بالا در طرح و رنگ از ویژگی‌های لباس محلی استان کرمانشاه

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه نیز، در این خصوص گفت: به جرات می‌توان گفت: استان کرمانشاه از مناطقی است که پوشش مردم آن از تنوع بالایی در طرح و رنگ برخوردار است.

پروانه حیدری، این تنوع پوشش را برگرفته از تنوع فرهنگ و قومیت‌های موجود در استان دانست و تصریح کرد: این پوشش‌ها پس از گذشت قرن‌ها و ورود و پیشرفت صنایع ماشینی هنوز از رونق نيفتاده و بسیاری از مردم از آن‌ها در مراسماتشان استفاده می‌کنند.

وی تصریح کرد: پوشش‌های بومی و محلی مردم کرمانشاه هنوز هم در بین این مردم چه در روستاها و چه شهرها از این لباس‌ها استفاده می‌شود.

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه در خصوص اجزای تشکیل دهنده لباس محلی استان کرمانشاه گفت: لباس‌های محلی کرمانشاه شامل اجزایی چون سرپوش، جلیقه، پیراهن، قبا،

یکی دیگر از اجزای لباس محلی مردم استان کرمانشاه گفت: جلیقه یکی از پوشاک زیبای بومی و مورد علاقه‌ی زنان کرد کرمانشاه بوده که پوششی بی‌استین تا ناحیه کمر است. یقه این پوشش به شکل هفت یا سه گوش و گاه دارای برگردان بوده و بر کناره‌های آن (از بالای یقه تا گوشه‌ها و پهلوها) به پهنای حدود سه انگشت (یک برگردان ساده یا پنج سانتی)، یراق‌دوزی و نواردوزی می‌شود. در گذشته زنان کرد روی آن را سکه‌دوزی می‌کردند.

● «سلته» و «ماشته»

وی افزود: نیم‌تنه کوتاه و استین‌داری که آن را «سلته» می‌نامند همانند جلیقه کوتاه است با این تفاوت که استین دارد. جنس آن مانند جلیقه، مخمل الوان یا زری مرغوب است در پایین پوشیده می‌شود.

جوهری گفت: تن پوش تمام‌قد و بلند دیگری در فصل زمستان پوشیده می‌شود به نام «که‌وا» که همان قیامت و در منطقه قصر شیرین به آن «زون یا زبون» گفته می‌شود.

وی افزود: جنس قبا از مخمل‌های الوان بوده و آستری از جنس پارچه‌های گل‌دار دارد و استین‌های آن کاملاً ساده است. البته قباهایی که در فصل زمستان استفاده می‌شوند، بیش تر مشکی هستند. این قبا تقریباً هم‌اندازه پیراهن دوخته می‌شود. یقه آن به صورت هفت بسیار کوچک است و در قسمت جلو تا پایین دو لبه قبا به حالت منحنی، جدای از هم می‌ایستد.

این کارشناس مردم‌شناسی، «ماشته» را نوعی از دیگر پوشش محلی مردم استان کرمانشاه عنوان کرد و گفت: «ماشته» پارچه ابریشمی مشکی‌ای به‌اندازه دو متر در یک متر است که آن دولا کرده معمولاً آن را از درازا بر پشت و گردن می‌اندازند و دو گوشه بالایی‌اش را جلو آورده و روی سینه گره می‌زنند و به عنوان چادر آن را استفاده می‌کنند، در حال حاضر زنان مسن برخی نقاط استان از آن استفاده می‌کنند. در منطقه اورامانات به این منظور از پارچه‌های ابریشمی با اهاره سبز در ابعاد کوچک‌تر استفاده می‌کنند. وی افزود: شلوار جزئی دیگر از لباس محلی مردم استان کرمانشاه است و شلوار بانوان کرده، گشاد و از جنس حریر است. در برخی مناطق، شلوار زنان کرده، اغلب از جنس نخ بوده و گشاد است و در ناحیه مچ پا آن با کش یا بستن دکمه جمع می‌شود.

● «سرپند» و «کلاو لچک»

جوهری از «سرپند» به عنوان جزئی دیگر از لباس کردی یا



فراموشی «روز گرگان» / شهرداری به فعالیت های اجتماعی بی اعتناست

شورای شهر گرگان تصریح کرد: در این نامه به صراحت اعلام کردیم سال گذشته با وجود برگزاری ۱۵ تا ۲۰ جلسه شاهد ضعف های فراوان در اجرای برنامه ها بوده ایم.

وی خاطر نشان کرد: تنها دو روز تا برگزاری برنامه های روز گرگان زمان باقی است و همچنان شورای شهر و کمیسیون فرهنگی و اعضای دبیرخانه از برنامه های این روز اطلاعی ندارند.

پزشکیور بیان کرد: این یک رویه جدیدی در این دوره نبوده و نیست و بارها شاهد بوده ایم که شهرداری و سازمان های وابسته به آن بدون هماهنگی با شورای اسلامی و کمیسیون های مربوطه اقدام به برگزاری برنامه می کنند.

انتقاد تند رئیس کمیسیون فرهنگی شورا حکایت از بی برنامه گی در برگزاری مراسم روز گرگان داشت و شنیدن صحبت های مدیرعامل سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری گرگان می توانست زوایای دیگر این مباحث را مشخص کند. اما تلاش خبرنگار مهر برای گفتگو با مهدی خسروی مدیرعامل این سازمان بی نتیجه ماند و در نهایت به درخواست سخنگوی شورای اسلامی شهر گرگان این اطلاعات در اختیار وی قرار داده شد.

سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری گرگان که نقطه قوت شهرداری در دوران مدیریت گذشته بود اکنون به یکی از منفعل ترین بخش های شهرداری گرگان تبدیل شده است و تقریباً می توان نقش فرهنگ ساز خود را در شرایطی که کشور و بخصوص شهر گرگان از مسائل و معضلات فرهنگی به شدت رنج می برد، از دست داده است.

حال در این میان مدیرعامل این سازمان که به نظر می رسد همسو با مدیریت کلان شهری گرگان قدم بر می دارد، رسانه گریزی را هم کنار انفعال سازمان خود قرار داده تا پاسخگوی مطالبات مردم در بخش فرهنگی نباشد.

● هنوز برنامه به شورا اعلام نشده است

روز سه شنبه (۱۶ شهریور) خواستار اعلام برنامه های روز گرگان از سخنگوی شورای شهر شد و صفرعلی پائین محلی اظهار کرد: از سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری برنامه ها را درخواست کرده ایم اما هنوز اعلام نکرده اند.

یک روز بعد و پس از پیگیری های انجام شده، سخنگوی شورای اسلامی شهر مرکز استان برنامه های این روز را اعلام کرد و گفت: امسال این برنامه در دو روز ۲۰ و ۲۱ شهریور برگزار می شود.

وی افزود: برنامه افتتاحیه در ۲۰ شهریور برگزار می شود که شامل قرائت قرآن و



استان ها و شهرها الگوی نام گذاری روزی به نام آن شهر شده است. چراغعلی بایان اینکه روز گرگان می تواند بستر و زمینه ساز توسعه فرهنگی و اجتماعی این شهر باشد، متذکر شد: نام گذاری هایی از این دست باید فرصتی برای توجه بیشتر به یکدیگر و همچنین شناساندن و فراهم آوردن فرصت های توسعه ای در منطقه و استان باشد.

● سازمان فرهنگی، ورزشی و شهرداری همکاری نکند

انتظار می رفت با تشکیل دبیرخانه دائمی و پس از برگزاری چندساله برنامه های روز گرگان که در اوج خود از یک روزه یک هفته رسیده بود شاهد برنامه ریزی منسجم باشیم و روز گرگان فرودها را پشت سر گذاشته و به فراز برسد اما انتقاد تند رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر گرگان از بی برنامه گی ها در اجرای برنامه های این روز حکایت دارد.

علیرضا پزشکیور اظهار کرد: هیچ اطلاعی از برنامه های روز گرگان ندارم و اعضای شورای شهر هم مانند شهروندان از دیروز از طریق بنرهای نصب شده در سطح شهر از برنامه های این روز مطلع شده ایم. عضو دبیرخانه دائمی روز گرگان افزود: این بدان معنا نیست که ما به دنبال برنامه ریزی و هماهنگی در این خصوص نبوده ایم بلکه سازمان فرهنگی و ورزشی و شهرداری با شورا همکاری نکند.

نبود برنامه برای روز گرگان به این معنا نیست که شورا به دنبال برنامه ریزی و هماهنگی در این خصوص نبوده بلکه سازمان فرهنگی و ورزشی و شهرداری گرگان با شورا همکاری نکند.

وی ادامه داد: روزهای نخست مردادماه امسال به درخواست کمیسیون فرهنگی، رئیس شورا کتبا از شهرداری و سازمان فرهنگی و ورزشی خواست تا برنامه های خود را اعلام کرده و در جلسات مشترک به تبادل نظر و برنامه ریزی بپردازیم اما تا این لحظه پاسخی دریافت نکرده ایم.

رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی

به گرگان در سال ۱۳۱۶ خورشیدی، روز گرگان نام گرفت.

عبدالرضا چراغعلی افزود: روز گرگان بهانه ای برای یادآوری سرمایه های فرهنگی و اجتماعی این شهر و در یک کلام پیش نیاز توسعه پایدار برای آینده و تحولات مثبت در گرگان است.

وی ادامه داد: در سال نخست و پس از حدود یک سال کارشناسی و برگزاری ۵۴ جلسه کارشناسی ۶ کمیته فرهنگی، ورزشی، معماری، زیباسازی، بافت تاریخی، محیط زیست و جغرافیا، آموزش، منزلت اجتماعی، حقوق شهروندی و سلامت و بهداشت محیط و روان و همچنین تبلیغات و اطلاع رسانی برای برگزاری مراسم روز گرگان تشکیل شد.

نام گذاری هایی از این دست باید فرصتی برای توجه بیشتر به یکدیگر و همچنین شناساندن و فراهم آوردن فرصت های توسعه ای در منطقه و استان باشد.

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری گلستان خاطر نشان کرد: در دو سال نخست با برگزاری همایش گرگان پایتخت بسکتبال ایران، انجام مسابقات فرهنگی در محلات و ارائه بسته های فرهنگی و آموزشی همراه با اهدای جوایز در پارک های محلی، جشن پرواز بادبادک ها، همایش گرگان پژوهی و برگزاری نمایشگاه عکس که در یکی از محلات پیش بینی و اجرا شد که با استقبال خوب شهروندان مواجه شده و بازتاب مثبت به همراه داشت.

چراغعلی از روز گرگان به عنوان رخداد فرهنگی و اجتماعی و نقطه عطفی برای تبادل وحدت اقوام گرگان زمین و همچنین بهره گیری از اتفاقات و رویدادهایی که هویت تاریخی این سرزمین را تشکیل می دهند نام برد و اضافه کرد: در این روز با برگزاری کارگاه های آموزشی، نمایشگاه، همایش و ... می توان به معرفی و شناساندن فرهنگ، معماری، آداب و رسوم و گویش گرگان زمین که هویت تاریخی ما را تشکیل می دهند، پرداخت.

وی اظهار کرد: این حرکت که هفت سال پیش آغاز شد هم اکنون از سوی برخی از

هفت سال از نام گذاری روزی به نام گرگان می گذرد و پس از فراز و فرودهای بسیار امسال این روز، فرود سخت خود را تجربه



زهرا بهراوی

می کند تا جایی که بی برنامه گی در برگزاری مراسم داد شورائیان را هم در آورد.

سال ۱۳۸۹ بود که پس از تصویب شورای شهر مرکز استان ۲۰ شهریورماه که مصادف با تغییر نام این شهر از استرآباد به گرگان بود، به نام «روز گرگان» نام گذاری شد.

پس از این نام گذاری در مهرماه همان سال دبیرخانه دائمی روز گرگان با ۱۸ عضو متشکل از رئیس شورا، شهردار و روابط عمومی شهرداری، دو عضو از اعضای شورای شهر، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان فرهنگی، ورزشی شهرداری گرگان و ۱۱ کارشناس و صاحب نظر فرهنگی و اجتماعی تشکیل شد.

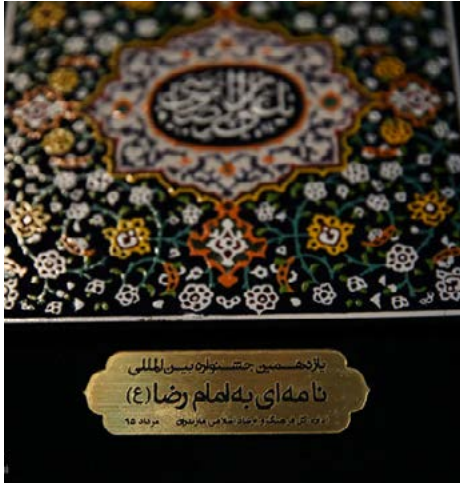
دبیرخانه دائمی که به منظور انجام هر چه بهتر گرامی داشت روز گرگان و دریافت نظرات و پیشنهادها مفید و ارزنده صاحب نظران عضو، توانست در فاصله ای کمتر از دو سال در اردیبهشت ماه سال ۹۰ برنامه های اجرایی تعریف، اهداف، ساختار و آیین نامه اجرایی این روزه تصویب برساند.

نام گذاری ۲۰ شهریور به نام گرگان و حرکت روه جلو برای معرفی این شهر تاریخی تا جایی پیش رفت که برنامه های متنوع این روز در یک هفته اجرا می شد. برنامه های فرهنگی «روز گرگان» تا آغاز شورای چهارم به خوبی و با حضور و مشارکت حداکثری شهروندان اجرا شد. اما با روی کار آمدن شورای چهارم نه تنها روز گرگان بلکه برنامه های فرهنگی تاثیر گذار از حوزه شهری که یکی از مهمترین دستگاه های بخش فرهنگی است، دور شد. انتخاب شهرداری که رسماً اعلام کرد اعتقادی به برنامه های فرهنگی ندارد داغ را بر دل فرهنگ دوستان نشاند. از زمان روی کار آمدن شورای چهارم رفته رفته از کیفیت و کمیت برنامه های این روز کاسته شد تا این که در آخرین سال فعالیت این شورا تقریباً می توان گفت خبری از این روز نیست.

● روز گرگان می تواند بستر توسعه فرهنگی و اجتماعی باشد

رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری آن وقت (سسال ۱۳۸۹) راجع به جزئیات این موبوه توضیح داد گفت: در آن سال با تصویب شورای اسلامی دوره سوم، بیستم شهریور روز تغییر نام شهر استرآباد

نجوای دل با امام غریبان / نامه های کودکانه به امام رضا (ع)



نامه های کودکان به امام رضا (ع)
پراست از آرزوهای ریز و درشت،
از کودک هندی که شوق سفر به
مشهد دارد تا کودک بیماری که دلش
می خواهد دوباره موهای از دست
رفته اش رشد کنند.



علیرضا نوری

نجوای با امام غریبان را می توان در جشنواره نامه های به امام رضا (ع) به نظاره نشست، از آرزوهای کودکان غریبی که تنها آشنایشان امام غریبان است. کلافه ای، خسته ای، خستگی راه بی طاقت کرده است، می خواهی بروی یکدل سیر بخوابی، اما گردش اتوبوس نظرت را عوض می کند، در خیابان امام رضا (ع) همه خیره می شوند به شیشه جلوی ماشین، دست را آرام روی سینه می گذاری و می گویی «السلام علیک یا علی بن موسی الرضا (ع)».

همه چیز از یک جشنواره آغاز شد و بهانه ای می شود تا کودکان ایران و جهان برای امام مهربانی ها نامه بنویسند و این شد که بیش از ۱۰۰ هزار نامه به یازدهمین جشنواره نامه ای به امام رضا (ع) ارسال شود.

مرور نامه های کودکان به امام رضا، نجوای کودکانی را به تصویر می کشد که همه عشق و شیدایی شان را به امام رضا به نمایش می گذارد.

تا جایی که یک کودک غریب هندی به امام رضا می نویسد: «سلام آقای مهربان، من همیشه از دور به تو سلام می کنم، آخر تا حالا نبودم مشهد خونت، مامانم همیشه می گه که آقا باید ما رو بطلبه. یا ضامن آهو، بعضی وقت ها فکر می کنم که چطور حرف تمام مردم را گوش میدی؟ واقعا خسته نمی شی؟ یا اشتباه نمی کنی، من که وقتی دو تا شعر می خونم، بعدش اشتباه می کنم.»

دل نوشته های کودکان در برخی نامه ها، رنگ و بو و دغدغه های زندگی می گیرد، تا جایی که رتبه اول گروه سنی هفت تا ۱۰ سال جشنواره امام رضا (ع) از امام مهربانی ها می خواهد تا با خدا حرف بزند و آنان صاحب خانه شوند. می گوید: «بابا همش دارد تلاش می کند تا برای ما خانه بخرد اما پول ندارد، مامان خیلی ناراحت است، با خدا حرف بزن، من دیگر از اسباب کشی خسته شده ام، از نگرانی های بابا و اشک های مامان خسته شده ام، چون باید این خانه مان را خالی کنیم و هنوز جایی پیدا نکرده ایم.»

عشق به امام مهربانی ها را می توان در لابه لای نامه کودک بیماری جستجو کرد که آرزوی شفا دارد و می گوید: آرزو دارم سر آمپول ها نرم باشد و دیگر درد نکشد و آرزو دارد دوباره زندگی را زندگی کند و دوست دارد دوباره موهایش را روی سرش ببیند. کودکان هر چه بزرگ می شوند، دغدغه هایشان هم رنگ و بوی دیگری می گیرد اما باز می توان، عشق به امام خوبی ها را در دل نوشته هایش حس کرد.

در نامه دیگری آمده است: «پدر و مادر من پول سفر به مشهد را ندارند، من الان ۵۰ هزار تومان پول دارم و می خواهم هر وقت پولم به ۲۰۰ هزار تومان رسید، به مادرم بدهم و خانوادگی به مشهد برویم.»

عشق به امام رضا (ع) نه تنها در دل کودکان سرزمین خورشید، بلکه در قلب های همه کودکان جهان موج می زند تا جایی که بسیاری از کودکان، سفر به مشهد و پایوسی حرم مطهر و پنجره فولاد را آرزو می کنند و تشنه زیارت هستند.

کودک آفریقایی نیز این گونه نجوای می کند: ما امروز در زیر

پذیرایی است و پس از آن نمایشگاه که غرفه های مشاوره پزشکی، تغذیه، ازدواج و خانواده، رفتار زوجین، رفتار با فرزندان، مشاوره مذهبی، خوشنویسی، سیاه قلم، نان سنتی، کار دستی با مواد دورریختنی، غرفه خدمات شهری و ... در آن دیده شده افتتاح می شود.

به گفته پائین محلی رادیو جشنواره، نمایش میدانی، مسابقه قرآن بخوانید جایزه بگیرید، اجرای بازی های بومی و محلی، رقص خنجر ترکمن، بازی سیستمی و موسیقی کتولی، نواختن سورنا یا دهل زنی از برنامه های جنبی این نمایشگاه دوروزه است.

وی بدون اعلام دقیق ساعت برنامه های افتتاحیه و اختتامیه، بیان کرد: برنامه اختتامیه روز بیست و یکم شهریور با اجرای نمایش طنز، قصه گویی به گویش گرگانی، موسیقی سنتی یا کتولی، موسیقی پاپ، پذیرایی و اجرای مسابقه و اهداف جایزه برگزار می شود.

سختگوی شورای شهر گرگان تصریح کرد: همچنین عصر پنجشنبه اولین دوره مسابقه طناب کشی شهرستان گرگان به مناسبت روز گرگان در محوطه مدرسه هجرت در محله قلعه حسن برگزار می شود.

برنامه های روز گرگان قبل از ۲۰ شهریور بدون اعلام زمان دقیق عمومی شد اما امروز که ۲۰ شهریور است هنوز خبری از برنامه های وعده داده شده نیست. این مساله در حالی مغفول مانده است که حسین صادقلو شهردار گرگان برای افتتاح پروژه های عمرانی خود از ماه ها قبل برنامه ریزی و اطلاع رسانی می کند و ضمن پرداخت هزینه های گزاف از هنرمندان شعوری برای حضور در زیر گذر یا رو گذرهای شهر گرگان استفاده می کند.

در شرایطی که سال ها برای کارهای فرهنگی باید هزینه و وقت گذاشت تا نتیجه گرفت و همچنین برنامه ای که هفت سال زمان برد تا به نقطه اوج خود برسد، بی توجهی شهرداری گرگان به اقداماتی مانند «روز گرگان» که مصوبه قانونی شورا را هم داراست، بی اعتنایی به فرهنگ و فرهنگ دوستان به شمار می رود.

انتظار می رفت پس از چندین سال از برگزاری برنامه های روز گرگان متصدیان و مسئولان برگزار در چنین ایامی فراتر از اقدامات نمادین همیشگی عمل نکرده و با اعمال برنامه ریزی های بلندمدت و تدبیرهای راهبردی، دیگر بار گرگان را به جایگاه واقعی آن بازگردانند اما بی برنامه گی های موجود نشان می دهد در سال های اخیر نه تنها شاهد بهبود برنامه های برای شناساندن فرصت های توسعه فرهنگی و اجتماعی گرگان نبوده ایم بلکه بی برنامه گی ها می تواند به یک نام گذاری صرف تبدیل شود.

آسمانی زندگی می کنیم که ابرهای تیره تر آن را فرا گرفته است، نمی دانم باران وعده داده شده کی خواهد آمد اما می دانم، باران الهی روزی باریدن خواهد گرفت و همه ما را نجات خواهد داد.

وقتی دل نوشته های کودکان را مرور می کنی، کودکان زیادی هستند که دوست دارند ای کاش آهو بودند تا امام غریبان ضامنشان می شد. یک کودک فرانسوی می گوید: «مدت ها هست که روزها را می شمارم و با تمام وجود دعا می کنم تا بتوانم دوباره مهمانتان شوم و امیدوارم روزی تشنگی زیارتتان تسکین یابد.»

مازندران در ۱۱ سال پیاپی میزبان نامه ها و دل نوشته های است که با عشق و مهر بیکران، محبان هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت همراه شده است و امسال برای دومین بار باهدف انس و الفت مردم سراسر دنیا با ثامن الحجج، جشنواره در سطح بین المللی برگزار شده است.

● ارسال ۱۳۷ هزار نامه به جشنواره امام رضا

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران گفت: دبیرخانه جشنواره بین المللی نامه ای به امام رضا (ع) در سه بخش ملی، بین المللی و بومی ۱۳۷ هزار و ۷۹۱ نامه دریافت کرده است.

احد جاودانی با بیان اینکه این جشنواره از سال ۸۵ تاکنون یازدهمین دوره برگزاری را تجربه می کند، افزود: دلنوشته های اقشار مختلف جامعه ایرانی و دیگر ملیت ها از سراسر دنیا به امام الرئوف (علیه السلام) هر سال نسبت به سال گذشته از رشد چشمگیری برخوردار است.

جاودانی با اشاره به اینکه در هر دوره از برگزاری این جشنواره به برخی از مشکلات و خواسته های نویسندگان نامه ها به همت مسئولین و خیرین رسیدگی شده است، اظهار داشت: جشنواره دهم نیز با محوریت تجلیل از دکتر عمادی پزشک بدون مرز و با حضور سفرای کشورهای آفریقایی به جهت خدمات شایسته این دکتر مازندرانی با نام امام رضا (علیه السلام) در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی برگزار شد.

وی از چاپ دلنوشته های منتخب جشنواره یازدهم در کتاب نجوای دل خبر داد.

حس بی زبان قلم در دل نوشته ها، واژه های عشق را بر صفحه های دل های عاشقان می نگارد و قد قامت آن واژگان تا گنبد طلا اوج می گیرد و کبوتران حرم نغمه سربایی می کنند.

■ اگر چند سالی است که به دلیل هجوم تحریم‌های ظالمانه، اوضاع اقتصادی کشور شرایط مطلوبی ندارد اما این نابسامانی در بخش صنایع دستی فراتر از موضوع تحریم‌هاست و دلیل اصلی آن بی‌توجهی و بی‌برنامگی سال‌های گذشته است.

■ رباط عرب‌ها پیش از واگذاری به بخش خصوصی، محلی برای تجمع معتادان و بسیاری از مشاغل کاذب از جمله پرنده فروشی و... بود و قسمت‌های قابل توجهی از آن آسیب دیده بود، ورود سرمایه‌گذار برای احیای این بنا فرصت خوبی در راستای تغییر و تحول در حوزه گردشگری سبزوار بود.

■ هنگامی که آفتاب در باختر، قرار می‌گیرد، جاذبه منحصر به فردی در مازندران رخ می‌نمایند که گردشگران تابستانه را به خود می‌خواند، از دریاچه‌ای که ارواح لقب گرفته تا سفر به سرزمین پلکانی آلاشت در سوادکوه.

■ خشت‌های قطور مربعی شکلش فروریخته، کاشی‌های قدیمی زیر پله رنگ به رخسار ندارد. حوض پاشویه بی‌تالو آب، لبه‌هایش ترک خورده، جلبک‌های خشکیده بر دیواره‌های خزینه و شیشه‌های حبابی بالای نورگیرهای گنبد‌های سقف، شکسته و فروریخته است.

■ این قلعه به لحاظ موقعیت استراتژیک خود در قرن چهارم هجری قمری به‌عنوان مقر حکومت آل حسنویه و گنجور در زمان آل‌بویه درآمد و از قرن ششم هجری پس از ساخته شدن شهر جدید خرم‌آباد این قلعه نیز بنام خرم‌آباد معروف شد و احتمالاً نام فلک الافلاک در دوره قاجار به آن اطلاق شده است.

میراث ایران



آب سرد بر سر شهر چشمه‌های آب گرم؛ شهرت جهانی برای «سرعین» آب و نان نشد

ساماندهی چشمه‌های آب گرم معدنی سرعین در دهه گذشته موجب سرریز میلیون‌ها گردشگر به این شهر توریستی شده است اما این شهر در وضعیتی به شهرت جهانی رسیده که از این محل عایدی خاصی ندارد.



ونوس بهنود



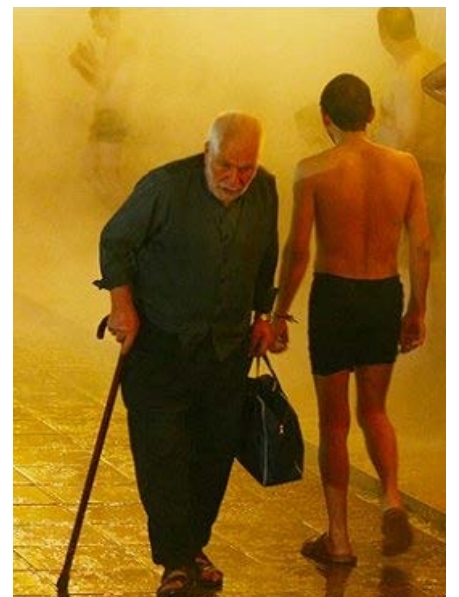
ترافیک نیمه سنگین ورودی شهر، جارچپایی که درست در وسط خیابان ایستاده‌اند و خودروها را پرزورتر از پلیس متوقف می‌کنند، ترافیک سنگین در خیابان‌های کم‌عرض و باریک، همه‌مه شهر در فروشگاه‌هایی که برخی با جنس چینی پر شده است، شلوغی ورودی چشمه‌های آب گرم معدنی و استخرهایی که خیلی‌ها را از آن سوی مرزها کشانده است، تصویر سرعین در یک روز تابستانی است. در مقابل ترافیک، شلوغی و همه‌مه نوک تیز پیکان ساماندهی همواره متوجه مسئولان است اما باید پرسید چه اتفاقی در یک دهه اخیر افتاده که نه از شلوغی‌ها کاسته شده و نه چهره شهر تغییر چندانی داشته است؟ با وجود اینکه سرعین یک ثروت عظیم گردشگری در جهان محسوب می‌شود و جزو شهرهای نادر در دنیا است که به این تعداد و تنوع چشمه‌های آب گرم معدنی دارد، اما از چهره مطبوع یک شهر گردشگری برخوردار نیست. چشمه‌های آب گرمی که هدیه سیلان است صرفاً ساماندهی شده و با وجود کم و کاستی‌ها در اختیار مسافران قرار می‌گیرد اما توسعه شهر به واسطه این ثروت عظیم خدادادی فقط در حد حرف باقی است.

این در حالیست که اگر همت بخش خصوصی در ساخت هتل و مراکز اقامتی، تجاری و غذاخوری نباشد، سرعین نتوانسته با برنامه مدیریتی صحیح خود را به سطح شهرهای گردشگری شناخته شده دنیا برساند.

● ساماندهی تقلیدی چشمه‌های آب گرم معدنی

از ۵۵۰ دهنه چشمه آب معدنی شناسایی شده در کشور نزدیک به ۸۰ دهنه در استان اردبیل واقع شده و شهر سرعین سرآمد تنوع آب‌های گرم معدنی است. به گفته فرماندار سرعین تأسیسات مربوط به آب‌های گرم معدنی سرعین در سه گروه مدرن، نیمه مدرن و سنتی تقسیم‌بندی می‌شوند.

عاطف ناصری تصریح کرد: در مجموع ۹ مجتمع مدرن، یک مجموعه نیمه سنتی و سه مجتمع سنتی آب‌درمانی در سرعین دایر است و هم‌اینک به مسافران و گردشگران ارائه خدمت می‌کند.



وی افزود: در صورتی که آب گرم «ویلا درق» نیز به این گروه اضافه شود، سرعین ۱۴ چشمه آب گرم برخوردار از مجتمع‌ها و تأسیسات خدمت‌رسانی دارد. فرماندار سرعین تصریح کرد: از کل چشمه‌ها دو آب گرم پهنلوی قدیم و شفا در دست ساماندهی است و گرچه ساماندهی آبگرم‌های سنتی به شیوه مدرن امکان‌پذیر نیست اما آبگرم‌های گاو میش گلی و بش باجیلار همگی ساماندهی شده‌اند و به لحاظ سنتی بودن خیلی برجستگی ندارند.

اما نکته اینجا است که چرا مسئولان سرعین اصرار به ساماندهی آبگرم‌ها به شکل و تصویر مدرن و همه به یک شکل و با امکانات مشابه استخرهای معمولی دارند؟

به دلیل نگاه صرف تقلیدی در ساماندهی چشمه‌های آب گرم معدنی بسیاری از امکانات و صنایع وابسته به آب‌های معدنی هنوز در سرعین ایجاد نشده است. کاستی‌ها در زمینه درآمندهایی و عایدی آب‌های گرم سرعین را می‌تواند پاسخ دهد. در واقع به دلیل نگاه صرف تقلیدی در ساماندهی چشمه‌های آب گرم معدنی بسیاری از امکانات و صنایع وابسته به آب‌های معدنی هنوز در سرعین ایجاد نشده است.

از جمله این صنایع می‌توان به مراکز مشاوره آب‌های گرم معدنی و یا فروش آب معدنی بسته بندی شده برای امراض مختلف اشاره کرد. خبرگزاری مهر سه سال قبل در گزارشی تحت عنوان «آبگرم معدنی؛ ظرفیت مغفول در تولید انرژی حرارتی/ طلای سفید مدیریت نمی‌شود» به پتانسیل استفاده از آبگرم‌های سرعین در تولید برق پرداخت و با این وجود هیچ مدیر و مسئولی تاکنون نسبت به این مهم ابراز عقیده نکرده است.

بسیاری از گردشگران به ویژه گردشگران خارجی سرعین اذعان دارند که شکل سنتی آب گرم باید حفظ شود و در واقع این مهم به نوعی حفظ چهره طبیعت است و در ادامه دست‌درازی انسان برای ساماندهی باید به شکلی باشد که به اصل ماجرا لطمه وارد نکند. در تأیید این اظهارات باید به مجتمع‌های آب‌درمانی که آب گرم را لوله‌کشی و با آب معمولی مخلوط کرده‌اند اشاره کرد.

● آب گرم بیشتر هزینه است تا درآمد

نتیجه این نگاه این است که امروز برای توسعه شهر سرعین آب گرم به یک دردرس بزرگ تبدیل شده است. در این میان برخی وقتی مشاهده کردند سرعین با چشمه‌های متعدد آب گرم حتی به اندازه شهرهای توریستی شمال استان در ابعاد مختلف معماری، رفاهی و معیشتی توسعه پیدا نکرده است، این نظر را مطرح کردند که بیش از حد به سرعین توجه شده و بهتر است قطب‌های جدید گردشگری برای اردبیل تعریف شود. عقیده‌ای که هر چند در نگاه اول توسعه متوازن را مدنظر دارد اما به نوعی پاک کردن صورت مسئله گرفتاری‌های امروز سرعین است.

چشمه‌های آب گرم معدنی در مرحله ساماندهی هزینه‌بردار است اما بعد از ساماندهی هیچ درآمدی به شهرداری نمی‌دهند. نیمه‌دهنده گفته شهردار سرعین اینکه بخشی از درآمد چشمه‌های آب معدنی به شهرداری سرعین اختصاص یابد سال‌ها است مطرح می‌شود اما راه به جایی نمی‌برد. رضا زنده دل شهردار سرعین تصریح کرد: چشمه‌های آب گرم معدنی در مرحله ساماندهی هزینه‌بردار است اما بعد از ساماندهی هیچ درآمدی به شهرداری نمی‌دهند.

وی با تأکید به محدودیت اعتبارات این شهر افزود: درجه‌بندی شهرداری‌ها در شهرهای زیر پنج هزار نفر انجام نشده در حالی که به جمعیت سیار و شانور این شهر توجه نمی‌شود.

در واقع این رقم به غیر از خریدهای جنبی از جمله مواد غذایی، لوازم مورد نیاز شنا و ... در قیل و بعد از استفاده از استخر است. این در حالی است که بودجه مصوب شهرداری سرعین ۱۵۰ میلیارد ریال است و به گفته شهردار سرعین کاهش ۲۵ درصدی درآمد شهرداری از محل صدور پروانه هم بر آن سایه انداخته است.

نتیجه این می‌شود که سرعین سالانه ۱۰ برابر جمعیت استان اردبیل در چشمه‌های آب گرم معدنی خود مسافر پذیرش می‌کند اما در اجرای یک پروژه عمرانی شهرداری و سایر دستگاه‌های اجرایی منتظر رقم‌های اندک اعتبارات عمرانی هستند.

هر چند مسئولان سرعین در تلاش‌اند با همین اعتبارات جزئی چهره این شهر را تغییر دهند، اما خروجی طرح و ایده‌ها چندان مؤثر نیست. اگر نبودند گروهی از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و مردم عادی شاید سرعین امروز حتی یک هتل و مرکز اقامتی آپرومند نیز نداشت.

هر چند شهرداری سرعین آماده احداث هتل پنج ستاره است و پروانه رایگان می‌دهد، اما به دلیل اینکه سرمایه‌گذار بخش خصوصی رغبت نشان نمی‌دهد فعلاً این طرح راه به جایی نبرده است.

شهر سرعین در یک دهه گذشته نه تنها خود بلکه اردبیل را می‌توانست به ثروت‌های کلان برساند. با این وجود حداقل در موضوع آب‌های گرم معدنی بخشی نگری و رفع مسئولیت حاکم شده و ایده‌های نو به بار ننشسته است.

ناصری افزود: علاوه بر این لازم است کنترل‌های بهداشتی و بازرسی از وضعیت قیمت بلیت‌ها به صورت مداوم انجام شود تا تخلفی صورت نگیرد.

وی متذکر شد: تمامی آبدرمانی‌ها ملزم هستند که پزشک‌بار یا پرستار متخصص در محل مجموعه خود مستقر کنند تا در صورت بروز حادثه به فرد حادثه دیده کمک شود.

به گفته فرماندار سرعین تمام بازرسی‌ها در حالی به صورت مداوم انجام می‌شود که درآمدی متوجه شهر نیست.

● بی‌نصیب ماندن از درآمد میلیاردی

شاید این سؤال به وجود آید که درآمد آب‌های گرم معدنی به چه میزان است که بتواند بخشی از هزینه‌های شهرداری را پوشش دهد؟

فرماندار سرعین متذکر شد: سالانه نزدیک به هفت میلیون گردشگر از آب‌های گرم معدنی سرعین بازدید می‌کنند. وی افزود: به دلیل اینکه تمامی مسافرانی که به استخرها می‌روند ساکن نمی‌شوند و یا برخی بیش از یکبار به استخر می‌روند می‌توان به واقع گفت ۱۰ میلیون نفر سالانه از آب‌های گرم معدنی استفاده می‌کنند.

اگر نرخ متوسط بلیط آب‌های گرم معدنی ۱۰۰ هزار ریال در نظر گرفته شود، درآمد این میزان از مسافر هزار میلیارد ریال است.

در عین حال نماینده مردم اردبیل، نیر، نمین و سرعین در مجلس شورای اسلامی نیز تأکید کرد: وقتی شهری با پنج هزار نفر جمعیت، ۳۰ هزار نفر مسافر را اسکان می‌دهد باید مورد حمایت قرار گیرد.

محمد فیضی افزود: اگر درآمدی از محل فعالیت چشمه‌های آب گرم به مجموعه شهرداری اختصاص نیابد، نمی‌توان به توسعه امیدوار بود.

این اظهارات منطقی به نظر می‌رسد اما مسئله این است که اغلب گل‌مندی‌ها در جلسات استانی و برای مسئولان مطلع عنوان شده و به نظر می‌رسد هیچ راهکار خلاقانه و یا مطالبه فرااستانی برای مدیریت آب‌های گرم معدنی تعریف و درخواست نشده است.

● ساماندهی مستمر آب‌های گرم

درد ناگفته و پنهان آب‌های گرم ضرورت ساماندهی مستمر آن‌ها است به‌طوری‌که شهرداری سرعین موظف به کنترل ترافیک، امنیت، بهداشت شهری و زیبایی شهری پیرامون این چشمه‌ها است و در عین حال در ساماندهی مستمر نیز مشارکت دارد.

فرماندار سرعین در این خصوص تصریح کرد: به دلیل اینکه آب‌های گرم معنی برخوردار از مواد شیمیایی است به مرور زمان تأسیسات دچار عیب و فرسایش می‌شود و لازم است ساماندهی ادامه‌دار باشد.

آبراهه‌های باغ پاسارگاد ساماندهی می‌شود / کشف آبراهه در دستور کار



فرانسوی این موضوع مورد بررسی دقیق تری قرار می‌گیرد.

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد با عنوان اینکه اطلاعات درخصوص این باغ باستانی بسیار اندک است، گفت: باید در تمامی ابعاد از جمله نوع درختان، این محوطه باستان شناسی مورد بررسی قرار گیرد تا به ابعاد شناخت از این محوطه کمک کند.

فدایی با اشاره به اینکه بر اساس شواهد وسعت این باغ بسیار زیاد بوده، گفت: به طوری که محوطه آرامگاه و کاخ‌های هخامنشی مجموعه را نیز دربر می‌گرفته است.

وی با اشاره به اینکه عملیات پاکسازی آبراهه‌ها از چند روز قبل آغاز شده، بیان کرد: در این راستا مستندنگاری دقیق انجام و با پایش مناسب طرحی به منظور حفاظت ساختاری این بخش آسیب دیده ارائه خواهد شد.

از این رو می‌توان با موضوع آبراهه‌ها و کشف آن فصل جدیدی را در این حوزه به دست آورد.

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد با اعلام اینکه در حال حاضر قسمت‌های عمده‌ای از آبراهه‌های باغ در زیر زمین قرار دارد، بیان کرد: بر اساس اطلاعات در حال حاضر کمتر از ۲۰۰ متر از این آبراهه‌ها بر روی سطح زمین شناسایی شده و مابقی هنوز شناسایی نشده است.

فدایی با اشاره به اینکه ثبت جهانی باغ پاسارگاد در واقع مفهومی از معرفی باغ ایرانی بوده، اظهار داشت: در حال حاضر قسمت‌های اندکی از باغ پاسارگاد را می‌توان دید که به طور حتم دست یافتن به اطلاعات بیشتر از نحوه ساخت و وجود پوشش گیاهی آن نیازمند فعالیت‌های باستان‌شناسی در محل است از این رو طبق برنامه ریزی‌های صورت گرفته و پروژه همکاری با هیات باستان‌شناسی

محققان در پایگاه میراث جهانی پاسارگاد بنا دارند که ضمن کشف و شناسایی آبراهه‌های باغ پاسارگاد، آن‌ها را ساماندهی و حفاظت کنند.

باغ‌های ایرانی یکی از وجوه زیبای تمدنی و معماری کشور به شمار می‌رود که نشانگر هماهنگ شدن بشر با طبیعت است.



هزیرفتحی

درد موضوع آبراهه‌های باغ شاهی و ساماندهی آن‌هاست.

حمید فدایی با اشاره به اینکه حفاظت و معرفی این آبراهه‌ها در دستور کار است، ادامه داد: در این راستا برنامه‌های ویژه‌ای برای معرفی، حفاظت و کشف این آبراهه‌ها در دستور کار قرار دارد و از چند روز قبل عملیات آن آغاز شده است.

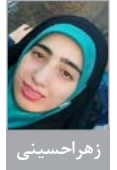
وی آبراهه‌ها را بهترین نشانه‌های پردیس شاهی عنوان کرد و افزود: باغ شاهی یا همان پردیس شاهی در کنار مجموعه جهانی پاسارگاد ثبت جهانی شده

یکی از باغ‌های ایرانی نیز در مجموعه پاسارگاد واقع شده بود که دارای تمامی عناصر و ویژگی‌های اصیل باغ‌های ایرانی بود. گفته شده که آرامگاه کوروش در میان باغی زیبا و بزرگ قرار داشته و آبراه‌های متعددی این باغ را سیراب می‌کرده‌اند و اکنون تنها بخشی از زهکشی‌ها و آبنماهای آن باقیمانده است.

در این خصوص مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد گفت: یکی از موضوعات مهم که در سال جاری به صورت ویژه در دستور کار پایگاه جهانی قرار

آخرین وضعیت مرمت «فلک الافلاک»؛ سپهر سپهران زیر سایه کمبود اعتبار

مرمت بنای تاریخی «فلک الافلاک»، آغاز شده اما همچنان طرح استحکام بخشی این قلعه باستانی نیازمند تأمین اعتبار است تا سپهر سپهران این بار به سقف کمبود اعتبارات بخورد.



زهرا حسینی



قلعه باستانی فلک الافلاک یکی از شاخص‌ترین آثار تاریخی ایران و جهان است، بنای عظیم آجری مربوط به دوره ساسانی که همچنان استوار بر روی تپه‌ای باستانی در مرکز شهر خرم‌آباد میزبان دوستداران میراث فرهنگی این مرزوبوم است. زیبایی و معماری شگفت‌انگیز قلعه فلک الافلاک موجب شده که این قلعه تاریخی و باستانی لرستان از سوی بسیاری از کارشناسان به‌عنوان یکی از شاهکارهای مهندسی و معماری دنیا لقب گیرد.

● آغاز مرمت شاهکار معماری جهان
این قلعه به لحاظ موقعیت استراتژیک خود در قرن چهارم هجری قمری به‌عنوان مقر حکومت آل حسنویه و گنجور در زمان آل بویه درآمد و از قرن ششم هجری پس از ساخته شدن شهر جدید خرم‌آباد این قلعه نیز بنام خرم‌آباد معروف شد و احتمالاً نام فلک الافلاک در دوره قاجار به آن اطلاق شده است. این بنای کم‌نظیر مربوط به دوره ساسانی است و به شماره ۸۸۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. طی سال‌های گذشته همواره موضوع ثبت جهانی فلک الافلاک به‌عنوان شاهکار معماری جهان مطرح بوده است تا این اثر تاریخی در فهرست موقت ثبت جهانی قرار گیرد ولی به‌رغم گذشت سال‌ها با فراهم نشدن زمینه ثبت

نصر الهی با بیان اینکه مرمت قلعه فلک الافلاک در بخش‌های مختلف تقسیم‌بندی شد عنوان کرد: موزه و ساختمان‌های حیاط دوم قلعه فلک الافلاک برای مرمت در دستور کار قرار گرفت.

● استحکام بخشی فلک الافلاک از ضلع غربی

وی بیان داشت: ما اعتبار کافی نداشتیم که مرمت همه بخش‌های قلعه را انجام دهیم. مدیر پایگاه قلعه فلک الافلاک لرستان با اشاره به اجرای طرح استحکام بخشی این بنای تاریخی ادامه داد: در این راستا طرح استحکام بخشی از ضلع غربی قلعه فلک الافلاک که خیابان امام خمینی (ره) می‌شود را امسال اجرایی می‌کنیم. نصر الهی بیان داشت: این اقدام از ایجاد رانش‌هایی که در آینده احتمال دارد به وجود آید جلوگیری می‌کند. وی ادامه داد: همچنین امسال احداث رینگ بتنی داخل حیاط اول یکی دیگر از اقدامات در دستور کار بوده تا بتوانیم رینگ بتنی دور قلعه را به رینگ‌های داخل حیاط متصل کنیم.

● ادامه طرح استحکام بخشی در گرو تأمین اعتبار

معاون میراث فرهنگی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان نیز در این رابطه اظهار داشت: قلعه فلک الافلاک در بستری قرار گرفته که بخشی از آن خاکی و بخشی دیگر سنگی است. اسدی ادامه داد: به دلیل این اختلاف جنس زمین در زیر بستر این قلعه یک سری نشست‌های غیریکنواخت، ترک‌ها و رانش‌هایی در بدنه‌ها و کف این بنای تاریخی ایجاد شد. معاون میراث فرهنگی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان در ادامه سخنان خود با اشاره به اجرای طرح استحکام بخشی قلعه فلک الافلاک بیان داشت: این طرح هم‌اکنون ۲۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. اسدی با بیان بیان اینکه در قالب طرح استحکام بخشی قلعه کار اجرای «پشت‌بند» و «سر شمع‌های» بام انجام شده است ادامه داد: در صورت تأمین اعتبار اداره کل میراث فرهنگی لرستان آماده اجرای ادامه طرح استحکام بخشی قلعه است و توان اجرایی این کار را دارد. وی ادامه داد: در صورتی که تحقق اعتبار عملیات استحکام بخشی، ساماندهی و مرمت‌های تکمیلی و در نهایت آزادسازی قلعه صورت گیرد، این بنای تاریخی به‌عنوان یک اثر جهانی شناخته خواهد شد و به‌طور حتم در رونق توسعه گردشگری استان نقش بسزایی خواهد داشت.

جهانی، فلک الافلاک در فهرست موقت خاک می‌خورد. در این میان طرح استحکام بخشی و لرزه‌خیزی قلعه تاریخی فلک الافلاک به مدت بیش از چهار سال به دلیل مختلفی مسکوت مانده بود تا پس از پیگیری‌های رسانه‌ای و مسئولان امر در میراث فرهنگی مرمت بخش‌هایی از قلعه فلک الافلاک آغاز شود. با این حال همچنان مرمت و استحکام بخشی این بنای تاریخی نیازمند تأمین اعتبار است.

● آغاز مرمت فلک الافلاک از بخش «چایخانه»

احمد نصراله‌ی مدیر پایگاه قلعه فلک الافلاک لرستان در سخنانی با اشاره به آغاز مرمت «پشت‌بام چایخانه» قلعه فلک الافلاک اظهار داشت: در دوره‌های قبل و قبل از انقلاب به دلیل اینکه این بخش از قلعه کاربری میراث فرهنگی نداشته به بحث سبک‌سازی آن توجهی صورت نگرفته است. وی بیان کرد: در دوره‌های گذشته هرجایی از پشت‌بام چایخانه دچار نزدگی شده اقدام به ایجاد لایه‌ای روی آن کرده‌اند.

مدیر پایگاه قلعه فلک الافلاک لرستان با بیان اینکه اعتبارات اداره کل میراث فرهنگی لرستان برای مرمت بناهای تاریخی محدود است بیان داشت: در این راستا بخش‌هایی از قلعه برای مرمت در دستور کار قرار گرفت.



بقعه تاریخی در کازرون آسیب دید / جستجو برای گنج علت احتمالی حادثه

یک بقعه تاریخی در شهرستان کازرون فارس توسط شخص یا اشخاصی مورد آسیب و تخریب قرار گرفت و فعالان میراث فرهنگی معتقدند متجاوزان احتمالا به دنبال گنج بوده اند.



هادی فتوحی



«پیر بنکی» یکی از آثار تاریخی شهرستان کازرون است که دارای ویژگی منحصر به فرد طبیعی نیز است. این بقعه علاوه بر آنکه دارای سنگ قبری است که تنها با مرکب بر آن نوشته اند، درخت نسبتاً تنومندی بر روی گنبد آن روییده که ریشه های آن از درون بنا مشخص نیست و بدین واسطه یکی از جاذبه های طبیعی شهرستان کازرون نیز محسوب می شود.

در فرهنگ عامه مردم کازرون، به این بقعه پیر بنکی و به واسطه درختی که بر آن روییده است، پیر کلخونگی نیز می گویند.

این بقعه در فاصله ۲۵ کیلومتری غرب کازرون و در مسیر جاده کازرون - شیراز قرار دارد.

عضو شورای مرکزی انجمن هم اندیشان جوان شهرستان کازرون گفت: طی روزهای اخیر سنگ قبر واقع در بقعه پیربنکی در شهرستان کازرون به همراه بخشی از دیواره این بقعه، مورد تعرض شخص یا اشخاص ناشناس قرار گرفته و به دنبال این تعرض آسیب های جدی به سنگ قبر قدیمی واقع در این بقعه وارد شده است.

محسن عباسپور افزود: بر اساس مشاهده میدانی، به نظر می رسد شخص یا اشخاصی احتمالا با هدف واهی یافتن اشیای قیمتی، در صدد تخریب بخش هایی از بقعه برآمده اند و ضمن شکستن سنگ قبر واقع در این بقعه، آسیب های جدی به آن وارد کرده اند.

وی با اشاره به اینکه اصلی ترین آسیب متوجه سنگ قبر موجود در بقعه شده، اظهار داشت: متأسفانه بر اثر وارد آمدن ضربات سنگین به این سنگ قبر، بخش هایی از آن شکسته و از بدنه اصلی جدا شده و بخشهای دیگری نیز به صورت کامل از بین رفته است.

این فعال حوزه میراث فرهنگی بیان کرد: یکی از ویژگی های بارز سنگ قبری که مورد تعرض قرار گرفته این است که دارای کتیبه یا گورنوشته به صورت حجاری نیست و در عوض شاهدیم که در این سنگ قبر از جوهر سیاه برای نوشتن استفاده شده و در تعرض اخیر بر اثر اصابت ضربه هایی سخت، بخش هایی از این نوشته ها به طور کامل از بین رفته است.

عباسپور ادامه داد: طی روزهای گذشته اقدام هایی برای احیای این سنگ قبر صورت گرفته که در این مورد نیز شاهدیم مرمتی غیراصولی انجام شده و بخشهای جدا شده از این سنگ قبر تنها

تنگ چوگان کازرون اشاره کرد که با هدفی مشابه صورت پذیرفته بود.

وی ادامه داد: پیش از این نیز در خصوص احتمال تخریب آثار سنگی به ویژه در گورستان های دورافتاده بارها هشدارهای جدی به مسئولان دستگاه های ذی ربط داده شده بود، اما نه تنها اقدامی برای جمع آوری آثار شاخص هر گورستان صورت نگرفته، بلکه در اکثر قریب به اتفاق موارد، حتی کارهای مستندنگاری سازمان یافته و اصولی نیز انجام نشده تا به فرض تخریب و سرقت، حداقل از وجود تصاویر و جزئیات ثبت شده برای مطالعه آنها در دوره های آینده محروم کنیم.

عباسپور تصریح کرد: در برخی فضاها همچون بقاع متبرکه، شاهد تداخل وظایف نهادها نیز هستیم چراکه به عنوان مثال در بقعه پیربنکی هم اداره اوقاف به عنوان یکی از نهادهای ذی نفع محسوب می شود و هم به واسطه تاریخی بودن آثار موجود در آن، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ذی نفع است و طبیعتاً هر دوی این نهادها بدون اینکه وظایف حفاظتی و حراستی خود را به دوش دیگری بینانند، باید در خصوص دلایل وقوع این مسئله توضیح دهند و به صورت شفاف اقدام های آتی خود برای پیشگیری از تکرار چنین تخریب هایی را اعلام کند.

با اندکی سیمان و مصالح مشابه، بدون رعایت اصول صحیح مرمت به یکدیگر چسبیده شده اند.

وی افزود: تا زمانی که ضارب این اثر ارزشمند دستگیر نشود، به درستی نمی توان در خصوص انگیزه اصلی تخریب صورت گرفته نظر قطعی داد، اما با توجه به مجموع شواهد موجود به نظر می رسد در این تخریب باز هم داستان واهی و تکراری احتمال وجود گنج در مقبره ها و سنگ قبرها تکرار شده است.

عباسپور گفت: در چنین مواردی اشخاصی ناآگاه با تصور اینکه در گورهای قدیمی و در دل سنگ قبرهای موجود در آنها گنجی نهفته، پتک جهل و ناآگاهی خود را بر این آثار فرو می آورند و در نهایت بجز تخریب بخشی از هویت این سرزمین، چیز دیگری عایدشان نمی شود.

عضو شورای مرکزی انجمن هم اندیشان جوان شهرستان کازرون اظهار داشت: تخریب آثار سنگی به وسیله پتک با هدف یافتن گنج، یکی از تلخ ترین شیوه های مواجهه سوداگران و سودجویان با آثار تاریخی این سرزمین و بوم است که تا کنون تبعات سنگین و ناگواری را متوجه آثار تاریخی در نقاط مختلف کشور کرده که از جمله آن می توان به تخریب بخشی از نقش برجسته بهرام ساسانی در



پل خشتی «گیشه دمرده» در حال تخریب است

دهانه کوچک دیگر در طرفین آن بوده که در فصول پرباری و مواقع بروز سیلاب به کمک دهانه اصلی آمده و همچنین دارای دو موج شکن نیم دایره به قطر ۱۰۰ سانتی متر در دو طرف دهانه اصلی و در کنار دهانه های کوچک در ضلع جنوبی است.

اسماعیل پور ادامه می دهد: طول پل ۲۶ و عرض آن ۴.۵۶ متر بوده و ارتفاع آن از بلندترین نقطه تا سطح بستر رودخانه ۵.۵ متر است. جهت قرار گیری پل شرقی- غربی و در ضلع جنوبی آن آثاری از راه پله جهت دسترسی مردم به سطح رودخانه و یا دهانه های کوچک به چشم می خورد. قطر طاق دهانه اصلی ۷۲ سانتی متر و نوع آن جناقی است.

طبق گزارش سازمان میراث فرهنگی، این پل هم اکنون نیز در مسیر یکی از راه های روستایی بوده و اهالی روستای بلسینه نیز از روی آن تردد می کنند و نام آن یادآور حکایت تاریخی برای کسانی است که به نوعی با آن آشنایی دارند.

مسئول فنی معاونت میراث فرهنگی استان گیلان نیز درباره این اثر تاریخی توضیح می دهد: بر اساس نظر کارشناسان قدمت یاب، این اثر متعلق به دوره قاجار است. علیرضا هاشمی فرد که در خرداد سال ۱۳۸۲ پرونده ثبتی این اثر را برای ثبت آماده کرده، تصریح می کند: در زمان بررسی اثر برای تکمیل مدارک پرونده، زواید گیاهی پیرامون اثر زوده شد، ولی از آن سال تاکنون، اعتباری برای مرمت پل تخصیص نیافته است.

وی تأکید می کند: اعتبار ناکافی تخصیص یافته از سوی دولت، جوابگوی تعدد و پراکندگی بناهای میراثی گیلان نیست و با اینکه پل تاریخی «مرغانه پورد» نیز سال گذشته در همین شهرستان مرمت شد، ولی هنوز سازمان میراث فرهنگی توانسته است طلب پیمانکاران را پرداخت کند.

هاشمی فرد تصریح می کند: مسئولان محلی هم می باید به میراث استان در تأمین اعتبار یاری داده و اجازه ندهند، بناهایی که هویت تاریخی منطقه شان است، از بین برود.

مرحوم شیون فومنی شاعر توانای گیلکی سراء در منظومه معروف «گیشه دمرده» خود به حکایت این پل اشاره و در پایان منظومه، به نکته ای جالب توجه اشاره می کند و آن اینکه، مردم روستا هم مسئولیت پذیر نبوده و خواستار مرمت پل نبوده اند چرا که اگر اهالی روستای جیرسرا - که روزانه از این پل خشتی به عنوان تردد بین دو سوی رودخانه استفاده می کنند - از میراث فرهنگی استان مطالبه ای برای مرمت داشتند؛ حتما عزمی برای تأمین اعتبار هم صورت می گرفت و نفرین افسانه ها، دامنگیر این اثر تاریخی نمی شد.



وی خاطر نشان می کند: زواید گیاهی رشد کرده در سطح بنا خیلی زیاد است. ریشه های درختان به خصوص انجیر، به قدری داخل آجرهای قرمز فرو رفته که کندن آن به راحتی مقدور نیست و اگر بدون نظر کارشناسان میراث فرهنگی باشد؛ حتما آسیب بیشتری به بنا می زند.

علیزاده یادآور می شود: بعد از احداث جاده دسترسی جدید، استفاده از این پل کمتر شده و متأسفانه مسئولان محلی نیز برای مرمت این بنا اقدامی نکرده اند در صورتی که «مرغانه پورد» سال گذشته مرمت شد.

● غربت اثر تاریخی به جا مانده از دوره قاجار

کارشناس ثبت آثار بناهای تاریخی گیلان نیز درباره این پل می گوید: این اثر تاریخی، در ۱۲ کیلومتری شرق شهر رشت و ۳۰۰ متری جاده اصلی رشت به شرق گیلان قرار گرفته و پرونده میراثی آن در خرداد ماه سال ۸۲ به تهران ارسال شد. فاطمه اسماعیل پور می افزاید: ۱۴ مرداد همان سال این اثر با چند بنای دیگر در شورای میراثی استان های شمالی به ثبت ملی رسید.

وی در توضیح مشخصات این اثر یادآور می شود: پل گیشه دمرده دارای یک دهانه اصلی به طول ۹۱۰ سانتی متر در وسط و دو



پل خشتی «گیشه دمرده» - عروس مرده - همانند نامش عروسی باستانی از دوران قاجار است که به رغم ثبت میراثی، لرزش تخریب را بر پایه های خود احساس می کند.



مهتری شیرمحمدی

۱۳ تابستان از ثبت پل خشتی «گیشه دمرده» - عروس مرده - در فهرست بناهای میراثی کشور می گذرد اما سرنوشت این اثر تاریخی به جا مانده از دوره قاجار نیز، همچون نوعروسی که از روی این پل به داخل رودخانه پرت شد و وجه تسمیه «گیشه دمرده» شد، با تخریب و نابودی گره خورده است. با وجود ثبت این اثر در فهرست بناهای میراثی کشور ولی نه تنها هیچ اقدامی برای مرمت این بنا صورت نگرفته بلکه رشد و نفوذ ریشه گیاهان به داخل آجرهای قرمز، سرعت تخریب این پل دوره قاجار را سرعت بخشیده است.

● «گیشه دمرده» بی نام و نشان

با اینکه پل در ۳۰۰ متری جاده اصلی رشت به شهرهای شرق گیلان است ولی حتی یک تابلوی معرفی اثر هم در نبش جاده دیده نمی شود تا به مسافران نوید بازدید از یک اثر میراثی را بدهد. انگار این پل، همانند نامش نفرین شده و بی مهتری ای که در حقتش می شود نیز متأثر از این نفرین است چرا که در گویش گیلکی، «گیشه» به معنای «عروس» و «دمرده» به معنای مرده است و «گیشه دمرده» «عروس مرده» معنا می دهد، درست مانند سرنوشتی که برای این پل رقم خورده است.

● روایت عروس مرده و داماد مجنون

در روایت مردمان روستای «جیرسرا»، در شب جشن عروسی، هنگامی که عروس را سوار بر اسب به خانه بخت می بردند، در میانه عبور از پل روستا، عروس داخل رودخانه می افتد. جسد عروس در آب ناپدید و داماد هم مجنون می شود. هرچند در پرونده ثبتی این اثر تاریخی، روایت «گیشه دمرده» را روایتی حقیقی ضبط کرده اند؛ ولی بنظر می رسد این روایت، افسانه ای ریشه دار به وسعت جغرافیای گیلان است، زیرا چندین رودخانه به نام «گیشه دمرده» در سطح استان گیلان وجود دارد که اهالی روستاهای مذکور نیز روایتی کم و بیش مشابه روایت مردم «جیرسرا» دارند؛ مبنی بر عروس غرقه در آب و داماد دیوانه. با این حال به نظر می رسد که ریشه

حمام تاریخی «زیباکنار» در حال تخریب / حسرت ثبت بر دل بنای ناصری



مهری شیرمحمدی

حمام تاریخی «زیباکنار» که یادگاری از دوره ناصری است، در حالی رو به تخریب است که از ثبت در فهرست آثار میراثی کشور و گیلان محروم مانده است. زیباکنار هنوز هم زیباییست، و از فخر آباد که می‌گذری، لابه لای نی‌های حاشیه رودخانه نمایان می‌شود.



بخشی از بافت سنتی مجموعه بازار زیباکار - که در حریم رودخانه «وشمک» شکل گرفته - هنوز پابرجاست و برای بازدیدکنندگان خاطره‌نوستالژیک ایجاد می‌کند. در سال‌های اخیر ساخت و سازهای زیادی توسط نهادهای مختلف در زیباکنار صورت گرفته و ویلاسازی بافت سنتی آن را از بین برده است و حالا منطقه آزاد انزلی هم محدوده حضور خود را گسترش داده و با نصب تابلویی در مصب رودخانه سفیدرود، حضور بدون فانس کشی خود را تا پایان زیباکنار اعلام داشته است!

حالا بیم تخریب همان اندک بافت سنتی زیباکنار هم بیشتر شده و این بیم با شنیدن خبر تخریب بخش‌هایی از حمام تاریخی زیباکنار، شدت گرفته است.

حمام تاریخی زیباکنار، نزدیک رودخانه و ضلع شمالی «کارخانه برنجکوبی» پادنگ قرار دارد. درب اصلی حمام از میانه بازار باز می‌شد. از وقتی حمام‌ها از کاربری خود خارج شدند، حمام زیباکنار نیز در کش و قوس مالکان و وارثان جدید چند پاره شده است و دو بخش آن انبار دو تن از وارثان شده و بخش‌هایی نیز به منظور ایجاد مغازه در حال تخریب است.

با نورگیر ساخته می‌شد و سپس برای جلوگیری از نفوذ رطوبت و باران، سقف دومی با شیروانی و سفال، روی طاق‌های گنبدی قرار می‌گرفت.

میرصالحی درباره موقعیت حمام زیباکنار می‌گوید: به دلیل بندر بودن زیباکنار و منطقه تحت نفوذ شاهان قاجار و پهلوی، حمام در آن زمان رونق خوبی داشت. ولی حمام زیباکنار هم مانند دیگر حمام‌های عمومی ایران، بعد از گاز کشی و تقریباً بعد از دهه ۷۰ عملاً تعطیل شد.

وی ضمن برشمردن ویژگی‌های معماری این اثر تصریح می‌کند: حمام قبلاً کاشی‌کاری‌های سفید و آبی سنتی داشته است، ملاط آن از ساروج و آجر ساخته شده و دارای طاق‌های جناقی به همراه نورگیر بالای سقف است. قبلاً یک چاه آب هم برای تامین آب خزینه داشت و تون حمام با هیزم کار می‌کرد. میرصالحی از پرونده پیش‌ثبتی این اثر تاریخی خبر داده و می‌افزاید: در مجموع این بنا واجد شرایط میراثی شناخته شده و اطلاعات اولیه تکمیل پرونده شده و با جمع‌آوری و تکمیل عکس و دیگر مستندات موجود، پرونده به میراث فرهنگی کشور ارسال می‌شود.

وی ابراز امیدواری می‌کند به زودی حمام تاریخی زیباکنار در فهرست بناهای میراثی کشور ثبت شود.

● اجازه تخریب به مالکان داده نشده است

از آنجایی که منطقه زیباکنار جزو محدوده مدیریتی منطقه آزاد انزلی است، مدیر گردشگری منطقه آزاد نیز در این بهره توضیح می‌دهد: مالکان فعلی این حمام میراثی، به دنبال تخریب بنا و تغییر کاربری هستند و با توجه به اینکه این محدوده تحت مدیریت منطقه آزاد بوده و منطقه آزاد انزلی به عنوان نماینده دولت، حاکم منطقه است، تاکنون اجازه تخریب این حمام را نداده است.

مهدی کوچکی نژاد می‌افزاید: بناهای تاریخی، هویت هر منطقه است و منطقه آزاد جلوی تخریب را گرفته است. ولی تغییر کاربری این بنا مستلزم رفع مشکلات حقوقی و ثبت میراثی است.

● حمایت میراث فرهنگی کشور از احیای حمام‌های تاریخی

میراث فرهنگی کشور نیز اخیراً دستورالعملی به منظور حمایت از حفظ حمام‌های تاریخی به استان‌ها ابلاغ کرده است.

معاون میراث فرهنگی کشور نیز در این باره می‌گوید: به منظور حفظ و ادامه حیات حمام‌های تاریخی، برنامه‌های تشویقی و حمایتی در نظر گرفته شده تا اگر حمام‌های تاریخی عملکرد اصیل خود را تداوم دهند، از آنها حمایت شود.

محمد حسن طالبیان یادآور می‌شود: سازمان میراث فرهنگی کشور اعتباری برای خرید حمام‌های تاریخی و حفظ همان کاربری ندارد ولی می‌تواند ۵۰ درصد هزینه‌های مرمت و بهسازی را به کمک بکارگیری کارشناسان سازمان تقبل کند.

وی تأکید می‌کند: برنامه‌های حمایتی شامل حمام‌هایی است که کارکرد خود را با استفاده از نیاز روز همچنان داشته باشند و از فضای پیرامون آن نیز استفاده بهینه شود.

با این حال اگر حمام تاریخی زیباکنار مشکلات سندی اش نیز رفع شود و به ثبت میراثی هم برسد؛ تنها در صورتی می‌تواند تحت حمایت سازمان میراث فرهنگی قرار گیرد که کارکرد گذشته خود را حفظ کند.

کارکردی که با توجه به قرارگیری این حمام در یک منطقه گردش پذیر و بافت بازار، می‌تواند موقعیتی ممتاز برای پذیرش گردشگر محسوب شود.

حمام، کاشی‌ها را به منظور بهداشت بیشتر تعویض کرد. سردرب حمام هم یک کتیبه داشت که نشان می‌داد حمام در سال ۱۲۹۲ ساخته شده است.

وی می‌افزاید: تا پیش از پهلوی اول، تاریخ کشور قمری محاسبه می‌شد پس اگر این گفته را بپذیریم، حمام زیباکنار، قبل از حضور فخر الدوله، نوه مظفرالدین شاه در این محدوده ساخته شده و به احتمال زیاد در نیمه سلطنت ناصرالدین شاه قاجار می‌باید ساخته شده باشد.

● مشکلات حقوقی و اسنادی حمام

«حسن آمیژه خواه» یکی از مالکین فعلی است که به اتفاق دو برادر دیگر حمام را ۱۵ سال پیش از شخصی به نام «محمودی خواه» خریداری کرده است. محمودی خواه نیز حمام را از جهاد کشاورزی گرفته بود.

وی می‌گوید: حمام به شدت مخروبه شده و نیاز به مرمت اساسی دارد با این حال مالکان فعلی قصد تخریب کامل حمام را ندارند و پس از رفع مشکل سندی، تلاش دارند حمام را مرمت کرده و آن را تغییر کاربری دهند.

ولی اطلاعات محلی گویای تخریب بخشی از حمام است. به گفته بحری، دهیار زیباکنار این حمام بعد از انقلاب توسط جهاد کشاورزی مرمت و اجاره داده شده است. عرصه حمام در لیست املاک ستاد اجرایی فرمان حضرت امام قرار دارد و مالکان فعلی به دلیل مشکلات حقوقی و ثبتی تاکنون نتوانسته‌اند بنا را بطور کامل تخریب و مجوز نوسازی بگیرند.

● ارسال پرونده پیش‌ثبتی حمام زیباکنار به میراث کشور

کارشناس مسئول ثبت بناهای تاریخی اداره کل میراث فرهنگی گیلان، درباره حمام‌های تاریخی استان می‌گوید: معماران بومی گیلان روش ساخت حمام را کمتر می‌دانستند و بیشتر حمام‌های عمومی گیلان توسط غیرگیلانی‌ها ساخته شده است. مالک حمام معمولاً شخص دیگری بوده و سرقتی آن به گیلانی‌ها و آگذار می‌شده است.

مهدی میرصالحی، می‌افزاید: حمام‌هایی که در گیلان بدین شکل باقی مانده و به آنها رسیدگی نمی‌شود، به این دلیل است که هم مالک اصلی و هم سرقتل دار، به رحمت خدا رفته و حمام بین چندین ورثه سرقتل دار و مالک دست به دست شده است.

وی تصریح می‌کند: حمام‌های گیلان در نوع معماری تفاوت فاحشی با حمام‌های استان‌های خشک دارند. در گیلان ابتدا حمام مانند استان‌های مرکزی گنبدی و

● تخریب گنبدها و نورگیرهای حمام زیباکنار

حمام زیباکنار، دارای طاق و گنبدهای متعدد است. نورگیرهایی بالای گنبدها که آفتاب لب دریا را به زیبایی داخل بنا می‌تاباند. شدت تخریب به حدی است که عملاً حمام نمی‌توان خواندش، بخش زیادی از بنا توسط مالکان فعلی تبدیل به انبار کالا شده است. از بخش مخروبه می‌توان داخل بنا را دید؛ خزینه اش بی‌آب مانده و تونش حرارت هیزم ندارد.

خشت‌های قطور مربعی شکلش فروریخته، کاشی‌های قدیمی زیر پله رنگ به رخسار ندارد. حوض پاشویه بی‌تالو آب، لبه‌هایش ترک خورده، جلبک‌های خشکیده بر دیواره‌های خزینه و شیشه‌های جابی بالای نورگیرهای گنبدهای سقف، شکسته و فروریخته است.

حمامی که روزگاری پذیرای ملوانان، ماهیگیران و تجاری بود که به این بندر رفت و آمد می‌کردند؛ حالا بی‌یال و کوپال به حالت اغما افتاده است.

● حمامی به قدمت دوره ناصرالدین شاه

در میان مغازه‌های بافت سنتی و نزدیک رودخانه، چند پیرمرد در حیاط قهوه‌خانه‌ای جمع شده‌اند. گرمای شهربور، نه چای می‌طلبد و نه قهوه، تنها سایه‌ای درخت و گپ و گفتی از گذشته‌های دور.

یکی از اهالی بازار درباره این حمام می‌گوید: تا دهه هفتاد حمام پابرجا بود، ولی از وقتی همه‌خانه‌ها صاحب حمام شدند؛ تون این حمام نیز یخ کرد.

یکی از پیرمردها به یاد می‌آورد که حمام زیباکنار بعد از آنکه از رونق افتاد، مدتی قهوه‌خانه شد. ولی تجارت که رونق نداشته باشد و کشتی‌های تجار که به گل بنشینند، نه حمام را به کار می‌آد و نه قهوه‌خانه.

یکی دیگر از اهالی زیباکنار نیز توضیح می‌دهد: قبلاً این حمام کاشی‌کاری‌های سنتی زیبایی داشت ولی بعداً مالک

دریاچه پر رمز و راز ارواح و آشیانه عقاب‌ها



دریاچه ممرز یا ارواح، پارک موزه خشکه‌داران و آشیانه عقاب‌ها سفر رویایی و خاطره آمیز به مازندران را در آخرین ماه فصل تابستان برای گردشگران رقم خواهد زد.



را می‌توان در این طبیعت زیبا به نظاره نشست. از تالاب ارواح کافی است چندده کیلومتری به سمت غرب مازندران و به پارک موزه جنگلی خشکه‌داران تنکابن برویم. موزه‌ای طبیعی و جنگلی در ۳۰ کیلومتری تنکابن به چالوس که تنها ۱۲۰ متر با دریا فاصله دارد.

هنگامی که آفتاب در باختر، قرار می‌گیرد، جاذبه منحصر به فردی در مازندران رخ می‌نماید که گردشگران تابستانه را به خود می‌خواند، از دریاچه‌ای که ارواح لقب گرفته تا سفر به سرزمین پلکانی آلاشت در سوادکوه. انگار پله‌پله تا آسمان می‌روی و ستارگانی که در مخمل آسمان سوسو می‌زنند، جلوه‌ای دیگر می‌یابند و می‌توان لذت سفر به آلاشت را با تجربه یک‌شب زیبای رصدی از زمین تا اوج آسمان برد.

نبض پیوسته و منظم محیط‌زیست که برخاسته از قوانین طبیعت است بر شکل‌گیری آداب و رسوم مردم منطقه، تکوین آن و همچنین چهره و پوشش مردمان نقش داشته است. گونه‌های گلگون ساکنان همیشگی منطقه، نشان از مجاورت آن‌ها در سرمای روزهای زمستانی کوهستان دارد و پوشش‌های رنگارنگ و سنتی که در دستان ماهر زنان منطقه با شش میل بافته می‌شود، محافظ خوبی برای روزهای سرد و یادگاری زیبا از سفر به مناطق مختلف مازندران است.

دریاچه ممرز که تالاب ارواح شهره است در نوشهر واقع شده و برای دیدن آن باید پنج کیلومتری به شمال روستای چلندر از توابع نوشهر رفت، جایی که میان جنگل انبوه پهن‌برگ هیرکانی گم‌شده است. طول دریاچه در حدود ۷۰۰ متر و عرض آن ۳۰۰ متر است، در درون دریاچه درختان خشک‌شده‌ای قرار دارند که منظره جالبی ایجاد کرده‌اند. مهدی اسحاقی رئیس اداره میراث فرهنگی نوشهر می‌گوید: برای دسترسی به این دریاچه در ۱۲ مسیر نور به نوشهر پس از جاده ونوش، باید وارد جاده فرعی روستای چلندر و صلاح‌الدین کلاهی سفلی شد و بعد از عبور از روستا به محیط‌بانی خواهید رسید. بعد از انجام اقدامات اداری لازم در محیط‌بانی جاده شمالی را به طول ۱۰ کیلومتر ادامه دهید.

وی می‌گوید: پس از مشاهده تابلوی دشت و بند ممرز وارد جاده فرعی شوید، این جاده فرعی شما را به دریاچه بند ممرز خواهد رساند.

تالاب ارواح همانند بسیاری از جاذبه‌های مازندران بکر و ناشناخته مانده است و زیبایی طبیعت و تلاقی جنگل و دریا

این منطقه حفاظت‌شده به‌عنوان تنها جنگل جلگه‌ای و بکر و از آخرین بازمانده‌های اکوسیستم‌های جنگلی جلگه‌ای شمال ایران محسوب می‌شود.

عباس مهدی کارشناس میراث فرهنگی مازندران می‌گوید: در حاشیه این منطقه نیز یک موزه تاریخی طبیعی ایجاد شده که مجموعه تاکسیدرمی از حیوانات وحش شمال ایران را به نمایش گذاشته و همواره مورد استقبال محققان و دانش‌پژوهان است با هماهنگی اداره محیط‌زیست می‌توان از این جاذبه بازدید کرد.

خاطره سفر به مازندران را باید با سفر به آلاشت، سرزمین پله‌کانی و آشیانه عقاب‌ها تکمیل کرد، کانی دور از قیل‌وقال کلان‌شهرها، پیر از آرامش کوهستان‌ها، هوای پاک جنگل‌ها و صفای باطن روستانشینان.

● سفر به آشیانه عقاب‌ها در آلاشت

رفت‌وبرگشت ماکوها از میان تارهای سپید، ثانیه‌های زندگی زنان بافنده را بر وجود جاجیم جاودانه می‌سازد تا حکایت‌گر هنر آفرینندگان خود باشد. جاجیم و شمد پیشکشی دیگر از زنان هنرمند این دیار بوده، زنانی که رنگ هنر بر دستانشان بیشتر از صنعت نقش بسته است. در آلاشت، خانه‌سازی نیز با مقتضیات اقلیمی محیط کوهستان هماهنگی یافته و خانه‌ها در شیب کوه بنا شده‌اند، با وجود ساخت‌وسازهای جدید و تغییر نمای شهر، هنوز هم می‌توان در بافت تاریخی شهر، کوچه‌های باریک و سنگ‌فرش شده، دیوارهای کاه‌گلی عریض که سرما را در خود نفوذ نمی‌دهند و خانه‌هایی با سقف و نمای چوبی را مشاهده کرد.

سرآمد همه این خانه‌ها، خانه‌ای است با قدمت بیش از یک قرن که اکنون موزه مردم‌شناسی آلاشت شده است، خانه‌ای دوطبقه از جنس خشت و چوب‌های محکم بلوط و راش. هر چند قدمت زمان رنگ سرخ چوب راش را کدر کرده است و تفاوت رنگ آن با رنگ قهوه‌ای روشن چوب بلوط چندان قابل تشخیص نیست اما از زیبایی بنا کاسته

نشده است.

هنوز هم برخی زنان منطقه، معیشت خود را از طریق بافت جاجیم می‌گذرانند. این زنان در کارگاه صنایع دستی که به همت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان سوادکوه در آلاشت دایر شده است به بافت انواع جاجیم، شمد و حوله مشغول هستند.

● چشمه پر نقش و نگار سورت

نمی‌توان به مازندران سفر کرد و چشمه‌های هزار رنگ و جادویی، با باد سورت ساری رانند، چشمه‌ای پررمزوراز که یکی از شگفت‌انگیزترین شاهکارهای طبیعت است. این چشمه مشهور که در ارتفاع ۱۸۴۱ متری از سطح دریا واقع شده، برای طبیعت‌گردان جهان، آشناست و به‌عنوان ششمین چشمه طبیعی جهان ثبت شده است. چشمه سورت ساری در همه فصول مهمانان خود را دارد و تابستان گرمی در اطراف این چشمه رؤیایی، خاطرات زیبای شمال را برای همیشه زنده می‌کند و فراموشی آن جاذبه‌ها، امری محال است.

چشمه زیبا و سحرانگیز سورت برخلاف دیگر چشمه‌های کشور و جهان رنگین است و از سه چشمه مختلف با آب‌های متفاوت از نظر رنگ، بو و مزه تشکیل شده است که هر طبیعت‌گردی را به سوی خود می‌خواند.

نمی‌توان مهمان مازندران بود و سری به چشمه رؤیایی سورت نزد و چشمه‌های معروف به اکسیر حیات رانند. دو چشمه معروف به اکسیر حیات در حاشیه چشمه سورت قرار دارند که آبشان به رنگ نارنجی و ترش مزه هستند که همانند نوشابه‌های گازدار از عمق زمین می‌جوشند.

این اثر زیبا و دیدنی که حدود سه هکتار را در برمی‌گیرد، از شمال به ارتفاعات و تپه‌های پوشیده از جنگل‌هایی با درختان سوزنی‌برگ می‌رسد، از جنوب مشرف به دره‌های پایین دست و از شرق در مجاورت ارتفاعات پوشیده از گیاهان بوته‌ای و درختچه‌ها است. غرب آن را نیز روستای اروست احاطه کرده است.



رابط عرب‌ها در انتظار مرمت / پروژه بازسازی بنای تاریخی تعطیل شد

می‌دهند به اجرای پروژه‌ها ورود پیدا نکند.

● سرمایه گذار رباط عرب‌ها توان مالی ندارد

رئیس کمیسیون گردشگری شورای اسلامی سبزوار عدم موفقیت برخی طرح های شهرستان را محدودیت توان مالی سرمایه گذار یا پیمانکار عنوان کرده و این موضوع را از مهمترین معضلات حوزه سرمایه گذاری سبزوار می‌داند و می‌گوید: بیش از سه سال از واگذاری کاروانسرای عرب‌ها به بخش خصوصی می‌گذرد اما محدودیت توان مالی سرمایه گذار سبب شده بازسازی و مرمت در این مجموعه تاریخی به بهانه های مختلف به تعویق بیفتد.

پسندیده می‌افزاید: به لحاظ ضعف مالی سرمایه گذار پروژه رباط عرب‌ها، در جلسه رسمی شورا درخواست خلع ید سرمایه گذار از این بنا ارائه شده است و ادامه کار و ساماندهی فضای این رباط منوط به ورود شهرداری یا سرمایه گذار دیگری خواهد بود.

وی با بیان اینکه کاروانسرای عرب‌ها بهترین مکان برای سرمایه گذاری است، می‌افزاید: هم اکنون تعدادی از سرمایه گذاران متقاضی ادامه کار در این رباط هستند اما به لحاظ تجربه ای که در واگذاری این کاروانسرا برای ما به دست آمد، ابتدا توان مالی هر سرمایه گذار سنجیده می‌شود و اگر ملاک های مورد تأیید را دارا بود، ادامه کار را به او واگذار خواهیم کرد.

● پاسخ متفاوت اوقاف درباره علت تعطیلی پروژه رباط سبزوار

پیگیری های بیشتر برای وضعیت تعیین تکلیف پروژه بازسازی رباط عرب‌ها ما را به اداره اوقاف سبزوار رساند، جالب آنجاست که اداره اوقاف سبزوار، علت تملک سرمایه گذار برای بازسازی رباط عرب‌ها را چیزی غیر از عدم توانایی مالی سرمایه گذار می‌داند.

رئیس اداره اوقاف سبزوار درباره پیگیری وضعیت بازسازی رباط عرب‌ها می‌گوید: کاروانسرای عرب‌ها علاوه بر تاریخی بودن یک ملک موقوفه نیز است. حجت الاسلام حسین نیساری می‌افزاید: سرمایه گذار تمایل دارد که پروژه فرهنگی - تجاری خود را با در اختیار گرفتن مجموع کاروانسرا اجرایی کند اما چون دو غرفه این رباط چندین دهه در اختیار متصرفین قرار گرفته، آنها حاضر به تخلیه کاروانسرا نیستند که این امر ادامه کار توسط پیمانکار را با تاخیر مواجه کرده است.

وی ادامه می‌دهد: این موضوع در دادگاه حل و فصل شد و رأی به نفع یکی از متصرفان که



● حمایت از سرمایه گذار در سبزوار ضعیف است

حال باید دید و بررسی کرد که چرا با وجود واگذاری رباط تاریخی عرب‌ها به بخش خصوصی و تلاش برای مرمت آن، اجرای این پروژه همچنان بر زمین مانده است.

رئیس کمیسیون گردشگری شورای اسلامی شهر سبزوار با اشاره به ضرورت گسترش صنعت گردشگری در سبزوار می‌گوید: حوزه گردشگری در این شهر حوزه بیگانه ای است و به لحاظ حاکم بودن قوانین دست و پا گیر، حمایت از سرمایه گذار آنطور که باید، پررنگ نیست.

مسعود پسندیده با بیان اینکه موفقیت این حوزه در گرو حمایت های قانونی است، ادامه می‌دهد: به لحاظ عدم اتفاق قول و نظر بین دستگاه های اجرایی از جمله فرمانداری، شورای شهر و شهرداری، سرمایه گذارانی که متقاضی قبول طرحی هستند، در محدودیت های قانونی گرفتار می‌شود.

وی می‌افزاید: هر ماه در شهرستان سبزوار شاهد حضور یک سرمایه گذار هستیم اما به لحاظ چالش قانون های حمایتی ترجیح

وی اظهار می‌کند: رباط عرب‌ها که در دوران قاجاریه توسط ابراهیم شریعتمدار مرمت شده و به نام «شریعتمدار» معروف می‌شود، به مرور زمان بعد از سکنی گزینی عرب‌ها نام این مکان از سر زبان ها می‌افتد و کلمه عرب‌ها جایگزین نام شریعتمدار می‌شود.

این کارشناس میراث فرهنگی با اشاره به اینکه قبل از واگذاری رباط عرب‌ها، این مکان در دست ژاندرمری بوده که تیرباران قهرمان شاهکار ادبی کلیدر، گل محمد در شمال این مکان صورت می‌گیرد، می‌گوید: همچنین اولین درگیری کلنل محمد تقی خان پسپایان با روسها در این مکان انجام گرفته است که هم اکنون آثار این اتفاق بر در و دیوار کاروانسرا بر جای مانده است.

عبدالله زاده ادامه می‌دهد: این بنا با شماره ۱۶۶۱ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است اما به دلیل رعایت وجهه ملی، از بکار بردن کلمه عرب‌ها امتناع شده و این رباط به نام رباط شهر به ثبت ملی رسیده است با این وجود شاهد بی‌مهری ها به این کاروانسرای تاریخی هستیم.



رباط عرب‌ها به عنوان یکی از آثار تاریخی سبزوار جهت مرمت به بخش خصوصی واگذار شد اما با گذشت سه سال از این واگذاری،



پاسرظریفی

صحبت های جدیدی درباره علت تعلل در بازسازی شنیده می‌شود.

سبزوار با دارا بودن ۹۰۰ اثر و بنای تاریخی، با پیشینه های کهن و جاذبه های متعدد طبیعی و فرهنگی از جمله مناطق مستعد ایران برای رونق صنعت گردشگری است، این منطقه ۲۰ درصد آثار تاریخی خراسان رضوی را در خود جای داده اما استعدادهای گردشگری آن مورد غفلت واقع شده است. به لحاظ اهمیت بحث گردشگری و حفظ و احیای بناهای فرهنگی و میراث ملی، تعدادی از آثار تاریخی شهرستان سبزوار از جمله کاروانسرای تاریخی «حاج عبدالصانع سبزوار» معروف به «رباط عرب‌ها» به بخش خصوصی واگذار شد تا با هماهنگی اداره اوقاف و میراث فرهنگی نسبت به مرمت و بهسازی بنا اقدام شود و گردشگران بتوانند از آن به عنوان یک مجتمع تجاری و رفاهی استفاده کنند.

رباط عرب‌ها پیش از واگذاری به بخش خصوصی، محلی برای تجمع معتادان و بسیاری از مشاغل کاذب از جمله پرنده فروشی و... بود و قسمت های قابل توجهی از آن آسیب دیده بود، ورود سرمایه گذار برای احیای این بنا فرصت خوبی در راستای تغییر و تحول در حوزه گردشگری سبزوار بود اما مجموعه ای که قرار بود یکساله به بهره برداری برسد در فراز و نشیب فراوان و پیچیدگی های اداری و قانونی گرفتار شد که به دنبال آن هم اکنون شاهد تعطیلی پروژه بازسازی «رباط عرب‌ها» در شهرستان سبزوار هستیم.

● بی‌مهری ها به رباط تاریخی عرب‌ها

کارشناس باستان شناسی میراث فرهنگی سبزوار با اشاره به شناسنامه این اثر تاریخی می‌گوید: رباط تاریخی عرب‌ها از جمله مکان های معروف به شاه عباسی از آثار به جا مانده دوره صفویه است که در محدوده خیابان بیهق غربی سبزوار واقع شده است.

حسین عبدالله زاده با بیان اینکه این کاروانسرا از نوع چهار ایوانی و چهار اصطبل با حیاط مرکزی است، ادامه می‌دهد: به هنگام نقل و انتقالات قدرت سیاسی از بلیک به صدام حسین در عراق، گروهی از ایرانیان مقیم این کشور به جرم ایرانی بودن از عراق اخراج می‌شوند و به نسبت بین شهرهای ایران ساکن می‌شوند و از آن گروه تعدادی به سبزوار می‌آیند که به دستور حکومت وقت در این رباط ساکن می‌شوند.



نیز روشن خواهد شد.

● **بازسازی رباط عرب‌ها غرق در پیچ و خم‌های نامعلوم**
پاسکاری‌های بازسازی رباط عرب‌ها به عنوان یک اثر مهم تاریخی در سبزوار همچنان ادامه دارد و پیچ و خم‌های متعدد، مرمت این اثر باستانی را به تأخیر انداخته است، با این حال مردم سبزوار و علاقه‌مندان به تاریخ، تمدن، فرهنگ و آثار باستانی همچنان در انتظار تعیین تکلیف این پروژه با ارزش هستند تا علاوه بر حفظ یک اثر تاریخی، صنعت گردشگری سبزوار نیز تکانی بخورد.

بود اداره اوقاف تاکید داشت که سرمایه گذار هیچگونه احداث بنا و مرمتی در رباط تاریخی نداشته باشد، می‌گوید: اما شرکت بدون طی تشریفات قانونی محل را در اختیار گرفت و در حین اجرای کار با مشکل مواجه شد.
وی بیان می‌کند: بخش‌هایی از این بنا از دهه‌های گذشته در اختیار افرادی است که ادعای حق دارند و این موضوع باید در پروسه قضایی حل و فصل می‌شد و همین عجله سرمایه‌گذار برای در اختیار گرفتن مجموعه کامل رباط قبل از طی مراحل قانونی باعث دلسردی آنها در ادامه کار شد که به زودی تکلیف این مجموعه

پروژه مرمت رباط تاریخی سبزوار را روشن می‌کند و از تخلف سرمایه‌گذار برای بازسازی پروژه سخن می‌گوید.
حسین میردشتی در این باره به مهر می‌گوید: در اجرای سیاست‌های میراث فرهنگی، واگذاری برخی از بناهای تاریخی این منطقه از جمله کاروانسرای عرب‌ها و رباط زعفرانیه که دارای مصارف فرهنگی و تجاری است، طی سال‌های ۹۱ و ۹۲ دستور کار میراث فرهنگی قرار گرفت.
میردشتی می‌افزاید: با صدور این دستور برخی شرکت‌های خصوصی متقاضی اجرای طرح در بناهای تاریخی شهرستان شدند و در همین راستا، شرکتی از تهران متقاضی راه‌اندازی یک مجتمع فرهنگی در بنای تاریخی عرب‌ها شد.
معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری سبزوار ادامه می‌دهد: به دلیل موقوفه بودن رباط عرب‌ها، لازم بود قرار دادی بین اوقاف و شرکت سرمایه‌گذار منعقد شود اما این شرکت بدون رعایت تشریفات قانونی اقدام به مرمت و بازسازی مجموعه تاریخی رباط عرب‌ها با هماهنگی میراث فرهنگی کرد که در حین اجرای پروژه با مشکلاتی همچون تخلیه برخی مکان‌های این کاروانسرا که از گذشته در اختیار مستاجرین بود، مواجه شد.
میردشتی با بیان اینکه چون مراحل قانونی تحویل محل به شرکت مذکور انجام نشده

بخشی از رباط را به عنوان ورزشگاه در اختیار داشته و ادعای حق کسب ویزه دارد، صادر شده است اما رأی برای دیگر مدعی تصرف، علیه او است که با اتمام مهلت قرارداد باید مکان را تخلیه کند.
رئیس اداره اوقاف سبزوار بیان می‌کند: به دلیل اینکه این موقوفه درآمدزا نیست و اوقاف توان پرداخت مبلغ ۴۰ میلیون تومان هزینه را به متصرف ورزشگاه ندارد، مقرر شده این مبلغ توسط سرمایه‌گذار بخش خصوصی پرداخت شود تا هر چه سریع‌تر، این مکان تخلیه شود که تاکنون به دلایل نامشخص این موضوع انجام نشده است.
وی اظهار کرد: به لحاظ اینکه یک سال از تعطیلی این پروژه می‌گذرد و سرمایه‌گذار عملاً پای کار نمی‌آید و از طرفی، بحث خلع ید سرمایه‌گذار از رباط عرب‌ها توسط شورای شهر به تصویب رسیده، ما منتظر استعلام کتبی پیمانکار رباط عرب‌ها مبنی بر ادامه کار یا متفی شدن طرح مجموعه فرهنگی و تجاری این رباط تاریخی هستیم و اوقاف به محض دریافت این استعلام ادامه کار را به شهرداری یا سرمایه‌گذار دیگری واگذار خواهد کرد.
● **ردپای تخلف سرمایه‌گذار در بازسازی رباط عرب‌ها**
معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری سبزوار اما یکی دیگر از علل تعلل در اجرای

مرگ تدریجی صنایع دستی قم / حال هنر ۷ هزار ساله خوب نیست

رشته‌ها هم به فراموشی سپرده شده است. سعادت‌مند با اشاره به اینکه سهم اقتصادی کشور از صنایع دستی ناچیز است، گفت: سهم درآمدی کشور از صنایع دستی به‌رغم تنوع محصولات به کمتر از ۳۰۰ میلیون دلار می‌رسد.
استاد هنر سفال و سرامیک قم با بیان اینکه سهم پاکستان

صنایع دستی را در جهان دارد، گفت: تنوع آب و هوایی، وجود اقوام و طوایف گوناگون، ذات هنرپرور ایرانیان، سبب شده که بیش از ۲۹۰ نوع صنایع دستی در کشور ثبت شود.
این پیشکسوت خرمهره سازی با ابراز تأسف از وضعیت نابسامان صنایع دستی ادامه داد: متأسفانه در برخی از رشته‌های هنری تنها یک استاد فعال داریم و برخی از

استان قم یکی از قطب‌های مهم صنایع دستی کشور است که اما طی سال‌های اخیر این هنر با رکود مواجه شده و هنر و هنرمندان آن در حال فراموش شدن هستند.



اگر چند سالی است که به دلیل هجوم تحریم‌های ظالمانه، اوضاع اقتصادی کشور شرایط مطلوبی ندارد اما این نابسامانی در بخش صنایع دستی فزاینده‌تر از موضوع تحریم‌هاست و دلیل اصلی آن بی‌توجهی و بی‌برنامگی سال‌های گذشته است.
در این میان قم به عنوان یکی از قطب‌های صنایع دستی کشور اوضاع ناخوش‌تری دارد. وصف حالی که شنیدنش از زبان فعالان، پیشکسوتان و هنرمندان صنایع دستی شهر کریمه اهل بیت(ع) واقعی‌تر و شنیدنی‌تر است.
آنچه در زیر می‌آید حاصل گفت‌وگوی استادان و فعالان برجسته حوزه صنایع دستی قم در این زمینه است.
دبیر انجمن سفال و سرامیک قم به وضعیت کنونی صنایع دستی قم پرداخت و با بیان اینکه صنایع دستی قم در شرایط مناسبی به سر نمی‌برد، گفت: چیزی حدود ۳۰۰۰ کارگاه صنایع دستی مجوز دار در قم فعالیت می‌کند.

● **سهم ناچیز کشور از اقتصاد صنایع دستی**
ابوالقاسم سعادت‌مند با اعلام اینکه ایران بالاترین تنوع

از مزایای مهم توسعه گردشگری در قم رونق یافتن انواع صنایع دستی ماندگار است. وی در ادامه با اشاره به جاذبه‌ها و مزایای صنایع دستی، گفت: تولید محصول در کمترین زمان، هزینه تولید پایین و ارزش افزوده بالا و راهاندازی کارگاه‌های ارزان قیمت از جمله مزایای مهم تولید صنایع دستی است. سعادت‌مند از رسانه‌های جمعی به عنوان یکی دیگر از فرصت‌های توسعه صنایع دستی یاد کرد و گفت: آنچه ضروری به نظر می‌رسد این است که باید طراحان و فعالان حوزه صنایع دستی نگرش‌های تازه‌ای به طراحی و تولید محصولات داشته و بتوانند فناوری‌های روز هم به نحو احسن استفاده کنند.

● صنایع دستی با قدمت ۷ هزار ساله

یکی دیگر از فعالان اقتصادی صنایع دستی قم نیز با اشاره به قدمت صنایع دستی در قم گفت: اگر فرش ابریشم قم قدمت ۱۰۰ ساله دارد و در جهان به ثبت و شهرت رسیده است اما صنایع دستی یافته شده در تپه قللی درویش قم قدمت حدود ۷ هزار ساله دارد.

محمد ققیه‌ای از بی‌توجهی قمی‌ها به اصالت و آداب و رسوم خود انتقاد کرد و گفت: چرا باید قمی با پیشینه تاریخی و فرهنگی در حوزه‌های مختلف اصالت و لهجه خود را از دیگران پنهان کنند و به حفظ و ثبت آن بی‌توجه باشند. وی با تأکید بر اینکه قم دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های متنوع و زیادی است، گفت: یکی از راه‌های توسعه صنایع در دنیا خوشه‌های صنعتی هستند که از سال ۱۹۹۰ میلادی در کشورهای مختلف راه‌اندازی شده است.

مدیرکل سابق بازرگانی قم از نبود استقبال از خوشه‌های صنعتی در قم خبر داد و گفت: متأسفانه بی‌توجهی به خوشه‌های صنعتی سبب ایجاد رکود در صنایعی مانند چاپ، چوب، فرش و... شده است.

صنایع دستی می‌تواند به عنوان یک فرصت درآمدزایی ویژه در قم محسوب شده و به رشد و توسعه اقتصادی استان کمک شایانی کند.

وی با بیان اینکه حضور بانوان در تولید صنایع دستی یک مزیت کم‌نظیر محسوب می‌شود، گفت: صنایع دستی می‌تواند به عنوان یک فرصت درآمدزایی ویژه در قم محسوب شده و به رشد و توسعه اقتصادی استان کمک شایانی کند.

این فعال اقتصادی حوزه صنایع دستی از تشکیل کمیته تحقیقی - پژوهشی برای توسعه صنایع استان خبر داد و گفت: نبود بازاریابی مناسب، بی‌توجهی به مسئله اساسی بسته‌بندی حرفه‌ای محصول، افزایش بی‌مورد هزینه تولید، نداشتن یک اتحادیه منسجم صادرکنندگان صنایع دستی از جمله مشکلات صنایع دستی استان قم است.

متأسفانه در دورانی که توجه به هنر و تاریخ بیش از هر زمان دیگری باید مورد توجه باشد بسیاری از هنرمندان قمی در گوشه عزلت قرار دارند و برخی از استادان بنام هم در بی‌خبری محض فوت کرده‌اند.

اینکه بشنویم برخی از صنایع دستی قم کاملاً فراموش شده و یا تنها یک استاد زنده دیگر در هنری با قدمتی چند صد ساله باقی مانده، تنها نشانه این نیست که بسترهای اقتصادی یک هنر صنعتی کور شده است، بلکه غصه بزرگ‌تر آن این است که درهای فرهنگ و تمدن اصیل یک قوم و ملت یکی پس از دیگری بسته می‌شود.



اعلام کرد و گفت: این هنر معماری از قرن ۶ هجری با فعالیت فردی به نام طاهرین حسین در قم فعال بوده و در حال حاضر هم ۲۰ کارگاه فعال در حوزه معرق کاری کاشی داریم.

سعادت‌مند به اوضاع آشفته آموزش صنایع دستی اشاره کرد و گفت: دوره‌های آموزشی صنایع دستی به صورت استاد شاگردی، برگزاری کلاس‌های آموزشی سازمان صنعت، سازمان فنی و حرفه‌ای و در قالب کلاس‌های خصوصی قابل انجام است که تقریباً هیچ کدام رونق لازم را ندارند.

دبیر انجمن سفال و سرامیک قم در بخش دیگری از صحبت‌های خود به علل رکود اقتصادی صنایع دستی و تعطیلی کارگاه‌ها اشاره کرد و گفت: واقعاً جای این سؤال باقی است قم به‌رغم پیشرفت‌های متنوعی که داشته و بر اساس آمارهایی که اعلام می‌کنند سالانه ۲۰ میلیون زائر و مسافر در حال رفت و آمد هستند، اما صنایع دستی آن دچار رکود شدیدی شده است.

سعادت‌مند کم ارزش شدن فعالیت‌های یدی، نبود اطلاع‌رسانی و تبلیغات مناسب، نداشتن توجیه اقتصادی، نبود توانایی در ایجاد بازارهای مناسب و فعال را از عوامل مهم رکود صنایع دستی ارزیابی کرد و ادامه داد: متأسفانه فرهنگ‌سازی لازم و کافی برای استفاده از محصولات صنایع دستی در خانه‌های ایرانی نمی‌شود.

متأسفانه فرهنگ‌سازی لازم و کافی برای استفاده از محصولات صنایع دستی در خانه‌های ایرانی نمی‌شود. این پیشکسوت خرمهره سازی استان قم به بی‌توجهی به مزایای بی‌شمار صنعت گردشگری اشاره کرد و گفت: یکی

از صنایع بومی به یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار می‌رسد، افزود: حتی کشور کوچکی مانند ویتنام که تا چند دهه گذشته به شدت درگیر جنگ و آوارگی بود، سهم ۵۰۰ میلیون دلاری از صنایع دستی دارد.

دبیر انجمن سفال و سرامیک قم با اعلام اینکه قم یکی از قطب‌های مهم صنایع دستی کشور محسوب می‌شود، گفت: زمانی بود که سفال و سرامیک قم مشتریان پرو پا قرص خارجی داشت و در اطراف حرم مطهر به عنوان سوغات مخصوص در اختیار مسافران و زائران بود.

زمانی سفال و سرامیک قم مشتریان پرو پا قرص خارجی داشت و در اطراف حرم مطهر به عنوان سوغات مخصوص در اختیار مسافران و زائران بود.

سعادت‌مند، تولید صنایع کاربردی و حضور فعال و پررنگ بانوان از ویژگی مهم صنایع دستی قم اعلام کرد و افزود: در قم بیش از ۳ هزار کارگاه مجوز دار که شامل کارگاه‌هایی مانند هزار کارگاه منبت چوب، ۳۰۰ کارگاه انگشتری و حکاکی سنگ انگشتری، ۱۵۰ از انواع کارگاه‌های رودزوی الحاقی (سرمه دوزی، پولک دوزی و...) وجود دارد.

وی در ادامه به ویژگی‌های حصیربافی در قم اشاره کرد و گفت: به‌رغم اینکه مواد اولیه مروری بافی به عنوان یک زیرشاخه حصیربافی از ملایر تهیه می‌شود اما از صنایع ویژه قم است و زمانی در روستای صرم ۲۰ کارگاه فعال حصیربافی وجود داشت.

این استاد صنایع دستی با بیان اینکه در قم ۲۰ صنعتگر چاقوساز وجود دارد اظهار کرد: حیات هر جامعه‌ای به فرهنگ و تمدن آن جامعه بستگی دارد.

● فراموشی صنایع دستی ویژه قم

وی از تعطیلی ۱۵ کارگاه حصیربافی در روستای صرم خبر داد و گفت: الان برخی از صنوف هنری در حال انقراض است. سعادت‌مند به باقی ماندن تنها دو گیوه‌دوز در قم اشاره کرد و گفت: صنایعی مانند تراش روی شیشه، جوش شیشه، صنایع چوبی جنبه صنعتی و ماشینی پیدا کرده و کم و بیش فعال مانده‌اند.

دبیر انجمن سفال و سرامیک قم اشاره جالبی به ساخت سازهای سنتی از جمله سه تار، دو تار و نی و تار در قم کرد و افزود: هنرهایی مانند زره بافی، نخ ریسی، گچ بری سنتی، کاشی کاری خشتی با تپه یک استاد به نام در آستانه فراموشی است. وی قم را پایگاه اصلی کاشی کاری معرق





شهر سردار ساسانی قلمرو گردشگران / عقدا ثبت ملی می‌شود



عقدا، کهن شهری که آن را منتسب به سرداری ساسانی به نام «عقدار» می‌دانند، در آستانه ثبت ملی قرار گرفته و به زودی قلمرو رسمی گردشگران می‌شود.

عقدا یکی از شهرهای تاریخی استان یزد است که سابقه و قدمتی بسیار طولانی دارد و این قدمت شاید به قرن‌ها قبل از اسلام نیز برسد.

برخی محققان عقدا را شهری شش هزار ساله می‌دانند که در زمان یزدگرد سوم، آخرین پادشاه دوران ساسانی و به دستور او آباد شده است.

یکی از جوانان عقدایی که شاید محقق رسمی دانشگاهی نباشد اما علاقه و مطالعه و اطلاعات او کمتر از یک محقق نیست، به خوبی می‌تواند عقدا را معرفی کند.

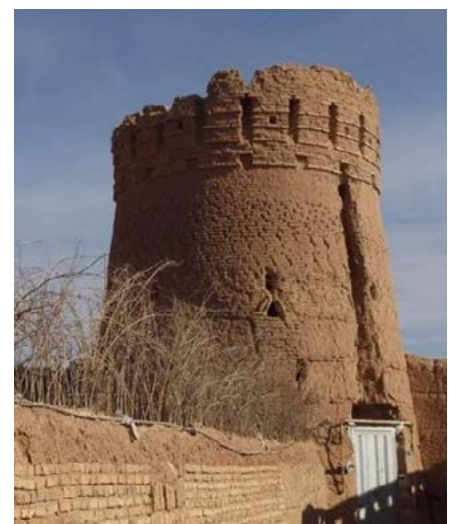
محمدرضا امامی می‌گوید: عقدا در فاصله ۵۰۰ کیلومتری از تهران، ۲۱۰ کیلومتری از اصفهان قرار دارد و ۷۰ کیلومتر بعد از نایین، اولین شهر استان یزد از سمت استان اصفهان و شهر نایین است و ۱۱۰ کیلومتر قبل از شهر یزد در مسیر اصلی واقع شده است.

تاریخ روشنی از زمان پیدایش عقدا در دست نیست

وی می‌افزاید: به دلیل اینکه عقدا در گذشته‌های دور تاریخ نویسی نداشته، تاریخ دقیقش مشخص نیست اما آنطور که شنیده‌ام، یکی از مورخان، تاریخ این شهر را مربوط به شش هزار سال پیش اعلام کرده است.

یزدگرد سوم نیز به سه تن از سردارانش که در شرف بازنشستگی از امور نظامی بودند، دستور می‌دهد سه نقطه از ایران را آباد کنند.

سرهنگ «میسدار»، میبید را ایجاد می‌کند و قنات حفر



تاریخی برجسته در تمام مدتی که میراث فرهنگی و گردشگری وضعیت بهتری در کشور یافته، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است در حالی که آثاری همچون مسجد جامع عقدا به واسطه در برداشتن شواهدی از سیر تبدیل آتشکده‌ها و بنیادگاه‌های ساسانی به اسلامی همواره مورد توجه محققان بزرگ بوده است.

عقدا کهن‌ترین حوزه استقرار جوامع انسانی در دشت یزد - اردکان

وی عقدا را دارای جاذبه‌های باستان‌شناسی و معماری دانست و عنوان کرد: شهر تاریخی عقدا به عنوان یکی از کهن‌ترین حوزه‌های استقرار جوامع انسانی در دشت یزد - اردکان مطرح است.

میرجانی یادآور شد: شواهد تاریخی از دوران قبل از اسلام شهر عقدا، به واسطه نبود پژوهش‌های روشمند و بررسی و شناسایی باستان‌شناسی چندان روشنگر و بارز نیست اما در هر صورت بقایای چارطاقی عقدا به عنوان قدیمی‌ترین اثر ثبتی این منطقه، وجود فضاهای دستکند و بوکن‌هایی که در مسیر مسیل و رودخانه فصلی عقدا واقع شده‌اند، موجودیت مکان‌های مقدس زرتشتیان چون مهربانو و پارس بانو در زرجوع را نیز باید از جمله آثار تاریخی منتسب به قبل از ورود اسلام به این منطقه به حساب آورد.

وی، خانه‌های تاریخی عقدا در دوره آل مظفر را نیز یکی از شاهکارهای معماری این دوره دانست و افزود: برخی از این خانه‌ها حتی بناهای موجود در بافت تاریخی یزد از منظر پرکاری و تکلف تزئینات و ظرایف معماری همسنگی و هم‌طرازی دارند.

مدیر پایگاه میراث فرهنگی شهر اردکان عنوان کرد: یکی از ویژگی‌های شاخص بافت تاریخی عقدا انسجام و کالبدی بودن آن است که می‌تواند مزیت مناسبی برای اجرای طرح‌های حفاظتی و پایش و ساماندهی این بافت تلقی شود ضمن اینکه پیوسته بودن باغ‌ها و مزارع و انارستان‌های وسیع این شهر که در قدیم از هفت رشته قنات مشروب می‌شده‌اند، این بافت را منحصر به فرد کرده است.

بافت تاریخی عقدا از جمله مناطقی است که به واقع باید سال‌ها پیش ثبت تاریخی می‌شد اما اکنون نیز باید این اقدام را به فال نیک گرفت، البته به شرط آنکه نصب یک تابلوی میراث فرهنگی، سرآغاز بی‌توجهی به نیازهای مردم این بافت نباشد.

می‌کند و برای مردم کشت و کار ایجاد می‌کند و با ساخت خانه، کم‌کم آن نقطه را آباد می‌کند تا اینکه اکنون آن را به شکل میبید امروزی مشاهده می‌کنیم.

یکی دیگر از سرداران، به نام میبید، به فاصله هشت تا ۱۰ کیلومتری میبید، بیده را ایجاد می‌کند و سردار دیگری به نام عقدا نیز شهر عقدا را ایجاد می‌کند و بسیاری معتقدند علت نامگذاری عقدا به این نام، به همین دلیل است.

اطلاعات این جوان عقدایی که همه از راه تحقیق و مطالعه به دست آمده بسیار جالب و هیجان‌انگیز است.

رد پای خواجه نصیرالدین طوسی در عقدا و وجه تسمیه نامگذاری این شهر

می‌گوید: روایت دیگری نیز هست که در زمان وزارت خواجه نصیرالدین طوسی، مردم عقدا که از حملات راهزنان و غارتگرانی که هرازگاهی به آنها حمله‌ور می‌شدند و اموال و محصولاتشان را به غارت می‌بردند، به خواجه نصیر که از عقدا می‌گذشت، شکایت بردند و خواجه نصیر نیز با تدبیر خاص دستور ایجاد دژی مستحکم در دور شهر را داد.

اگرچه تاریخ دقیق مشخص نیست اما خانه‌ها و بناهای مربوط به دوره ایلخانی و آل مظفر در منطقه بسیار است اما خانه‌های عقدا اغلب مربوط به دوره صفوی است ولی از آنجا که بر روی آن کار نشده، تاریخ آن به طور کامل مشخص نیست.

خبر ثبت ملی شدن بافت تاریخی عقدا از همه بیشتر برای این جوان فعال میراث فرهنگی عقدایی خوشحال‌کننده بود، جوانی که علاقه‌اش به میراث گذشتگان و به توسعه گردشگری در حد حرف و شعار باقی نمانده و خود به رغم اینکه پرستاری خوانده، تاکنون بارها دست به تاسیس واحدهای بوم‌گردی در عقدا زده است و به زودی نیز قرار است واحد جدیدی را در دل بافت تاریخی عقدا، همان بافتی که پرونده آن در دست پیگیری برای ثبت ملی است، افتتاح کند.

مسئولان میراث فرهنگی این روزها پیگیر ثبت ملی بافت تاریخی عقدا به عنوان یکی از زیباترین و بکرترین بافت‌های تاریخی کشور هستند.

مدیر پایگاه میراث فرهنگی اردکان در این زمینه اظهار داشت: بافت تاریخی عقدا که شامل ۴۰ هکتار عرصه ثبتی نظیر خانه، باغ و انارستان است، با پیگیری‌های انجام شده از سوی مدیران اداره کل میراث فرهنگی استان یزد ثبت ملی می‌شود.

محسن میرجانی بیان کرد: بافت عقدا با وجود ارزش‌های

نفس‌های آخر سرو هزار ساله سیرج در سایه ویلاسازی‌ها

روستا زمینه وجود پیست موقت اسکی را نیز در منطقه ایجاد کرده است و در تمام فصول سال سیرج محل عبور و مرور گردشگران است به همین دلیل توجه این افراد در راستای حفاظت طبیعت و به خصوص سور کهنسال سیرج از اهمیت بالایی برخوردار است.

با وجود هشدارهای داده شده از سوی مسئولان اما اگر سری به سرو کهنسال سیرج بزنید می بینید که زیر سایه سار این درخت کهنسال نشانه‌های متعدد از روشن کردن آتش وجود دارد و این نگرانی تشدید می شود که در سایه بی توجهی و عدم نظارت این درخت طعمه حریق شود.

محمد ارزنده، یکی از راهنماهای تورهای گردشگری در استان کرمان با ابراز نارضایتی از بی نام و نشان بودن درخت کهنسال این روستا می گوید: در واقع روستاهای هدف گردشگری در کرمان فراوان هستند اما کمتر مورد توجه قرار می گیرند.

● حتی یک تابلوی راهنمای در سیرج وجود ندارد

این فعال حوزه گردشگری افزود: اینکه «کارولین کراسکری» ایران شناس آمریکایی که کتاب شما که غریبه نیستید مرادی کرمانی را ترجمه کرده است قصد بازدید از این روستا و به خصوص سرو هزار ساله را می کند نشان از اهمیت این داشته‌ها دارد.

ارزنده می افزاید: اما سوال اینجاست خود ما چقدر برای روستای گردشگری و نماد این روستا که همان سرو کهن است ارزش قائل هستیم، این درخت حتی یک تابلوی راهنمای ساده هم ندارد.

وی گفت: باعث تعجب است که این درخت به حال خود رها شده است و حتی در تورهای گردشگری استان نیز جایگاهی ندارد و کاری برای معرفی آن نیز نشده است.

سیرج متاسفانه از زیر ساخت‌های بسیار ضعیفی در بحث گردشگری برخوردار است و حتی سرویس بهداشتی مناسب و محل اسکان تعریف شده هم در این روستا وجود ندارد این راهنمای تور می گوید: سیرج متاسفانه از زیر ساخت‌های بسیار ضعیفی در بحث گردشگری برخوردار است و حتی سرویس بهداشتی مناسب و محل اسکان تعریف شده هم در این روستا وجود ندارد.

وی به حضور گسترده مردم در ایام تعطیل در این روستا اشاره می کند و می گوید که هر یک از این خانواده‌ها آتشی برای طبخ غذا یا سرگرمی روشن می کنند و اگر این آتش به جان سرو سیرج بیفتد این سوال را مطرح می کنم که نزدیکترین ایستگاه آتش نشانی تا سیرج چند کیلومتر فاصله دارد و امکانات اطفای آتش کجاست؟

وی به ویلاسازی‌های انبوه و بی ضابطه در این روستا اشاره می کند و می گوید که حالا این درخت کهنسال در محاصره انبوه ساخت و سازهای صورت گرفته قرار دارد و جایگاه درخت کهنسال در روستا از دست رفته است.

این سرو هر چند که حالا در پس بی توجهی‌ها لایه لای ساخت و سازهای بی رویه در حال ناپدید شدن است اما باید بار دیگر به این مهم توجه کنیم که سرو سیرج هنوز در لایه لای ورق‌های کتابهای مرادی کرمانی و در داستان هایش حضور دارد و کودکان در قصه‌ها اسم سروی را می شنوند که شاید به دلیل بی توجهی‌ها در سال‌های آینده دیگر نشانی از آن باقی نماند.



کرمان اظهار داشت: طبق توافقاتی که در سال ۸۹ بین میراث فرهنگی و دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری انجام شده است این روستا به عنوان منطقه هدف گردشگری تعیین شده است.

وی افزود: روستای سیرج به دلیل نزدیکی به شهر کرمان، وجود رودخانه، مناظر طبیعی و آبگرم و سرو هزار ساله از اهمیت بالایی در خصوص گردشگری برخوردار است و هر سال تعداد زیادی از گردشگران داخلی و خارجی از این روستا بازدید می کنند.

● توسعه بوم گردی در روستای گردشگری

جهانشاهی ادامه داد: در این روستا شاهد امکانات محدود گردشگری هستیم به همین دلیل با آگاه‌سازی مردم محلی در راستای توسعه بوم گردی تلاش می کنیم و از مردم و سرمایه‌گذاران دعوت می کنیم در این راستا ورود پیدا کنند.

وی با تأکید بر حمایت از مردم و سرمایه‌گذاران بخش گردشگری افزود: سرو سیرج از کهن‌ترین درختان موجود در ایران است و از گذشته تا کنون وجود درختان کهن سال بسیار مورد توجه مردم بوده است و این درخت نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

وی به ثبت ملی سرو سیرج خبر داد و افزود: این درخت مطابق با قانون مورد حمایت قرار دارد و طبیعتاً منظر این درخت نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از مشکلات موجود در زمینه طبیعت گردی عدم توجه مردم به حفظ طبیعت است و به همین دلیل نیز ما در زمینه معرفی مناطق بکر طبیعی کمی تأمل می کنیمجهانشاهی ادامه داد: یکی از مشکلات موجود در زمینه طبیعت گردی عدم توجه مردم به حفظ طبیعت است و به همین دلیل نیز ما در زمینه معرفی مناطق بکر طبیعی کمی تأمل می کنیم.

وی با اشاره به اینکه سیرج نیز قطب اکوتوریسم است گفت: وجود تپه‌های با شیب اندک و بارش برف در این

سرو هزار ساله روستای سیرج که در بیشتر قصه‌های هوشنگ مرادی کرمانی نقشی محوری دارد هر چند ثبت ملی شده است اما زیر سایه ویلاسازی‌های بی رویه جان می دهد.



اسما محمودی

روستای گردشگری سیرج در استان کرمان شهرت تنها به دلیل زیبایی‌های منحصر به فردش نیست بلکه این روستا با قصه‌های دوران کودکی بسیاری از ایرانی‌ها پیوند خورده است، وقتی که هوشنگ مرادی کرمانی پای درخت کهن سال این روستا قصه‌های دوران کودکی‌اش را در کتاب‌هایش می نگاشته است این سرو هم جزئی از داستانهایی این نویسنده شهیر شد.

سرو کهن سیرج، فقط یک درخت هزارساله نیست، سرو سیرج با قصه‌های مجید: نخل، خمره، بچه‌های قالیباف‌خانه و شما که غریبه نیستید به ادبیات و فرهنگ ایران زمین و جهان پیرامون ما پیوند خورده است.

● نماد گردشگری سیرج فراموشی شد

اگر چه امروز سرو در پس دیوارها و موانع بصری، پنهان مانده و غبار فراموشی بر چهره و ردپای بی‌مهری بر ریشه‌های برآمده‌اش دارد، اما با قلم توانای مرادی کرمانی، سال‌هاست که سفری جهانی را آغاز کرده و در تاریخ ماندگار شده است.

سرو در موقعیت بسیار خوبی قرار دارد. کنار رودخانه دایمی و پل اصلی رودخانه، در مسیر راه مقبره سلطان جلال‌الدین، روبروی مسجد جامع و در محل گذر اصلی گردشگران و در مرکز روستای سیرج مکانی است که هزار سال این درخت کهن آرمیده است.

وقتی هم پای سرو می‌رویم، متوجه زندگی مشترک دو سرو در کنار هم و باهم می‌شویم. تنه‌های آن‌ها کاملاً از هم جدا هستند. هم‌قد، اما یکی لاغرتر و دیگری تنومندتر است؛ یکی جوان‌تر و دیگری پیرتر.

سرو هزارساله سیرج در فهرست میراث طبیعی کشور به ثبت رسیده و انتظار می‌رود در زمینه معرفی بیشتر و کامل‌تر؛ ساماندهی و بهینه‌سازی اطراف آن، تملک زمین‌های اطراف سرو، نصب تابلوی معرفی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، اسپانیایی و عربی همراه با آموزش اهالی و استفاده از ظرفیت‌های محلی برای حفاظت از سرو و رودخانه زیبای سیرج گام‌های عملی برداشته شود.

این درخت کهن سال آماج بی توجهی قرار گرفته و حتی آتش‌افروزی‌های گردشگران نیز این درخت کهنسال را تهدید می‌کند و تا کنون نیز هیچ برنامه مدونی برای ساماندهی این جاذبه گردشگری تعریف نشده است اما نه تنها این چنین نشده است بلکه این درخت کهن سال آماج بی توجهی قرار گرفته و حتی آتش‌افروزی‌های گردشگران نیز این درخت کهنسال را تهدید می‌کند و تا کنون نیز هیچ برنامه مدونی برای ساماندهی این جاذبه گردشگری تعریف نشده است.

هر چند که این بی‌نامگی همه ابعاد روستای گردشگری سیرج را در بر گرفته است اما این سوال در ذهن تداعی می‌شود که روستای زیبایی همچون سیرج که در مسیر کویر شهداد که ثبت جهانی شده چرا تا این حد رها شده و در مسیر گردشگری استان کرمان جایگاه تعریف شده‌ای ندارد.

محمد جهانشاهی، معاون گردشگری میراث فرهنگی استان



■ اینکه گفته می‌شود گردو زیر سایه پسته قرار گرفته است در استانی مانند کرمان دور از واقعیت نیست، هرچند پسته نخستین کالای غیرنفتی صادراتی از استان کرمان است اما گردو و خرما نیز در رده‌های بعدی، در ایجاد زمینه‌های اشتغال فراوان و ارزآوری برای استان کرمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند.

■ وقتی می‌شنویم ۲۰ درصد صادرات کشورمان از نظر ارزش ربالی به فرش دستباف اختصاص دارد، عجیب نیست اگر به یاد قالی ابریشم زیبای قم با نقش‌های بهشتی‌اش بیفتیم. قالی‌هایی که می‌توانند استان کم‌درآمد قم را به یکی از استان‌های پردرآمد کشور تبدیل کرده و بدون هیچ آسیبی به محیط زیست، رونقی به کسب و کار در قم ببخشد.

■ بیکاری سال‌به‌سال در اصفهان روند فزاینده‌ای به خود می‌گیرد چنانچه این معضل اجتماعی - اقتصادی، دیگر مسئله‌ای نیست که بتوان آن را مخفی نگه داشت.

■ اینجا بزرگ‌ترین انارستان متمرکز ایران چشم‌ها را به خود خیره کرده است؛ درختان اناری که به مانند یک دریای سرخ و سبز، بی‌کرانه‌اند و نگاه نمی‌تواند خود را به انتهایشان برساند؛ فقط می‌ایستی و خیالت را به دل امواج انارستان می‌سپاری؛ تا دلت از خنکای این همه زیبایی اوج بگیرد.

■ بازار داغ دروازه مشگین و تازه میدان در اردبیل لبریز از رنگ است. قرمز و زرد، سبز و نارنجی، سرخ و بنفش. میوه‌هایی که کپه کپه روی سینی‌های گرد چیده شده‌اند به هر رهگذری لبخند می‌زند. اما پاسخ این لبخند از سوی برخی فقط آه و حسرت است.

اقتصاد ایران

تعاونی های مرزنشین کردستان که قرار بود به فرصتی برای کمک به ارتقاء وضعیت معیشت مرزنشینان تبدیل شود، امروز خود به یک چالش تبدیل شده و مسئولان از اختلاس مالی در این بخش خبر می دهند.



آرمان نصراللهی

اختلاس؛ به جای کمک به معیشت مرزنشینان / پای غیربومی هادر میان است

تعاونی های مرزنشین در کشور به ویژه استانهای همچون کردستان در راستای کمک به وضعیت معیشت افراد ساکن در مرزها تشکیل شده و دولت با این اقدام به دنبال کمک به مرزنشینان بود ولی هر چه زمان می گذرد این تعاونی ها که قرار بود به یک فرصت تبدیل شود، خود چالش های جدیدی را به همراه دارند.

هر چند که در دهه گذشته اجرای عدم هزینه اعتبارات تخصیص یافته به تعاونی های مرزنشین و برگشت آنها مطرح بود ولی این روزها داستان سوء استفاده های مالی در این تعاونی ها به گوش می رسد و هر چند که مسئولان تعاون، کار و رفاه اجتماعی منکر این داستان می شود ولی پلیس آگاهی کردستان به صراحت این موضوع را تأیید کرد.

کردستان دارای ۱۹ تعاونی مرزنشین است و بر اساس قوانین موجود حدود ۵۰ هزار نفر نیز در این تعاونی ها عضویت داشته و سالانه نیز اعتباری با عنوان یارانه در اختیار این تعاونی ها قرار می گیرد تا اعضای آن بتوانند از این تسهیلات در راستای صادرات و واردات کالا استفاده کنند. موضوع سوء استفاده های مالی از تعاونی های مرزنشین در کردستان داستان تازه ای نیست و هر چند مدت یک بار مسائلی در این خصوص مطرح می شود و مسئولان و متولیان نیز هر بار وعده می دهند که ریشه ای با این مشکل برخورد کرده و ماجرا را تا پایان دنبال می کنند. قرار مالیاتی ۴۰ میلیارد تومانی در تعاونی های مرزنشین کردستان

این بار سوء استفاده مالی در تعاونی های مرزنشین کردستان با اطلاع رسانی از سوی پلیس آگاهی استان در خصوص فرار مالیاتی آغاز شد و هر چند که اطلاعات مستندی در این خصوص وجود داشته و دارد ولی مدیرکل تعاون، کار و راه اجتماعی کردستان این موضوع را رد و می گوید تاکنون چیزی مشخص نیست. جانشین رئیس پلیس آگاهی کردستان هفته قبل و در یک نشست خبری گفت: پرونده فرار مالیاتی به ارزش بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان در ارتباط با بحث تجارت در استان تشکیل شده که نفرت اصلی آن در استان نیستند و این افراد با استفاده از کارت بازرگانی مرزنشینان ما اقدام به تجارت و عدم پرداخت مالیات کردند.

علیرضا مرادی با اشاره به اقدامات صورت گرفته در راستای شناسایی و دستگیری این افراد اظهار داشت: پرونده مذکور در حال حاضر در دست بررسی است و هنوز نتیجه آن مشخص نشده است.

در حالی که جانشین رئیس پلیس آگاهی کردستان موضوع سوء استفاده مالی و فرار مالیاتی در تعاونی های مرزنشین کردستان را تأیید کرده و حتی رقم مالی نیز اعلام می کند ولی مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان اعلام کرد که پرونده در مرجع قضایی است و هنوز چیزی مشخص نیست.

● پرونده ۱۹ تعاونی مرزنشین کردستان در مراجع قضایی است
احمد رشیدی در واکنش به این خبر عنوان کرد: در حال حاضر و با شکایت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کردستان پرونده ۱۹ تعاونی مرزنشین استان در مرجع قضایی است و



کردستان بیان کرد: متأسفانه کارت بازرگانی تعدادی اعضای تعاونی های مرزنشین کردستان در دست تجار غیربومی است و این افراد از این فرصت ها سوء استفاده کرده و به دنبال جمع آوری پول هستند.

وی که اصرار داشت اسمی از او برده نشود، ادامه داد: در حال حاضر چند نفری تاجر از استاهای تهران، آذربایجان شرقی و دیگر استانها کارت بازرگانی مرزنشینان کردستانی را در اختیار دارند و با استفاده از این کارت بازرگانی کار صادرات انجام داده و حتی از یارانه های اختصاص داده شده را نیز استفاده می کنند.

چند نفری تاجر از استاهای تهران، آذربایجان شرقی و دیگر استانها کارت بازرگانی مرزنشینان کردستانی را در اختیار دارند و با استفاده از این کارت بازرگانی کار صادرات انجام می دهند این عضو تعاونی مرزنشین کردستان ضمن انتقاد از این رویه بیان کرد: تاکنون چندین بار این موضوع از طریق فرمانداری ها، تعاون و حتی دیگر مسئولان پیگیری شده است و هر بار وعده می دهند که آن را دنبال می کنند ولی متأسفانه ساهاست که ما با این مشکل مواجه هستیم و سود اصلی این کار به جیب افراد دیگری خارج از مرزهای کردستان می رود.

هر چند که بر اساس قوانین کشور تعاونی های مرزنشین با هدف کمک به ارتقای وضعیت مرزنشینان تشکیل شده و تسهیلات ارائه شده نیز قرار بود در اختیار آنها باشد ولی این روزها افراد دیگری و حتی خارج از استان کردستان از این تسهیلات استفاده کرده و حال با فرار مالیاتی و اختلاس مالی نیز مواجه می شوند.

اعمال نظارت های دقیق و لازم از سوی مسئولان و متولیان امر به ویژه تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ارائه آموزش های لازم به اعضای تعاونی ها به ویژه اعضای هیات مدیره برای توانمندی سازی آنها و همچنین جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی از جمله نیازهای اصلی در حوزه تعاونی های مرزنشین در استان کردستان است که از سوی افراد کارشناس و صاحب نظر اعلام می شود.

تاکنون نیز جزئیات این پرونده مشخص نشده است. وی با تأیید ضمنی سوء استفاده های مالی در تعاونی های مرزنشین و بروز مشکلات متعدد در این بخش، یادآور شد: این پرونده از یک دهه قبل مطرح است و حتی ما در تلاش هستیم که اعضای هیات مدیره و مدیران عامل این تعاونی های مرزنشین در استان کردستان را تغییر دهیم که این موضوع به اعضا اعلام شده است. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کردستان بیان کرد: تعاونی های مرزنشین فرصت خوبی برای تقویت صادرات در استان کردستان به شمار می روند که متأسفانه تاکنون از این ظرفیت به خوبی بهره برداری نشده است. اما مهمترین نکته در خصوص اختلاس مالی و فرار مالیاتی تعاونی های مرزنشین در استان کردستان جایی است که بر اساس تأیید پلیس آگاهی و همچنین اظهارات یکی از اعضای هیات نمایندگان اتاق سمنندج، پای افراد غیربومی و غیرمرزنشین در این پرونده باز شده است و مشکلات به وجود آمده از سوی این افراد است.

● سود اصلی تعاونی های مرزنشین در جیب غیربومی هاست

یکی از اعضای هیات مدیره یکی از تعاونی های مرزنشین



بحران آب در نگیں سبز استان تهران / سد کرج به نام شهریار به کام پایتخت



محمد رضا حدیری

شهرستان شهریار به وجود باغ‌های انبوه و سرسبز شهره است اما این ظرفیت با تهدیدهای بسیاری نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند که اصلی‌ترین آن معطوف به مسئله آب و تأمین این مایه حیاتی است. بحران آب واژه غریبی نیست، سال‌هاست کارشناسان و صاحب‌نظران آن را گوشزد می‌کنند و در خصوص مخاطرات و پیامدهای ناگوار آن هشدار می‌دهند.



ساخته است.

● هدر رفت حجیم آب در حوزه کشاورزی

درخشان یکی از چالش‌های عرصه آبی شهریار را ناشی از هدر رفت انبوه آب عنوان کرد و افزود: فاصله بسیار زیاد اراضی کشاورزی با مسیرهای تعبیه‌شده در نهرها که در گذشته اکثراً به‌صورت سنتی و قدیمی احداث‌شده و استفاده از برخی شیوه‌های قدیمی و منسوخ‌شده، ضریب هدر رفت آب را تشدید کرده است.

عضو شورای اسلامی شهر شهریار عنوان کرد: خوشبختانه اخیراً اقداماتی از سوی دولت در ارتباط با لحاظ کردن تسهیلات ویژه برای توسعه آبیاری قطره‌ای در دستور کار قرار گرفته که بسیار مؤثر است، اما یقیناً اگر این تدابیر در سال‌های گذشته اتخاذ می‌شد، در حال حاضر از بروز بسیاری از بحران‌ها و چالش‌های آبی جلوگیری به عمل می‌آمد.

● مدیریت بحران آب مستلزم فعالیت‌های فرهنگی است

عضو شورای اسلامی شهر شهریار با اشاره به ضرورت مدیریت بهینه مصرف آب عنوان کرد: بدون تردید بخشی از الزامات مدیریت عرصه آبی این منطقه، مستلزم انجام اقدامات فنی و مهندسی است، اما نباید در این میان از نقش بسیار تعیین‌کننده آموزشی و فرهنگی غافل شد.

علیرضا رضایت افزود: متأسفانه در حوزه شیوه مصرف آب با چالش‌ها و نقصان‌های بسیاری روبرو هستیم که ناشی از انباشتی از کم‌توجهی‌ها و سهل‌انگاری‌ها در طول سال‌های مدید و طولانی گذشته است. رضایت عنوان کرد: نداشتن دقت نظر در شیوه مصرف آب به‌روشنی درمی‌یابیم که در امور روزمره همچون مسواک زدن، حمام کردن، شستشوی خودرو، حیات منزل و... میزان هدر رفت آب بسیار بالا و غیراصولی است.

عضو شورای اسلامی شهر شهریار گفت: گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت، مصرف آب را بالا برده و به همان میزان سهل‌انگاری و سوء مصرف نیز تشدید شده که مجموعه این عوامل، امروز منطقه‌ای همچون شهریار را با تهدید آبی مواجه

به بحران آبی این منطقه به‌عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدهای زراعی و کشاورزی این خطه از غرب استان تهران اظهار داشت: یکی از کاستی‌ها و چالش‌هایی که شهریار با آن مواجه است، به عدم تأمین مناسب حقایق معطوف می‌شود.

بهزاد درخشان افزود: اساس و هدف اصلی از ساخت سد کرج (امیرکبیر)، تأمین آب کشاورزی شهریار بود، اما افزایش جمعیت، این منبع عظیم را به سمت و سویی سوق داد که در حال حاضر به‌عنوان یکی از منابع تأمین آب شرب پایتخت مورد استفاده قرار گرفته است.

درخشان عنوان کرد: عدم تأمین حقایق کافی و موردنیاز شهریار از یک‌سو و کاهش شدید سطح آب‌های زیرزمینی از سوی دیگر، حوزه زراعت این عرصه را با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته است.

وی افزود: امروز شاهد هستیم، تغییر کیفی آب باعث شده تا محصولات زراعی و باغی این خطه نیز با افت قابل‌توجهی همراه و پایداری و مقاومت درختان و اراضی کشاورزی این منطقه در مقابل آفت‌ها نیز به‌شدت تضعیف شود.

عضو شورای اسلامی شهر شهریار گفت: جهاد کشاورزی به‌عنوان یکی از متولیان حوزه آبی در عرصه زراعی و باغداری اقداماتی را لحاظ کرده و می‌کند که به نظر بنده بسیار دیر هنگام در دستور کار قرار گرفته و می‌طلبید در ۲۰ سال گذشته عزم جدی برای اعمال اقدامات فعلی لحاظ می‌شد.

بحران آب موضوعی جهانی و فرامرزی است که ذهن بسیاری از کارشناسان را در اقصی نقاط جهان به خود معطوف ساخته و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

خطر کم‌آبی و تهدیدهای احتمالی آن در سال‌های آینده، آن‌چنان جدی و فاجعه‌بار پیش‌بینی می‌شود که چندی پیش از آن به‌عنوان یکی از چالش‌های امنیتی آینده کشور یاد شد.

عوامل متعددی در خصوص بروز این چالش (کم‌آبی) مطرح‌شده که برخی از آن‌ها ناشی از سهل‌انگاری و سوء مدیریت و برخی دیگر به وضعیت بفرنج آب و هوایی و اقلیمی مربوط می‌شود و در این میان نقصان و ضعف در مصرف بهینه آب از سوی گروه‌هایی از مردم و برخی از مسائل فنی، تجهیزاتی و اعتباراتی مزید بر علت شده تا شرایط به نحوی پیش رود که اخیراً از سوی مسئولان، از بحران آبی به‌عنوان مهمترین چالش آینده نام برده شود.

در این میان شهریار به‌عنوان یکی از مناطق حساس، حائز اهمیت و استراتژیک در غرب استان تهران نیز با این بحران مواجه است و در صورت ادامه وضعیت موجود، دیری نمی‌پاید که نگیں سبز استان تهران و باقیمانده باغ‌های باشکوه و با طراوت آن نیز به ساختمان‌ها و برج و باروهایی عظیم تبدیل شود.

● سد کرج به نام شهریار به کام تهرانی‌ها

عضو شورای اسلامی شهر شهریار با اشاره



● تفکیک آب شرب از نظریه‌پردازی تا عمل‌گرایی

یکی از اقدامات سازنده و مؤثر در مدیریت مصرف آب، به تفکیک آب شرب از آب مصرفی روزمره معطوف می‌شود، امری که بارها و به‌دفعات در شهر شهریار مطرح‌شده اما به عقیده رضایت، اقدامی جدی و عملیاتی در این خصوص اجرایی نشده است.

آن‌چنان‌که عضو شورای اسلامی شهر شهریار عنوان می‌کند که عمده مباحث در این ارتباط به مسائل نظری و جلسات متعدد منتهی شده اما در بُعد عملیاتی شاهد اقدام خاصی نبوده‌ایم.

عضو شورای اسلامی شهر شهریار افزود: فرآیند تأمین آب شرب هزینه‌بر است اما شاهدیم این آب در تمامی حوزه‌ها و نیازهای روزمره مورد استفاده قرار گرفته که باید برای خاتمه دادن به چنین روال غلطی چاره‌اندیشی شود.

وی افزود: برخی عنوان می‌کنند، تحقق چنین امری (طرح تفکیک آب شرب) بسیار هزینه‌ساز است، اما به اعتقاد بنده اجرایی و عملیاتی شدن چنین طرحی نه تنها هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری و آینده‌نگری سازنده‌ای محسوب می‌شود که علاوه بر نسل امروز، نسل آینده را نیز برخوردار خواهد کرد.

● فرسودگی تجهیزات آبی عامل اصلی هدر رفت آب

امیر روزبهانی، دانش‌آموخته مهندسی آب با اشاره به لزوم نوسازی تجهیزات آبی عنوان کرد: بخش قابل‌توجهی از هدر رفت آب، ناشی از فرسودگی تجهیزات مرتبط با آن است و تا زمانی که بودجه و اعتباراتی ویژه برای نوسازی این مجاری در نظر گرفته نشود، نمی‌توان به مدیریت بهینه، مطلوب و اصولی آب امید چندانی داشت.

وی افزود: مدیریت اصولی مصرف آب منحصر به یک مؤلفه خاص نمی‌شود و باید در ابعاد مختلف با اتخاذ تدابیر و تمهیدات مؤثر همچون زنجیره‌ای به‌هم‌پیوسته عملیاتی و اجرایی شود.

دانش‌آموخته مهندسی آب عنوان کرد: مکرراً

به‌مثابه نقطه عطفی در حوزه آبی این منطقه از غرب استان تهران، می‌تواند حامل دستاوردهای بسیاری شود اما نائل شدن به توفیقات هرچه بیشتر نیازمند برنامه‌ریزی‌های مدون و اصولی در سطوح گسترده‌تری است.

هر نهاد و دستگاهی به فراخور شرح وظایف، اختیارات و حوزه فعالیت‌هایی که بر عهده دارد، می‌تواند در این امر خلیط مؤثر واقع شود.

شهرداری‌ها با لحاظ کردن اقدامات عملی و اصولی در تعبیه فضای سبز با تکیه بر کاشت درختان، گیاهان و نهال‌هایی که با حداقل آب، طراوت و سرسبزی خود را حفظ می‌کنند، مدارس با آموزش صحیح مصرف و تعبیه امکانات و تجهیزات قطع کن آب در مراکز آموزشی و واحدهای صنعتی، تولیدی، خدماتی، مسکونی و... هر یک به‌نوعی می‌توانند در این عرصه نقش آفرینی لازم را لحاظ کنند.

سخن آخر اینکه نائل شدن به توفیقات هر چه بیشتر، مستلزم اقداماتی فراگیر در حوزه‌ها و بخش‌های گوناگون است که با تحقق آن می‌توان نسبت به حفظ سرسبزی، طراوت و استمرار حیات و بقای باغات و اراضی زراعی در شهریار همچنان امیدوار بود.

نیز قابل‌بحث است و باید با اعمال شیوه‌های علمی، زراعت و باغداری در شهر شهریار به سمت و سویی سوق پیدا کند که نسبت به کاشت و برداشت محصولاتی که سودآوری آن مطلوب و مصرف آب آن در مقایسه با برخی از محصولات مرسوم کمتر است، اقدامات جدی و فراگیرتری عملیاتی شود.

دانش‌آموخته رشته کشاورزی عنوان کرد: اخیراً تمهیداتی از سوی برخی از دستگاه‌های مسئول در دستور کار قرار گرفته که کافی به نظر نمی‌رسد و بعضاً شاهدیم از سوی فعالان حوزه زراعی و کشاورزی نیز مورد کم توجهی و بی‌اعتنایی قرار گرفته است.

● عبور از بحران آبی مستلزم عزمی جدی و اقدامات هدفمند است

شایان‌ذکر است که برای عبور از بحران آبی در شهر شهریار باید مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند، علمی و مؤثر و اصولی در عرصه‌های گوناگون شهری، روستایی، صنعتی، زراعی، کشاورزی، فرهنگی مدنظر قرار گرفته تا بتوان در سایه آن نسبت به مدیریت بهینه مصرف، اقدامات لازم را اجرایی کرد.

افتتاح پروژه تصفیه‌خانه شهریار از نمونه اقدامات سازنده‌ای است که اخیراً به‌صورت رسمی با قرار گرفتن در مدار بهره‌برداری

کشاورزی انجام شده که رعایت و اعمال آن علاوه بر ارتقای کیفی و کمی محصولات، مدیریت بهینه و اصولی منابع آبی در عرصه کشاورزی و زراعی را میسر می‌کند. وی افزود: به‌عنوان نمونه کاشت بذر هندوانه در شرایطی که با کمبود و نارسایی عرصه آبی مواجه هستیم، یکی از غیراصولی‌ترین و غیرحرفه‌ای‌ترین کاشتهای و برداشتهای محصول به شمار می‌رود.

فخرایی گفت: متأسفانه در برخی موارد، ضرورت واردات محصولات آن‌چنان منطقی و اصولی است که باید نسبت به حصول آن اقدامات جدی و اساسی لحاظ شود، اما شاهدیم که در برخی مواقع، واردات محصولات بر موارد غیرضروری و غیرمنطقی متمرکز می‌شود که بسیار تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد.

این فعال حوزه باغداری شهریار عنوان کرد: با یک بررسی و مطالعه اجمالی درمی‌یابیم برای تولید و برداشت هندوانه، حجم انبوهی از آب مصرف می‌شود و در چنین شرایطی ایجاب می‌کند که از یکسو کاشت این محصول با ممنوعیت و محدودیت جدی همراه شده و از سوی دیگر نسبت به واردات آن تدابیر لازم اندیشیده شود.

وی افزود: این مورد در محصولات متعدد دیگری

در رسانه‌ها مطرح می‌شود که مردم در صرفه‌جویی آب دقت نظر لازم را لحاظ نکنند که البته تردیدی در حصول این اصل و رعایت شیوه مصرف وجود ندارد اما باید به‌موازات این توصیه و حتی پیش از آن، نسبت به بهسازی تجهیزات فرسوده اقدام شود و تا زمانی که شبکه توزیع برائت استهلاک چند دهه‌ای با وضعیت نابسامان فعلی روبرو است، نمی‌توان به بهبود وضعیت آن چنان که شایسته است امیدوار بود.

وی افزود: البته آن‌طور که در سطح رسانه‌ها عنوان شده، هرساله پروژه‌ها و طرح‌هایی برای بهبود وضعیت مستهلک شبکه توزیع و آب‌رسانی تعریف و عملیاتی می‌شود، اما به نظر می‌رسد ضریب استهلاک با آنچه موردبازسازی و نوسازی قرار گرفته، از تناسب مطلوبی برخوردار نیست.

● لزوم تجدیدنظر در نوع کشت محصولات زراعی و کشاورزی

محمدرضا فخرایی، دانش‌آموخته رشته کشاورزی و فعال حوزه باغداری در شهرستان شهریار با اشاره به لزوم رعایت دستورالعمل‌ها و اقدامات علمی و تخصصی در حوزه کشاورزی عنوان کرد: مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در عرصه زراعی و

چشم‌نگران باغداران قزوین به همسایه / آفت زیتون ریشه کن نمی‌شود



آفت مگس زیتون هر چند در باغ های قزوین کنترل شده اما بدلیل سیال بودن آفت و اتصال باغ‌ها به چنداستان، امکان ورود کلونی آفت از مناطق همجوار به باغات قزوین و تکرار خسارات دوسال قبل جدی است.



هاشم الپوری

منطقه طارم بزرگ (سفلی و علیا) که در میان سه استان قزوین، زنجان و گیلان تقسیم شده است بزرگ‌ترین و مرغوب‌ترین تولیدکننده زیتون ایران محسوب می‌شود. به مدد همین ویژگی معیشت مردمان بسیاری در سه استان زنجان، گیلان و به ویژه در قزوین وابسته به شاخه‌های درخت زیتون و باروری طلای سبز آن است اما حدود سه سال پیش بود که با فراگیر شدن آفت مگس زیتون برای اولین بار در تاریخ، زیتون طارم تارومار شد و دست کشاورزان از این طلای سبز کوتاه ماند.

تجربه تلخی که خسارات ناشی از آن کمتر از وقوع یک زلزله در این منطقه نبود و بسیاری از باغداران ورشکسته را وادار به مهاجرت و برگزیدن زندگی شهری کرد اما طی سال زراعی گذشته سرانجام آفت مگس زیتون در طارم سفلی مهار شد و باغداران این منطقه توانستند برعکس سال گذشته این بار محصول خود را با تلفات حداقلی از شاخه‌های درخت بچینند.

با این حال با فرارسیدن سال زراعی جدید و آغاز برداشت های ادواری زیتون و نیز با توجه به سیال بودن آفت مگس زیتون بیم آن وجود دارد که آفت بار دیگر در یکی از استانهای همجوار قزوین کلونی ایجاد کند و از این طریق

طارم سفلی که در قسمت شمال غربی استان قزوین واقع است بیش تر از میزان خسارات وارده به باغ های زیتون در استان های گیلان و زنجان بود چرا که طارم سفلی برعکس طارم علیا، حتی در شرایط عادی نیز با وجود برخورداری از ثروت و جمعیت بسیار بالا همواره محروم ترین بخش استان قزوین در بهره‌مندی از امکانات احتمالی مرکز استان بوده است.

از سویی نیز زندگی مردم در طارم سفلی بیش از سایر بخش های طارم بزرگ در دو استان دیگر با محصول زیتون عجین شده است بگونه ای که سالانه بین ۱۸ تا ۲۵ هزار تن زیتون در این منطقه تولید می‌شد و به تبع

با توجه به متصل بودن باغات زیتون به هم در سه استان قزوین، زنجان و گیلان به باغات سالم در قزوین سرایت کند.

از این رو باغداران قزوینی و جهاد استان با کنترل جمعیت آفت در باغات چشمی نگران به سوی باغات زیتون در استان های همجوار دارند. نگرانی که اگر از سوی مسئولان این استان ها جدی گرفته نشود بیم تکرار خسارات سال ۹۲ این بار در هر سه استان وجود دارد.

● طارم سفلی بزرگ ترین قربانی مگس زیتون

شدت صدمات ناشی از آفت مگس زیتون البته در منطقه

در مناطق یاد شده در کشور و جهان دارد و اهمیت حفظ و نگهداری از آنها با توجه به تک محصولی بودن مناطق یاد شده و تاثیر مستقیم بر معیشت مردم ساکن در آن، بر کسی پوشیده نیست.

همتی با اشاره به ریشه های شکل گیری کلونی های آفت در باغات زیتون منطقه اظهار می دارد: از سال ۸۳ آفت مگس میوه زیتون با داشتن ظرفیت بسیار بالای خسارت زایی بر این محصول در سه استان یاد شده مشاهده و تاکنون خسارات های هنگفتی نیز به بار آورده اما به یاری خداوند و نیز تدوین برنامه ریزی های دقیق و مدیریت و نظارت بر حسن انجام آن در سال زراعی ۹۳-۹۴ هیچ گونه خسارتی به این محصول وارد نیامده است و نیاز است که همه ما در این سه استان این دستاورد را استمرار بخشیم.

استاندار قزوین به دعوت از استانداران زنجان و گیلان برای حضور در نشست هماهنگی و برنامه ریزی کنترل آفت مگس میوه زیتون اشاره می کند و می گوید: به منظور تداوم حفظ این محصول و امنیت غذایی، شایسته است با برگزاری نشست های هم اندیشی و همیاری میان این سه استان نسبت به بهبود روش های کنترل آفات مذکور و رفع برخی کاستی های مربوط به آن گام برداشته شود.

● کنترل آفت بدون کمک استان های همسایه غیرممکن است

بی تردید در جریان آفات گسترده سه سال پیش و سالیان پیش از آن در طارم سفلی، باغات زیتون بسیاری در استان های گیلان و زنجان نیز متحمل ضایعات باغی شدند. ضایعاتی که البته با توجه به اقتصاد کشاورزی محور در دو استان زنجان و گیلان برای زندگی و معیشت هموطنان در این دو استان نیز بسیار مهیب و خطرناک بود.

اما با تدابیری که در منطقه طارم سفلی اندیشیده شد و نیز تلاش باغداران بومی این ناحیه سرانجام آفت مگس زیتون در باغات شمال غربی قزوین کنترل شد و اکنون می توان ضمن استفاده از تجربیات جهاد کشاورزی قزوین در کنترل محدوده آفت به صورت مشارکتی برای کنترل و نابودسازی این آفت مخرب کوشید.

کوشش و چشم اندازی که یقیناً بدون مشارکت سه استان مجاور «قزوین، گیلان و زنجان» امکان پذیر نیست و در کنار آن بهره و ثمره این کوشش مشترک نصیب کشاورزان و اقتصاد کشاورزی محور هر سه استان کشور خواهد شد.



تأمین تجهیزات و امکانات مورد نیاز، کلینیک های گیاه پزشکی و ایستگاه های پیش آگاهی در رسیدن به موفقیت تاثیرگذار است و در مبارزه با آفت مگس زیتون لازم است از تشکل های مردمی استفاده کنیم.

رئیس جهاد کشاورزی استان با اشاره به ضرورت پایدار بودن کنترل و نابودسازی آفت مگس زیتون می گوید: نه یک سال که باید مراقب باشیم برای سال جاری، سال بعد و سالیان آتی نیز برداشت محصول زیتون دیگر شاهد بروز آفت نباشیم و کنترل آفت را وارد شرایط پایدار کنیم که برای تحقق این امر گذشته از باغداران طارم سفلی به سایر باغداران زیتون در دیگر استان ها به ویژه دو استان همجوار گیلان و زنجان نیز نیاز داریم.

● استان های قزوین، گیلان و زنجان در کنترل آفت با هم مشارکت داشته باشند

استاندار قزوین در تحلیل خود از راه های جلوگیری از تکرار خسارات گذشته به محصول زیتون به مورد کشاورزی علمی اشاره می کند و اظهار می دارد: تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی سالم و مقرون به صرفه با اعمال روش های گوناگون در کشاورزی حاصل می شود و یکی از این روش ها کنترل و مبارزه با آفات و عوامل خسارت زای گیاهی است.

وی ادامه می دهد: باغ های زیتون با سابقه طولانی در سه استان قزوین، گیلان و زنجان بیانگر ارزش این محصول

همین تولید نیز چرخ معیشت مردم از زیتون و فرآورده های آن می چرخد.

تولیدی که در نهایت با ورود به چرخه صنعتی صادرات، درمان، بهداشت، صنایع غذایی و کنسروی بخش اعظمی از اقتصاد طارمی ها و نیز مهم ترین رکن اقتصاد کشاورزی استان قزوین را تأمین می کرد.

در نهایت طی سال گذشته با تلاش های مردم این ناحیه و البته امدادهای فرا استانی آفت زیتون تا حدود زیادی به کنترل شد و سال ۹۴ سالی بود که میزان نابودی محصول زیتون بر اثر آفت مگس زیتون به میزان چشمگیری نسبت به سنوات گذشته کاهش یافت.

● پراکندگی باغات زیتون استان

نیاز علی ابراهیمی پاک با اشاره به اهمیت استراتژیک محصول زیتون برای منطقه و استان قزوین می گوید: در منطقه طارم سفلی با یک هزار و ۷۵۲ کیلومتر وسعت، حدود ۱۰ هزار هکتار باغ زیتون با شش هزار بهره بردار وجود دارد که مجموعاً ۵۳ روستا، باغ زیتون دارد. از این منظر و از نظر سطح زیرکشت طارم سفلی به تنهایی رتبه دوم کشوری را به خود اختصاص داده است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین ادامه می دهد: حدود پنج هزار و ۶۵۰ هکتار از باغات زیتون استان بارور و سه هزار و ۲۰۰ هکتار غیربارور است که سه هزار و ۸۵۰ هکتار به روش سنتی و ۷۵ هکتار باغ متراکم در استان وجود دارد که ویژگی همه این باغ های این است که محصول در یک نقطه نیستند.

ابراهیمی پاک به ضرورت ادامه طرح مبارزه با آفت مگس زیتون اشاره می کند و اظهار می دارد: توجه به آموزش مداوم و تخصصی باغداران می تواند در مسیر مبارزه موثر باشد که در این راستا با برگزاری ۳۰۰ نفر روز دوره آموزشی با محور مبارزه با آفت مگس زیتون در استان اقدام شده است.

● کنترل آفت باید وارد شرایط پایدار شود

وی در خصوص عواملی که سبب بروز خسارات گسترده ناشی از آفت مگس در باغات طارم شد می گوید: سنتی بودن روش باغداری، نبود مدیریت صحیح در تغذیه و هرس، ساکن نبودن بیشتر بهره برداران در محل، همکاری نکردن بهره برداران، طولانی بودن مبارزه با آفت و متناسب نبودن منابع مالی از مشکلات این بخش است.

ابراهیمی پاک معتقد است تقویت شرکت های تولید کننده،



خرید میوه هم به لیست نمی شود/ افزایش قیمت میوه در بازار

بازار میوه و سبزی با هر تکانه‌ای متأثر می‌شود.

معاون نظارت و بازرسی سازمان صنعت و معدن استان اردبیل گفت: قیمت بازار میوه متعارف است و قیمت مصوب ندارد. رضا احدی تصریح کرد: با این وجود شکایتی از قیمت‌ها به دست ما نرسیده و اگر شکایتی طرح شود ما رسیدگی می‌کنیم.

به دلیل یکدست نبودن قیمت‌ها رقابت منفی در بین مغازه‌ها به وجود آمده است و از سبزی فروشی در پشت نیسان خود موجب تنوع قابل توجه قیمت میوه و سبزی شده است. بطوریکه به عنوان مثال بررسی خبرگزاری مهر نشان می‌دهد قیمت خیار از ۱۰ هزار ریال تا ۴۰ هزار ریال در بازار متغیر است.

● میوه تولید اردبیل در بازار دیده نمی‌شود

از سبزی هر چند اعلام شده که تورم با کاهش همراه است و تأثیر آن در زندگی مردم مشاهده می‌شود، اما شهروندان اردبیلی معتقد به این دیدگاه نیستند و همچنان از گرانی کالاهای اساسی گله‌مندند.

یکی از شهروندان در این خصوص تصریح کرد: زمانی باید گفت تورم کاهش یافته که قیمت کالاها به نسبت سال گذشته کاهش یابد اما عملاً وقتی مشتری یک کیلو برنج یا یک کیلو سیب را گران‌تر می‌خرد نمی‌توان گفت کاهش تورم بر بازار حاکم است.

در عین حال بازار میوه و سبزی اردبیل امسال به دلایل مختلف نتوانسته در قیمت‌های رضایت‌بخش نیاز شهروندان را تأمین کند.

بطوریکه کاهش تولیدات باغی و سردرختی استان موجب شده است اغلب میوه‌های بازار اردبیل از استان‌های دیگر در کنار هم صف بکشند و به دلیل هزینه حمل‌ونقل و انتقال با قیمت بیش از توان جیب مردم به فروش برسند.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گفت: امسال چهار میلیون و ۲۰۰ هزار تن محصولات کشاورزی تولید کردیم که با رشد قابل توجه به نسبت سال گذشته مواجه است.

عدیل سروی افزود: به دلیل سرمازدگی محصولات باغی در جنوب استان و در شهرستان مشگین شهر که خسارت ۳۰ تا ۸۰ درصدی برآورد شده با کاهش تولید مواجه هستیم.

وی متذکر شد: توسعه باغات استان نیز در دو هزار هکتار انجام شده که در سال‌های بعد نتیجه آن مشاهده خواهد شد.



میوه‌های سرخ و سفید بنشینند و در برخی مواقع متناسب با درآمد مردم یک منطقه نباشد.

متأسفانه قدرت خرید مردم پایین است و به همین دلیل حتی خرید نسیه میوه درخواست می‌شود یکی از فروشندگان میوه البته مخالف این دیدگاه است و معتقد است فروشنده به کسش بازار توجه می‌کند.

نادر حقی گفت: متأسفانه قدرت خرید مردم پایین است و به همین دلیل حتی خرید نسیه میوه درخواست می‌شود. وی اضافه کرد: با این وجود فروشنده به میزان کسش قیمت‌ها توجه دارد و اگر قیمتی کسش نداشته باشد، کاهش داده می‌شود.

به گفته حقی در برخی استان‌ها میوه به قیمت بالاتر به فروش می‌رسد و در خود اردبیل گاهی با سود اندک میوه را می‌فروشیم.

این اظهارات البته خود گواه این موضوع است که برخی فروشندگان در بازار به دلیل نبود قیمت مصوب دست به آزمون و خطا می‌زنند و قیمت خود را در سطحی که نهایتاً بتوانند میوه را بفروشند، نگه می‌دارند.

هر چند اغلب محصولات کشاورزی در بازار اردبیل جا خوش کرده است، اما



با وجود اینکه استان اردبیل یکی از قطب‌های کشاورزی کشور محسوب می‌شود، فعالیت واسطه‌گران در بازار میوه و تره بار موجب گله‌مندی شهروندان از قیمت‌ها شده است.



ونوس بهرود

بازار داغ دروازه مشگین و تازه میدان اردبیل لبریز از رنگ است. قرمز و زرد، سبز و نارنجی، سرخ و بنفش. میوه‌هایی که کپه کپه روی سینی‌های گرد چیده شده‌اند به هر رهگذری لبخند می‌زند. اما پاسخ این لبخند از سوی برخی فقط آه و حسرت است.

متوسط قیمت یک کیلو میوه در بازار اردبیل ۳۰ هزار ریال است. این قیمت به نسبت برخی استان‌ها رقم پایینی محسوب می‌شود اما پایین بودن درآمد عمومی در بین مردم اردبیل موجب شده نه تنها غذاهای اعیانی بلکه میوه و سبزی نیز به لیست نمی‌شودها اضافه شود.

در این میان بررسی خبرگزاری مهر نشان می‌دهد، نه تنها شهروندان بلکه فروشندگان نیز چندان راضی از قیمت‌ها نیستند و بازار خوش‌عطر و منظر میوه در اردبیل بازگوی مشکلات اقتصادی است که با کوچک‌ترین تکانه‌هایی به زخم غیرقابل درمان تبدیل می‌شود.

از سبزی فعالیت دلان و واسطه‌گران به التهاب بازار میوه دامن زده است بطوریکه میوه با قیمت نازل و به طور میانگین ۱۵ هزار ریال از کشاورز و باغدار خریداری شده و با افزایش تا سه برابری به مشتری عرضه می‌شود.

● تلاش برای راضی کردن خرید نسیه

پیرمردی با لباس کهنه و فرسوده از یکی از فروشندگان میوه نسیه می‌خواهد. برای پایتخت‌نشینی که میوه کیلویی ۳۰۰ هزار ریال را تا در خانه با پیک می‌آورند، این رفتار بیگانه است. اما اینجا در اردبیل به کرات درخواست میوه نسیه مطرح می‌شود.

فروشنده قبول نمی‌کند و پیرمرد با چهره درهم‌رفته‌ای سکوی میوه‌فروشی را ترک می‌کند.

یکی از شهروندان اردبیلی گفت: قیمت میوه حتی الان که فصل برداشت است به واقع بالا است.

زهرا رحمتی تصریح کرد: ما سیب

وی افزود: می‌توان نظارت‌ها را بیشتر کرد و یا مراکز عرضه مستقیم میوه راه‌اندازی کرد اما لازم است همه دستگاه‌ها همت کنند.

هر چند در ظاهر شکایتی از قیمت میوه مطرح نمی‌شود که البته دلیل اصلی آن به مصوب نبودن قیمت‌ها برمی‌گردد اما بازار داغ میوه اردبیل نیازمند ساماندهی در قیمت‌ها و حداقل نظارت و بازرسی و کاهش دست واسطه‌ها است. در وضعیت فعلی که اردبیل مهر قطب تولیدات کشاورزی را در پیشانی دارد، انتظار می‌رود حداقل تولیدات کشاورزی با قیمت مناسب و یکدست عرضه شود؛ چرا که بیشترین لطمات این نابسامانی را شهروندانی تجربه می‌کنند که درآمد حداقلی دارند و برای خرید یک کیلو میوه مجبور به درخواست تسویه می‌شوند.

به گفته نجف زاده برخورد با واسطه‌گری به دلیل اینکه در این موضوع نقش تعزیرات حذف شده است تنها از طریق اتقاق اصناف، اتحادیه میوه و تره‌بار و شهرداری به عنوان سد معبر می‌تواند انجام شود.

وی متذکر شد: زمانی که ما از این افراد سؤال می‌کنیم چه اقدامی انجام می‌دهند، گفته می‌شود میوه خریداری و با سود شرعی با قیمت بالاتر می‌فروشند و این روند موجب می‌شود تعزیرات عملاً نتواند اقدامی داشته باشد.

نجف زاده با بیان اینکه مشکل مشابه در استان تهران نیز وجود داشت و تعزیرات برخورد با واسطه‌گری را رهبری کرد، ادامه داد: در صورتی که بتوان نسبت به مقابله با واسطه‌گری اقدام کرد، بازار میوه و تره‌بار ثبات قیمت بیشتری خواهد داشت.

واصل نشده است، تأکید کرد: در حال حاضر بازار تره‌بار نگرانی به وجود آورده که لازم است تمامی دستگاه‌ها همت کرده و آن را رفع کنند.

وی افزود: متأسفانه تعداد قابل توجهی افراد واسطه‌گر از ساعت دو شب در بازار تره‌بار میوه را دست به دست می‌کنند و تا زمانی که تا هفت صبح مغازه‌دارها کار خود را شروع کنند، میوه با رشد قیمت ۴۰ درصدی به دست آن‌ها می‌رسد.

تعداد قابل توجهی افراد واسطه‌گر از ساعت دو شب در بازار تره‌بار میوه را دست به دست می‌کنند مدیرکل تعزیرات حکومتی استان متذکر شد: این افراد مشخص نیست چه کسانی هستند اما خود به گرانی میوه دامن می‌زنند؛ در عین حال در خرده‌فروشی تخلفات به آن صورت مشاهده نمی‌شود.

از سوی صادرات برخی محصولات کشاورزی تولیدی استان نیز موجب می‌شود در مقاطعی قیمت برخی انواع میوه و سبزی با افزایش مواجه شود.

● بازار داغ واسطه‌گری میوه در شب

اما آنچه به افزایش قیمت‌ها دامن زده نه سرمازدگی و نه صادرات بلکه دست واسطه‌ها است. مدیرکل تعزیرات حکومتی استان اردبیل با بیان اینکه قیمت بازار میوه عرفی است و مصوب ندارد، تصریح کرد: تولید بر عهده جهاد کشاورزی و نظارت بر توزیع بر عهده صنعت و معدن است و اگر تخلفی به ما ارجاع دهند، رسیدگی می‌کنیم. حسین نجف زاده با بیان اینکه طی ماه‌های اخیر از بازار تره‌بار پرورنده‌ای

خون به دل بزرگ‌ترین انارستان ایران؛ یاقوت‌هایی که در آتش سرخ می‌شوند



بیاویزد اما هجوم کرم گلوگاه تنه سرخ انارش را چون کف دستانش به پینه نشانده است.

● پیچیدن بوی ناامیدی در انارستان

یک سال از مرارت باغدار پیر گذشته است و او به جای چین انارهای سرخ در جعبه‌ها ناچار است نعش پژمرده‌شان را در تابوت جعبه‌ها بگذارد تا به تپه بلند آتش بسپارد، آتشی که انارهای گندیده را می‌سوزاند تا سرایت گندیدگی به دیگر قسمت‌های باغ را پیشگیری کند.

حالا چشم‌های باغدار تنها و تنها به دست تدبیر مستولانی دوخته شده که بیاید و از نزدیک گوش و چشم را به صدای نجیف باغدار و نعش ورم کرده اناری نزدیک کند که روی دست اندوهش تلنبار شده است.

این روزها بوی یاقوت سرخ لرستان با بوی ناامیدی

کرم گلوگاه بلند شده است، کرمی که به جان باغ‌های انار افتاده و گلوی زندگی انارها را سفت چسبیده تا خون زندگی‌شان را بمکد.

انارهایی که روزگاری حرف اول کیفیت بازار انار ایران را می‌زدند و آن چنان زیبا و آبدار بودند که بانام استان‌های دیگر به خارج از کشور صادر می‌شد، حالا کرم گلوگاه، چنان گلوی رشدش را گرفته که در چشم به هم زدنی آن را به اناری گندیده تبدیل می‌کند، اناری که به جای چیده شدن در جعبه‌های تولید باید سر از رقص شعله‌های سوزان آتش دربیآورد.

دردآور است وقتی باغدار شب را به روز گره می‌زند و بوسه آب را با هدایت بیلش پای تک‌تک درختانش برساند، تا پس از یک سال زحمت، حاصل شب نخوابی‌ها و خستگی‌هایش را بالای شاخه‌ها ببیند و نفس عمیق رضایتی بر لبخندش

تولید مرغوب‌ترین انار ارگانیک در بزرگ‌ترین انارستان متمرکز ایران حکایت یاقوت‌هایی است که این روزها به دنبال حمله آفت کرم گلوگاه به دل آتش‌سپرده شده تا در میان شعله‌ها «سرخ» شوند.



برای رسیدن به بزرگ‌ترین انارستان متمرکز ایران باید خود را به دست جاده‌ها سپرد تا ۵۰ کیلومتری شهر کوه‌دشت در استان لرستان؛ جایی که امواج سبز و سرخ باغات انار تو را به خود فرامی‌خواند.

سوار بر پیچ باریک گردنه «سرخ آسن» جاده را پایین می‌رویم و بعد از گذشتن از جاده‌ای باریک، «گراب» را هم پشت سر می‌گذاریم تا پس از چند کیلومتر به تنگه‌ای برسیم که باید آن را دروازه انارستان لرستان نامید، جایی برای لمس زیبایی‌های یاقوت سرخ ایران!

انارستان «زیر تنگ سیاو» در ۵۰ کیلومتری شهرستان کوه‌دشت با وسعت هزار و ۲۰۰ هکتار یکی از بزرگ‌ترین انارستان‌های ایران و به نوعی بزرگ‌ترین انارستان متمرکز کشور است که در تنگه‌ای سبز قرار گرفته است.

● «هوار» انارستان لای دندان‌های تیز کرم گلوگاه»

اینجا بزرگ‌ترین انارستان متمرکز ایران چشم‌ها را به خود خیره کرده است؛ درختان اناری که به مانند یک دریای سرخ و سبز، بی‌کرانه‌اند و نگاه نمی‌تواند خود را به انتهایشان برساند؛ فقط می‌یستی و خیالت را به دل امواج انارستان می‌سپاری؛ تا دلت از خنکای این همه زیبایی اوج بگیرد.

اما وقتی به دل انارستان می‌زنی دیگر خبری از این همه زیبایی نیست، آه و ناله باغداران است و انارهایی که آماج حمله آفت‌ها قرار گرفته‌اند تا دسترنج یک‌ساله صاحبان انارستان بر باد برود.

آفت «کرم گلوگاه» در بزرگترین انارستان متمرکز لرستان و ایران موضوع تازه‌ای نیست، مهرماه سال ۱۳۹۴ خبرگزاری مهر به این موضوع پرداخت، اما با وجود وعده‌هایی که سال گذشته در جشنواره انار «زیر تنگ سیاو» از تریبون مسئولان در فضای انارستان پیچید، بازهم «هوار» خاموش انارستان زیر تنگ است که لای دندان‌های تیز

پرورش دهندگان این محصول ناب پیوند خورده است، حمله کرم «گلوگاه»، نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی برای فرآوری انار، ضعف بسته بندی، چوب حراج دلان بر پیکر انار خوش رنگ لرستان، نداشتن برند و ارزان فروشی این محصول تنها بخشی از مشکلاتی است که انار لرستان را رنج می دهد.

● یاقوت لرستان کیلویی ۲۵۰ تومان!

این «مهرداد غضنفری» معاون استاندار لرستان و رئیس وقت سازمان جهاد کشاورزی بود که در آبان ماه سال گذشته گفت: به دلیل کمبود صنایع تبدیلی و فرآوری در لرستان در سیلاب کوهدشت حدود ۱۲ هزار تن از انار تولیدی این شهرستان با کیلویی ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان برای تهیه رب انار به دیگر استان ها فروخته شد در حالی که اگر چنین صنایع تبدیلی در استان وجود داشت بهتر می توانستیم مشکل کشاورزان را حل کنیم.

وی بیان کرد: یکی از خواسته های ما ایجاد تعاونی هایی است که بتواند دست واسطه ها را از بازار انار این منطقه کوتاه کند چرا که با توجه به ضعف مالی مردم، اگر واسطه ها از میان برداشته شود باغداران سود بیشتری خواهند کرد.

● امکان توسعه باغات انار لرستان به ۴۰ هزار هکتار

«پهروز بهاروند» مدیر باغبانی جهاد کشاورزی لرستان در این رابطه می گوید: سطح باغات انار لرستان بیش از چهار هزار و ۱۰۰ هکتار است که از این سطح بیش از ۳۴ هزار تن انار برداشت می شود. وی افزود: در حال حاضر در شهرستان کوهدشت دو هزار و ۸۶۲ هکتار باغات انار و به صورت مجتمع وجود دارد. متوسط برداشت انار در لرستان حدود ۱۷ تن است که حدود چهار تن بیشتر از متوسط کشوری استمدیر باغبانی سازمان



جهاد کشاورزی استان لرستان گفت: متوسط برداشت انار در لرستان حدود ۱۷ تن است که حدود چهار تن بیشتر از متوسط کشوری است.

وی با اعلام اینکه انار تولیدی لرستان به کشورهای ژاپن، روسیه، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می شود. یادآور شد: لرستان یکی از استان هایی است که در حال توسعه باغات انار با توجه به شرایط بسیار مناسب آب و هوا و خاک مرغوب است.

بهاروند افزود: با توجه به اشتغال زایی در این کشت زمینه توسعه باغات انار تا ۴۰ هزار هکتار می تواند فراهم شود. به گفته مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان حدود ۷۳ درصد انار لرستان در شهرستان کوهدشت تولید می شود.

● کرم «گلوگاه» به جان انارستان ها افتاد

«بهمن فریدونی» رئیس جهاد کشاورزی کوهدشت بایبان اینکه تنگ سیاب کوهدشت به عنوان یکی از بزرگترین انارستان های متمرکز کشور دچار آفت کرم گلوگاه شده است، اظهار داشت: آفت کرم گلوگاه آفتی است که در تمام انارستان ها وجود دارد.

وی بیان داشت: باکار مدیریتی صحیح باغ، ما می توانیم از طغیان این آفت جلوگیری کنیم.

رئیس جهاد کشاورزی کوهدشت بایبان اینکه باکار مدیریتی صحیح باغ می توان خسارت های وارده به باغ را به حداقل رساند، گفت: کار مدیریتی شامل جمع آوری انارهای آلوده، خروج انارهای آلوده، چال کردن و آتش زدن انارهای آلوده

همچنین مهرماه سال گذشته بود که مسئولان در کنار دریای سبزو سرخ انارستان «زیر تنگ» جشنواره انار برگزار کردند و کاسه های انارهای دانه شده سرخ چون یاقوت های درشت، بین حضار دست به دست شد تا طعم انار بزرگترین انارستان ایران زیر دندان مسئولان خودی نشان دهد.

همان زمان بود که خبرنگار مهر به میان باغداران رفت تا درد دل آن ها را بشنود و بگویند کرم گلوگاه دمار از روزگار انارها درآورده و این چراغ های سرخ را یکی یکی بر شاخه ها به خاموشی واداشته است.

● دسترنج باغداران در جیب واسطه ها

فرماندار وقت شهرستان کوهدشت در جشنواره انار سال ۱۳۹۴ گفت: متأسفانه نتوانستیم در بحث اجرای سیستم آبیاری باغ ها خوب عمل کنیم و یکی از مشکلات انارستان «زیر تنگ سیاو»، تقسیم آب میان مردم است که در این راستا باید نصب کنتورهای هوشمند آب این منطقه جز اولویت ها باشد.

کرم محمدی ادامه داد: در بلندمدت باید یک سد در منطقه پایین دست انارستان ایجاد شود که می تواند در توسعه باغات آن مؤثر باشد.

محمدی در جشنواره انار «زیر تنگ سیاب» از نداشتن برند انار زیر تنگ گفت و در این زمینه به وزارت خانه جهاد کشاورزی گلایه کرد که چرا انار «زیر تنگ سیاب» بهترین انار کشور است ولی به نام استان ها و شهرستان های دیگر صادر می شود.

است. فریدونی اضافه کرد: مبارزه بیولوژیکی مانند استفاده از «زنبور تریکوگراما» یکی دیگر از کارهای مدیریتی صحیح باغ است.

● دریای «سرخ و سبزو تنگ» در میان امواج وعده ها

وی جابجایی آفت به وسیله انتقال نهال را باوری ناصحیح دانست و گفت: نهال هایی که از هر منطقه وارد شهرستان کوهدشت می شود، بحث قرنطینه آن ها حتما رعایت شده و نظارت بر مرحله تولید آن ها صورت گرفته است.

میزان خسارت ناشی از آفات و بیماری های انار از ۱۰ درصد به بالا و برحسب مناطق و نوع رقم متفاوت است این سخنان در حالی مطرح می شود که زهرا جلیلی مقدم رئیس گروه میوه های نیمه گرمسیری معاونت امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی آفات و بیماری ها را از مشکلات باغ های انار در اکثر استان ها عنوان و تصریح کرد: میزان خسارات ناشی از آفات و بیماری های انار از ۱۰ درصد به بالا و برحسب مناطق و نوع رقم متفاوت است.

وی کرم گلوگاه انار را از آفت های مهم انار دانست و گفت: پاک کردن تاج میوه انار از پرچم ها، پوشش میوه با توری، استفاده از کارت تریکوگراما، امحای انارهای آلوده، استفاده از تله های نوری و تغذیه بهینه باغ ها مهم ترین اقدام ها برای کنترل این آفت به شمار می رود.

حالا درست یک سال از جشنواره انار در مرکز بزرگترین انارستان ایران می گذرد و از یک طرف کرم گلوگاه همچنان گلوی باغ را فشرده و رها نکرده و از طرفی با انبوه وعده های مسئولانی روبه رو هستیم که جشنواره انار را پشت سر جا گذاشتند تا دریای سرخ و سبزو تنگ سیاب همچنان در امواج خروشان مشکلات خود غوطه بخورد.

درست یک سال گذشت اما باغ داران زیر تنگ با مشکل کمبود آب، همچنان به کنتورهای هوشمند وعده داده شده فکر می کنند و این که چطور می شود یک سد در پایین دست انارستان ایجاد شود در حالیکه هنوز سود انارهای سالمشان به جیب واسطه ها سرزیر می شود.



ریلی که به ایستگاه نرسید / راه آهن میانه - تبریز

همچنان روی خط وعده



ریلی کشور است و امیدواریم با اختصاص اعتبارات لازم شاهد تسریع در روند اجرایی این پروژه بزرگ باشیم. وی با تأکید بر اینکه با احداث راه آهن میانه - تبریز شاهد کاهش چشمگیر مسیر قطارهای مسافربری خواهیم بود، اظهار داشت: همچنین مسافت قطارهای باری و ترانزیتی کشورهای آسیای میانه و حاشیه خلیج فارس به اروپا و بالعکس نیز به همین میزان کاهش می‌یابد.

پور مهدی سپس در همین خصوص با تأکید بر اینکه این پروژه فرا منطقه‌ای و مهم است، ادامه داد: پیشرفت‌های خوبی در مسیر میانه به بستان آباد مشاهده می‌شود و تلاش می‌کنیم ادامه مسیر نیز به همین صورت تکمیل و به بهره‌برداری برسد.

معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی سپس گفت: کارشناسان صنعت حمل‌ونقل در خصوص این پروژه معتقد هستند که در صورت بهره‌برداری از راه آهن تبریز - میانه درصد استفاده از خط آهن در انتقال کالا، ترانزیت و انتقال مسافر در کشور که در زمان حاضر فقط دو درصد ارزیابی شده حداقل به ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت.

پیشرفت ۷۶ درصدی پروژه احداث راه آهن تبریز - میانه

نماینده شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور در آذربایجان شرقی نیز گفت: این پروژه از سال ۷۹ شروع شده و دارای ۱۲ قطعه است که در حال حاضر زیرسازی قطعات ۱۴ و ۵ تحویل داده شده و زیرسازی قطعه ۳ و ۲ در شرف تحویل است.

حمید علی محمد زاده سپس ادامه داد: هدف‌گذاری شده که در دولت تدبیر و امید یک خط از میانه تا بستان آباد ریل‌گذاری شود.

وی با اشاره به اینکه پیشرفت فیزیکی کل این طرح ۷۶ درصد است که البته از میانه تا بستان آباد در حدود ۹۰ درصد است، افزود: تاکنون بالغ بر ۸۵۶ میلیارد تومان تا پایان سال ۹۴ برای این پروژه تخصیص اعتبار شده است و برای اینکه طرح به صورت کامل به اتمام برسد بایستی در حدود یک هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان دیگر تخصیص اعتبار شود.

محمد زاده عمده مشکل این طرح را ناکافی بودن اعتبارات تخصیصی عنوان کرد و ابراز داشت: برای اتمام کامل طرح حدود یک هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان بایستی تخصیص یابد، در حالی که اعتبار مصوب سال ۹۵ حدود ۲۶۲ میلیارد تومان است. در صورتی که اگر این اعتبار به موقع تخصیص یابد کمک شایانی به هدف‌گذاری سال جاری این پروژه خواهد کرد.

نماینده شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور در آذربایجان شرقی در خصوص اهمیت این طرح نیز گفت: این طرح اولویت دارترین طرح راه آهن کشور است، هم از این نظر که مسافت سفر بین تهران و اروپا را حدود ۱۴۰ کیلومتر کاهش می‌دهد و در شرایط فعلی ناوگان مسافری و باری عبوری در این مسیر حدود ۳.۵ تا ۴ ساعت زمان سفر را کاهش خواهد داد و هم از این نظر که امکان استفاده از ناوگان پرسرعت نظیر قطار مغناطیسی یا قطار برقی را که حداقل سرعت ۱۶۰ کیلومتر در ساعت و حداکثر ۲۵۰ کیلومتر در ساعت است را فراهم می‌سازد.

راه آهن تبریز - میانه به عنوان شریان ارتباطی کشور با اروپا مطرح است که سال‌هاست حسرت بهره‌برداری از آن بر دل مردم آذربایجان شرقی مانده است و امیدواریم وعده‌های مسئولان برای اتمام این پروژه بالاخره بعد از ۱۵ سال محقق شود.

هفت‌دستگاه تونل، ۲۱ دستگاه پل بزرگ، با سرعت طراحی ۱۶۰ کیلومتر در ساعت برای قطارهای مسافری و ۱۰۰ کیلومتر برای قطارهای باری است.

پروژه راه آهن تبریز - میانه باید هر چه سریع‌تر به بهره‌برداری برسد

نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی بایان اینکه پروژه راه آهن تبریز - میانه باید هر چه سریع‌تر به بهره‌برداری برسد، گفت: مردم منتظر این طرح بزرگ و ملی هستند تا افتتاح شود، بدون شک افتتاح این پروژه باعث توسعه و تحول اقتصادی در استان و شمال غرب کشور خواهد شد.

مسعود پزشکیان بایان اینکه تأخیر بیش از این در این پروژه جایز نیست، ادامه داد: باید بستری فراهم شود که این پروژه حمل‌ونقل ریلی کشور به بهره‌برداری برسد، همچنین دولت نیز باید نگاه ویژه‌ای به این مسیر ریلی داشته باشد.

این نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس با اشاره به اهمیت این پروژه گفت: راه آهن میانه - تبریز ریل ترانزیتی کشور به شمار می‌رود و راه آهن ایران را به آذربایجان و ترکیه وصل می‌کند و دارای اهمیت فراوانی است.

وی سپس اظهار داشت: بهره‌برداری از راه آهن میانه - تبریز و اتصال آن به راه آهن نقاط دیگر دنیا از جمله به نخجوان، ایروان، تفلیس و دیگر مرزهای آبی و خاکی می‌تواند باعث تعاملات اقتصادی بیشتر شود و رونق استان و کشور را به همراه داشته باشد.

ناکافی بودن اعتبارات تخصیصی مشکل اصلی این پروژه است

معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی بایان اینکه ناکافی بودن اعتبارات تخصیصی مشکل اصلی پروژه راه آهن تبریز - میانه است، گفت: با وجود کمبود اعتبارات ولی تاکنون زیرسازی ۱۲۰ کیلومتر از راه آهن میانه - تبریز انجام شده است.

محمدصادق پور مهدی با تأکید بر اینکه روسازی و ریل‌گذاری این مسیر ۱۳۰ کیلومتری آغاز شده است، افزود: این پروژه یکی از طرح‌های ملی و مهم حمل‌ونقل

۱۵ سال می‌شود که پروژه احداث راه آهن میانه - تبریز کلید خورده ولی تاکنون به سرانجام نرسیده و فازهای اجرایی این طرح به کندی پیش می‌رود؛ در این بین اما مردم همچنان چشم‌انتظار هستند.



محمد رضا علی اشرفی

احداث راه آهن از تبریز به میانه یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین پروژه‌های حمل‌ونقلی کشور است که از سال ۱۳۷۹ عملیات احداث آن آغاز شده و طی ۱۵ سال گذشته سه رئیس‌جمهور و وعده‌های متفاوتی برای بهره‌برداری از آن داده‌اند، ولی هیچ وعده‌ای به سرانجام نرسیده و همچنان این پروژه نیمه‌تمام است.

راه آهن دوخطه میانه - بستان آباد - تبریز از ایستگاه موجود میانه واقع در مسیر راه آهن موجود تهران - تبریز شروع شده و با گذر از مسیری کوهستانی که از شهرهای ترکمانچای، بستان آباد و باسمنج عبور می‌کند، به ایستگاه موجود تبریز متصل می‌شود.

سرعت قطارها در این خط به لحاظ مشخصات هندسی فوق‌العاده کم است و در نتیجه با احداث خط آهن میانه - بستان آباد - تبریز که ۱۰۰ کیلومتر کوتاه‌تر از مسیر موجود است زمان سفر نسبت به خط ریلی موجود برای قطارهای مسافری از میانه تا تبریز از هفت ساعت و نیم به کمتر از سه ساعت و برای قطارهای باری در حدود پنج ساعت کاهش خواهد یافت.

این خط آهن به طول ۲۰۰ کیلومتر در ۱۲ قطعه طراحی شده است که هفت قطعه ابتدایی آن از میانه تا بستان آباد به طول ۱۳۲ کیلومتر قرار دارد و پنج قطعه پایانی در محدوده بستان آباد - تبریز واقع شده است.

بهره‌برداری از راه آهن تبریز - میانه به عنوان حلقه مفقوده اتصال راه آهن سراسر به راه آهن شمال غرب باعث پیوستگی بیشتر شبکه ریلی کشور می‌شود و بدون شک رشد صنعت حمل‌ونقل ریلی در شرایطی که افزایش قیمت حامل‌های انرژی باعث رشد تورم شده است، می‌تواند باعث حل برخی مشکلات حمل‌ونقل در این منطقه شود.

لازم به ذکر است این مسیر ریلی ۲۰۰ کیلومتری دارای

سایه سنگین بیکاری بر سر اصفهانی‌ها / مردانی که خانه نشین می‌شوند



استان اصفهان با وجود اینکه عنوان

«قطب صنعتی» ایران را یدک می‌کشد اما این روزها زیر سایه سنگین

بیکاری و رکود حاکم بر صنایع، مهر «بیکارترین استان» را روی پیشانی خود دارد.

عاطفه قلع ریز

اصفهان استانی با بالاترین میانگین بیکاری در کشور، اصفهان استانی با بیشترین میزان صنایع و کارخانه‌ها، اصفهان استانی با بیشترین تعداد کارگران و اصفهان استانی است که با پدیده جدید خانه‌نشینی مردها مواجه شده است.

نرخ ۱۳.۸ درصد بیکاری در اصفهان که ۲.۸ درصد بیش از نرخ بیکاری در سطح کشور است، این استان را گرفتار خانه‌نشینی مردها کرده است به گونه‌ای که در هر خانواده اصفهانی یک بیکار وجود دارد.

بیکاری سال به سال در اصفهان روند فزاینده‌ای به خود می‌گیرد چنانچه این معضل اجتماعی - اقتصادی، دیگر مسئله‌ای نیست که بتوان آن را مخفی نگه داشت، این واقعیت را آمار فاجعه‌بار تعطیلی کارخانه‌ها یا نیمه تعطیل شدن آن‌ها و بیکاری چندین ساله مردانی که بیش از سه سال است خانه‌نشین شده‌اند، بهتر نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه بخش زیادی از اشتغال اصفهان در سال‌های اخیر از روی دوش بخش کشاورزی برداشته و به بخش صنعت منتقل شده است بنابراین وضعیت کنونی صنعت در اصفهان را می‌توان یکی از حلقه‌های متصل به معضل بیکاری در استان اصفهان دانست.

کامران پورجوهری، مشاور حقوقی اتاق بازرگانی اصفهان می‌گوید: بر اساس آمار هشت هزار و ۸۰۰ واحد صنعتی در استان اصفهان داریم که حدود ۳۰ واحد اعلام ورشکستگی کرده‌اند و این میزان حدود نیم درصد از کل واحدها را در برمی‌گیرند که البته مشکل اصلی واحدهای صنعتی این موضوع نیست و باید بدین پرداخته شود که چه واحدهایی مجبور به تعدیل نیرو شده‌اند و قادر به پرداخت بدهی‌های خود نیستند و در واقع باید وضعیت واحدهای صنعتی نیمه جان بررسی شود.

منوچهر زمانی که نزدیک به هشت سال است به دلیل از دست دادن شغل خود، خانه‌نشین شده است، به مهر می‌گوید: هنگام مراجعه به برخی واحدهای تولیدی یا شرکت‌ها، کارفرما یا حاضر به بیمه کردن من نبوده یا زیر بار قراردادی که طبق قانون اداره کار باشد، نرفته است و حتی برخی کارفرمایان خواستار چند ماه کار کردن بدون حقوق شده‌اند.

وی که یک دیپلمه است، ادامه می‌دهد: درجایی که هیچ امنیت شغلی برای کارگر وجود ندارد، خانه‌نشینی بهتر است.

صالح کریمیان یکی دیگر از افرادی است که نزدیک به یک سال است به خاطر تعدیل نیرو بیکار شده و در مورد وضعیت خود به مهر می‌گوید: سه مدرک تحصیلی دارم و حتی در دوران دانشجویی یک وسیله برقی را اختراع کردم اما چون به هر جا برای شغل سر زدم کاری متناسب با میزان تجربیات و تحصیلات خود پیدا نکردم و متوجه شدم برخی کارفرمایان به دنبال بیکاری از نیروی کار هستند، ترجیح دادم مدتی دست از کار بکشم.

اصفهان به‌عنوان یکی از استان‌های مهاجرپذیر اتباع خارجی افغانی زیادی را پذیرش کرده و این اتباع با اشتغال بسیاری از فرصت‌های شغلی به‌ویژه مشاغلی که حتی

به اشتغال اتباع خارجی غیرمجاز اقدام کرده‌اند، از جمله اقدامات این اداره است.

وی می‌گوید: اشتغال و بیکاری موضوع فرابخشی و فرادستگاهی است و مختص یک اداره و دستگاه نیست لذا دبیرخانه شورای عالی اشتغال در خصوص مسائل و مشکلات اشتغال و بیکاری اقدام به اجرای طرح‌های «حرکت» و «تکاپو» در راستای ایجاد اشتغال فراگیر کرده که امید است با اجرای طرح‌های مذکور بخشی از مسائل مرتبط با اشتغال مرتفع شود.

۴ درصد بنگاه‌های اقتصادی که دچار مشکل کمبود نقدینگی هستند با تزریق سرمایه در گردش توانسته‌اند در راستای تثبیت اشتغال و توسعه اشتغال جدید نیز گام بردارند مدیر اشتغال اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان بیان می‌دارد: توسعه و گسترش دفاتر مشاوره شغلی و کاربایی‌های غیردولتی به‌عنوان یکی از سیاست‌های تعالی بازار کار که باعث تسهیل و تسریع در ارتباط بین کارجو و کارفرما شده و خیل عظیمی از کارجویان سریع‌تر و آسان‌تر به فرصت شغلی مدنظر خود دست پیدا کرده‌اند یکی از اقدامات برای رفع بیکاری در سطح استان است.

وی اضافه می‌کند: توسعه و گسترش دفاتر مشاوره کارآفرینی و کسب‌وکار از طریق آموزش‌های مرتبط با کارآفرینی و کسب‌وکار سبب پایداری بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و تثبیت اشتغال موجود شده و تا حدی این موضوع از افزایش فزاینده نرخ بیکاری جلوگیری کرده است.

علی‌خانی اظهار می‌دارد: چهار درصد بنگاه‌های اقتصادی که دچار مشکل کمبود نقدینگی هستند با تزریق سرمایه در گردش توانسته‌اند در راستای تثبیت اشتغال و توسعه اشتغال جدید نیز گام بردارند و معرفی این گونه بنگاه‌ها به کمیته تسهیل استان باعث شده تا حد زیادی از افزایش نرخ بیکاری و بیکاران جلوگیری کند.

باوجود همه اقداماتی که علی‌خانی آن‌ها را در کاهش معضل بیکاری استان مؤثر دانسته اما آماری که محسن نیرومند از وضعیت بیمه بیکاری و نرخ بیکاری در استان اصفهان می‌دهد، حاکی از آن است که طرح‌های دولتی برای کنترل بیکاری تنها درصد کمی از مشکل استان را بهبود داده و هنوز بخش اعظمی از مشکلات پاره‌جاست که میانگین بیکاری بالاتر از نرخ کشوری در استان اصفهان مؤید این واقعیت تلخ است.

نیروی کار ایرانی توان انجام آن را دارند باعث افزایش نرخ بیکاری استان شده‌اند.

عباس عزیزیان که باید مخارج مادر خود را بدون بیمه بازنشستگی پدر فوت‌شده، تأمین کند اما به دلیل عدم پرداخت حقوقش از کارخانه‌ای که در آن کار می‌کرد، بیکار شده است، در گفت‌وگو با مهر بایان اینکه پنج سال به دلیل حاکم بودن این وضعیت در اکثر واحدهای تولید و شرکت‌های خصوصی، خانه‌نشین شده‌ام، می‌گوید: اگر برای کار به کارخانه‌ها مراجع کنیم اکثر آن‌ها چند ماه یکبار حقوق می‌دهند یا مرخصی اجباری می‌دهند و در بازار کار هم نمی‌توان روی یک شغل اتکا کرد بنابراین به خاطر بی‌پاس و ناامید در خانه مانده‌ام.

جالب اینجاست چنین وضعیتی در استانی حاکم است که مدعی دارا بودن بیشترین واحد صنعتی در کشور است و خود را یکی از قطب‌های تولیدی کشور می‌داند اما این روزها کارخانه‌های نصف جهان به‌جای اینکه شاخص رشد و توسعه استان را افزایش دهند، نمکی روی زخم بیکاری استان شده و نتوانسته باوجود تعدد و تنوع، سر پیکان بیکاری در اصفهان را خم کنند.

● اتباع بیگانه؛ عامل رشد بیکاری اصفهان

مدیر اشتغال اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان در زمینه وضعیت بیکاری می‌گوید: استان اصفهان به‌عنوان یکی از استان‌های مهاجرپذیر، اتباع خارجی افغانی زیادی را پذیرش کرده و از لحاظ اقامتی جزء استان‌های مهاجرپذیر است و این اتباع با اشتغال بسیاری از فرصت‌های شغلی به‌ویژه مشاغلی که حتی نیروی کار ایرانی توان انجام آن را دارد باعث تأثیر در افزایش نرخ بیکاری استان شده است.

سیف‌اله علی‌خانی با اشاره به اینکه این اداره کل با رویکرد محدودسازی رشته‌های شغلی ویژه اتباع و اختصاصی سازی آن‌ها برحسب نیاز شهرستان‌ها در تلاش است که موجبات بهتر شدن فضای کسب‌وکار و زمینه‌سازی پذیرش نیروی کار ایرانی توسط کارفرمایان را فراهم کند، بیان می‌دارد: شناسایی اتباع خارجی غیرمجاز، تشدید بازرسی‌های مستقل و گشت‌های مشترک شناسایی اتباع خارجی غیرمجاز و برخورد قانونی با کارفرمایان و کارآفرینانی که نسبت

● سالانه ۲۳ هزار نفر در اصفهان بیمه بیکاری دریافت می‌کنند

معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اصفهان در خصوص وضعیت بیمه بیکاری که یکی از خط‌کش‌های سنجش میزان بیکاری در هر استانی به شمار می‌رود، می‌گوید: سالانه ۲۳ هزار نفر در استان اصفهان بیمه بیکاری دریافت می‌کنند که رشد ۲۴ و نیم درصد به نسبت سال گذشته داشته است.

محسن نیرومند اظهار می‌دارد: افزایش بیکاری در اصفهان و نرخ ۱۳٫۸ درصد بیکاری در این استان که بالاتر از میانگین کشوری است، امروزه سبب رشد ۲۴ و نیم درصد بیمه بیکاری شده است.

وی که آیا ضعف قوانین و برخورد در روابط مابین کارفرما و کارگر سبب افزایش آمار بیکاری شده است، می‌گوید: در حال حاضر تنها با ۷۰ نیرو نظارت روی واحدهای صنعتی و صنفی در سطح استان اصفهان انجام می‌گیرد. معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اصفهان ادامه می‌دهد: ما نمی‌توانیم روی یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر نظارت کنیم یا برای ۱۵۰ هزار واحد صنفی در سطح استان توسط ۷۰ بازرس نظارت داشته باشیم.

وی با اعلام اینکه نظارت بر بحث بیمه کارگران و سربرازدن کارفرمایان از بیمه کارگران بر عهده بیمه تأمین اجتماعی است، ادامه می‌دهد: در حوزه قراردادهای بین

کارفرما و کارگر تنها در صورت شکایت می‌توانیم، رسیدگی کنیم.

● مدیرکل کار اصفهان: برای رفع بیکاری اصفهان، کارایی‌ها را الکترونیکی کردیم

مدیرکل اداره کار و تعاون و امور اجتماعی استان اصفهان اولین مسئولی در استان است که خبر از اجرای طرح «حرکت» در استان اصفهان برای به حرکت درآوردن موتور نیمه خاموش بیکاری در استان اصفهان می‌دهد و می‌گوید: با افزایش آمار بیکاری و برای رفع این معضل و اشتغال‌زایی، اصفهان پایلوت طرح حرکت در سطح کشور شد.

غلامعلی قادری تک‌رقمی شدن نرخ بیکاری را دستاورد این طرح می‌داند و می‌افزاید: در سطح کشور دو طرح به تصویب رسید که اصفهان را محوری طرح حرکت در سطح کشور کردند.

وی که به وجود بالاترین میزان بیکاری در استان اصفهان، نسبت به میانگین کشوری اذعان دارد، می‌گوید: باوجود اینکه بر اساس قانون، اشتغال‌زایی وظیفه این نهاد نیست و نیاز به یک هماهنگی بین دستگاهی وجود دارد اما با اجرای طرح حرکت در این استان و موفقیت در اجرای طرح به‌نوعی با اشتغال‌زایی و رفع بیکاری کمک کردیم.

● اصفهانی‌ها چشم‌به‌راه «حرکت» دولت

مدیرکل اداره کار و تعاون و امور اجتماعی استان اصفهان

در خصوص جزئیات این طرح، توسعه اشتغال فراگیر با عنوان «حرکت» به‌منظور تقسیم کار بین دستگاه‌ها برای تک‌رقمی شدن نرخ بیکاری طبق دستور رئیس‌جمهور را تفسیر دولت از این طرح عنوان و بیان می‌کند: این طرح تا پایان سال ۹۶ برای اجرا در کل کشور با تمرکز بر بنگاه‌های خرد و کوچک در استان‌ها و شهرستان‌هایی که مزیت‌هایی در سه لایه کلان، میانی و خرد دارند در جلسه شورای عالی اشتغال به تصویب رسید.

وی به وظایف اداره کار در خصوص ایجاد تناسب بین رابطه کارگر و کارفرما هم اشاره می‌کند و می‌افزاید: اداره کل کار و تعاون و امور اجتماعی بر اساس قانون وظیفه تنظیم رابطه کارگر و کارفرما و صیانت از نیروی کار را بر عهده دارد. این دو مورد از وظایف تعریف‌شده برای این اداره است که در هر مقطعی نیروی کار دچار مشکل شود یا حقوق دریافت نکند و ایمنی کار نداشته باشد باید مورد پیگیری قرار گیرد.

اگرچه مدیرکل اداره کار و تعاون و امور اجتماعی استان اصفهان این سازمان را موظف به اشتغال‌زایی در جامعه نمی‌داند و تنها تنظیم رابطه کارگر و کارفرما و صیانت از نیروی کار را از تکالیف این نهاد عنوان می‌کند اما بررسی‌های میدانی و حرف‌هایی که کارگران از نحوه مواجهه کارفرما با آن‌ها می‌زنند، نشان می‌دهد این اداره در اعمال این دو هدف نیز ضعیف وارد شده چراکه یکی از دلایل وضعیت بیکاری در استان اصفهان، به نبود قوانین قوی در حوزه رابطه بین کارگر و کارفرما باز می‌گردد.

مر تفع ترین فرودگاه کشور سقوط کرد؛ نام بین‌المللی و امکانات محلی

این فرودگاه تاکسی ویژه ندارد چون برای کسانی که بخواهند در خط تاکسیرانی فرودگاه فعالیت کنند این کار توجیه اقتصادی ندارد. در حالی که در ترمینال بسیاری از فرودگاه‌های کشور تسهیلات رفاهی بسیاری برای مسافران در نظر گرفته شده است اما در فرودگاه شهرکرد خبری از تسهیلات رفاهی نیست.

در ساختمان ترمینال فرودگاه‌های شهرهای مختلف کشور خدمات رفاهی مختلف ارائه و فروش سوغات انجام می‌شود، اما در این فرودگاه متأسفانه هیچ‌گونه خدمات صنفی ارائه نمی‌شود.

در فرودگاه شهرکرد تنها یک فروشگاه عرضه مواد غذایی وجود دارد که تنها چند قلم مواد غذایی در یخچال و قفسه‌های این فروشگاه کوچک گذاشته شده است در فرودگاه

اولین پرواز داخلی این فرودگاه در تاریخ اول تیرماه سال ۷۸ توسط شرکت ایران ایرتور به مقصد تهران و اولین پرواز بین‌المللی آن در تاریخ سوم مهرماه سال ۸۱ به کشور کویت انجام شده است.

فرودگاه شهرکرد مجهز به تجهیزات ناوبری و یک سیستم روشنایی و دارای یک بانده به طول سه هزار و پنج‌متر و عرض ۴۵ متر با دو شانه ۷٫۵ متری آسفالت است.

فرودگاه شهرکرد مرتفع‌ترین فرودگاه کشور بوده که در بام ایران قرار گرفته است اما کمتر مسافری تمایل دارد که از این فرودگاه استفاده کند. دلیل بی‌رونقی فرودگاه شهرکرد در گام اول با نگاهی به تعداد پروازهای این فرودگاه مشخص می‌شود اما مشکلات ناشی از بی‌رونقی این فرودگاه بیشتر از این حرف‌ها است.

نام «بین‌المللی» را یدک می‌کشد اما در این فرودگاه نه خبری از پروازهای خارجی است و نه خدمات رفاهی، این حال‌وروز فرودگاه بام ایران است که مورد انتقاد معدود مسافران آن قرار دارد.



محمد رضا موسوی

پرواز و فرودگاه و مسافر کلمات عجین شده به هم هستند، یعنی اصولاً هر جایی که نام فرودگاه به خودش می‌گیرد باید منتظر دیدن مسافران و گردشگرانی باشد که در اولین مواجهه خود با یک شهر فرودگاهش را ارزیابی می‌کنند، اما در شهرکرد بی‌رونقی فرودگاه برای خودش ماجرابی شده است، ماجرابی که منتقدان زیادی دارد.

«عباس آخوندی» وزیر راه و شهرسازی در مورد وضعیت فرودگاه‌های کشور در اظهارنظری گفته است «در حال حاضر ۶۷ فرودگاه در کشور وجود دارد که ۵۴ فرودگاه فعال است» که شهرکرد میزبان یکی از این فرودگاه‌ها است. فرودگاه شهرکرد به مساحت ۲۵۰ هکتار در فاصله چهار کیلومتری از ورودی شهرکرد در موقعیت ۲۲ درجه و ۱۷ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول جغرافیایی و ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه و ۳۲ ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع دو هزار و ۵۰ متری از سطح دریا واقع شده است.

طرح مطالعاتی احداث فرودگاه شهرکرد در سال ۷۲ آغاز و پس از تملک اراضی و تکمیل مطالعات طی سال ۷۳، عملیات اجرایی آن در سال ۷۴ شروع و در سال ۷۸ با تکمیل عملیات اجرایی فرودگاه بهره‌برداری شد طرح مطالعاتی احداث فرودگاه شهرکرد در سال ۷۲ آغاز و پس از تملک اراضی و تکمیل مطالعات طی سال ۷۳، عملیات اجرایی آن در سال ۷۴ شروع و در سال ۷۸ با تکمیل عملیات اجرایی فرودگاه بهره‌برداری شد.





و کاروان‌های زیارتی این استان برای مبلغی ناچیز پورسانت ترجیح می‌دادند از پروازهای اصفهان استفاده کنند که با راه‌اندازی این پرواز در فرودگاه شهر کرد انتظار می‌رود استقبال از این پرواز صورت گیرد.

اما همه مشکلات فرودگاه شهر کرد به سطح پایین خدمات رفاهی عرضه‌شده در محل این فرودگاه محدود نمی‌شود، اوضاع در سایت اطلاع‌رسانی این فرودگاه هم دست‌کمی از محل آن ندارد.

در حالی که سایت اطلاع‌رسانی فرودگاه‌های کشور از جمله فرودگاه اصفهان (زادیک‌ترین فرودگاه به شهر کرد بعد از فرودگاه این شهر) به‌روز است و پروازها به‌روز و ساعت اطلاع‌رسانی می‌شود اما سایت اطلاع‌رسانی فرودگاه شهر کرد در صفحه اول خود تنها یک متن اطلاع‌رسانی ثابت از پروازها گذاشته‌شده است.

در حالی که می‌توان از ظرفیت این پایگاه اطلاع‌رسانی برای معرفی خدمات، مزایای استفاده از پروازهای فرودگاه و همچنین تبلیغات و اطلاع‌رسانی به‌منظور جذب مسافران و تورهای گردشگری استفاده کرد که آخرین خبر بارگذاری شده در این سایت مربوط به تاریخ ۲۶ تیرماه سال جاری است که مدت‌زمان بسیاری از آن گذشته و خبری از به‌روز شدن سایت این فرودگاه نیست.

بخشی دیگر از مشکلات این فرودگاه به استفاده نکردن از ظرفیت‌های فرودگاه شهر کرد در حد قابلیت‌های بین‌المللی آن برمی‌گردد تا فرودگاه مرکز چهارمحال و بختیاری تنها نام بین‌المللی را یدک بکشد تا اینجای ماجرا بخشی از مشکلات فرودگاه شهر کرد به نداشتن تنوع پرواز و عدم ارائه خدمات رفاهی به مسافران مربوط می‌شود، اما بخشی دیگر از مشکلات این فرودگاه به استفاده نکردن از ظرفیت‌های فرودگاه شهر کرد در حد قابلیت‌های بین‌المللی آن برمی‌گردد تا فرودگاه مرکز چهارمحال و بختیاری تنها نام بین‌المللی را یدک بکشد.

موضوع دیگر بحث استقبال مردم از پروازهای فرودگاه بوده که معلول عوامل مختلف است. برخی مسئولان مدعی هستند که دلیل عدم راه‌اندازی برخی پروازها به استقبال نکردن مردم برمی‌گردد، هرچند که به نظر می‌رسد از ظرفیت‌های لازم برای معرفی پروازها و تبلیغات در این زمینه استفاده نشده است. همین‌طور از ظرفیت تورهای گردشگری و مشارکت آژانس‌های خدمات مسافری در این بخش بهره برده نشده است.

مسافرانی که سیستم حمل و نقل هوایی را برای سفر انتخاب می‌کنند، با توجه به اینکه هزینه بالاتری پرداخت می‌کنند به دنبال دریافت خدمات مطلوب‌تر و بهتر هستند که به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت فعلی فرودگاه شهر کرد، کمتر مسافری ترجیح می‌دهد پروازهای بعدی خودش را از این فرودگاه انجام دهد و عمده مسافران از فرودگاه‌های دیگر کشور به‌ویژه فرودگاه اصفهان برای سفر به چهارمحال و بختیاری استفاده کنند.

باکیفیت و متنوع در این فرودگاه موردتوجه قرار گیرد. وی ادامه داد: وضعیت فرودگاه مرکز استان چهارمحال و بختیاری به‌گونه‌ای است که سطح ارائه خدمات در پایانه مسافری زمینی شهر کرد بسیار بالاتر از فرودگاه شهر کرد است و همه‌گونه خدمات در این ترمینال به مسافران عرضه می‌شود.

● پروازهای فرودگاه شهر کرد برای تداوم نیازمند استقبال مردم است

مدیر فرودگاه شهر کرد در این زمینه اظهار داشت: در حال حاضر پروازهای تهران - شهر کرد و برعکس و پرواز مشهد - شهر کرد و برعکس در این فرودگاه دایر است.

سروش سلیمی شهرکی عنوان کرد: افزایش پروازها با تعداد مسافران رابطه مستقیم دارد و اگر از پروازها استقبال شود، تعداد پروازها نیز افزایش پیدا می‌کند.

وی با اشاره به اینکه راه‌اندازی فروشگاه‌های عرضه اجناس مختلف در فرودگاه نیازمند توجه اقتصادی است، ادامه داد: هنگامی که تعداد پروازها و مسافران افزایش یابد تعداد مقاضیان برای راه‌اندازی واحدهای عرضه خدمات هم افزایش پیدا می‌کند و تلاش می‌کنیم که واحدهای صنفی در این فرودگاه راه‌اندازی شوند.

وی بیان کرد: هم‌اکنون تداوم پروازهای شهر کرد به‌ویژه پرواز مشهد - شهر کرد نیازمند استقبال مردم است و مردم و سازمان‌ها باید برنامه‌ریزی و از پروازهای فرودگاه شهر کرد استفاده کنند تا این فرودگاه رونق بگیرد.

وی تأکید کرد: تعداد پروازها در این فرودگاه نسبت به ماه‌های گذشته ۱۵۰ درصد رشد داشته و تداوم این پروازها نیازمند استقبال مردم است.

وی با اشاره به اینکه نزدیکی فرودگاه شهر کرد به مرکز این شهر از امتیازهای این فرودگاه است، تأکید کرد: در بسیاری از شهرها، فرودگاه از مرکز شهر موردنظر فاصله زیادی دارد که همین امر موجب نارضایتی مسافران می‌شود.

مدیر فرودگاه شهر کرد ادامه داد: از متولیان تورهای زیارتی استان در راستای رونق فرودگاه شهر کرد خواستار این هستیم که پرواز تورهای مشهد را از این فرودگاه انجام دهند تا این امر موجب رونق بیشتر فرودگاه شود.

از بخش خصوصی و سیستم اداری چهارمحال و بختیاری تقاضا داریم که برای رفت‌وآمدهایشان از پروازهایی که در این استان استفاده کنند استاندارد چهارمحال و بختیاری هم در مورد مشکل کمبود مقاضیان استفاده از پروازهای فرودگاه شهر کرد گفته است: تقاضایمان از بخش خصوصی و سیستم اداری چهارمحال و بختیاری این است که سعی کنند برای رفت‌وآمدهایشان از پروازهایی که در این استان استفاده کنند تا فرودگاه رونق بگیرد.

قاسم سلیمانی‌دشتکی با یادآوری اینکه لازم است پروازهای این فرودگاه را تقویت کنیم ادامه داد: قبلاً تورها

شهر کرد تنها یک فروشگاه عرضه مواد غذایی وجود دارد که تنها چند قلم مواد غذایی در یخچال و قفسه‌های این فروشگاه کوچک گذاشته‌شده است که به نظر می‌رسد با این روند عرضه اقلام، این مغازه هم به نوعی دکوری باشد.

در این فرودگاه هیچ‌گونه واحد صنفی اغذیه‌فروشی که بتواند غذای گرم در اختیار مسافران ورودی قرار بدهد وجود ندارد و اگر مسافری بخواهد به‌عنوان مثال برای فرزند خودش یک ساندویچ بخرد باید به شهر کرد برگردد که این امر هزینه‌های بالاتری برای وی ایجاد می‌کند.

زمانی که هوایی‌بری بر فراز آسمان شهر کرد دیده شود، بسیاری از تاکسی‌های شهری شهر کرد به سمت فرودگاه حرکت می‌کنند تا وظیفه حمل‌ونقل مسافران را بر عهده گیرند. تاکسی‌ها با خروج مسافران از ترمینال یکی‌یکی می‌شوند و به سمت شهر کرد حرکت می‌کنند.

در این میان اگر مسافری به هرعلتی به‌عنوان مثال استراحت و یا استفاده از سرویس بهداشتی بخواهد مدت‌زمانی پس از نشستن هواپیما و خروج مسافران در ساختمان اصلی بماند باید مطمئن باشد که تاکسی برای انتقال او به شهر شهر کرد وجود نخواهد داشت و باید با تاکسی‌های تلفنی سطح شهر کرد تماس بگیرد تا برای وی تاکسی بفرستند.

● فروشگاه تعطیل فرودگاه شهر کرد

در این خصوص یکی از مسافران پرواز تهران - شهر کرد با گلایه از نبود خدمات رفاهی در فرودگاه شهر کرد اظهار داشت: فرودگاه شهر کرد در حال حاضر از بسیاری از خدماتی که در فرودگاه‌های دیگر کشور به مسافران ارائه می‌شود محروم است.

وی عنوان کرد: در فرودگاه شهرهای مختلف کشور به‌واسطه وجود فروشگاه‌های مختلف هرگونه کالایی از شارژر گوشی تلفن همراه گرفته تا انواع سوغات و صنایع‌دستی می‌توان تهیه کرد اما در شهر کرد، یک ساختمان با چند صندلی و روشنایی نامناسب، نام فرودگاه را یدک می‌کشد.

ارائه خدمات در پایانه مسافری زمینی شهر کرد بسیاری بالاتر از فرودگاه شهر کرد است و همه‌گونه خدمت در این ترمینال به مسافران عرضه می‌شود و با اشاره به اینکه هیچ‌گونه تحرک و فعالیت در این فرودگاه دیده نمی‌شود، ادامه داد: مسافران و گردشگرانی که قصد گردش در این استان را دارند و از راه هوایی وارد فرودگاه شهر کرد می‌شوند در بلو ورود در اولین صحنه شاهد بی‌تحرکی و خلوت بودن فرودگاه این شهر هستند و احساس رکود و بی‌رونقی به آن‌ها منتقل می‌شود.

این مسافر در ادامه با اشاره به اینکه اگر وضعیت ارائه خدمات در این فرودگاه به این‌گونه باشد، این فرودگاه هیچ زمانی رونق نمی‌گیرد، ادامه داد: ضرورت دارد ارائه خدمات

صادرات فرش قم در کما قرار دارد/ اخذ گمرک تا ۷۵ درصد نرخ فرش



فرش دستباف ایرانی از نظر کیفیت در جهان حرف اول را می‌زند اما صادرات فرش دستباف قم همچنان در حالت رکود به سر می‌برد و رونق این صنعت نیاز به حمایت مسئولان دارد.



آیام حلاجیان

وقتی می‌شنویم ۲۰ درصد صادرات کشورمان از نظر ارزش ربالی به فرش دستباف اختصاص دارد، عجیب نیست اگر به یاد قالی ابریشم زیبای قم یا نقش‌های بهشتی‌اش بیفتیم. قالی‌هایی که می‌توانند استان کم‌درآمد قم را به یکی از استان‌های پر درآمد کشور تبدیل کرده و بدون هیچ آسیبی به محیط زیست، رونقی به کسب و کار در قم ببخشند. به دنبال کاهش ۲۰ درصدی صادرات در کشور و هفت درصدی آن در قم در سال گذشته، فرش دستباف هم از توفان‌های اقتصادی در امان نبوده و همچنان در حالت رکود به سر می‌برد.

ابوالفضل رجیبیان، رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف قم، وضعیت صادرات فرش در یک سال گذشته را بدون تغییر توصیف می‌کند.

وی با بیان اینکه فرش دستباف در وضعیت رکود قرار دارد، افزود: کاهش تقاضای فرش توسط کشورهای هدف مهم‌ترین علت رکود صادرات فرش است زیرا عرضه نسبت به تقاضا زیاد است.

رجیبیان با بیان اینکه بالا بودن هزینه تولید فرش در ایران نسبت به سایر کشورهای رقیب، افزود: قیمت تمام شده فرش در کشورهای رقیب پایین‌تر است اما فرش دستباف ایرانی از نظر کیفیت در جهان حرف اول را می‌زند.

متأسفانه تا ۷۵ درصد از قیمت فرش عوارض گمرکی تعلق می‌گیرد رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف قم بزرگ‌ترین مشکلی را که اکنون فرش دستباف با آن دست به گریبان است را اخذ عوارض گمرک از فرش‌های مرجوعی عنوان کرد و افزود: اگر در گذشته صادرکننده فرش در نمایشگاه‌های کشورهای دیگر شرکت می‌کرد و فرش را باز می‌گرداند عوارض گمرک به فرش‌های مرجوعی تعلق نمی‌گرفت اما اکنون عوارض گمرک برای فرش‌های مرجوعی دریافت می‌شود.

وی ادامه داد: متأسفانه تا ۷۵ درصد از قیمت فرش عوارض گمرکی به آن تعلق می‌گیرد.

رجیبیان بیان کرد: خوشبختانه در استان قم وضعیت فرش از نظر کیفیت به روز است و بهترین طرح‌ها بافته می‌شود. وی با بیان اینکه مسئولان همکاری لازم را با صنعت فرش دارند و تنها مشکل بزرگ اخذ گمرک از فرش‌های مرجوعی است، افزود: اخذ گمرک از فرش‌های مرجوعی یکی از موانع بزرگ تولید محسوب می‌شود.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف قم بیان کرد: از گذشته نیز وضعیت فرش نوسانات بسیاری داشته و مرتب در حال رکود و صعود بوده است.

● قیمت تمام شده فرش در کشور باید کاهش یابد

علیرضا راد، عضو هیئت رئیسه اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف استان قم از دیگر صادرکنندگانی است که نسبت به وضعیت کنونی بازار فرش نازا می‌کند.

وی می‌گوید: وضعیت صادرات فرش در ایران نه تنها نسبت به گذشته تغییر نیافته بلکه بدتر نیز شده است.

کشورهای خارجی شرکت می‌کنند، افزود: بر اساس مصوبه دولت ۹ درصد از ارزش افزوده کالا به عنوان کالای وارداتی دریافت می‌شود که این امر اثر منفی در صادرات فرش داشته است.

وی بیان کرد: در بخش حمایت‌ها مشوق‌های صادراتی باید در قالب‌هایی غیر از مشوق‌های نقدی برای کمک به تسهیلات، تبلیغات و حضور در نمایشگاه‌ها در نظر گرفته شود.

● اخذ عوارض گمرکی از فرش‌های مرجوعی

رضا محمد بیگی، یکی دیگر از صادرکنندگان مطرح فرش در قم است. وی نیز با بیان اینکه متأسفانه صادرات فرش طی سال جاری نسبت به سال‌های گذشته تغییر چندانی نداشته است، افزود: برداشتن تحریم‌ها در بهبود وضعیت صادرات فرش تاکنون مؤثر نبوده است.

وی در خصوص مهم‌ترین علت رکود صادرات فرش افزود: قیمت تمام شده در داخل کشور بالاست بنابراین نمی‌توانیم با کشورهای دیگر رقابت داشته باشیم.

برای بهبود وضعیت صادرات در درجه اول باید تسهیلاتی در اختیار تولیدکنندگان قرار دهیم.

این صادرکننده فرش دستباف استان قم بیان کرد: اخیراً گمرک از فرش‌های مرجوعی اخذ می‌شود زیرا انتقال فرش به ایران را واردات محسوب کرده و گمرک دریافت می‌کنند.

وی گفت: در گذشته بازار فرش جهان در اختیار ایران بود اما پس از لغو تحریم‌ها از برخی از بازارها مانند آمریکا دور بوده‌ایم که تا شناسایی وضعیت این بازارها زمان می‌برد. محمدبیگی که از سال ۱۳۴۰ صادرکننده فرش دستباف بوده است، افزود: برای بهبود وضعیت صادرات در درجه اول باید تسهیلاتی در اختیار تولیدکنندگان قرار دهیم زیرا تولیدکنندگان با مشکل بی‌پولی مواجه هستند و بانک‌ها نیز همکاری لازم را ندارند.

وی بیان کرد: در صادرات فرش در صورت پایین بودن قیمت تمام شده و ایجاد رقابت با کشورهای دیگر می‌توانیم صادرات فرش را گسترش دهیم. صنعت فرش یکی از مزیت‌های اقتصادی کشور محسوب می‌شود که در صورت سرمایه‌گذاری و حمایت می‌تواند در زمینه اشتغال و ارزآوری حرف اول را در کشور بزند اما به دلیل سیاست‌های داخلی و تحریم‌ها طی سال‌های اخیر با مشکلات متعددی دست به گریبان بوده است.

وی افزود: عدم رقابت پذیری قیمت تمام شده فرش و عدم توجه به بازارهای جدید مهم‌ترین عوامل رکود صادرات در این صنعت محسوب می‌شود.

عضو هیئت رئیسه اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف استان قم عنوان کرد: شناخت بازارهای جدید با تعامل اقتصادی با کشورهای دیگر در ارتباط مستقیم قرار دارد. وی با بیان اینکه دولت باید کمک کند که قیمت تمام شده فرش در کشور کاهش یابد، افزود: بازاریابی و حضور در بازارهای خارجی از جمله عواملی است که منجر به بهبود وضعیت فرش کشور در دنیا می‌شود.

راد گفت: مشکل اینجاست که مدیران اقتصادی کشور مشخص نکرده‌اند که صنعت فرش جزو صنایع دستی و یا تولید محسوب می‌شود و زمانی که در بخش صنایع دستی امکاناتی در نظر گرفته می‌شود به صنعت فرش تعلق نمی‌گیرد، همچنین زمانی که به بخش تولید نیز امکاناتی داده می‌شود باز به صنعت فرش تعلق نمی‌گیرد.

صنعت فرش جزء بسته حمایتی دولت محسوب نمی‌شود و در گذشته نیز هیچ کمکی به تولید فرش نشده است. عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی استان قم اظهار کرد: صنعت فرش جزء بسته حمایتی دولت محسوب نمی‌شود و در گذشته نیز هیچ کمکی به تولید فرش نشده است در حالی که در گذشته بزرگ‌ترین رقم غیر نفتی صادراتی کشور را صنعت فرش شامل می‌شد.

وی گفت: فرش ایران از نظر کیفیت در دنیا حرف اول را می‌زند و بهترین فرش است.

این صادرکننده فرش دستباف استان قم با اشاره به اخذ گمرک از فرش‌های مرجوعی که در نمایشگاه‌های



قاچاق گیاهان دارویی کرمان به کشورهای عربی و چین



اسما محمودی

کرمان از ۱۳ اقلیم شناخته شده ۹ اقلیم را در خود جای داده و ۳۰۰ نوع گیاه دارویی مختلف در این استان یافت می شود اما گنجینه غنی این گیاهان توسط قاچاقچیان به کشورهای عربی ارسال می شود.



استان کرمان به سرزمین چهار فصل معروف است و به دلیل وجود مرتفع ترین و کم ارتفاع ترین مناطق جغرافیایی در کرمان گونه های مختلف گیاهی در این استان به صورت طبیعی رشد می کنند.

وجود اقلیم های مختلف در استان کرمان شرایط را برای رویش گونه های مختلف گیاهان دارویی مهیا کرده است.

اما خشک سالی، عدم توجه اقتصادی به این زمینه غنی اقتصادی در بخش کشاورزی نوین، عدم بستن بندی و از همه مهم تر برداشت های بی رویه و صادرات فله ای، اما این کلکسیون غنی گیاهی را در معرض نابودی قرار داده است.

در این میان قاچاق گیاهان دارویی کرمان یکی از مخرب ترین عواملی است که این داشته طبیعی استان کرمان را با تهدید مواجه می کند. علیرغم هشدارهای مکرر و دستگیری قاچاقچیان و کشف کامیون های مملو از گیاهان دارویی اما این نوع قاچاق در استان کرمان آن قدر سودآور است که همچنان برداشت های غیرقانونی گیاهان دارویی ادامه دارد

علیرغم هشدارهای مکرر و دستگیری قاچاقچیان و کشف کامیون های مملو از گیاهان دارویی اما این نوع قاچاق در استان کرمان آن قدر سودآور است که همچنان برداشت های غیرقانونی گیاهان دارویی ادامه دارد.

بنا بر تحقیقاتی که انجام داده است این گیاهان اکثراً به بندرهای جنوبی کشور قاچاق و در نهایت به کشورهای عربی و یا کشتی های چینی منتقل می شود.

قیمت هنگفت این گیاهان به دلیل کیفیت مطلوب، موجب شده مشتری های قابل توجهی در سطح بین المللی داشته باشند، نکته جالب و تعجب آور این است که علیرغم سودآور بودن صادرات گیاهان دارویی به کشورهای مختلف و وجود بازارهای سودآور اما عملاً صادرات سامان دهی شده ای در این خصوص در استان کرمان وجود ندارد.

در بهترین حالت ممکن گیاهان دارویی کرمان به صورت فله ای به استان های دیگر منتقل و سود اندکی را عاید عشایر استان کرمان می کند.

در سال های اخیر حرکت هایی در راستای احداث کارگاه های بسته بندی و کشت ساماندهی شده برخی از این گیاهان انجام شده است اما استان کرمان در این زمینه ابتدای راه است و ثروت عظیمی در این زمینه نهفته است.

کشاورزی در این خصوص در نظر گرفته شده است و گیاهان دارویی جایگزین شده اند و این محصولات با توجه به نیاز بازار با استقبال مطلوبی مواجه هستند. سعیدی با اشاره به نیاز کم این گیاهان به آب افزود: طرح برنامه ریزی شده و مدون برای توسعه کشت گیاهان دارویی در استان کرمان تبیین شده است و به تولید کنندگان این گیاهان نیز تسهیلات مطلوب ارائه می شود.

در حال حاضر ۷۰۰ گونه گیاه دارویی نیز در دانشکده داروسازی کرمان نگهداری می شود و این دانشگاه و سایر دانشگاه های داروسازی کشور مشتری پر و پا قرص این گیاهان در کشور محسوب می شود همچنین در حال حاضر ۷۰۰ گونه گیاه دارویی نیز در دانشکده داروسازی کرمان نگهداری می شود و این دانشگاه و سایر دانشگاه های داروسازی کشور مشتری پر و پا قرص این گیاهان محسوب می شود.

رئیس دانشکده داروسازی استان کرمان نیز اظهار داشت: گیاهان دارویی استان کرمان یکی از منابع غنی دارویی در کشور محسوب می شود.

امید حیدری افزود: گیاهان دارویی از مهم ترین زمینه های تولید انواع دارو در کشور محسوب می شود و با توجه به وجود ده ها کارخانه داروسازی در کشور و دانشکده های داروسازی می توان به گیاهان دارویی به عنوان منبع غنی نگاه کرد.

وی تصریح کرد: دانشکده کرمان رتبه هفتم را در کشور دارا است و از یک مجموعه غنی و کامل گیاهان دارویی برخوردار است.

محمدصادقی از جمله فعالان برداشت و خریدوفروش گیاهان دارویی در استان کرمان است که می گوید: بحر آسمان و کوه شاه به دلیل ارتفاع بالا و بارش های باران از جمله مراکز اصلی کشت انواع گیاهان دارویی محسوب می شود.

همچنین ارتفاعات لاله زار و کوه هزار نیز بسیار غنی است و جالب اینکه در هر بخشی از کوهستان بنا به ارتفاع گیاهان خاص و یا خاصیت های ویژه دارویی رشد می کند که در کمتر منطقه ای از کشور شاهد چنین غنای

در حقیقت به دلیل اعتقاد عمیق مردم کرمان به درمان های سنتی و گیاهان دارویی هم اکنون بزرگترین بازار مصرف گیاهان دارویی استان مردم استان و به ویژه ساکنان شهر کرمان هستند.

● برداشت های غیر اصولی و انبوه متوقف شود

رئیس جهاد کشاورزی استان کرمان اظهار داشت: یکی از اقداماتی که در حال انجام است و مورد حمایت قرار می گیرد بحث ایجاد بانک ژنتیکی گیاهان دارویی استان کرمان است.

عباس سعیدی افزود: در استان کرمان صدها نوع گیاه دارویی وجود دارد اما مشکل اصلی در زمینه خشک سالی و برداشت های بی رویه است.

وی تصریح کرد: این مشکل موجب شده است برخی از این گیاهان در معرض انقراض جدی قرار گیرند با این وجود سعی شده است که کشت مکانیزه و ساماندهی شده این گیاهان در استان کرمان در دستور کار قرار گرفته است و امیدواریم در این زمینه موفق شویم.

● از سرمایه گذاران برای تولید و صادرات گیاهان دارویی حمایت می شود

وی با دعوت از سرمایه گذاران افزود: اقلیم های مختلف در استان کرمان زمینه را برای تولید این گیاهان فراهم کرده است و به سادگی می توان با طی مراحل قانونی و بسته بندی زمینه صادرات گیاهان دارویی و خلق ثروت به خصوص در روستاهای دورافتاده را هم فراهم کنیم.

سعیدی ادامه داد: متأسفانه برداشت های غیراصولی و عمده این گیاهان می تواند چرخه تولید را با خطر مواجه کند و باید با جدیت با این مشکل مقابله کنیم.

وی افزود: برای مقابله با خشک سالی در استان کرمان اقدامات فراوانی شده که یکی از این اصول کشت جایگزین است و در همین راستا توصیه می کنیم کشاورزان به جای کشت محصولات آب بر به سمت تولید گیاهان دارویی با ارزش ربالی مطلوب گرایش پیدا کنند.

وی گفت: در حال حاضر ۳۰ هکتار زمین

گیاهی هستیم. صادقی افزود: مهم ترین عامل جمع آوری گیاهان دارویی روستایی ها و عشایر مناطق هستند اما برخی افراد سودجو نیز با اجیر کردن افراد بیکار و پرداخت پولی ناچیز به صورت عمده و غیراصولی این گیاهان را برداشت می کنند در صورتی که این گیاهان برای رشد و نمو در سال های بعد هم نیاز به بذر دارند و اگر این گیاهان ریشه کن شوند سال بعد رشد نخواهند کرد.

وی اما مهم ترین خریدار گیاهان دارویی از عشایر را نیز عطاری های استان کرمان دانست و افزود: با وجود غنی بسیار بالای ذخایر گیاهان دارویی در استان کرمان تمام سیستم کشت، برداشت و خریدوفروش گیاهان سنتی است و هیچ برنامه ریزی صورت نگرفته است.

وی یکی از مشکلات موجود در مسیر رشد و نم گیاهان دارویی را معدنکاری در بحر آسمان و کوه شاه دانست و افزود: با وجود ممانعت از ای همچنان مترصد فرصت هستند تا از غفلت مسئولان و مردم برای تخریب این ذخایر بزرگ گیاهی استفاده کنند.

اما مراکز کارگاهی بسیار محدودی هم در استان کرمان وجود دارند و اقدام به کار برنامه ریزی شده در این زمینه می کنند.

● گامی در راستای توسعه مکانیزه تجارت گیاهان دارویی در کرمان

از آن جمله می توان به کارگاه خانم اعتبار و فرزنداناش اشاره کرد که با سرمایه گذاری خصوصی و بدون حمایت شخص از سوی دستگاه های دولتی در کرمان کار خود را آغاز کرده است.

این کارگاه ۱۳۷ نوع محصول را بسته بندی می کند و ۳۰ نفر اشتغال مستقیم برای روستاییان استان کرمان ایجاد کرده است اما از این دست کارگاه ها در استان کرمان محدود است.

● ارزش افزوده بسته بندی گیاهان دارویی ۱۰ برابر صادرات فله ای است

نکته جالب در این خصوص ایجاد ارزش افزوده ۱۰ برابری محصولات گیاهان دارویی پس از بسته بنده در استان کرمان است.

با این وجود بسیاری از گیاهان دارویی کرمان همچنان به صورت فله ای و در گونی از استان کرمان صادر می شود.

یکی از اقداماتی که برای ایجاد بانک غنی از گیاهان دارویی در استان کرمان انجام شده است کشت ۲۵۰ نوع از این گیاهان در پروژه مرمت باغ تاریخی فتح آباد در شهر کرمان است.

در این پروژه نیز سه هکتار از زمین های اطراف این باغ با استفاده از این گیاهان کشت و زرع شده است و در کنار جاذبه های گردشگری زمینه توسعه کشت و کار این گیاهان هم فراهم شده است.

گردوی کرمان زیر فشار چینی‌ها می‌شکند / واردات گردواز آن سوی مرزها

کرمان عنوان دومین تولیدکننده گردو در کشور را به خود اختصاص داده اما علیرغم تمام پتانسیل‌ها، کمر گردوکاران کرمان به دلیل خشکسالی، شیوع آفت و واردات بی‌رویه خم‌شده است.



اسما محمودی

اینکه گفته می‌شود گردو زیر سایه پسته قرار گرفته است در استانی مانند کرمان دور از واقعیت نیست، هرچند پسته نخستین کالای غیر نفتی صادراتی از استان کرمان است اما گردو و خرما نیز در رده‌های بعدی، در ایجاد زمینه‌های اشتغال فراوان و ارزآوری برای استان کرمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند.

رئیس جهاد کشاورزی کرمان نیز از عدم حمایت از این محصول گلایه دارد و خواستار توجه جدی در راستای برند سازی و صادرات محصول مرغوب و ارگانیک گردو استان کرمان است، عباس سعیدی می‌گوید که کرمان رتبه نخست سطح زیر کشت محصول و رتبه دوم میزان تولید گردو را دارد اما اگر به بازار مراجعه شوند گردوی سایر استان‌ها که تولید به‌متراتب کمتر و باکیفیت پایین دارند بیشتر سر زبان‌ها است و این نشان می‌دهد ما برند سازی نکرده‌ایم.

دغدغه سعیدی در این خصوص در واقع دلیل دل‌نگرانی بسیاری از کشاورزان نیز محسوب می‌شود زیرا محصول گردو در کرمان بدون هیچ برند و بسته‌بندی مشخصی به سایر استان‌ها صادر و به نام آن‌ها وارد بازار کشور می‌شود.

در سال‌های اخیر بارها از گردوی کرمان سخن گفته‌شده و حتی جشنواره گردو در کرمان راه‌اندازی شده است اما این جشنواره‌ها نیز چند سال پس از برگزاری مشخصاً زیر سایه اسم پسته رفته و کمتر نامی از گردو در استان کرمان برده می‌شود.

نکته عجیب اینکه در کرمان که ۱۷ هزار و ۱۰۰ هکتار باغ گردو دارد که ۱۳ هزار و ۶۰۰ هکتار این میزان باغ بارور است اما همچنان کرمان جزو واردکننده‌های عمده گردو است.

نکته عجیب اینکه در کرمان که ۱۷ هزار و ۱۰۰ هکتار باغ گردو دارد که ۱۳ هزار و ۶۰۰ هکتار این میزان باغ بارور است اما همچنان کرمان جزو واردکننده‌های عمده گردو است.

طبق گفته سعیدی آمارها نشان می‌دهد که سالانه ۲۰۰ هزار تن گردوی خشک و درجه‌یک از شهرستان‌های رابر، بافت، کرمان، شهر بابک، سیرجان و زرنند و بردسیر برداشت می‌شود اما این گردوها هیچ نام و نشان مشخصی ندارد. اگر سری به عطاری‌ها و سوپرمارکت‌های کرمان بزنید به‌جای گردوی رابر و بافت که در استان فراوانی تولید بسیار دارد با کارتون‌های گردوی تبریز، تویسرکان و استان‌های دیگر مواجه می‌شوید اما تأسف‌بارتر اینکه به‌تازگی بسته‌بندی‌های گردوی چینی هم در بازار دیده می‌شود.

کشاورزان کرمانی در حالی مصرف استان را نیز



کرمان می‌گوید: این‌یک واقعیت انکارناپذیر است که گردو استان کرمان باوجود اینکه مشتری‌های خاص خارجی و بازار مصرف تعریف‌شده دارد اما به نام استان کرمان صادر نمی‌شود.

وی تصریح کرد: هیچ‌گونه برند سازی برای گردو انجام‌نشده است و محصول به‌صورت عمده و فله‌ای صادر می‌شود و حتی امکان دارد مجدداً به اسم استان‌های دیگر با بسته‌بندی به کرمان بازگردد.

وی افزود: تلاش‌هایی در خصوص ساماندهی گردو در کرمان انجام‌شده است اما همه این تلاش‌ها به بن‌بست خورده‌اند و هنوز هم این صنعت ساماندهی نشده است. این فعال اقتصادی به خشک‌سالی‌های متوالی، سرمازدگی گسترده درختان و شیوع آفت در باغ‌های شهرستان‌های بافت و رابر اشاره کرد و افزود: بسیاری از مردم بخشی از خرج خانواده خود را با درختان گردویی که در خانه باغ‌ها دارند می‌گذارند اما اگر نگاهی به درختان این دو شهر بکنید می‌بینید که اکثر آلوده به کرم خراط هستند.

شمس‌الدینی ادامه داد: انتظار این بود که یک طرح حمایتی از کشاورزان تعریف شود و در قالب این طرح کارهای تحقیقاتی و پژوهشی برای مقابله با آفت انجام شود اما عملاً هیچ اقدامی نشده است و درنهایت کشاورزان بعد آلوده شدن درختان مجبور به قطع و سوزاندن درخت‌ها هستند.

وی تغییرات اقلیمی را نیز از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها به صنعت تولید گردو دانست و گفت: در سال‌های اخیر شدت سرمازدگی در برخی از شهرها از جمله رابر به حدی بود که حتی تا ۴۰ درصد از باغ‌های شهرستان در برخی از سال‌ها ثمر نداشتند.

● کاهش ۴۰ درصدی تولید گردو در کرمان

وی به کاهش ۴۰ درصدی تولید گردو در رابر و بافت طی سال گذشته خبر داد و گفت: به دلیل خسارت‌های سرمازدگی اقتصاد خانوار مردم در روستاهای شهرستان‌های بافت و رابر تضعیف‌شده است.

اما طبق آخرین بررسی‌های خبرگزاری مهر در سال جاری نیز بخش قابل‌توجهی از باغ‌های گردو در استان کرمان دچار خسارت شده‌اند.

در چنین شرایط باقیمانده محصول گردو در استان کرمان نیز در چنگال دل‌لان قرار می‌گیرد و دسترنج کشاورزان هدر می‌رود.

تلاش کشاورزان در حالی برای برداشت این محصول از روزهای آینده آغاز می‌شود که انتظار می‌رود مسئولان استان کرمان این پتانسیل اقتصادی را در راستای توسعه اقتصاد بومی مورد حمایت جدی قرار دهند.

از دست‌داده‌اند که محصول گردوی کرمان به‌صورت معمول به‌صورت فله‌ای از کرمان خارج به نام استان‌هایی که به کرمان گردو وارد می‌کنند به خارج از کشور یا استان‌های دیگر صادر می‌شود.

● جشنواره‌ها و برنامه‌های بی‌تاثیر ادامه دارد

راه‌اندازی خوشه اقتصادی گردو، انجمن اقتصادی گردو و جشنواره‌های متعدد و وعده‌های مسئولان نیز نتوانسته این مزیت اقتصادی استان کرمان را به جایگاه اصلی خود بازگرداند.

این در حالی است که در سال‌های اخیر مطابق گفته کشاورزان و کارشناسان کشاورزی تغییرات اقلیمی و به‌خصوص سرمازدگی و همچنین شیوع گسترده آفت کرم خراط به‌شدت تولید محصول در استان را کاهش داده است. این در حالی است که تاکنون هیچ درمانی نیز برای مبارزه با آفت کرم خراط پیدا نشده است و تنها راه کشاورزان برای مقابله با این آفت قطع و سوزاندن درختان آلوده است.

باین‌وجود همچنان صنعت تولید گردو در کرمان چرخه ناقص خود را ادامه می‌دهد و سود محصول تولیدی در کرمان به جیب دل‌لان در استان‌های دیگر سرازیر می‌شود.

● سهم کرمان از بازار جهانی گردو مشخص شود

نیمه شهریور است و کشاورزان استان کرمان خود را برای برداشت محصول گردو در سال جدید آماده می‌کنند. هرچند موانع و مشکلات پیش پای کشاورزان هنوز بر داشته نشده است اما همچنان به آینده این محصول امید دارند و برداشت محصول تا اواخر مهرماه در کرمان ادامه خواهد یافت.

رئیس جهاد کشاورزی کرمان می‌گوید: ارزش گردوی تولیدشده در کرمان ۴۰۰ میلیارد تومان در هر سال است اما سعیدی تأکید می‌کند که خشک‌سالی و کرم خراط تولید محصول را در استان به‌شدت کاهش داده است.

وی باین‌وجود به مقام چهارم ایران در دنیا در تولید این محصول اشاره می‌کند و می‌گوید: کرمان رتبه دوم تولید در کشور را دارد و این آمارها نشان می‌دهد کرمان جزو قطب‌های اصلی تولید گردو در بازار جهانی است و باید متناسب با این آمار بازار مصرف را نیز به خود اختصاص دهیم که در این مسیر بازاریابی، بسته‌بندی و صادرات محصول با برند کرمان از ارزش بالایی برخوردار است.

این‌یک واقعیت انکارناپذیر است که گردو استان کرمان باوجود اینکه مشتری‌های خاص خارجی و بازار مصرف تعریف‌شده دارد اما به نام استان کرمان صادر نمی‌شود محمد شمس‌الدینی یکی از صادرکنندگان خشکبار در استان

گزارش های متنوع تصویری که در طول یک ماه از اقصی نقاط کشور توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری منتشر می شود آنقدر گسترده هست که دست به انتخاب زدن از میان شان کاری دشوار باشد اما نگاه ما در این آلبوم تصویری بیش از نگاهی خبری به رویدادهای یک ماه گذشته، قائل به نگاهی هنرمندانه بوده و اینکه در همین فرصت کوتاه چند صفحه نگاه شما به اقلیم ایران بچرخد.

اختتامیه بیست و سومین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان کشور



اقامه نماز عید سعید قربان در مشهد





آئین برگزاری دعای عرفه
در اصفهان



باران شدید و آب گرفتگی
معابر در استان مازندران



برداشت شالیزارهای گرگان



تجمع طلاب و روحانیان
قم در اعتراض به سرکوب
مردم بحرین



چهارمین جشنواره ملی
خوشه برتر انگور در همدان



خسارات سیل گلستان به
روستاهای اطراف گرگان

راهپیمایی نمازگزاران در محکومیت
جنایات آل سعود



سفر وزیر بهداشت، درمان و
آموزش پزشکی به شاهرود



دوازدهمین نمایشگاه صنایع
دستی در همدان



سفر وزیر کشور به تبریز



طرح پلمب مراکز فروش مواد مخدر در مشهد



مسابقات قهرمانی والیبال ساحلی استان سمنان

عید سعید قربان در روستای چاه مبارک واقع در بندر عسلویه



مراسم استقبال از بیکر مطهر شهید گمنام دوران دفاع مقدس در بیرجند



مراسم عمامه گذاری طلاب اهل سنت حوزه علمیه عرفانی

